



جغرافیای شهرستان بیرجند

با اشاراتی به تاریخ و فرهنگ این شهرستان

دکتر محمد علی احمدیان

The Geography of Birjand

**With References to
The History and
Culture of the City.**



by:

M. A. AHMADIAN, Ph D.



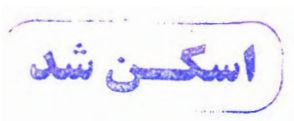
جغرافیای شهرستان بیرجند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جغرافیای شهرستان بیرجند

(با اشاراتی به تاریخ و فرهنگ این شهرستان)



دکتر محمدعلی احمدیان



۲۷۳

مشخصات:

نام کتاب:	جغرافیای شهرستان بیرجند
تألیف:	دکتر محمدعلی احمدیان
ویراستار:	علی سالیانی
ناشر:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
تیراژ:	مشهد، صندوق پستی ۱۵۷-۹۱۳۷۵ ۲۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار:	چاپ اول ۱۳۷۴
امور فنی و چاپ:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

پیشگفتار

۱۵

بخش اول: کلیات جغرافیای طبیعی بیرجند

۲۱	۱- موقعیت، حدود و وسعت
۲۴	۲- زمین شناسی و وضعیت توپوگرافی
۲۹	۳- اقلیم
۲۹	۳-۱- درجه حرارت
۳۳	۳-۲- نزولات جوی
۳۷	۳-۳- جریانات عمده جوی
۳۷	۳-۳-۱- جریانات فصل سرد
۳۸	۳-۳-۲- جریانات فصل گرم
۴۰	۴- خاک
۴۰	۴-۱- دره بیرجند
۴۲	۴-۲- دره گیو - مختاران
۴۲	۴-۳- دشت اسدآباد و طبس مسینا
۴۳	۵- بررسی وضعیت منابع آب

۴۳	۵-۱- منابع آبهای سطحی
۴۷	۵-۲- منابع آبهای زیرزمینی
۵۲	۶- پوشش گیاهی
۵۲	۶-۱- پوشش گیاهی بیابانی و کویری
۵۲	۶-۲- پوشش گیاهی نیمه بیابانی و کوهپایه‌ای
۵۳	۶-۳- پوشش گیاهی کوهستانی
۵۵	۶-۴- گیاهان طبی
۵۶	۷- زندگی جانوری

بخش دوم: جغرافیای انسانی

۶۱	۱- سیری کوتاه در تاریخ و فرهنگ بیرجند
۶۱	۱-۱- جغرافیای تاریخی بیرجند
۶۱	۱-۱-۱- نگاهی به قهستان
۶۳	۱-۱-۲- ناحیه بیرجند در دوره باستان
۶۶	۱-۱-۳- دوره اسلامی تا عصر مغول
۷۲	۱-۱-۴- بیرجند بعد از حمله مغول
۷۳	۱-۱-۵- بیرجند از دوران صفویه تا عصر حاضر
۷۹	۱-۲- تاریخ خاندان علم
۸۲	۱-۲-۱- شوکت الملك علم (امیر قاین)
۸۲	۱-۲-۲- اسدالله علم در صحنه سیاست
۸۵	۱-۳- معاریف و نام‌آوران بیرجند
۱۰۰	۲- ویژگیهای جمعیتی
۱۰۰	۲-۱- توزیع مکانی جمعیت
۱۰۰	۲-۲- جمعیت شهری
۱۰۰	۲-۲-۱- شهر بیرجند
۱۰۲	۲-۲-۲- شهر نهبندان

فهرست مطالب □ ۷

۱۰۴	۲-۲-۳- شهر سریشه
۱۰۴	۲-۳- جمعیت روستایی
۱۰۷	۲-۴- ترکیب سنی جمعیت
۱۰۷	۲-۵- ترکیب جنسی جمعیت
۱۱۰	۲-۶- میزان ولادت
۱۱۰	۲-۷- میزان مرگ و میر
۱۱۲	۲-۸- اعتقادات مذهبی
۱۱۴	۲-۹- وضعیت سواد و آموزش
۱۱۵	۲-۹-۱- نسبتهای جنسی و سنی باسوادان
۱۱۶	۲-۹-۲- امکانات آموزشی
۱۲۰	۲-۹-۳- توزیع جغرافیایی باسوادان
۱۲۲	۲-۹-۴- اقبال روستاییان به علم و فرهنگ
۱۲۴	۲-۱۰- مدارس علمیه
۱۲۴	۲-۱۱- آموزش عالی
۱۲۶	۲-۱۲- ساختمان شغلی
۱۳۰	۲-۱۳- بهداشت و درمان
۱۳۴	۲-۱۴- مهاجرت
۱۳۷	۲-۱۴-۱- مهاجرتهاى بیرون از شهرستان
۱۳۹	۲-۱۴-۲- مهاجرتهاى داخل شهرستان
۱۴۲	۲-۱۵- کوچ‌نشینان و عشایر
۱۴۶	۳- شهر بیرجند و ویژگیهای آن
۱۴۶	۳-۱- دگرگونی در بافت فیزیکی شهر
۱۴۶	۳-۱-۱- بخش شمالی شهر بیرجند
۱۵۰	۳-۱-۲- بخش مرکزی یا بافت قدیمی
۱۵۷	۳-۱-۳- نیمه جنوبی شهر بیرجند
۱۵۸	۳-۲- سبك معماری

- ۱۶۰ ۱-۲-۳ معماری سنتی
- ۱۶۱ ۲-۲-۳ معماری نیمه سنتی
- ۱۶۲ ۳-۲-۳ معماری جدید
- ۱۶۵ ۳-۳ بستر طبیعی شهر و مسیر رشد آینده
- ۱۶۷ ۴-۳ تجهیزات و تأسیسات شهری بیرجند
- ۱۶۷ ۱-۴-۳ مسجد
- ۱۷۰ ۲-۴-۳ بازار
- ۱۷۳ ۳-۴-۳ آب
- ۱۷۶ ۴-۴-۳ برق
- ۱۷۸ ۵-۴-۳ مخابرات
- ۱۷۹ ۶-۴-۳ آتش نشانی
- ۱۷۹ ۷-۴-۳ حمام
- ۱۸۰ ۸-۴-۳ سؤخت و انرژی
- ۱۸۱ ۹-۴-۳ پست و تلگراف

بخش سوم: پتانسیل‌های اقتصادی ناحیه

- ۱۸۷ ۱- کشاورزی
- ۱۸۸ ۱-۱-۱ زراعت و باغداری
- ۱۸۹ ۱-۱-۱ محصولات عمده
- ۱۹۹ ۲-۱-۱ بازدهی تولید
- ۲۰۱ ۳-۱-۱ نواحی عمده کشاورزی
- ۲۰۳ ۴-۱-۱ منابع آب مورد استفاده در بخش کشاورزی
- ۲۰۵ ۵-۱-۱ اشاره‌ای به نظام‌های بهره‌برداری
- ۲۰۸ ۲-۱ دامداری
- ۲۱۲ ۲- فعالیتهای صنعتی
- ۲۱۲ ۱-۲ صنایع کارخانه‌ای

فهرست مطالب □ ۹

۲۱۳	۲-۲- صنایع دستی
۲۱۶	۲-۲-۱- سابقه و اهمیت قالیبافی
۲۱۸	۲-۲-۲- ارزیابی اقتصادی
۲۲۰	۲-۲-۳- ابزار کار
۲۲۳	۲-۳- صنایع استخراجی
۲۲۹	۳- داد و ستد و تجارت
۲۳۳	۴- راههای ارتباطی
۲۳۵	۵- حمل و نقل

بخش چهارم: تحول روابط شهر و روستا در بیرجند

۲۴۱	۱- نقش عوامل مؤثر
۲۴۵	۲- جاذبه عملکردهای شهر بیرجند
۲۴۵	۲-۱- نقش تجاری
۲۴۹	۲-۲- نقش فرهنگی و آموزشی
۲۵۱	۲-۳- نقش درمانی
۲۵۵	۳- حوزه نفوذ و محدوده پرتوافشانی شهر بیرجند
۲۵۹	۴- فرجام

بخش پنجم: ضمائم

۲۶۷	۱- تصاویری از بیرجند
۲۷۶	۲- فهرست منابع
۲۸۱	۳- فهرست راهنما

فهرست جداول، نقشه‌ها و نمودارها و تصویرها

فهرست جداول:

- ۱- تقسیمات سیاسی جدید شهرستان بیرجند.
- ۲- دشت‌های بیرجند.
- ۳- مشخصات گرمترین ماههای سال در شهرستان بیرجند براساس میانگین ده ساله (۱۳۵۳-۱۳۶۲).
- ۴- مشخصات سردترین ماههای سال در شهرستان بیرجند براساس میانگین ده سال (۱۳۵۳-۱۳۶۲).
- ۵- وضعیت منابع آب در چند دشت از دشتهای بیرجند.
- ۶- وضعیت منابع آب زیرزمینی در حوضه آبریز دشت بیرجند.
- ۷- آلودگیهای دارای سکنه شهرستان بیرجند بر حسب تعداد خانوار (۱۳۶۵).
- ۸- ساختمان سنی جمعیت شهرستان

بیرجند (۱۳۶۵).

- ۹- نرخ موالید شهرستانهای استان خراسان و مقایسه آن با شهرستان بیرجند (۱۳۶۵).
- ۱۰- توزیع نسبی جمعیت بر حسب دین به تفکیک.
- ۱۱- آمار مقایسه‌ای دانش‌آموزان شهرستان بیرجند (در سالهای تحصیل ۶۶-۶۵ و ۷۰-۷۱).
- ۱۲- کادر آموزشی و دانش‌آموزان آموزش و پرورش شهرستان بیرجند (۷۰-۱۳۶۹).
- ۱۳- فاصله دبستانهای روستایی تا شهر بیرجند.
- ۱۴- فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.
- ۱۵- پرسنل شبکه بهداشت و درمان شهرستان بیرجند (۱۳۷۰).
- ۱۶- فعالیتهای درمانی مراکز روستایی

- شهرستان بیرجند (ظرف يك سال).
 ۱۷- توزیع جغرافیایی عشایر شهرستان
 بیرجند به تفکیک بخشها (۱۳۶۶).
 ۱۸- مساجد شهر بیرجند و تاریخ تقریبی
 احداث آنها.
 ۱۹- نوع مصرف مشترکین در شهرستان
 بیرجند و نهبندان در سال (۱۳۶۹).
 ۲۰- سطح زیر کشت و میزان تولید
 محصولات عمده کشاورزی شهرستان
 بیرجند (۱۳۶۹).
 ۲۱- تولیدکنندگان عمده زعفران و سهم هر
 يك، از تولید جهانی (۱۳۶۵ / ۱۹۸۶).
 ۲۲- میانگین محصول خشك در هر
 درختچه.
 ۲۳- بازدهی تولیدات کشاورزی در
 شهرستان بیرجند.
 ۲۴- بازدهی تولید زعفران در طول يك دوره.
 ۲۵- تعداد آبادیهای دارای صنایع دستی در
 بیرجند و مقایسه آن با استان خراسان
 (۱۳۶۹).
 ۲۶- وضعیت معادن بیرجند و نهبندان در
 مقایسه با استان خراسان (۱۳۶۹).
 ۲۷- طول راههای حوزه استحفاظی اداره
 راه و ترابری بیرجند و نهبندان در سال
 (۱۳۶۹).
 ۲۸- مسافرت از بیرجند به مشهد مقدس در
- سال ۱۳۶۵.
 ۲۹- مراجعات روستاییان جهت تهیه مواد
 غذایی اساسی.
 نقشه‌ها و نمودارها :
 ۱- شهرستان بیرجند پس از تفکیک از
 نهبندان.
 ۲- زمین‌شناسی بیرجند.
 ۳- نقشه ناهمواریها و شبکه آبها در بیرجند.
 ۴- هواشناسی در بیرجند.
 ۵- خطوط همباران (سال ۱۳۶۲).
 ۶- نمودار آمبروترمیک بیرجند.
 ۷- نمودار جهت و سرعت باد.
 ۸- نقشه شناسایی خاکهای بیرجند.
 ۹- نقشه هیدرولوژی بیرجند.
 ۱۰- درصد جمعیت شهری و روستایی
 استان خراسان (۱۳۶۵).
 ۱۱- هرم سنی جمعیت بیرجند.
 ۱۲- جمعیت دهستانهای شهرستان بیرجند
 (۱۳۶۵).
 ۱۳- نسبت جنسی در دهستانهای شهرستان
 بیرجند (۱۳۶۵).
 ۱۴- مرگ و میر گروههای سنی شهرستان
 بیرجند (۶۵ - ۱۳۶۴).
 ۱۵- درصد باسوادان در جمعیت ۶ ساله و
 بیشتر شهرستان بیرجند بر حسب گروههای

- ۲۷- درصد جمعیت شهرستانهای مناطق سه گانه به تفکیک شهری، روستایی و غیر ساکن نسبت به کل جمعیت شهری، روستایی و غیر ساکن استان.
- ۲۸- نقشه تقسیمات شهری بیرجند.
- ۲۹- تراکم عناصر شهری و مراکز اداری در بخش مرکزی.
- ۳۰- خانه مسکونی در بافت قدیمی شهر بیرجند.
- ۳۱- خانه مسکونی دریافت میانی شهر بیرجند.
- ۳۲- خانه‌های مسکونی در بافت جدید شهر بیرجند.
- ۳۳- توزیع مراکز آموزش و مذهبی شهر بیرجند.
- ۳۴- شبکه لوله کشی آب شهر بیرجند.
- ۳۵- پراکندگی تجهیزات شهری شهر بیرجند. (پمپ بنزین، آتش‌نشانی، توالی عمومی، تلفن همگانی).
- ۳۶- توزیع عناصر شهری بیرجند.
- ۳۷- سطح زیر کشت زراعت‌های سالیانه در بیرجند.
- ۳۸- میزان محصول زراعت‌های سالیانه در بیرجند (۱۳۶۹).
- ۳۹- نواحی مهم کشت زعفران در ایران.
- ۴۰- نسبت دامهای شهرستان بیرجند به کل سنی به تفکیک جنس (۱۳۶۵).
- ۱۶- توزیع مراکز آموزش شهر بیرجند.
- ۱۷- درصد باسوادان در جمعیت ۶ ساله و بیشتر شهرستان بیرجند بر حسب گروه‌های سنی به تفکیک نقاط شهری و روستایی.
- ۱۸- درصد مراکز علمی و مذهبی بخش «در میان» در مقایسه با سایر نقاط روستایی در شهرستان بیرجند (۱۳۶۵).
- ۱۹- مقایسه نقش فرهنگی نقاط روستایی شهرستان بیرجند با چند شهرستان خراسان (۱۳۶۵).
- ۲۰- توزیع نسبی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بالاتر در شهرستان بیرجند (۱۳۶۵).
- ۲۱- شاغلان دهساله و بیشتر شهرستان بیرجند (۱۳۶۵) (بر حسب فعالیت‌های ۹ گانه و به تفکیک نقاط شهری و روستایی).
- ۲۲- توزیع مراکز بهداشتی درمانی شهر بیرجند.
- ۲۳- متولدین بیرجند و قاین براساس محل اقامت در سال (۱۳۳۵).
- ۲۴- مهاجرین وارد شده طی ۱۰ سال گذشته به نقاط شهری شهرستان بیرجند.
- ۲۵- مهاجرینی که طی دهه (۶۵-۵۵) به شهرستان بیرجند مهاجرت نموده‌اند.
- ۲۶- نمودار مهاجرین روستاهای نمونه‌گیری شده دهستان شهاباد بیرجند.

- استان (۱۳۶۵).
- ۴۱- درصد انواع دام نسبت به کل دامهای شهرستان بیرجند (۱۳۶۵).
- ۴۲- دستبافته‌های بیرجند به تفکیک هر بخش.
- ۴۳- مقایسه جمعیت و تعداد دارهای قالی بخشهای شهرستان بیرجند (۱۳۶۵).
- ۴۴- تفکیک قالیبافان شخصی و قراردادی شهرستان بیرجند ۱۳۶۵.
- ۴۵- حوزه استحفاظی اداره کل راه و ترابری بیرجند.
- ۴۶- مراجعات روستاییان جهت تأمین برخی نیازهای اساسی.
- ۴۷- مشاغل خدماتی تحت پوشش امور صنفی بیرجند.
- ۴۸- حوزه نفوذ دانشگاه بیرجند براساس دانشجویان ورودی ۱۳۷۲.
- ۴۹- مراجعه‌کنندگان به مرکز درمانی امام رضا (ع) در فروردین ۱۳۷۲.
- ۵۰- رفت و آمد روزانه روستاییان به شهر بیرجند.
- ۵۱- حوزه نفوذ و محدوده پرتوافشانی شهر بیرجند.
- فهرست طرح‌ها و تصویرها:
- ۱- نمای بند درّه در نزدیکی بیرجند.
- ۲- بند عمر شاه.
- ۳- بند درّه.
- ۴- تصویر کال جنگال.
- ۵- کتیبه مزار زینبیه کاهین.
- ۶- مزار درّه شیخان.
- ۷- چهره و پوشاک اهالی بیرجند.
- ۸- نمونه‌هایی از قلعه‌های استحکاماتی بیرجند.
- ۹- ساختمان ارگ بیرجند.
- ۱۰- قلعه پایین شهر.
- ۱۱- نمای خارجی باغ اکبریه.
- ۱۲- نمای داخلی باغ اکبریه.
- ۱۳- مدرسه طلاب بیرجند.
- ۱۴- مدرسه شوکتیه.
- ۱۵- مجتمع درمانی امام رضا (ع).
- ۱۶- تصویر مربوط به بخش مرکزی بافت قدیمی.
- ۱۷- بافت قدیم (بخش مرکزی).
- ۱۸- بافت جدید (قسمتی از شهرک گلها واقع در جنوب شهر).
- ۱۹- میدان امام خمینی (ره) نمونه‌ای از نوسازی شهر بیرجند در سالهای پس از انقلاب اسلامی.
- ۲۰- بازار بیرجند.
- ۲۱- دستگاه قالی‌بافی (سبک فارسی).

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ

حمد خدای را بر آنچه نعمت بخشیده و شکر او را در آنچه الهام نموده است.

و نَدَبُهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا...

و مردمان را فراخواند تا با شکر گذاری آنها، نعمت‌هایشان را فزونی بخشد.

«از خطبه حضرت فاطمه زهرا (س)»

پیشگفتار

پس از حمد و ثنای الهی و درود فراوان بر خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و تحیت و ثناء بر آن حجت بالغای که با استقرار حکومت جهانی اسلام، بشریت را از ضلالت و جهالت نجات خواهد بخشید.

جای شکر است که عصر تجدید حیات اسلام و برافراشتن مجدد رایت توحید به دست فرزند راستین خاندان عصمت و طهارت علیه السلام را درك نمودیم. سزاوار است بهترین دعای خیر را بدرقه راه آن رهبر عالی مقام جهان اسلام، حضرت امام خمینی (ره) نماییم که منشأ خیرات و برکات فراوان برای عصر ما گردید.



هدف از انتخاب این موضوع اهمیت ویژه‌ای است که این بخش از خراسان دارا می‌باشد، این اهمیت از یکسو به موقعیت جغرافیایی مربوط بوده و از سوی دیگر ناشی از وضعیت خاص اقلیمی است، به عبارت روشنتر مکان گزینی شهر بیرجند در جنوب خراسان در ارتباط با نواحی جنوبی و شمالی و فلات مرکزی ایران جاذبه‌ها و موقعیت خاصی را برای این شهر به وجود آورده است و از طرف دیگر مجاورت شهرستان بیرجند با خاک افغانستان موجب مهاجرت خیل عظیمی از آنان به این شهر و اقامتشان در اردوگاهها و روستاهای این ناحیه هر چند برای مدتی محدود گردید که به نوبه خود مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متعددی را مطرح نموده است. این امر سیمای معیشت انسانی این ناحیه را دگرگون ساخته

و مسایل جدیدی را در نفوذ و برتری شهر بیرجند در فضای پیرامونی به وجود آورده است. با توجه به سوابق تاریخی و سیاسی شهر بیرجند که در ادوار مختلف به این شهر و حوزه نفوذ آن سایه افکنده بود امروز دگرگونی فضایی - جمعیتی، شکل تازه‌ای از معیشت انسانی و روابط شهر بیرجند با نواحی اطراف را مطرح می‌سازد. به علاوه تسلط اقلیم خشک برای منطقه، موجب کم آبی و پایین افتادن سطح آبهای زیرزمینی، (به دنبال تراکم جمعیت، بیش از ظرفیت طبیعی و بهره‌برداری‌های مداوم در کشاورزی) شده است به طوری که ممنوعیت بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی مهمترین دشت این ناحیه یعنی دشت بیرجند را ضروری ساخته است. گسترش فضایی و توسعه اقتصادی شهر بیرجند موجب جاذبه‌های زیادی در مهاجرت و ارتباط شهر بیرجند با روستاهای اطراف شده است. توسعه تجهیزات و خدمات شهری، افزایش عملکردهای مرکزی و ایجاد طیف وسیعی از روابط شهر با حوزه نفوذی آن را موجب گردیده است.

در این جا لازم است چند نکته را برای خوانندگان محترم توضیح دهیم:

۱- مطالب این کتاب عمده براساس آمار و اطلاعات موجود در دهه ۱۳۶۰ به ویژه آخرین سرشماری سراسری کشور - که در سال ۱۳۶۵ صورت گرفته - تنظیم شده است لیکن باید خاطر نشان کنیم که در تهیه این اثر، کمبود منابع و مآخذ و اطلاعات و عدم انسجام آنها، یکی از مشکلات جدی بوده است.

۲- هر چند در حال حاضر اکثر قریب به اتفاق افغانه، ناحیه را ترك نموده‌اند لیکن به جهت حفظ سوابق تاریخی و مسائل اجتماعی - اقتصادی ناشی از حضور آنان در منطقه، مطالب مربوط به افغانه از متن کتاب حذف نگردید، بویژه آن که مطالب کتاب اصولاً بر مبنای مسائل دهه ۱۳۶۰ و قبل از آن، تنظیم شده است.

۳- به مصداق من لم یسکر المخلوق، لم یسکر الخالق، لازم است از خدمات و زحمات کارکنان محترم مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، علی‌الخصوص شادروان دکتر عباس سعیدی رضوانی مدیر سابق مؤسسه که بانی تدوین مجموعه‌ای درباره جغرافیای استان خراسان - و از جمله این کتاب - بوده‌اند یاد کنم و برای ایشان طلب مغفرت نمایم.

همچنین باید از ویراستاران محترمی که زحمت اصلاح این اثر را تقبل نموده‌اند و دانشجویانی که اینجانب را یاری کرده‌اند و همه کسانی که از نتایج زحمات و تحقیقات آنها بهره‌مند شده‌ام، سپاسگزاری نمایم*.

امید است این قدم کوچک مورد قبول خداوند متعال و مردم شریف بیرجند به خصوص شهدا و جانبازان و آزادگان بیرجند - که این کشور را رهین جانبازها و فداکاریهای خویش نموده‌اند - و خانواده‌های معظم آنها قرار گیرد.

محققان محترم و خوانندگان عزیز، کمبودهای این اثر را به دیده اغماض خواهند نگریست و از تذکرات مفید و راهنماییهای لازم دریغ نخواهند نمود.

محمدعلی احمدیان

اسفند ۱۳۷۲

۶

* - لازم است از آقای محمد شریفی که راهنمایی مرا در منطقه عهده‌دار بوده‌اند و آقایان حسن فیروزیان و ناصر جاودانی خلیفه که زحمت پاکتویس نمودارها و نقشه‌ها را تقبل نموده‌اند و آقای محمد بیانی که در امور تدارکاتی و تنظیم و تطبیق مطالب یاری‌ام نموده‌اند نیز نام ببرم.

بخش اول

کلیات جغرافیای طبیعی

بیرجند

- ۱- موقعیت، حدود و وسعت
- ۲- زمین شناسی و وضعیت توپوگرافی
- ۳- اقلیم
- ۴- خاک
- ۵- بررسی وضعیت منابع آب
- ۶- پوشش گیاهی
- ۷- زندگی جانوری

۱- موقعیت، حدود و وسعت

تا اوایل قرن حاضر، شهرستان بیرجند به انضمام شهرستان قاین کنونی، ولایت قایانات را تشکیل می‌داد که در جنوب ولایت باخرز و خواف، و در مشرق ولایت فردوس و گلشن قرار داشته است. بعدها ولایت قایانات به صورت یکی از بخشهای بیرجند درآمد و تدریجاً از شهرستان بیرجند نیز جدا شده، خود شهرستانی مستقل شده است. آخرین تغییرات در مرزهای سیاسی شهرستان بیرجند به صورت جدا شدن نهبندان و تبدیل آن به شهرستانی مستقل عملی گردیده است^۱.

ارتفاع شهر بیرجند از سطح دریا ۱۴۸۰ متر و فاصله زمینی آن تا مشهد و زاهدان به ترتیب ۴۸۶ و ۴۵۸ کیلومتر است. فاصله هوایی این شهر تا تهران ۷۹۱ کیلومتر می‌باشد^۲. در سال ۱۳۶۵ شهرستان بیرجند از شمال به شهرستان قائن و از شرق به افغانستان و از جنوب به شهرستان زابل و بخش نصرت‌آباد زاهدان و قسمتی از استان کرمان و از غرب به طبس و فردوس محدود بوده است، لیکن در حال حاضر محدوده جنوبی این شهرستان را نهبندان تشکیل می‌دهد.

براساس آمار سال ۱۳۶۵ مساحت شهرستان بیرجند ۷۰۶۵۱/۴ کیلومتر مربع

۱- این بخش طبق تصویب‌نامه شماره ۴۹۱۴۸/ت ۶۰۵ مورخه ۱۳۶۸/۵/۱۴ به شهرستانی مستقل

تبدیل گردید. نقل از: گروه تقسیمات کشوری استانداری خراسان.

۲- عباس جعفری، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی، تهران،

(حدوداً ۲۲٪ وسعت کل استان) بوده است و شامل ۳ نقطه شهری*، ۴ بخش، ۲۰ دهستان و ۴۲۸۴ آبادی (اعم از مسکونی و غیرمسکونی) می‌شده است^۳ که براساس آخرین تقسیمات کشوری وسعت این شهرستان به ۳۱۷۰۴ کیلومتر مربع کاهش یافته و از ۲ نقطه شهری (بیرجند و سریشه) و ۴ بخش و ۱۸ دهستان به شرح زیر تشکیل می‌شود.

جدول ۱- تقسیمات سیاسی جدید شهرستان بیرجند^۴

بخش و مرکز آن	دهستان	مرکز دهستان	جمعیت	وسعت به کیلومتر مربع	تعداد آبادیها ^۵
مرکزی «بیرجند»	القورات	حاجی آباد	۶۴۶۴	۹۸۳	۲۰۰
	باقران	امیرآباد	۹۶۵۳	۱۳۲۰	۳۴۳
	شاخانات	گازار	۱۳۹۷۷	۵۷۵	۱۸۰
	فشارود	کندر	۴۰۳۷	۹۶۹	۸۳
	کاهشنگ	مرک	۵۳۱۱	۵۵۶	۱۵۲
	مود	مود	۱۱۰۹۸	۸۲۶	۳۰۰
خوسف «خوسف»	براکوه	گل	۳۵۰۰	۵۴۰	۱۶۰
	جلگه‌ماژان	ماژان	۴۸۲۳	۷۱۸	۱۵۵
	خوسف	خوسف	۱۲۳۶۱	۵۳۹۷	۱۹۵
	قلعه زری	علی‌آباد	۲۸۱۲	۷۲۳۷	۹۴
سریشه «سریشه»	دُرُح	درح	۸۰۰۳	۲۳۵۴/۵	۱۲۹
	مؤمن آباد	سلم آباد	۱۴۶۲۷	۲۸۵۱/۵	۲۱۲
	نهارجان	کلاته سلیمان	۴۹۱۵	۱۰۱۶	۱۴۴
درمیان «اسدآباد»	درمیان	درمیان	۱۷۰۶۹	۶۹۱	۷۷
	طیس مسینا	طیس مسینا	۳۸۲۴۰	۱۷۷۲	۶۰
	فخرود	گسگ	۱۴۴۷۵	۱۵۲۳	۱۶۷
	قهستان	درخش	۱۰۷۶۱	۷۸۰	۱۵۰
	گزیک	گزیک	۳۳۴۵۶	۱۵۷۲	۴۶

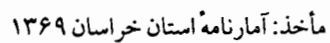
* - در آمارگیری سال ۱۳۶۵ نقطه شهری به نقاطی اطلاق شده است که دارای شهرداری بوده‌اند.

۳- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند،

۱۳۶۸، ص ۱.

۴- استانداری خراسان، گروه تقسیمات کشوری، مشخصات کلی استان خراسان، ۱۳۶۹، صص ۲ و ۲۱.

۵- فرمانداری شهرستان بیرجند، روابط عمومی، نگرشی بر عملکرد ادارات دولتی سال ۱۳۷۰، ص ۲۴.



نقشه ۱- شهرستان بیرجند پس از تفکیک نهبندان

۲- زمین‌شناسی و وضعیت توپوگرافی

از نظر زمین‌شناسی بخش عمده خراسان به تشکیلات دوره‌های دوم و سوم زمین‌شناسی تعلق دارد. در دوره‌های یخچالی دوران چهارم، بخصوص در فاصله بین یخبندانها، فرسایش آبهای روان و باد، نقش عمده‌ای در شکل دادن به چهره طبیعی این استان ایفا کرده است. تراسها، آبرفتها، مخروط افکنه‌ها و ماسه‌های بادی که سطح بسیاری از دشتهای بیرجند را پوشانده است یادگار دوران چهارم به شمار می‌رود. در اطراف بیرجند نیز بخش عمده بیرون زیر گیها که سنگهای آذرین هستند به دوران سوم (ائوسن) تعلق دارند و همزمان با کوهزایی آلپ به وجود آمده‌اند.

مهمترین بخش از مطالعات زمین‌شناسی دشت بیرجند به دورانهای سوم و چهارم زمین‌شناسی محدود می‌شود، از مهمترین مشخصات دوران سوم تشکیلات سبز ائوسن است که از لایه‌های توف و گدازه‌های آتشفشانی تشکیل گردیده است. همچنین در این منطقه آثار دوران چهارم به صورت مخروطهای سیلابی در دامنه ارتفاعات و رسوبگذاریها مشاهده می‌شود که منابع اصلی تغذیه لایه‌های آبدار زیرزمینی دشت به شمار می‌روند.^۶

مطالعات زمین‌شناسی روی بیرجند و اطراف آن نشان می‌دهد که این شهر از جمله نقاطی است که احتمال وقوع زلزله در آن زیاد است.

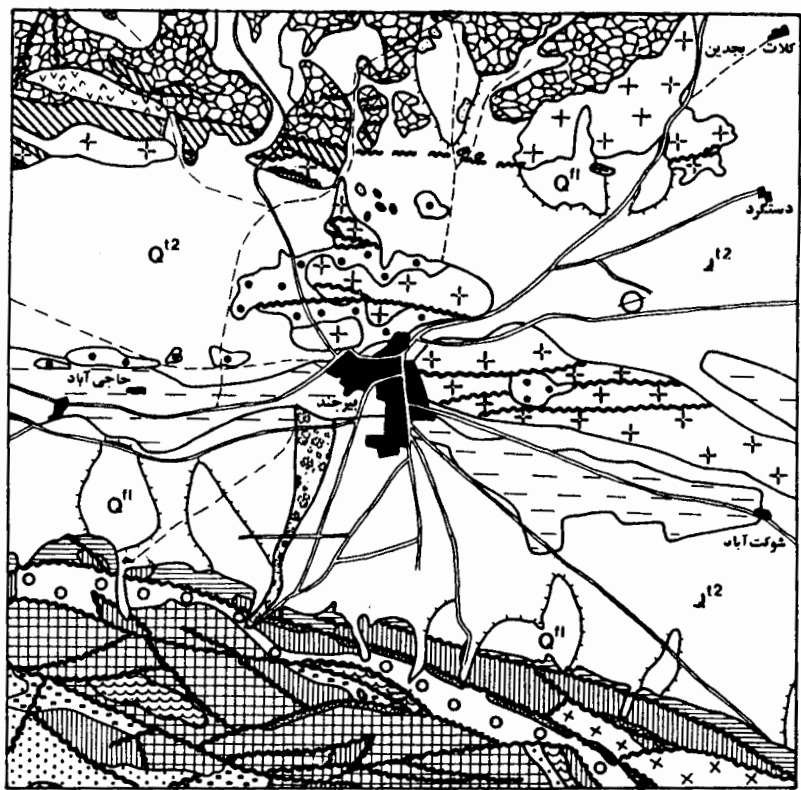
گسل‌های متعددی در جهت شمال غربی - جنوب شرقی کشیده شده است. بسیاری از این گسلها نسبتاً جوان می‌باشند و تصور می‌رود که گسل «چاهک» که در جهت شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد و تا یازده کیلومتری شمال غربی بیرجند ادامه می‌یابد هنوز فعال باشد، ظاهراً انتهای شمال غربی این گسل مرکز زلزله بوده است. تعداد زلزله‌های مذکور حداقل پنج تا بوده که قدرتی متوسط داشته و از سال ۱۹۰۰ در این گسل اتفاق افتاده‌اند.^۷

۶- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

الف - اداره کل آبهای زیرزمینی، گزارش مطالعه شناسایی آبهای زیرزمینی بیرجند و دشت، ۱۳۴۸.

ب - سازمان زمین‌شناسی کشور، نقشه زمین‌شناسی ایران، سری ۱:۱۰۰۰۰۰ ورقه بیرجند.

۷- وزارت نیرو، طرح آبرسانی شهرهای استان خراسان و سمنان، (مهندسین مشاور مه‌اب).



با استفاده از نقشه زمین‌شناسی ایران سری ۰۰۰/۱۰۰:۱ ورقه ۷۸۵۵

نقشه ۲- زمین شناسی بیرجند

از نظر مورفولوژی و شکل ناهمواری، شهرستان بیرجند صرف نظر از تغییرات جزئی، به دو قسمت تقسیم می‌شود، یکی بخش نسبتاً مرتفع شمالی و شمال شرقی و دیگری زمینهای نسبتاً همواری که تمامی غرب و جنوب و شرق بیرجند را فراگرفته است. بخش هموار بیرجند در عین حال از سطح دریاهاى آزاد ارتفاع نسبتاً زیادی دارد بطوری که ارتفاع بخش اعظم آن از ۸۰۰ الی ۹۰۰ متر کمتر نیست.

بخش مرتفع بیرجند در مقایسه با ارتفاعاتی نظیر البرز و زاگرس، بلندی چندانی ندارد، بطوری که هیچ نقطه آن حتی به ۳۰۰۰ متر هم نمی‌رسد، لیکن برای ناحیه گرم و خشک جنوب خراسان وجود همین ارتفاعات نعمتی است و موجب جذب رطوبت و انتشار چشمه‌ساران و آبراه‌های متعددی شده است. در گذشته نیز این ارتفاعات نقش عمده‌ای در شکل‌گیری حوادث سیاسی و نظامی داشته‌است.^۸ رشته‌کوههای شمالی بیرجند که دنباله کوههای قاینات به شمار می‌روند مراکز سکونتی بسیاری را در دامان خود گرد آورده‌اند، ضمن این که نوع معیشت و شبکه ارتباطی را نیز شکل داده‌اند. برای آن که نقش ارتفاعات مزبور بیشتر شناخته شود باید به ذکر این نکته پردازیم که تقریباً نیمی از جمعیت روستایی شهرستان بیرجند در بخشهای مرتفع شمالی و شمال شرقی به سر می‌برند. حتی خود شهر بیرجند به عنوان مهمترین مرکز سکونتی شهرستان که طبق آمار ۱۳۶۵ نزدیک $\frac{1}{4}$ جمعیت کل شهرستان را دربر داشته، در حد فاصل دو رشته از مهمترین ارتفاعات این ناحیه یعنی «باقران» و «مؤمن آباد» قرار گرفته است. کوههای «باقران» و «مؤمن آباد» که به صورت دو رشته موازی از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته‌اند، مهمترین ارتفاعات شهرستان به شمار می‌روند. بسیاری از رودخانه‌ها و قنات‌ها از همین ارتفاعات نشأت گرفته‌اند و بیلاقات دامنه آنها از دیرباز استراحتگاه شهریان و دشت‌نشینان در ایام گرم سال بوده است.

طول رشته کوه باقران ۱۰۰ و عرض آن ۱۳ کیلومتر و بلندترین نقطه آن ۲۵۹۵ متر می‌باشد. رشته کوه مؤمن آباد یا میناباد ۶۰ کیلومتر طول دارد که به موازات باقران کشیده شده و بخش قابل توجهی از نقاط روستایی را در دامان خود گرد آورده است. دهستان

۸- شاید به دلیل همین نقش آفرینیهای کوهستانها بوده است که جنوب خراسان را قهستان (معرب

کوهستان) نام نهاده‌اند.

شاخات که در گذشته‌های دور ولایت شاخن نامیده می‌شده و هم‌اکنون یکی از مراکز مهم دامپروری و زراعت و باغداری است، نعمت و برکت خود را مدیون همین رشته کوه‌هاست. ارتفاعات آهنگران، که حدوداً ۳۰ کیلومتر طول دارد، در شمال شرقی این شهرستان واقع شده است. این رشته کوه نیز نقش به سزایی در حیات کشاورزی و تجمع انسانی برعهده داشته است.

در فاصله سلسله کوه‌ها و ارتفاعات پراکنده این ناحیه، دشتهای متعددی گسترده شده‌اند. این دشتهای به دلیل موقعیت مناسبی که از نظر توپوگرافی و احداث راههای ارتباطی و حفر قنات و چاههای آب و کشت و زرع محصولات مختلف داشته‌اند، توده‌های وسیعی از جمعیت و نقاط روستایی شهرستان را در دامن خود گردآورده‌اند. دشتهای تحت پوشش و کنترل امور حفاظت و بهره‌برداری منابع آب بیرجند و وسعت آنها به شرح زیر می‌باشد:

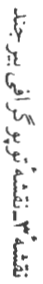
جدول ۲- دشتهای بیرجند^۹

شماره ردیف	نام دشت	مساحت
۱	دشت بیرجند	۲۱۵۵ کیلومتر مربع
۲	دشت چاهک	۵۳۲۰ کیلومتر مربع
۳	دشت مختاران	۲۴۲۰ کیلومتر مربع
۴	دشت درمیان - گزیک	۵۳۸۰ کیلومتر مربع
۵	دشت میغان	۶۶۰۰ کیلومتر مربع
۶	دشت دستگرد	۴۹۴۰ کیلومتر مربع
۷	دشت هامون	-
۸	دشت سمن آباد	۲۵۹۰ کیلومتر مربع
۹	دشت بندان، سفیدابه	۸۸۰۰ کیلومتر مربع
۱۰	دشت خوشاب	۲۶۷۰ کیلومتر مربع
۱۱	دشت نهپندان	۱۶۲۰ کیلومتر مربع
۱۲	دشت سریش	۶۴۰ کیلومتر مربع
۱۳	دشت نای بند	-
۱۴	دشت ده سلم	۴۳۸۵ کیلومتر مربع
۱۵	دشت سهل آباد	۲۵۳۰ کیلومتر مربع
۱۶	دشت پشته ساریان	۱۵۲۰ کیلومتر مربع
	جمع مساحت حوزه عملکرد	۵۲۵۸۰ هکتار (به استثنای نای بند و هامون)

۹- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، صفحه ۱۸۵-۱۸۶. (برای مطالعه بیشتر، پیرامون دشتهای

بیرجند مراجعه شود به: دکتر سعدالله ولایتی، مهندس سعید توسلی، منابع و مسایل آب استان خراسان، مؤسسه

چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۷۰. صص ۲۱۷-۲۶۵).



در این جا می‌باید به «دق» ها که یکی دیگر از اشکال مورفولوژی منطقه هستند اشاره نمود. این تشکیلات در زمینهای هموار و از تجمع رسوبات به وجود می‌آیند، نظیر «دق پترگان» در شمال شرقی و «دق محمد آباد» در شمال غربی بیرجند. «دق پترگان» ۲۰۷ کیلومتر مربع مساحت دارد و ۲۵ کیلومتر طول آن است و ارتفاعش از سطح دریا ۶۵۰ متر می‌باشد. «دق محمد آباد» ۱۳۵ کیلومتر مربع وسعت و ۲۳ کیلومتر درازا و ۱۳۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد^{۱۰}.

۳- اقلیم

۳-۱- درجه حرارت

بیرجند در خشکترین تقسیم‌بندی اقلیمی خراسان قرار دارد، علت این امر را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- دوری از مسیر بادهای باران آور.
- عدم وجود ارتفاعات مهمی که بتواند در تعدیل آب و هوا و جذب نزولات آسمانی مؤثر واقع شود.
- مجاورت با دشت لوت.

از میان عوامل مزبور ۲ عامل یعنی مجاورت با دشت لوت و وجود ارتفاعات شمالی و شمال شرقی، موجب تنوعی در اقلیم این شهرستان شده است. مراجعه‌ای به اطلس اقلیمی ایران نشان می‌دهد، که معدل سالیانه درجه حرارت روزانه در همه نقاط شهرستان به يك اندازه نیست. این رقم برای ارتفاعات، ۱۰-۱۵ درجه سانتیگراد است، حال آن که برای نقاط جنوب غربی شهرستان که مجاور با دشت لوت است به ۲۰-۲۵ درجه سانتیگراد افزایش می‌یابد^{۱۱}. همچنین معدل سالیانه برای حداقل و حداکثر درجه

۱۰- عباس جعفری، همان کتاب، ص ۵۲.

۱۱- دانشگاه تهران (مؤسسه جغرافیا)، اطلس اقلیمی ایران، سال ۱۳۴۴، قطعه ۱۸.

حرارت روزانه، از ۱۰ تا ۲۵ درجه سانتیگراد در دو ناحیه مزبور، تفاوت می‌کند. مشابه این تغییرات را در موعد یخبندانها و تعداد روزهای یخبندان می‌توان مشاهده کرد. تعداد روزهایی که درجه حرارت زیر صفر قرار دارد، در ارتفاعات مؤمن آباد به حدود ۱۲۰ روز در سال می‌رسد حال آن که این رقم برای نواحی جنوب غربی از ۱۰ الی ۲۰ روز تجاوز نمی‌کند. زمان شروع یخبندانها نیز در ارتفاعات حدود يك ماه جلوتر از سایر نقاط می‌باشد*.

بنابراین می‌توان گفت بیرجند به تبعیت از وضعیت پستی و بلندیها دو نوع اقلیم دارد: اقلیم بیابانی گرم و خشک - که بخش عمده این شهرستان بخصوص حواشی آن را فراگرفته است.

اقلیم نیمه بیابانی ملایم - که در بخشهای مرتفع شمالی و مرکزی شهرستان، یعنی همان نقاطی که ارتفاعات عمده نظیر «مؤمن آباد» و «باقران» قرار گرفته‌اند، مشاهده می‌شود. مراجعه به آمار ده ساله ایستگاه سینوپتیک بیرجند^{۱۲}، در فاصله سالهای ۱۳۵۳-۱۳۶۲ نشان می‌دهد که فصل گرم بیرجند تقریباً از بهار آغاز می‌شود، لیکن در خرداد، تیر و مرداد به اوج خود می‌رسد**.

در تمام این سه ماه متوسط درجه حرارت بین ۲۵ الی ۲۷/۵ درجه سانتیگراد بوده که رقم مطلق آن تا نزدیک ۴۰ درجه می‌رسیده است.

جدول ۳- مشخصات گرمترین ماههای سال در شهرستان بیرجند براساس میانگین ده ساله (۱۳۵۳-۱۳۶۲)

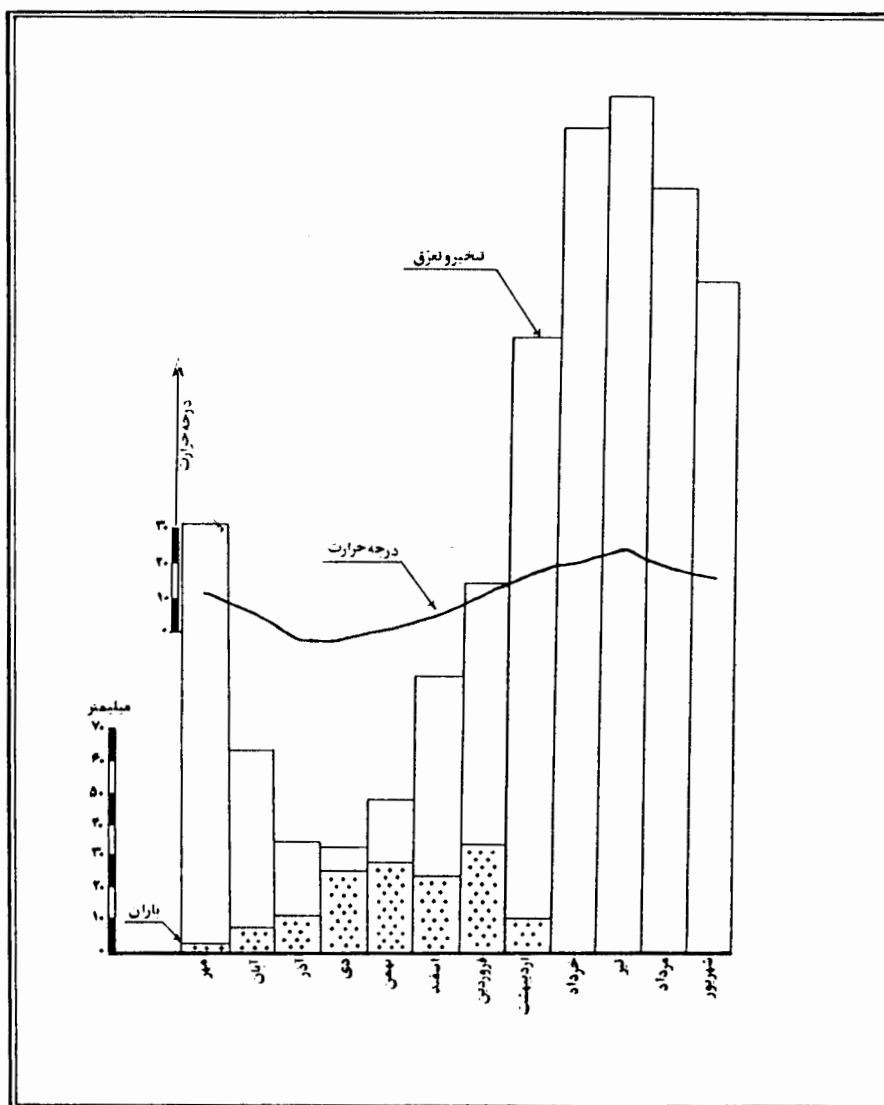
ماههای فصل گرم	متوسط سالیانه حداکثر (درجه سانتیگراد)	متوسط سالیانه (درجه سانتیگراد)
خرداد	۳۵/۳	۲۶/۱
تیر	۳۵/۹	۲۷/۴
مرداد	۳۵	۲۵/۶

*- یخبندان در ارتفاعات حدوداً از اواسط پاییز آغاز می‌شود و در نواحی جنوب غربی شهرستان، با يك ماه تأخیر صورت می‌گیرد.

۱۲- مشخصات ایستگاه مزبور ۵۲' - ۳۲° عرض شمالی و ۱۲' - ۵۹° طول شرقی و ارتفاع ۱۴۹۱ متر می‌باشد. نقل از: سازمان هواشناسی کشور، سالنامه هواشناسی.

** - به علت تبدیل ماههای میلادی به شمسی، ده روز اختلاف وجود دارد که باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

نمودار ۱- وضعیت اقلیمی (ایستگاه بیرجند)*



*- اقتباس از: سازمان برنامه، توسعه اقتصادی استان خراسان، منطقه شماره ۵، بیرجند، ص ۱۷

طول دوره گرما مساوی است با يك دوره طولانی تبخیر، که کاملاً مغایر با اوضاع هیدرولوژی منطقه است، لذا انتخاب شیوه‌های صحیح صرفه‌جویی در مصرف آب و حفظ و نگهداری ذخایر آبی یکی از ضروریات به شمار می‌رود. از شهریور به بعد، کاهش درجه حرارت سرعت می‌گیرد، لیکن فصل سرمای حقیقی از آبان آغاز می‌شود. اگر چه متوسط حرارت این ماه بالای ۱۰ درجه سانتیگراد است، لیکن حداقل مطلق به زیر صفر می‌رسد، دوره یخبندان در نقاط مرتفع از همین زمان آغاز می‌شود. اوج سرما منحصر است به ماههای آذر و دی و بهمن که متوسط درجه حرارت ماهیانه از ۶ درجه سانتیگراد تجاوز نمی‌کند. در این سه ماه میانگین حداقل درجه حرارت به حدود ۲ الی ۳ درجه زیر صفر می‌رسد.

جدول ۴- مشخصات سردترین ماههای سال در شهرستان بیرجند براساس میانگین ده ساله

(۱۳۵۳-۱۳۶۲)

ماههای سرد سال	متوسط حداقل (درجه سانتیگراد)	متوسط سالیانه (درجه سانتیگراد)
آذر	۲ / ۲	۶
دی	۲ / ۹	۴ / ۳
بهمن	۱ / ۸	۶

در بحث مربوط به درجه حرارت باید یادآور شویم که یکی از خصوصیات آب و هوایی بیرجند اختلاف شدید درجه حرارت از روز به شب و از تابستان به زمستان است. اختلافی که از عوامل طبیعی بخصوص از خشکی هوا ناشی می‌شود. نگاهی به معدل حداقل و حداکثر درجه حرارت سالیانه در سال ۱۳۶۲ نشان می‌دهد که ارقام مزبور از ۱۴ / ۷- درجه در بهمن ماه تا ۳۹+ درجه در مرداد ماه متفاوت بوده است.^{۱۳}

۱۳- دانشگاه تهران (مؤسسه جغرافیا) همان مأخذ، قطعه ۱۹.

۲-۳- نزولات جوی

بیرجند با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود در شرق ایران، از نعمت بادهای مرطوب که جهتی غربی - شرقی دارند و بخش عمده بارندگی ایران را موجب می شوند، بالنسبه محروم مانده است. این بادهای که با خود بخارات آب اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه را به همراه دارند پس از عبور از دشتهای گرم سوریه و عراق و ارتفاعات غربی و شمال غربی، بخش قابل توجهی از رطوبت خود را از دست داده و هنگامی که به نواحی شرقی می رسند بارندگی چندانی ایجاد نمی کنند. مراجعه به اطلس اقلیمی ایران نشان می دهد که تعداد روزهای ابری که در شمال خراسان به حدود ۳ الی ۴ ماه می رسد، در شهرستان بیرجند از یکی دو ماه تجاوز نمی کند^{۱۴}. کمبود ابر در آسمان منطقه نه تنها امکان بارندگی را کاهش می دهد بلکه موجب تابش مستقیم نور خورشید و افزایش شدت تبخیر می شود*. این امر به اضافه وزش بادهای شدیدی نظیر باهای شمالی - جنوبی تابستانه، موجب شدت خشکی هوا می شود. چنانچه معدل بیست ساله رطوبت نسبی بیرجند (بین سالهای ۱۳۴۰-۱۳۵۹) تنها ۲۴ درصد برای ساعت ۱۲:۳۰ و ۴۹ درصد برای ساعت ۶:۳۰ بوده است. اطلس اقلیمی ایران نشان می دهد که میزان متوسط

۱۴- همان، قطعه ۷۷.

*- شاید مردم این مناطق معنای آیتی که ابرها را نشانه رحمت پروردگار متعال معرفی نموده است، بهتر از مردم شمال و غرب ایران درک نمایند.

از جمله آیه ۵۷ از سوره مبارکه اعراف که می فرماید:

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا يُقَالُ سَقْنَاهُ لِيَكْدَ مِيتٍ فَأَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ تُخْرَجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.

و او خدایی است که بادهای را به مژده باران رحمت خویش در پیش فرستد. تا چون باد ابرهای سنگین را بردارند، ما آن را به شهر و دیاری که (از بی آبی) مرده است برانیم، و بدان سبب باران فرو فرستیم تا هر گونه ثمر و حاصلی از آن برآریم، هم این گونه (که گیاه را از زمین مرده می رواییم) مردگان را هم از خاک برانگیزیم باشد که شما متذکر شوید. نقل از: قرآن حکیم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، مؤسسه مطبوعاتی خزر، ۱۳۷۰.

نم نسبی هوا در نیمروز تیرماه حتی از ۲۰ درصد نیز کمتر است* . عوامل مزبور بر روی هم موجب کاهش میزان بارندگی شده است. این میزان حتی به ۲۰ سانتیمتر در سال هم نمی‌رسد. معدل بارندگی ده ساله بیرجند طی سالهای ۱۳۵۳-۱۳۶۲ تنها ۱۸/۶ سانتیمتر بوده است. مقایسه این رقم با ۲۴ سانتیمتر در مشهد و ۲۸ سانتیمتر در بجنورد بیانگر ناچیز بودن میزان باران در این بخش از خراسان می‌باشد، تازه همین مقدار کم نیز رژیم متناسبی ندارد، بطوری که بخش عمده آن در فصل سرد می‌بارد و در نتیجه، فصل زراعی از نعمت باران محروم می‌ماند. معدل ده ساله بارندگی در بیرجند نشان می‌دهد که از ۱۸/۶ سانتیمتر، مجموع باران سالیانه تنها ۰/۴ سانتیمتر در فصل گرم (که نیاز به آبیاری مزارع شدت می‌یابد) نازل شده است. بارندگی از اواسط پاییز آغاز شده و در زمستان به اوج خود می‌رسد، لیکن هنوز بهار به تمامی پایان نیافته، هوا به شدت گرم شده و میزان باران بطور فاحشی کاستی می‌گیرد.

علاوه بر رژیم نامناسب و عدم انطباق بارندگی با نیازهای کشاورزی، و صرف نظر از کمی رقم مطلق بارندگی، ناگهانی و سیلابی بودن بارانها نیز بر مشکلات فوق می‌افزاید. با این حساب بخش قابل توجهی از باران به صورت سیلاب جریان یافته و نه تنها مجالی برای استفاده مناسب نمی‌گذارد بلکه موجب بروز خسارات و فرسایش خاک می‌شود. به عنوان نمونه در فروردین ماه سال ۱۳۶۲، تقریباً ۲/۸ سانتیمتر از مجموع بارندگی ماهیانه (که سه سانتیمتر بوده است) یعنی ۹۳ درصد باران ماهیانه، تنها در یک روز باریده است. همچنین در مهرماه سال مزبور تمامی ۱/۳ سانتیمتر باران ماهیانه در یک روز نازل شده است.

نوسانات شدید بارندگی یکی از مشکلات دیگر این ناحیه است، مجموع باران سالیانه و حتی ماهیانه به هیچ عنوان قابل پیش‌بینی نیست. این رقم در سال ۱۳۵۶ حدوداً ۱۹ سانتیمتر بوده، لیکن دو سال بعد (در سال ۱۳۵۸) به ۱۲/۵ سانتیمتر کاهش یافته و دو سال بعد از آن مجدداً به ۲۷ سانتیمتر افزایش یافته است**.

* - وقتی رطوبت نسبی هوا به ۱۰ درصد تنزل یابد، عوارض غیر قابل تحملی نظیر ریزش موی بدن، ایجاد زخمهای پوستی و شکستن ناخن‌ها رخ می‌دهد.

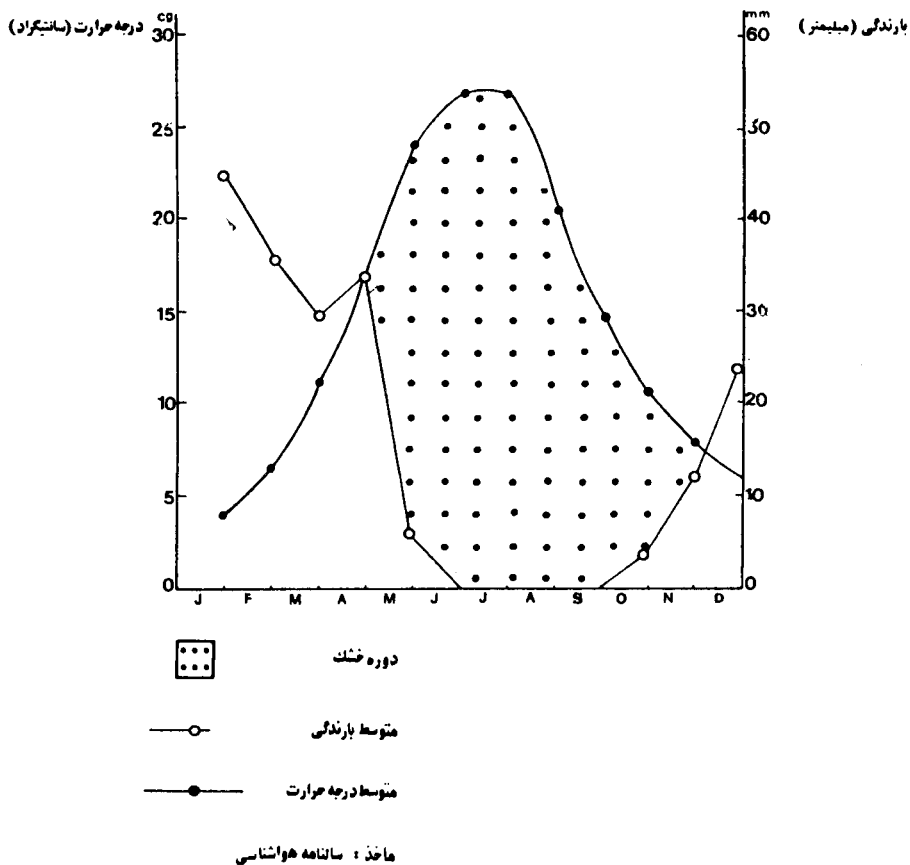
** - البته باید اشاره کرد که ۲۷ سانتیمتر یک رقم استثنایی برای بیرجند است.

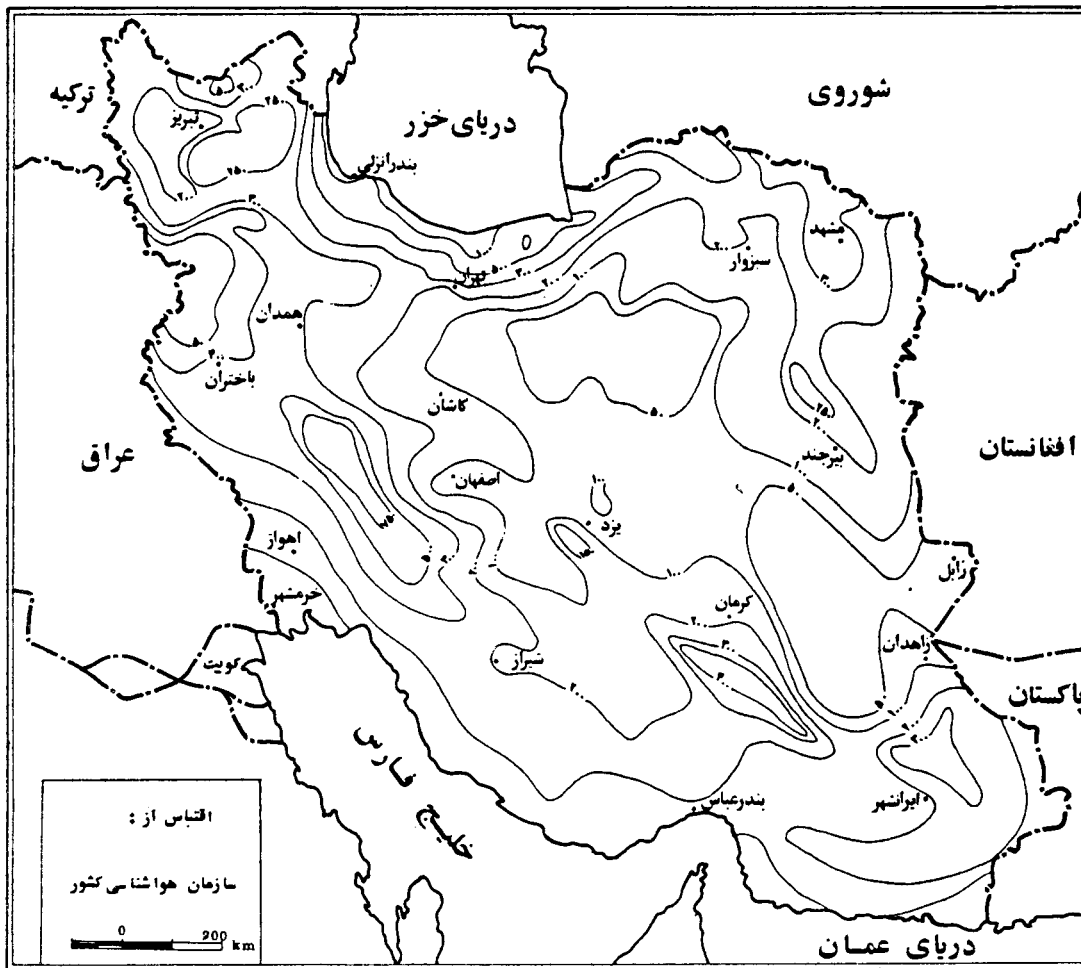
۳۵ □ کلیات جغرافیای طبیعی بیرجند

نزولات جوی در سطح شهرستان بیش از هر چیز تحت تأثیر وضعیت مورفولوژی منطقه، وزش بادهای محلی و مجاورت با دشت کویر قرار دارد. مجموعه عوامل مزبور موجب شده‌اند در ارتفاعات شمالی بیرجند میزان بارش سالیانه به بیش از ۲۷ سانتیمتر برسد حال آن که برای بخش وسیعی از شهرستان (که شامل قسمتهای جنوبی و غربی و شرقی می‌شود) به حدود ۱۰-۲۰ سانتیمتر تنزل یابد^{۱۵}.

نمودار ۲- آمبروترمیک بیرجند

(۱۹۷۷-۱۹۸۳)





راساس نقشه موجود در آرشیو آزمایشگاه جغرافیای دانشکده ادبیات

۳-۳- جریانات عمده جوی

منشأ وزش بادهای عمده‌ای را که در بیرجند و نواحی اطراف آن می‌وزند می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۳-۱-۳- جریانات فصل سرد

الف- بادهای سرد شمالی: این بادهای از آنتی سیکلون سیبری ناشی شده سراسر خراسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب کاهش درجه حرارت می‌شوند. برخورد این جبهه هوای سرد با بادهای مرطوب غربی، ریزشهای جوئی و برفهای زمستانی را موجب می‌شود.

در بیرجند این بادهای «سیاه باد» نامیده شده، موجب خسارت برای محصولات نظیر انگور و زعفران می‌شود، موقعیت توپوگرافیک دره بیرجند موجب می‌شود بادهای مزبور جهتی شرقی- غربی پیدا کنند.

ب- بادهای مرطوب غربی: این بادهای که در زمستان و اوایل بهار می‌وزند، نسبتاً بادهای گرمی هستند که موجب ریزشهای جوی در بیرجند می‌شوند.

قاعده منشأ این بادهای همان جریانات مرطوب اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه است و جهت وزش آنها نیز از شمال غربی و غرب بیرجند می‌باشد^{۱۶}.

ج- بادهای شرقی و جنوب شرقی: این بادهای که از جنوب شرقی می‌وزند،

۱۶- این بادهای مرطوب غربی در فصل زمستان موجب ریزش برف و باران در ایران می‌شود و در اواخر زمستان و اوایل بهار، با گذشتن از بیابانهای سوریه و عراق گرم شده، موجب ذوب شدن برفهای کوهستانی ایران می‌شود.

بارانهای بهاره که در ۶ و ۱۶ و ۲۶ فروردین واردیهشت در خراسان پاریده و شیشه نامیده می‌شود از بادهای مزبور ناشی می‌شود و همین بارانهاست که در زراعت و علی‌الخصوص کشت دیم تأثیری تعیین کننده برجای می‌گذارد. (به نقل از: برنامه توسعه کشاورزی استان خراسان، اداره کل کشاورزی استان خراسان، ج ۱، سال ۱۳۶۴، ص ۴۹).

«فرح باد» و بادهای «برف و باران» نیز نامیده شده‌اند.

۲-۳-۳- جریانات فصل گرم

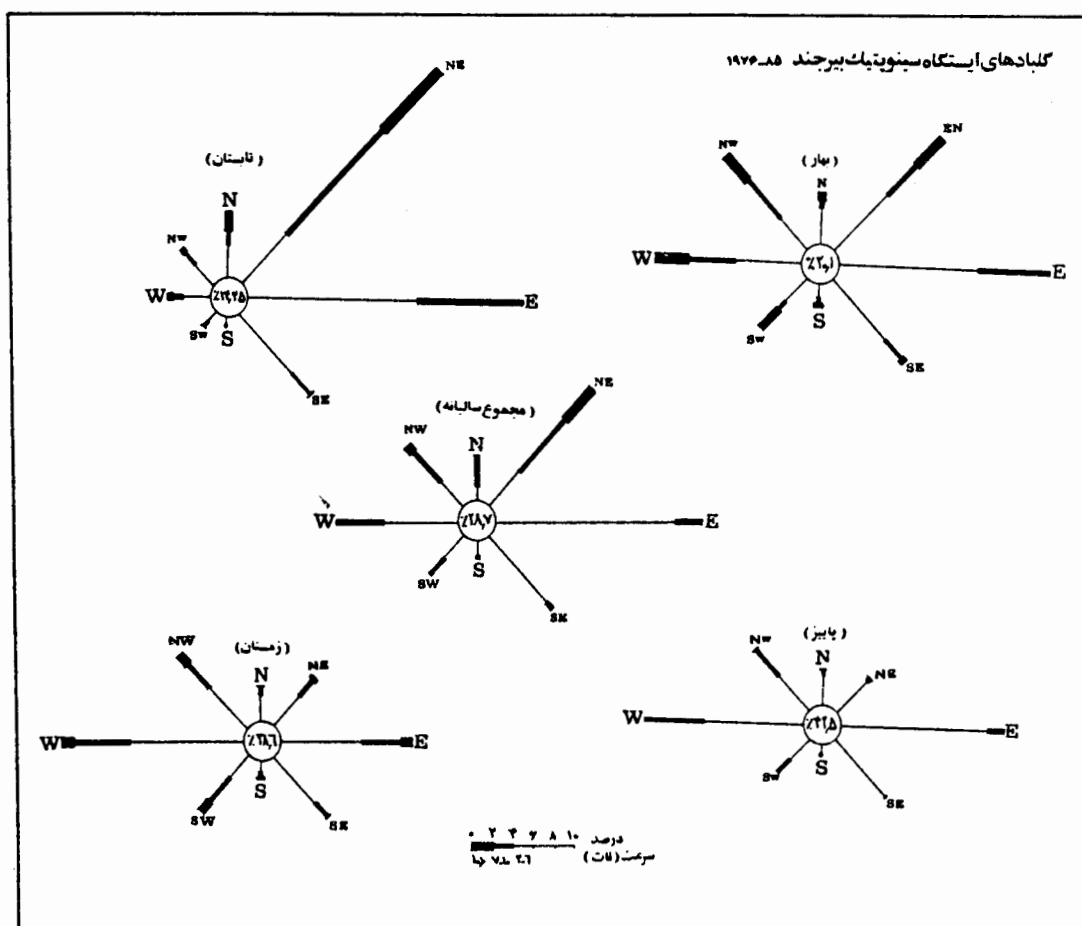
این بادهای که در خراسان عموماً جهتی شمالی- جنوبی داشته و به بادهای ۱۲۰ روزه شهرت یافته‌اند موجب پراکندگی رطوبت و افزایش خشکی هوا شده، طوفانهایی از خاك و شن که موجب خسارت برای کشاورزی است برپا می‌کنند. از سوی دیگر با استفاده از نیروی محرکه همین بادهای بوده است که آسیابهای بادی در بسیاری از نواحی خراسان مرکزی و جنوبی پیدایش یافته است.^{۱۷}

تعداد روزهایی که توأم با طوفان و گرد و خاك بوده است در جنوب و جنوب غربی و جنوب شرقی بیرجند بیشتر از سایر نقاط بوده و متوسط سالیانه آن برای يك دوره ده ساله ۱۳۳۰-۱۳۳۹ به ۵۰ الی ۱۰۰ روز می‌رسیده است.^{۱۸} این طوفانها که به احتمال زیاد با دشت لوت و ناحیه زابل و دشت نا امید افغانستان بی‌ارتباط نیستند موجب افزایش خشکی هوا و فرسایش خاك می‌شوند. بادهای مزبور در نقاط کوهستانی به حدود ۲۰ الی ۳۰ روز در سال کاهش یافته، جای خود را به جریانات منظم میان کوه و دشت می‌سپارند. در اصطلاح محلی به این بادهای «کوه باد» و «دشت باد» می‌گویند.

در پایان این بحث باید اضافه کنیم که به دلیل وسعت شهرستان و تنوع عوارض طبیعی آن، گلباد بیرجند و همچنین بسیاری از ارقام مربوط به اوضاع اقلیمی، نمی‌تواند معرف وضعیت جریانات جوی در تمام شهرستان باشد.

۱۷- از قرار معلوم اطلاق «تف باد» در بعضی نقاط خراسان، به بادهایی که موجب خسارت به کشاورزی می‌شوند و همچنین نام تایباد (شهر مرزی شرق خراسان) در ارتباط با همین بادهاست. (به نقل از: برنامه توسعه کشاورزی استان خراسان، ص ۵۰).

۱۸- اطلس اقلیمی ایران، قطعه ۹۱.



براساس تحقیق آقای محمد گلکار

نمودار ۳- جهت و سرعت باد

۴- خاک

با مراجعه‌ای به نقشه خاکهای ایران چنین مستفاد می‌شود که بخش وسیعی از شهرستان بیرجند از خاکهای بیابانی و «سیرزوم» تشکیل شده است که «لیتوسل» آهکی در آن به عنوان عنصری غالب خودنمایی می‌کند.

در بین این خاکها، بخشهای پراکنده و ممتدی از سیرزوم توأم با ریگوسل قرار گرفته است. به غیر از دو نوع مزبور که بر سایر انواع غلبه دارد، اقسام دیگری هم وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- قطعات کوچک و پراکنده‌ای از لیتوسل آهکی متشکل از «مارنهای نمکی و گچی» در ناحیه خاکهای بیابانی و سیرزوم.
- ۲- خاکهای بیابانی توأم با خاکهای ریگوسل که عمده در جنوب بیرجند دیده می‌شود.
- ۳- خاکهای شور در جنوب شرقی بیرجند که در سمت زابل، به صورت باتلاقی درمی‌آیند^{۱۹}.

۴-۱- دره بیرجند

«در دره بیرجند سه نوع خاک تشخیص داده شده است که به قرار زیر می‌باشند:

- خاکهایی که برای کشت آبی مناسبند و عبارتند از خاکهای آبرفتی و رسوبی پایین دامنه‌ها که بافت لیمونی و رسی دارند. میزان «کنداکتیوته» در سطح ۳۲۱ و در اعماق ۸۰۰ «میکرومhos» بر سانتیمتر می‌باشد.

- خاکهایی که تحت شرایطی برای آبیاری مناسبند و عبارتند از خاکهای رسوبی دره‌ها که بافت لیمونی و سنگ ریزه‌ای دارند و خاکهای رسوبی مناطق کوهپایه‌ای که بافت متغیر و لیمونی، ماسه‌ای سنگی و سنگ ریزه‌ای دارند.

- خاکهایی که برای آبیاری مناسب نیستند و عبارتند از خاکهای شور مناطق

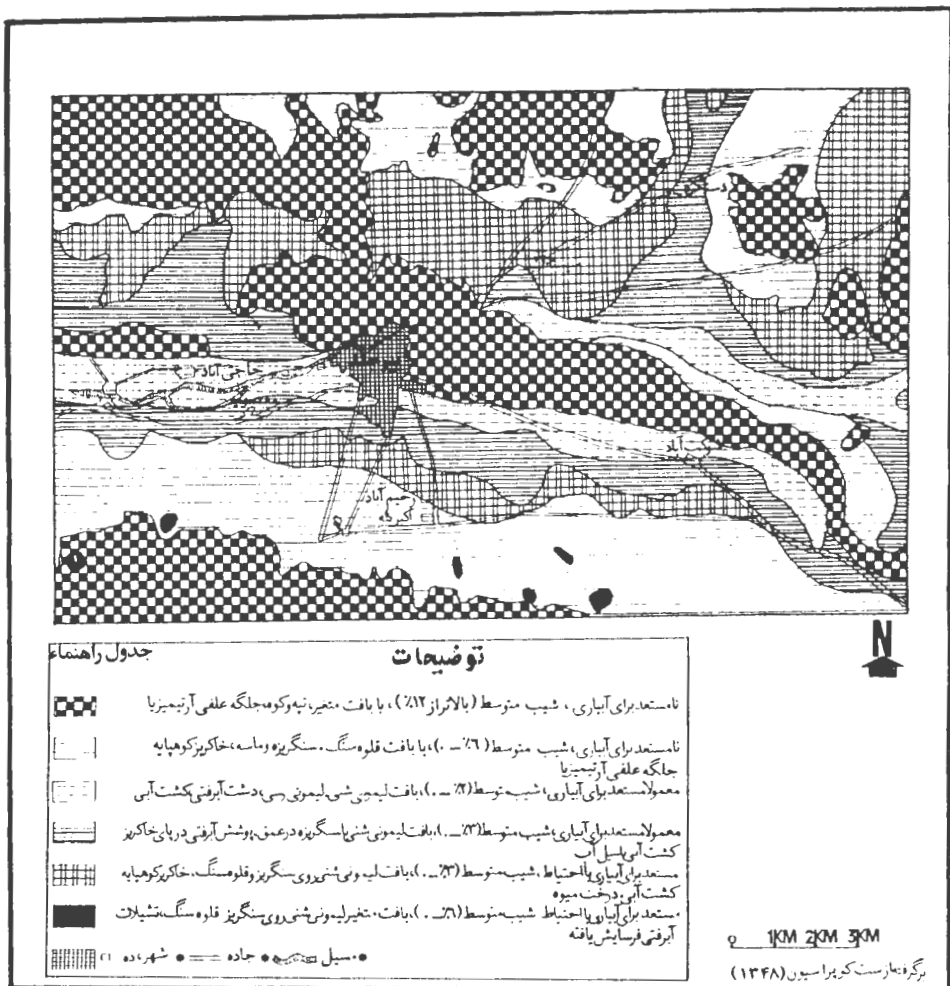
۱۹- وزارت کشاورزی، سازمان برنامه و سازمان جهانی خواربار کشاورزی ملل متحد، نقشه خاکهای

سیلابخیز و دشت آبرفتی.

- خاکهای سنگی دامنه کوهپایه‌ها.

- خاکهای کم عمق دره‌ها که بافت متغیر دارند.

در مجموع حاصلخیزی خاکها در این ناحیه در امتداد دره به استثنای قسمتی که در انتهای جنوب غربی واقع شده است خوب می باشد...



نقشه ۵ - شناسائی خاکهای بیرجند

۴-۲- دره گیو - مختاران

... دره گیو - مختاران در جنوب شهر بیرجند قرار دارد. سطح اراضی همگن و عمیق با بافت لیمونی در حدود ۳۳۰۰ هکتار، و سطح اراضی ناهمگن در حدود ۳۹۰۰ هکتار می باشد. مساحتی در حدود ۸۹۰۰ هکتار با زهکشی در لیمون پایین دامنه ها قابل اصلاح می باشد. در مرکز دشت، سطحی معادل ۷۰۰۰ هکتار به صورت رسوبات دانه ریز پوشیده از لیمون رسی خیلی شور می باشد. میزان هادی بودن آن ۶۶ میکرومhos بر سانتیمتر بوده که قسمت اعظم آن مربوط به املاح نمک طعام است. در نتیجه عملیات مربوط به فرسایش شدید بادی، تشکیلات بادی کم و بیش تثبیت شده مساحتی در حدود ۴۰۰۰ هکتار را می پوشاند. همچنین در سطحی معادل ۲۴۰۰ هکتار پوشش شنی دیده می شود...

۴-۳- دشت اسدآباد و طبس مسینا

... دشت اسدآباد مساحتی در حدود ۸۰,۰۰۰ هکتار دارد و از تشکیلات کوهپایه ای تشکیل شده است. این دشت در شمال شرقی شهر بیرجند قرار دارد. قسمت اعظم خاکهای این دشت از خاکهای دامنه ها بوده که با وجود بافت درشت، غیرقابل آبیاری می باشند، در حدود ۲۰۰۰ هکتار از اراضی، خاکهای مناسب برای آبیاری دارند و با اصلاح ۲۰۰۰ هکتار از اراضی دیگر می توان سطح کشت ناحیه را تا دو برابر افزایش داد و در حد نهایی بوسیله زهکشی در لیمونها ۲۵۰۰ هکتار دیگر هم می توان بر آن افزود. دره طبس مسینا ۵۵۰۰ هکتار خاک لیمونی عمیق داشته و در عمق مشکلات شوری دارد. از عوامل محدود کننده در دشت اسدآباد و طبس مسینا می توان شوری، محمولات بادی و بافت درشت را نام برد. بعضی از خاکها را می توان بوسیله محمولات لیمونی سیلابی اصلاح نمود^{۲۰}»

بطور کلی در بخش وسیعی از حوزه مورد مطالعه به دلیل کمبود آب و ضعف

پوشش نباتی و خشکی هوا ضخامت و قدرت حیاتی خاک ضعیف است. بادهای شدید و بارانهای سیل آسا و اختلاف شدید درجه حرارت شب و روز و رطوبت اندک هوا، موجب تخریب مکانیکی خاک می گردد. در کنار این عوامل طبیعی، می باید به استفاده بی رویه از مراتع و استفاده از پوشش گیاهی برای تأمین سوخت و کشت و کار نامتناسب با شرایط موجود و نظایر آن که از جمله علل انسانی تخریب و تضعیف خاک هستند نیز اشاره کرد. به عنوان نمونه و به اعتقاد بعضی از کارشناسان، کشت چغندر قند را نام می بریم که یک کشت نامتناسب برای این ناحیه به شمار می رود زیرا از سویی آب فراوان می طلبد^{۲۱} که با کم آبی این ناحیه تناسب ندارد و از سوی دیگر همین آبیاری زیاد که آن هم در فصل تابستان صورت می گیرد، موجب تراکم زیاد نمک در خاک و عقیم شدن تدریجی آن می گردد.

شور بودن خاک به نوبه خود یکی از مشکلات این ناحیه است که ضمن جلوگیری از گسترش این مشکل می باید به طرق خاصی با آن منطبق شد.

کارشناسان در این زمینه راههای متعددی را پیشنهاد می کنند:

الف - باید سعی شود از آبهای بالا دست قبل از این که به خاکهای شور برسند برای آبیاری باغات استفاده نمود.

ب - باید به کشت گیاهانی مثل جو که شورپسند هستند روی آورد. جو علاوه بر شورپسندی در فصل بهار می رسد و مثل چغندر قند و نظایر آن احتیاجی به آبیاری تابستانی، (که خود موجب افزایش شوری خاک می شود) ندارد.

۵- بررسی وضعیت منابع آب

۵-۱- منابع آبهای سطحی

به دلیل کمبود ریزشهای جوی و خشکی اقلیم این ناحیه هیچ گونه رود دائمی در بیرجند وجود ندارد، لیکن شریانهای بریده بریده و سیلهای پراکنده فراوانی وجود دارد که

۲۱- تقریباً هر ده روز یک بار نیاز به آبیاری دارد.

هر يك تنها در ایام بارندگی آب به خود می بینند. نظیر رودخانه های «درمیان»، «کال مسک»، «رودخانه فخرود»، در دشت درمیان، و رودخانه های «علی آباد»، «نوفرست» و «خوشاب» در دشت بیرجند. البته نباید تصور کرد هیچ گونه جریان دائمی در این شهرستان وجود ندارد بلکه در بعضی قسمتهای ارتفاعات، همواره جریانی هر چند ناچیز، در بستر رودها ادامه دارد.

رود بیرجند بیش از سایر رودخانه ها قابل ذکر است. از رسوبات این رودخانه زمینهای حاصلخیزی فراهم آمده است، هر چند که مانند سایر رودخانه ها بخش قابل توجهی از سال بی آب است. رود مزبور از ارتفاعات «سسان» شروع می شود و در جهت شرقی - غربی جریان می یابد، پس از زهکشی دشت «بیرجند» و «خوسف» با زهکش دشت «مختاران» یعنی رود «کاریچگان» یکی شده ضمن عبور از تشکیلات ولکانیکی، به سمت جنوب تغییر مسیر داده، به کویر لوت منتهی می گردد. این رودخانه که در حوالی شهر بیرجند «رود بیرجند» نامیده می شود در قسمتهای بعدی به «شاهرود» و در انتها به تبعیت از شوری آب، «رودخانه شور» نام می گیرد.

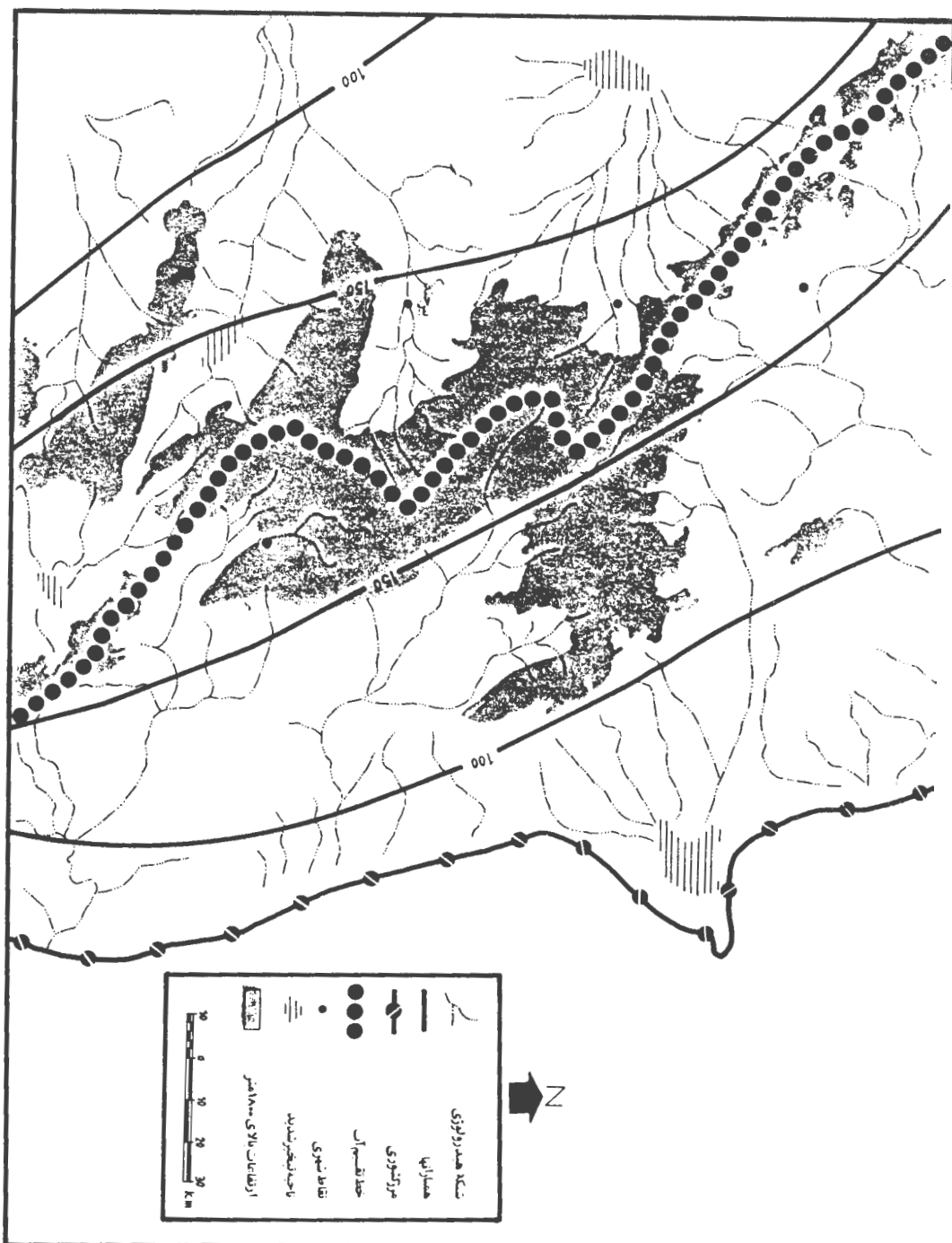
خط تقسیم آبی که از شمال شهرستان بیرجند به نواحی جنوبی آن وصل می شود و از قله ارتفاعات «مؤمن آباد» و «باقران» می گذرد، این ناحیه را به دو حوضه آبریز تقسیم می کند. بخش شرقی جزئی از «حوضه آبریز رودخانه های شرق ایران» است که قسمتی از جریانهای سطح الارضی آن به تبعیت از شیب عمومی زمین روانه افغانستان و چاله های شرقی ایران نظیر هامون صابری می شود.

نیمه غربی قسمتی از «حوضه آبریز کویر لوت» به شمار می رود که رود بیرجند یکی از شریانهای مهم آن محسوب می گردد. بخش مهمی از آبهای این حوضه به شنزارهای دشت لوت منتقل می گردد.

از آنچه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت:

- ۱- حجم آبهای سطحی کم است، به عبارت دیگر آبدهی آنها ناچیز است.
- ۲- آبهای سطحی، به غیر از بعضی قسمتها که در ارتفاعات جریان دارند، دائمی نیستند.

منابع: اطلس منابع آب ایران سری ۱ برگ شماره ۳ وزارت نیرو - سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۶۷



۳- منشأ تغذیه آب رودخانه‌ها معمولاً بارندگی است و چون نزولات جوی بطور ناگهانی می‌بارند، لذا جریان‌هایی سطحی معمولاً رژیم سیلابی دارند و قبل از آن که بتوان از آنها استفاده مناسبی، حداقل برای تغذیه منابع زیرزمینی به عمل آورد، از دسترس خارج شده به شنزارها و نمکزارها فرو می‌روند و یا از محدوده شهرستان خارج می‌شوند.

۴- سیلابی بودن جریان‌ات سطحی موجب تخریب قشر نازک خاک و تقلیل ظرفیت کشاورزی ناحیه می‌شود.

۵- فصل تابستان که زارعین بیشترین نیاز را به آب دارند، مصادف است با دوره کم آبی و احياناً خشکی بستر رودخانه‌ها.

۶- آب بسیاری از رودخانه‌ها به تبعیت از جنس کف دشتها و بعضی عوامل دیگر تلخ و شور هستند و وجود رودخانه‌های متعددی با عنوان «رودخانه شور» مؤید این مطلب تواند بود.

۷- رودخانه‌های بیرجند نه تنها به دلیل سیلابی بودن و ناگهانی بودن چندان مورد استفاده واقع نمی‌شوند بلکه بخش قابل توجهی از آب آنها یا از کشور خارج می‌شود و یا به چاله‌ها و شنزارها و دق‌ها سرازیر می‌شود.

با توجه به نیاز شدیدی که این منطقه به آب دارد لازم است با ابداع روشهای صحیح سیلابهای مزبور را مهار نموده، برای مصارف مختلف مورد استفاده قرار داد و یا حداقل از آنها برای تغذیه منابع تحت الارضی - که به شدت هم مورد تهدید قرار گرفته است - استفاده نمود.

با توجه به اهمیت منابع آب در شهرستان بیرجند، در گذشته بندهایی برای مهار آبهای سطحی احداث کرده‌اند که اهم آنها به شرح زیر است:

بند دره

این بند در ارتفاعات جنوبی بیرجند در یکی از دره‌های کوههای باقران ساخته شده است. در مورد این بند اختلاف است ولی عده‌ای تاریخ احداث آن را بین یکصد تا دویست سال پیش می‌دانند. «طول بند در حدود ۳۵ متر و عرض تاج سد بین ۳ تا چهار

متر و ارتفاع آن ۱۵ متر است. طول دریاچه سد در حدود ۲۰۰ متر و عرض آن در انتها ۱۵۰ متر است.

حجم دریاچه به طور تقریب در حدود ۱۵۰ هزار متر مکعب [می باشد] که نسبتاً کوچک است و در حال حاضر يك سرریز در بدنه بند تعبیه شده که عرض آن چهار متر و عمق آن ۵۰ سانتیمتر است. عمل آبیگری از بند به وسیله يك عدد برج آبیگر صورت می گیرد که دارای چهار عدد سوراخ در ارتفاعات مختلف می باشد... در پائین «بند دره» مجرای برای تخلیه سد در نظر گرفته شده که به وسیله آن محوطه مخزن را شستشو می کنند تا دریاچه پر نشود^{۲۲}».

بند عمر شاه

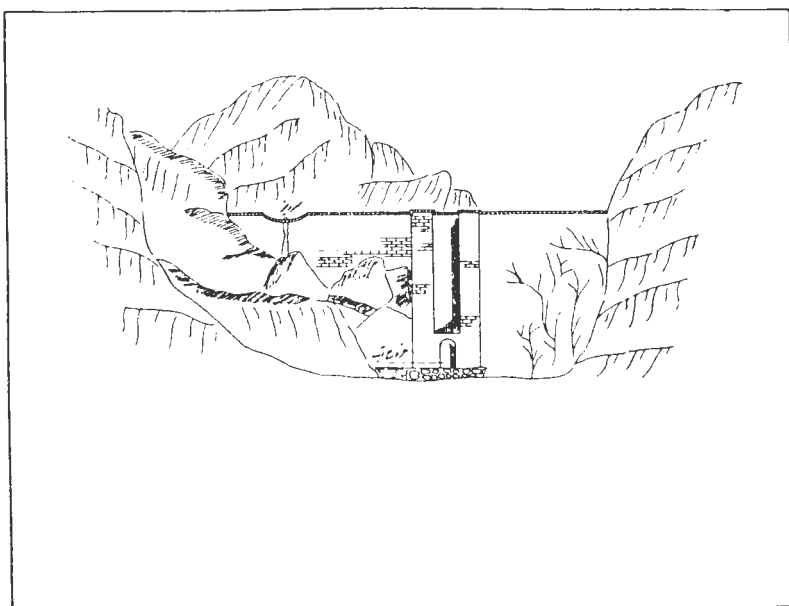
این بند نیز به فاصله کمی از جنوب بیرجند قرار دارد و سن آن را مانند «بند دره» بین یکصد تا دویست سال تخمین می زنند. «ارتفاع بند حدود ۳۵، طول بند در قسمت تاج ۳۲ و عرض آن ۴/۲۰ متر است. مصالح مصرفی در این بند سنگ و آجر می باشد... بند عمر شاه روی کالرد ملانژ (آمیزه های رنگین، دوران دوم) واقع شده و دارای يك برج آبیگر و ۷ دریچه (سوراخ) به فاصله ۱/۲ متر می باشد. ضمناً بند مزبور فاقد سرریز است^{۲۳}».

۲-۵- منابع آبهای زیرزمینی

با توجه به ناچیز بودن ریزشهای جوئی و عدم وجود رودخانه های دائمی در این ناحیه، برای پاسخ گویی به نیاز روزافزون مراکز جمعیتی و فعالیتهای کشاورزی، اهالی این منطقه به حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق روی آورده اند. حفر چاههای آب به طور عمده از دهه ۱۳۴۰ و همزمان با تغییرات اجتماعی و اقتصادی کشور و سرعت گرفتن روند افزایش جمعیت صورت گرفته است.

۲۲- وزارت آب و برق، آب و فن آبیاری در ایران باستان، ص ۲۵۳.

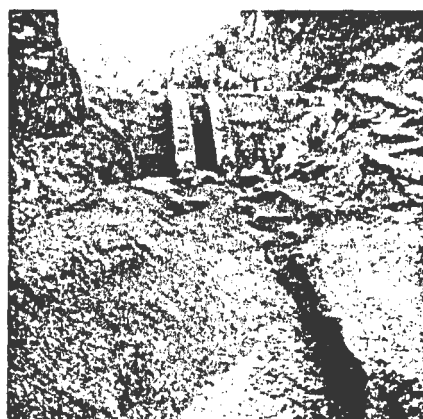
۲۳- سعدالله ولایتی، سعید توسلی، همان کتاب، ص ۲۷۶.



تصویر ۱- سد درّه در نزدیکی بیرجند
نمای سد از طرف پایاب*



تصویر ۳- بند درّه*



تصویر ۲- بند عمر شاه*

*- وزارت آب و برق، همان کتاب، ص ۲۵۸ و شکل‌های ۱۸۵ و ۱۸۷.

۴۹ □ کلیات جغرافیای طبیعی بیرجند

ادامهٔ نوع معیشت کشاورزی نیاز به آب را در محدودهٔ بیرجند شدت بخشیده است. هرز رفتن حدود نیمی از آبهای مورد استفاده که در اثر کاربرد روشهای سنتی و غیر اصولی صورت می‌گیرد، بر وخامت اوضاع افزوده است. جدول زیر مشخصات چندی از دشتهای مهم بیرجند را از نظر وضعیت منابع آبی نشان می‌دهد:

جدول ۵- وضعیت منابع آب در چند دشت از دشتهای بیرجند^{۲۴}

نام دشت	چاه		قنات		چشمه		کل تخلیه به میلیون مترمکعب (در سال)
	تعداد	تخلیه	تعداد	تخلیه	تعداد	تخلیه	
درمیان - گزیک (۱۳۶۲)	۲۰	۵	۳۴۵	۱۴۵	۱۵	۷	۱۵۷
سربیشه (۱۳۶۴)	۳۳	۱۸	۴۷	۱۴	۴	۰/۴	۳۲/۴
بیرجند (۱۳۶۸)	۱۷۷	۶۲	۵۶۰	۱۰۸	۵۵	۹	۱۷۹
مختاران (۱۳۶۸)	۱۳۲	۵۲	۱۹۰	۳۰	۱۴	۲	۸۴

در دشت بیرجند که مهمترین دشتهای این ناحیه به شمار می‌رود، تا سال ۱۳۴۸ تنها ۳۱ رشته قنات و ۲۴ حلقه چاه وجود داشته است لیکن در سال ۱۳۶۸ رقمهای مزبور به ۵۶۰ رشته و ۱۷۷ حلقه رسیده است. به عبارتی می‌توان گفت طی مدت ۲۰ سال (۱۳۴۸-۱۳۶۸) تعداد چاههای حفر شده در حوضه آبریز دشت بیرجند به ۷ برابر افزایش یافته است. این امر که حاکی از برهم خوردن تعادل اکولوژیک است به زودی نتایج ناخوشایندی به بار خواهد آورد. به عنوان نمونه باید به این واقعیت اشاره کنیم که طی سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۶ تعداد چاههای آب دشت مزبور از ۶۸ به ۸۱ حلقه افزایش یافته اما میزان آب استحصالی از ۳۱ میلیون تنها به ۳۲ میلیون مترمکعب رسیده است.

در مورد قناتها وضع از این هم بدتر بوده است. اولاً ظرف مدت ۲۰ سال (۱۳۴۸-۱۳۶۸) تعداد آنها ۱۸ برابر افزایش یافته است، ثانیاً بین سالهای ۱۳۵۶-۱۳۶۸

۲۴- سعدالله ولایتی، سعید توسلی، همان کتاب، صص ۲۶۸-۲۶۹.

رشته‌های مزبور ۵/۸ برابر افزایش یافته حال آن که میزان آبدهی آنها تنها ۲/۴ برابر شده است.*. مجموعه این وضعیت موجب شده است که سطح آبهای تحت‌الارضی دشت بیرجند سالانه بیست سانتیمتر پایین‌تر برود و دشت مزبور جزو دشتهای ممنوعه قرار گیرد.

جدول ۶- وضعیت منابع آب زیرزمینی در حوضه آبریز دشت بیرجند^{۲۵}
(تخلیه به میلیون مترمکعب)

منابع آب سال	چاه		قنات		چشمه		مجموعه تخلیه سالانه
	تعداد	تخلیه	تعداد	تخلیه	تعداد	تخلیه	
۱۳۴۸	۲۴	۱۰	۳۱	۱۴	-	-	۲۴
۱۳۵۴	۶۸	۳۱	۴۱	۲۵	-	-	۴۶
۱۳۵۶	۸۱	۳۲	۹۶	۴۴	-	-	۷۶
۱۳۶۳	۱۶۴	۵۱	۴۷۱	۱۶۵	۲۱	۱۳	۲۲۹
۱۳۶۸	۱۷۷	۶۲	۵۶۰	۱۰۸	۵۵	۹	۱۷۹

بطور کلی در مورد منابع تحت‌الارضی باید گفت، سفره‌های زیرزمینی از نظر حجم و قابلیت دسترسی و ترکیبات شیمیایی، تابع وضعیت زمین و جنس آن، بخصوص جنس کف دشتهای و ضخامت آنهاست. عمق برخورد به سطح آبهای زیرزمینی در دشتهای مختلف متفاوت است، به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

در دشت سریشه	از ۴ الی ۹۰ متر
در دشت درمیان	از ۱۰ الی ۷۰ متر
در دشت بیرجند	از ۲۰ الی ۱۵۰ متر ^{۲۶}

*- همزمان با افزایش تعداد چاههای آب و برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی، آبدهی قنات نیز پیوسته کاهش یافته، بسیاری از آنان به خشکی گراییده‌اند.

۲۵- همان کتاب، ص ۲۴۹.

۲۶- همان کتاب، صص ۵۰-۲۲۶.

ترکیبات شیمیایی آبهای تحت‌الارضی نیز تحت تأثیر جنس رسوبات تشکیل دهنده سفره‌های آبی دشتهای متفاوت است چنانچه در غرب دشت بیرجند و همچنین در دشت گیو و مختاران، آبهای تحت‌الارضی شور مزه هستند.

مطالعه‌ای پیرامون وضعیت بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی بیرجند نشان می‌دهد که استفاده از قنات در درجه اول اهمیت بوده که بی‌شبهه مسبوق به سابقه‌ای بسیار طولانی است، و با مراجعه به جدول پیشین روشن می‌شود که در حال حاضر نیز با وجود افزایش چاههای عمیق، قنات اولویت خود را همچنان حفظ کرده است، و این امری است که در مورد کلیه ذخائر تحت‌الارضی در سطح کشور صادق است.^{۲۷}

جدول مربوط به وضعیت آبهای زیرزمینی در چهار دشت «سربیشه»، «بیرجند»، «مختاران» و «درمیان - گزیک» نشان می‌دهد در برابر ۳۶۴ حلقه چاه، ۱۱۴۳ رشته قنات وجود داشته است.

در پایان این بحث مجدداً باید یادآور شویم در شهرستان بیرجند همانند سایر شهرهای جنوبی خراسان، خشکی اقلیم، بالا بودن درجه حرارت هوا، وزش بادهای شدید، کمی نزولات جوی، ناچیز بودن جریانات سطح‌الارضی و ذخایر تحت‌الارضی، همگی دست به هم داده وضعیت آب این شهرستان را با بحرانی انکارناپذیر مواجه ساخته است. سیر مداوم افزایش جمعیت و بالا رفتن میزان سرانه آب مصرفی، و گسترش سطح شهر و فضاهای سبز که نیاز به آبیاری دارند و همچنین افزایش سطح زمینهای زیر کشت بر وخامت اوضاع افزوده است، لذا بر کلیه اهالی محترم شهرستان بیرجند فرض است که موقعیت دشوار خود را درک نموده، ضمن تحقیق و بررسی در این زمینه و رهیابیهای صحیح علمی، نهایت صرفه‌جویی را در مصرف آب به عمل آورند. همچنین خطبای محترم جمعه و جماعات و اساتید محترم و معلمان گرامی در محافل عمومی و در سر کلاسهای درس اهمیت توجه به این مسأله را گوشزد نمایند، چه آب

۲۷- اکارت اهلرز، ایران- مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی، محمدتقی رهنمایی، مؤسسه جغرافیایی و

کارتوگرافی سحاب، سال ۱۳۶۵، ص ۱۶۳.

چیزی نیست که بتوان با واردات کمبودش را جبران نمود و با پایین افتادن سطوح آبهای زیرزمینی ضایعات جبران ناپذیری رخ می‌نماید که از آن جمله به نشست زمین و ایجاد شکاف در تأسیسات و ساختمانها باید اشاره کرد.

۶- پوشش گیاهی

بطور کلی مناظر اصلی پوشش گیاهی شهرستان بیرجند را به سه منطقه می‌توان تقسیم کرد:

۶-۱- پوشش گیاهی بیابانی و کویری

در این منطقه که میزان باران بین ۳۵ الی ۱۰۰ میلیمتر است به دلیل خشکی هوا و کمی ضخامت خاک و وجود ماسه‌زارها و نمکزارها و اختلاف شدید درجه حرارت روز و شب، گیاه چندانی مشاهده نمی‌شود، مگر گیاهانی که در برابر خشکی هوا و جنس نامساعد خاک مقاوم هستند. منظره عمومی زمین از نظر پوشش گیاهی بطور کلی برهنه است.

۶-۲- پوشش گیاهی نیمه بیابانی و کوهپایه‌ای

قسمت نیمه بیابانی و کوهپایه‌ای که مشتمل بر کوهپایه‌ها و سرزمینهای مجاور بیابانهاست و قسمت اعظم شهرستان بیرجند را دربر دارد، از نظر پوشش گیاهی مرتعی، به دو قسمت تقسیم می‌شود: مراتع غیر مشجر. مراتع مشجر که بخشی از مراتع جنگلی را دربر دارد.

نواحی کوهپایه‌ای و نیمه بیابانی به علت داشتن مقداری رطوبت که از بارش اواخر زمستان و اوایل بهار ذخیره شده و پراکندگی بذرهای گیاهان مختلف که در آغاز دوره گرما (بهار) سبز می‌شوند صحنه‌های زیبایی پر از گل‌های رنگارنگ تشکیل می‌دهند، اما این پوشش گیاهی عمر کوتاهی دارد زیرا دمای هوا به سرعت افزایش می‌یابد. علاوه بر این، در قسمت نیمه بیابانی و کوهپایه‌ای، جنگلهای نسبتاً فشرده‌ای از درختان جنگلی «تاغ» و «قیچ» و «اسکنبیل» و «کما» و «پدم» و «آتریپلکس» و «اسپند» و «درمنه» و

«بومادران» به وجود آمده است، مهمترین جنگلهای ناحیه نیمه بیابانی منطقه بیرجند عبارتند از:

- جنگل خور در غرب بیرجند (پوشش غالب از نوع «تاغ»).
- جنگل دُرُح در شرق بیرجند (پوشش غالب از نوع «قیچ» و «اسکنبیل»).
- جنگل چاهدر از در جنوب شرقی بیرجند (پوشش غالب از نوع «قیچ» و «اسکنبیل»).
- جنگل گود (چاهداش تاسلم) در جنوب غربی بیرجند (پوشش غالب «قیچ» و «تاغ»).
- جنگلهای شمال بیرجند (از نوع تاغزارهای طبیعی).

۳-۶- پوشش گیاهی کوهستانی

در ناحیه کوهستانی بیرجند شرایط مساعدتری جهت رویش گیاهان و دوام آنها وجود دارد اما نمی‌توان گفت که تمامی ناحیه از پوشش یکسانی برخوردار هستند بلکه بعضی از قسمت‌ها فاقد گیاه هستند (بخصوص در سنگلاخها و سراشیبهای تند کوهستانی).

در بیرجند جنگلهای تنک فاقد گیاهان زیر درختی و جنگلهای تنک با گیاهان زیر درختی مشاهده می‌شود که درختان آنها از نوع برگ پهن و سخت چوب خزان‌دار می‌باشند. این درختان عبارتند از: «بنه»، «بادام»، «بیدمشک». علاوه بر موارد ذکر شده به هنگام بهاران در بستر رودخانه‌هایی که آب شور دارند، گزستانهای زیادی می‌توان مشاهده کرد^{۲۸}.

بر اساس نقشه پوشش گیاهی ایران^{۲۹}، بخش عمده شهرستان بیرجند به تبعیت از کل منطقه و حتی بخش اعظم ایران، از جامعه‌آستپی درمنه و گون (Vegetation Steppique)

۲۸- جهاد دانشگاهی مجتمع آموزش عالی بیرجند، مختصری در مورد شهرستانهای جنوبی خراسان، مجموعه مقالات سمینار بررسی موانع و عوامل پیشرفتهای فرهنگی و آموزشی سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان، به کوشش دکتر جمشید درویش، ۱۳۶۶، صص ۴۵۹-۴۵۷.

۲۹- و. ترگوو و «صادق مبین»، نقشه گسترش گیاهی ایران، دانشگاه تهران.

(*Artemisia Astragalus*) پوشیده شده است و ارتفاعات، محل رویش جامعه تنگرس (بادام وحشی) (*Crataegus* و *Berberis* و *Amigdalus rerteri*) می باشد که در نقاط مرتفعتر به جامعه بنه (سقز) (*Pistacia mutica*) تبدیل می شود. در نقاط پراکنده ای از غرب و جنوب غربی، جامعه شور و نمکزار (*Vegetation halophile*) مشاهده می شود.

مساحت مراتع شهرستان بیرجند ۲۰۰,۰۰۰, ۱ هکتار برآورد شده است^{۳۰} لیکن علی رغم وسعت زیاد کیفیت چندان مطلوبی ندارد. علت این امر چند چیز است از قبیل: قلت بارندگی، نامناسب بودن رژیم بارندگی، بالا بودن ضریب خشکی هوا، طول دوره خشکی، وزش بادهای گرم و خشک.

علاوه بر عوامل طبیعی، عوامل انسانی نیز به کاهش سطح مراتع و پایین آمدن کیفیت آنها کمک کرده است. اختصاص قسمتهایی از مراتع به کشتهای دیمی موجب کاهش وسعت مراتع و افزایش شدت چرا در مراتع باقی مانده می شود. همین طور چرای بی رویه و استفاده از پوشش گیاهی مراتع به عنوان سوخت (به خصوص در سالهای اخیر و به دلیل مهاجرت آوارگان افغانی) از سایر عوامل تخریب مراتع به شمار می رود. کلیه این عوامل دست به دست هم داده مراتع ناچیز و بی کیفیت این شهرستان را رو به نابودی برده، مقدمات گسترش بیابانها را فراهم آورده اند. وسعت بیابانهای بیرجند در حال حاضر ۵,۰۱۹,۵۰۰ هکتار است^{۳۱}.

بخش قابل توجهی از این بیابانها در گذشته جزو مراتع خوب با ظرفیت چرای نسبتاً قابل توجهی بوده اند. بسیاری از این بیابانها «... هنوز آخرین رمق خود را حفظ کرده و استعداد لازم را برای احیاء، فراهم دارند و با اعمال مقررات قرق و انجام عملیات ذخیره نزولات آسمانی نظیر پخش آب پیتینگ، فاروئینگ، ایجاد برکه و احداث سدهای خاکی و آب بندها و بوته کاری و بذرپاشی می توانند احیاء شده و... در خودکفائی

۳۰- وزارت کشاورزی، اداره کل کشاورزی استان خراسان، برنامه توسعه کشاورزی استان خراسان،

۱۳۶۵، صفحه ۲۷۶.

۳۱- همان مأخذ، ص ۲۷۶.

فرآورده‌های دامی سهمی عظیم داشته باشند. با توجه به افزایش روزافزون جمعیت کشور و نیاز شدید به ارزاق عمومی و فراگیر شدن شعار خودکفائی و سوق اجباری دولت به جانب اتکاء به درآمدهای غیرنفتی شك نیست که روزی بالاخره نظر دولت و ملت ایران به بهره‌برداری از این بیابانها که منابع عظیم تولید علوفه و در نتیجه تأمین پروتئین مورد نیاز می‌توانند باشند متوجه خواهد شد^{۳۲}.

علاوه بر بیابانها، تپه‌های شنی نیز در این ناحیه دیده می‌شود که ارتفاع آنها گاهی به چند ده متر می‌رسد. وسعت این شنزارها را ۸۰,۰۰۰ هکتار برآورد کرده‌اند^{۳۳}. باید خاطرنشان کنیم به منظور تثبیت شنهای روان و جلوگیری از گسترش بیابانها، اقداماتی از طرف اداره کل منابع طبیعی استان خراسان صورت می‌گیرد که به عنوان نمونه می‌توان به بذرپاشی بیش از ۵۳۰۰ هکتار و نهال‌کاری بیش از ۲۰۰۰ هکتار از بیابانهای شهرستان بیرجند طبق گزارش سال ۱۳۶۹ اشاره نمود^{۳۴}.

با توجه به پایین بودن کیفیت پوشش گیاهی بیرجند و غلبه خشکی اقلیم و وسعت بیابانها و شنزارها مع‌هذا باید خاطرنشان کنیم که حدوداً ۱۲۰,۰۰۰ هکتار جنگل نیز دارد^{۳۵}. جنگلهایی که عمده از نوع «تاغ» و «قیچ» و درختچه‌های پراکنده «بادام وحشی» (بادامشك) می‌باشند. این جنگلها نیز بدون رعایت ظرفیت، فصل و مدت چرا مورد استفاده قرار گرفته و در معرض انهدام افتاده‌اند. این در حالی است که وجود جنگلهای مزبور برای این ناحیه خشك، مظهر رحمت الهی بوده، می‌تواند با جلوگیری از حرکت شنهای روان و سیلابها نقش مهمی در حفاظت خاک و تغذیه منابع زیرزمینی آب ایفا نماید.

گیاهان طبی

بعضی از انواع گیاهان طبی بیرجند را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۳۲- همان مأخذ، ص ۲۷۶.

۳۳- همان مأخذ، ص ۲۷۲.

۳۴- سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، معاونت آمار و اطلاعات. آمارنامه استان خراسان ۱۳۶۹.

۳۵- وزارت کشاورزی، اداره کل کشاورزی استان خراسان، همان مأخذ، ص ۲۷۶.

الف - گیاهان طبی نواحی غرب و جنوب غربی: گیاهان این منطقه از نوع گیاهانی هستند که ساقه‌های خاردار و زیانه‌های پر خار دارند و عموماً در ارتفاعات حاشیه کویر لوت دیده می‌شوند مانند:

- «بومادران»، «درمنه»، «شکاعی» (در نواحی هَمند).

- «گز»، «تاغ»، «اسپند»، «حنظل» و «شب‌بو» (در امتداد آبراهه‌های بصیران و سرچاه).

ب - دشتهای شرقی بیرجند: در ارتفاعات بین ۱۵۰۰ الی ۱۷۰۰ متر که از هوای سردتر و رطوبت بیشتر برخوردار هستند، گیاهانی از تیره «زنبق»، «لاله»، «کما» و گیاهانی از خانواده «گل سرخ»، «شمعدان»، «قارچ» و «دنبلان» دیده می‌شود.

ج - نواحی مرتفع جنوب و جنوب شرقی بیرجند: در این نواحی در ارتفاعات ۱۲۰۰ تا ۱۸۰۰ متری گیاهانی به شرح زیر وجود دارد:

«بابونه زرد»، «بومادران»، «دندان شیر»، «شب‌بو»، «قدومه»، «گل میمون وحشی»، «کاکوتی»، «میخک»، «قلیانک».

د - شمال و شمال شرقی: در این نواحی گیاهانی نظیر «شاه تره»، «شیر خشتو» و گیاهانی از خانواده «شب‌بو»، «سیب زمینی»، «میخک»، «گل میمون»، «چوبک» و در اطراف چشمه‌ها نمونه‌هایی از «ترشک»، «شقایق»، «گل سرخ»، «گل زرد» جلب توجه می‌کند.^{۳۶}

۷- زندگی جانوری

در نقشه زندگی جانوری ایران، شهرستان بیرجند با مناطق شرقی خراسان و شمال کرمان و اطراف دشت کویر و دشت لوت در یک تقسیم‌بندی قرار گرفته است. براساس مندرجات نقشه مزبور عمده جانوران این ناحیه بدین قرار است:

الف - پستانداران: از قبیل انواع آهو (آهوی زرد، جیران، غزال)، بز کوهی، قوچ و

میش کوهی، گرگ، کفتار، روباه، شغال، راسو.

ب- جوندگان: خرگوش (به صورت اجتماعی در بعضی نقاط)، انواع موش (موش صحرایی، موش خرما، موش کور، موش دوپا) و غیره.

ج- پرندگان: در بعضی ارتفاعات کرکس، لاشخورهای بزرگ، عقاب، بوم، لك لك، باز، باز شکاری، زاغی، کلاغ، قرقی، جغد، دارکوب، سبز قبا، دانه خوار، كبك، تیهو، انواع گنجشك، پرستو، كبوتر وحشی، قمری، باقرقره (سفیدسیاه).

د- انواع خزندگان و دوزیستان: سوسمارهای بزرگ در مناطق کویر (بز مچّه)، مارمولك، مارکبری، مارخاردار، افعیهای خطرناك، تیر مار، مارهای بزرگ شبیه بوآ، مار زنگی و سایر مارها، سنگ پشت، غوك، قورباغه، انواع سمندر و غیره.

ه- حشرات: انواع پشه، رطیل، انواع عقرب، مگس، زنبور، کرمها، پروانهها، سوسك.

و- ماهیها: ماهیهای آب شیرین، قناتها و رودخانههای داخلی^{۳۷}.

بخش دوم

جغرافیای انسانی

۱- سیری کوتاه در تاریخ و فرهنگ بیرجند

۲- ویژگیهای جمعیتی

۳- شهر بیرجند و ویژگیهای آن

سیرتاریخی شهر

بیرجند

مقارن
لعنوا اسلام

به استیلا آنگر و نژادها بیرجند
معدرت قصه ها کی که در دهانت

اواخر
دوره امویه

بیرجند به عنوان امیر نشین
قائیات انتخاب گردید

اواخر
قرن ۱۲ هجری

از پایا به شکاری و بیابانها
از طریق بیرجند

ادامیل
قرن ۱۲ هجری

دفع جنگ ها و در رود و فتح اقتصاد
امداد راه شعله و زاهدان
امدادات طایفه را به این در میان و اشکال
تجارت به سمت سوریا ایران
شبه و گشتن سر به در آمدن برای و گشتن به

رکود کتب و کار و تعلیم
تأثیرات آنها در بیرجند

آمار اطفال
شهر بیرجند

بنیفا
قرن ۱۳

از قد بیرجند به نسبت ارزند
شهر نشین اردم ۱۳۴۰

گشتن به تبار ریش
بیرجند حد و قفسه ها

۱- سیری کوتاه در تاریخ و فرهنگ بیرجند

۱-۱- جغرافیای تاریخی بیرجند

۱-۱-۱- نگاهی به قُهستان

ناحیه‌ای که بیرجند جزء کوچکی از آن را تشکیل می‌داده است و همزمان با سیر تاریخ نسبتاً پُر فراز و نشیب خود، این قصبهٔ كوچك را نیز به همراه کشیده است قهستان نام دارد. سرزمین مزبور ناحیه‌ای نسبتاً کوهستانی و ناهموار بوده است که به دلیل شرایط جغرافیائی و موقعیت مکانی اش در معرض حوادث و جریانات مختلف قرار گرفته، به خصوص در مسیر حوادث پس از ظهور اسلام نقش نسبتاً مهمی داشته است.

واژه قُهستان- این واژه را اکثراً مُعرب کُهستان دانسته‌اند که به دلیل محیط جغرافیایی خاص و وجود کوهستانها به آن اطلاق شده است^۱. قوهستان بر وزن کوهستان نیز گفته‌اند.

حدود قُهستان- ظاهراً در دوره‌های مختلف تاریخی یکسان نبوده ولی بطور کلی از ساختار طبیعی منطقه تبعیت داشته است. این ساختار عبارت است از منطقه کوهستانی

۱- ابوالفداء، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۵۱۲ به نقل از «المشترك» «یاقوت» همچنین

گسترده‌ای که از شمال غربی به دشت کویر و از جنوب غربی و جنوب به کویر لوت و از شرق به دشت ناامید و بیابانها و شوره‌زارهای غرب افغانستان کنونی، محدود می‌شده و ناحیه وسیعی را شامل گناباد، فردوس، طبس، قاین، بیرجند و نهبندان، در بر می‌گرفته است. البته این محدوده همزمان با تغییر و تحولات سیاسی و نظامی و قدرت و ضعف حکومت‌های مرکزی ایران تا حدودی تغییر یافته و گاهی تا کاشمر و تربت حیدریه کنونی و تربت جام و نواحی اطراف آنها تا جنوب نیشابور را دربر می‌گرفته است. دایرةالمعارف فارسی حدود قهستان را از شمال به نواحی جنوبی نیشابور و از جنوب شرقی به سیستان و از غرب و جنوب به کویر و از شمال شرق به هرات و از جنوب غربی به کرمان و یزد ذکر می‌کند.^۲ تاریخ قهستان تا حد زیادی در ارتباط با ویژگی‌های جغرافیایی این ناحیه قرار داشته است. اگر چه شهر بیرجند به عنوان يك ناحیه با سابقه شناخته نشده، لیکن نمی‌توان تصور کرد که این ناحیه یکسره خالی از اهمیت بوده است. ناحیه مزبور که محدوده وسیعی از خوسف (در غرب) تا طبس مسینا (در شرق) را شامل است، در مسیر راه‌های ارتباطی مهمی بوده است که صفحات جنوبی کشور را به هرات و نیشابور و خراسان بزرگ متصل می‌کرده است و بعید به نظر می‌رسد که از رهگذر این موقعیت جغرافیایی نصیبی نبرده باشد. به عبارت دیگر ناحیه مورد نظر در محل تلاقی سه ناحیه مهم به شرح زیر قرار داشته است: ناحیه خراسان بزرگ در شمال، نواحی داخلی فلات و صفحات جنوبی ایران در غرب و جنوب غرب، و ناحیه سند و سیستان در جنوب شرق. علاوه بر این، ناحیه بیرجند به واسطه وضعیت توپوگرافیکی و اقلیم نامساعد و همچنین دوری‌اش از مراکز سیاسی قدرت، زمینه‌ساز حوادث تاریخی خاص هم شده است.

هر يك از ویژگی‌های فوق به نوعی موجب يك سلسله حوادث و وقایع تاریخی خاص گردیده است. به عنوان مثال، موقعیت کوهستانی این ناحیه، آن راپناگاه نهضت‌هایی نظیر اسماعیلیان کرده است که با حکومت‌های وقت به مبارزه می‌پرداخته‌اند.

۲- شرکت سهامی کتاب‌های جیبی دائرةالمعارف فارسی، به کوشش غلامحسین مصاحب، ج ۲، ذیل ماده

خشکی اقلیمی و وجود بیابانهایی که به آب و هوای شبه جزیره عربستان شباهت دارد، از همان قرون اولیه اسلامی، توجه اعراب را به خود جلب نموده و منتهی به سکونت آنها در این ناحیه گردیده است. انزوای جغرافیایی این ناحیه نیز به نوبه خود، آن را به صورت مأمنی برای شیعیان که از جور خلفای عباسی و حاکمان وقت، گریزگاهی می‌جسته‌اند درآورده است. چنان که درباره این ناحیه گفته شده است «اکنون در میان مردمی که در خراسان زندگی می‌کنند و از دگرگونیهای زمانه به دور مانده‌اند، هنوز زبان کهن فارسی قرنهای چهارم و پنجم زنده است و هنگامی که توده مردم طبرستان، فردوس، گناباد، بیرجند، قاین، سرخس و کاشمر سخن می‌گویند گویی سخن بیهقی و بلعمی است که می‌شنویم».^۳

در عین حال باید اضافه کنیم که این منطقه کوهستانی از دستبرد و هجومهای مکرر مراکز که اطرافش را فراگرفته بودند در امان نبوده است. آلفونس گابریل در این باره می‌نویسد: «... در سراسر جنوب خراسان، غارت و دزدی انسانی جزو امور روزمره به شمار می‌رفت و همه از ترس هجوم ترکمنها از سمت شمال و افغانها از سمت شرق و بلوچها از سمت جنوب در رنج و عذاب بودند».^۴ اثرات این تاخت و تازها به صورت قلاع و خندقها و راهروهای زیرزمینی که بعضی از نواحی مسکونی را به یکدیگر و به قلعه بیرون شهر متصل می‌کرده است، و نیز سردابهایی که در داخل منازل تعبیه می‌کرده‌اند، قابل مشاهده است.

۱-۲- ناحیه بیرجند در دوره باستان

در این ناحیه جای پای تاریخ اساطیری ایران را فراوان می‌توان دید. بعنوان نمونه می‌باید به نقل قولهایی اشاره کنیم که بنای قهستان را به سام‌بن نریمان^۵ نسبت می‌دهند و

۳- دکتر علی شریعتی، راهنمای خراسان، الفبا، چاپ دوم ۱۳۶۲.

۴- آلفونس گابریل، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، خواجه نوری، ص ۲۴۲.

۵- حاج شیخ محمد حسین آیتی، بهارستان، دانشگاه مشهد، چاپ دوم ۱۳۷۱ ص ۷ (به نقل از احیاء

یا قهستان را بخشی از قلمرو فریدون، پنجمین پادشاه پیشدادی می‌دانند. وجود روستاهایی در شهرستان بیرجند نظیر «سلم آباد»^{*} و «فریدون» و «گیو»^{**} و بسیاری از این قبیل مؤید این گفته تواند بود.

در ناحیه بیرجند آثاری از وجود زرتشتیان نیز به دست آمده است که احتمالاً با ظهور اسلام و گریز آنها به صفحات شرقی کشور، تعدادشان در این جزیره کوهستانی، که به دلیل انزوای جغرافیایی اش مأمّن مناسبی هم به شمار می‌رفته، افزایش یافته است.

آثار و نشانه‌های فراوانی در این رابطه وجود دارد که از آن جمله می‌باید به کشف قبور زرتشتیان در روستاهایی مانند: گیو، آسیابان و درخش اشاره نمود که در مورد روستای اخیر گفته شده محل یکی از آتشکده‌های ایران بوده است. بعلاوه اسامی متعددی وجود دارد که مؤید حضور زرتشتیان در این نواحی می‌باشد، مانند: روستای آتشکده سفلی (در دهستان میغان) و روستای آتشکده علیا (در دهستان میغان) و روستای آتشکده (از روستاهای دهستان بصیران) و روستای روشنوند (از دهستان قیس آباد) و کوه آتشکده (در ۹۶ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند که راه ارتباطی بیرجند - زاهدان از دامنه غربی آن می‌گذرد)^{***} کشفیات اخیر، نکات روشنی را در شناخت پیشینه تاریخی این ناحیه عرضه نموده که سابقه تاریخی بیرجند را بسی دورتر می‌برد. این کشفیات که در سالهای اخیر صورت گرفته است نشان دهنده سنگ نگاره‌هایی است که بر روی صخره بزرگی به نام «لاخ مزار» نزدیک روستای کوچ از توابع بخش مرکزی

* - سلم نام یکی از فرزندان فریدون است.

** - گیو، پسر گودرز و از پهلوانان بزرگ ایران و از هم رزمان رستم بوده است. (به نقل از:

فرهنگ‌نامه‌های شاهنامه، ج ۲، ص ۹۳۴)

*** - هر چند افکار و اندیشه‌ها و مرامها و فرقه‌های باطل همچون قطعات کوچک یخ در برابر تابش اشعه نورانی و پُر حرارت خورشید اسلام تاب مقاومت نیاورده و ذوب شده‌اند. لیکن از دیرباز گروه‌های کوچکی از زرتشتیان در پناه حکومت‌های اسلامی به زندگی آرام خود ادامه می‌دهند که در حال حاضر تعدادشان در شهر بیرجند به پانصد نفر می‌رسد. (به نقل از: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند)

بیرجند حکاکی شده است. این سنگ نگاره‌ها شامل ۲۸ کتیبه با ۱۰ صورت انسان و ۹ نقش حیوان است که در ابعاد ریزی بر صفحات صاف سنگ نگاشته شده‌اند. علاوه بر اینها که بعضاً به مفاهیم اعتقادی و یا شخصیت‌های سیاسی (نظیر قباد پادشاه اشکانی) نسبت داده می‌شوند علائم تصویری چندی نیز به دست آمده است که سابقه تاریخی این سنگ نگاره را به دهها هزار سال قبل می‌رساند.

لوئی واندنبرگ در تحقیقات خود به غاری قدیمی اشاره می‌کند که توسط کارلتون باستان‌شناس آمریکایی مورد بررسی قرار گرفته است. وی این غار را کلی-آسپور-می‌نامد که در جاده بیرجند در ۲۰ کیلومتری جنوب قاین است.^۶

یکی دیگر از نشانه‌های قدمت تاریخی این ناحیه، در کال جنگال کشف گردیده است. «حوالی جنوب غربی شهر بیرجند در یازده کیلومتری شرق خوسف... در پشت تپه‌های خردزد و دهکده کوچک و زیبای ساق پیچوک آنجا که رشته کوه باقران آغاز می‌شود دره تنگ و باریک و ژرفی به نام کال جنگال دیده می‌شود... در این دره چند نوشته و یک پیکر و یک نیمه پیکر است که بر روی سنگها و دیواره کوههای آن کنده شده است.^۷ در کال جنگال تصویری از یک مرد دیده می‌شود که دست چپ را به کمر زده و با دست راست گوش شیری را گرفته است* همچنین نوشته‌های متعددی وجود دارد که به مرور زمان تخریب شده است و تنها نوشته‌ای که در تصویر مرد و شیر است سالم مانده و چنین خوانده شده است:

«بری ارتخستر نخوری خشترب»

معنی فارسی آن: «پور اردشیر نخور شهربان»^۸.

همان طوری که از کلمه اردشیر مستفاد می‌شود، نوشته مزبور متعلق به دوره ساسانیان می‌باشد. مشخصات مرد و شیری که در تصویر آمده است بشرح زیر

۶- لوئی واندنبرگ، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، ص ۱۵.

۷- م- مقدم، ایران کوده، صص ۶ و ۷.

* قابل ذکر است که در لایح مزار نیز تصویر شیر و تصاویر منسوب به پادشاهان اشکانی دیده می‌شود.

۸- همان، ص ۱۴.

اندازه‌گیری و ثبت شده است.^۹

مشخصات شیر	مشخصات مرد
پهنای تنه ۲۵ سانتی‌متر	قد (نیم‌خیز) ۱۵۰ سانتی‌متر
فاصله بین دست و پا ۳۰ سانتی‌متر	سینه ۳۰ سانتی‌متر
	چهره ۲۵ سانتی‌متر
	پنجه پا ۲۲ سانتی‌متر

این گونه کشفیات نشان‌دهنده نقش پناهگاهی ناحیه مزبور می‌باشد کما این‌که گفته می‌شود تصویر قباد اشکانی که در لایح مزار شناسایی شده است تنها می‌تواند بیانگر گریز وی به این ناحیه منزوی بوده باشد. اجسادى که درون غارهای بیرجند کشف شده است و داستانهایی که حکایتگر گریز شیعیان از چنگال مأموران بنی عباس و طاهریان و شهادت آنها در این نواحی بوده و در کتب تاریخی نیز ذکر شده است، همگی گویای نقش پناهگاهی ناحیه مزبور می‌باشد.

کشفیات اخیر باستان‌شناسان و توصیف مؤلف بهارستان از غار چنشت مؤید این گفته می‌باشد. وی در این باره می‌نویسد:

«در اواسط غار حوضی با آجر و آهک ساخته شده است، و در چند موضع با چوب ساختمانهایی شده و اجساد مُردگان در آن بسیار است که همچنانکه خشکیده و از هم نپاشیده به طوری که پیر و جوان از یکدیگر شناخته می‌شوند»^{۱۰}.

۱-۳- دوره اسلامی تا عصر مغول

ناحیه بیرجند به عنوان بخشی از قهستان، شاهد ورود طلایه‌داران حکومت اسلامی از همان قرن اول هجری بوده است. این ناحیه در مسیر اعرابی بوده است که شبه جزیره

۹- همان، ص ۸.

۱۰- حاج شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، ص ۲۰ (ضمناً می‌توانید مراجعه کنید به توصیف کاملتر:

آلفونس گابریل، عبور از صحاری ایران، فرامرز نجد سمیعی مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی،

۱۳۷۱. ص ۲۵۳).

عربستان را به قصد نواحی مختلف خراسان بزرگ و ماوراءالنهر پشت سر گذاشته‌اند. انتخاب این مسیر به وسیله اعراب، توسط مُحققان مختلف مورد تأیید قرار گرفته است و در حال حاضر هم وجود روستاهای عرب‌نشین و حتی دهستانی به نام عربخانه، در جنوب بیرجند، مؤید این گفتار تواند بود.

علت این انتخاب برای اعراب صدر اسلام که از جنوب غربی ایران و از خوزستان وارد می‌شدند این بوده است که اقلیم گرم و خشک صفحات جنوبی ایران و بیابانهای آن را بیش از عرضهای شمالی ایران با خُلق و خو و عادات و امکانات خود مُنطبق می‌یافته‌اند. لذا به عوض بُردن دیواره کوهستانی زاگرس که سراسر غرب ایران را سد کرده بود، از خوزستان به کرمان و از آنجا به جنوب قهستان آمده، خود را به نقاط مهم خراسان بزرگ می‌رساندند.

این مقوله زمانی روشتر می‌شود که در نظر بیاوریم از جمله راههای ارتباطی جنوب به جنوب شرقی و شرق ایران، راهی بوده است که از خیص (در شرق کرمان فعلی) به جنوب قهستان یعنی به قاین می‌آمده و از آنجا به هرات و نیشابور می‌رفته است. برای آن که اهمیت این ناحیه روشتر شود باید به گفته یاقوت حموی اشاره کنیم که طَبسان را دروازه ورود اعراب به خراسان می‌نامد^{۱۱}.

او همچنین از ابوالحسن علی بن محمد مدائنی چنین نقل می‌کند:

«... اول فتوح خراسان الطَّبسان و هما بابا خراسان و قد فتحها عبدالله بن بُدَیل بن ورقاء فی ایام عثمان بن عفَّان سنه ۲۹ ثم دخلوا الی خراسان^{۱۲}» مؤلف کتاب بهارستان در ضمن شرح واقعه تشریف حضرت جوادالائمه امام محمد تقی (ع) به خراسان از قول بیهقی و شیخ صدوق (ره) و برخی از راویان دیگر، مسیر این تشرّف را از طریق بصره،

۱۱- شهاب‌الدین یاقوت حموی، المعجم البلدان، المجلد الرابع، بیروت، ۱۳۷۶ هـ. ق. ذیل ماده طَبسان

که مُراد طَبس عَناب و طَبس خرماست. طَبس عَناب که به دلیل وفور عَناب به این عنوان نامیده شده در شرق بیرجند است و در حال حاضر طَبس مسینا نامیده می‌شود. طَبس خرما که همان طَبس کنونی است به فاصله زیادی در شمال غربی بیرجند و در حاشیه دشت کویر قرار دارد.

۱۲- همان، ذیل ماده طَبسان.

اهواز، کرمان و قهستان ذکر کرده که سپس به نیشابور و مرو مُتّهی می‌شده است. در این جا لازم است توضیح بیشتری دربارهٔ اعراب ناحیه بیرجند داده شود: اعراب عربخانه بیرجند و عربهای خزائی را که اغلب در بیرجند و قائنات اقامت دارند و عربهای زنگونی را که طایفه‌ای از عربهای شیبانی بوده، مدتی هم در تون (فردوس) و طبس حکومت داشته‌اند از بازماندگان سپاهیان حازم بن خزیمه می‌دانند که در سال ۱۵۰ هجری به دستور منصور خلیفه عباسی به سرکوبی قیام استاذسیس مبادرت ورزیدند.^{۱۳}

دربارهٔ قیام استاذسیس به همراهی حریش سیستانی و ماجرای سرکوبی وی، التون دانیل چنین می‌نویسد: «... به نظر می‌رسد که استاذسیس و پیروانش زمانی حامی عباسیان بوده و با لشکریان آنها همکاری می‌کرده‌اند، سپس به دلیل نامعلومی تصمیم گرفتند که روابط خود را با عباسیان برهم بزنند و سر به شورش بردارند... به گفتهٔ بلعمی، استاذسیس اصلاً از خوارج سیستان بوده و به بادغیس مهاجرت کرد و توانست مردم را به پیوستن به شورشی خارج‌چی بخواند... شورشیان... توانستند بعضی از سرانی را که عباسیان برای سرکوب ایشان می‌فرستادند شکست دهند... سرانجام منصور سردار کهنسال، حازم بن خزیمه را به نیشابور گسیل داشت و استاذسیس به قولی کشته و به قولی دستگیر شد»^{۱۴}.

دربارهٔ تاریخ سکونت برخی از اعراب این ناحیه، به زمان نادرشاه نیز اشاره شده است. چنانچه مؤلف محترم بهارستان، اعراب عربخانه بیرجند را به زمان وی نسبت می‌دهد و معتقد است در آن زمان از خوزستان به این ناحیه کوچانده شده‌اند.^{۱۵}

از نظر توزیع جغرافیایی اعراب، مؤلف دائرةالمعارف قاین می‌نویسد: «از چند منطقه می‌توان نام برد که اعراب برای سکونت قبایل مهاجر برگزیدند. یکی در جنوب قاین، حومهٔ بیرجند (عربخانه) و دیگری شمال و شمال شرق قاین، خذری- (دشت بیاض) و اطراف بزَن آباد زیر کوه. در حومهٔ بیرجند قبیلهٔ خزیمه و بستگان حازم سکونت

۱۳- سیدعلی میرنیا، ایلها و طایفه‌های عشایری خراسان، نسل دانش، ۱۳۶۹، صص ۱۵۵-۱۵۱.

۱۴- التون دانیل، تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان، مسعود رجب‌نیا، شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۵.

۱۵- حاج شیخ محمدحسین آینی، همان کتاب، ص ۲۷.

داشتند که تاکنون نیز ادامه یافته و تیره‌هایی از آنان منشعب گردیده و مصدر امور سیاسی - نظامی بوده‌اند. در دشت بیاض قبیلهٔ ثقفی‌ها زندگی می‌کردند که تا زمان طاهریان و قدری بعد از آن نام و یادشان در تاریخ دیده می‌شود^{۱۶}. در فاصلهٔ قرن پنجم تا قرن هفتم هجری که مقارن عصر مغول است مهمترین حوادث قابل ذکر که با موقعیت جغرافیایی این ناحیه بی‌ارتباط نبوده - توسط اسماعیلیان شکل گرفته است.

اثرات جغرافیایی حضور اسماعیلیه در این ناحیه به صورت قلعه‌ها و استحکاماتی چند، هنوز باقی است، ضمن آن که تعداد قلیلی از طرفداران آنها نیز در بعضی از روستاهای بیرجند حضور دارند. لذا جا دارد توضیحی مختصر در این باره داده شود. ظهور اسماعیلیه را هر چند از قرن دوم هجری می‌دانند* لیکن تا قرن پنجم حضور چندان مؤثری در قهستان نداشتند.

«در سال ۱۱۰۲-۱۱۰۱ (مطابق ۵-۴۸۴ هجری) حسن صباح برای برانگیختن مردم این ناحیه، به پشتیبانی از اسماعیلیان و بسط قدرت اسماعیلی، يك نفر داعی به آنجا گسیل داشت این داعی حسین قایینی نام داشت... که خود از مردم قهستان بود. دعوت وی با موفقیت آنی روبرو شد. اهالی قهستان از حکومت سلجوقیان به تنگ آمده بودند... در نتیجه مردم با اسماعیلیان متحد شدند^{۱۷}». مؤلف تاریخ اسماعیلیه می‌نویسد: «قهستان به دلیل شرایط نامساعد طبیعی مورد توجه نبوده و از نظر جغرافیایی نیز منزوی از سایر نواحی بوده است. این خصوصیات به انضمام وجود کوهستانهایی که اگر چه چندان مرتفع نبودند لیکن این ارتفاعات دور از حکومت مرکزی ایران، مأمن مناسبی در شرق

۱۶- سید محسن سعیدزاده، دایرةالمعارف قاین (بخش تاریخ)، تابستان ۱۳۷۱، ۱۰۴-۱۰۳.

* «اسماعیلیه فرقه‌ای از شیعه که امامت را بعد از امام جعفر صادق (ع) (وفات ۱۴۸ هـ. ق) حق پسر بزرگ او اسماعیل بن جعفر (وفات ۱۱۴۳) می‌دانند. و آنرا هم به اسماعیل ختم می‌کنند این فرقه در طول تاریخ به جهات متفاوت و گاه در بلاد مختلف به نامهای گوناگون مانند فاطمیان - باطنیان - باطنیه - تعلیمیه - فدائیان - حشیشیه - سبعیه یا هفت امامی، ملاحدّه و حتی قرامطه مشهور شده‌اند... بقایای اسماعیلیه هنوز در سوریه (سلمیه و طرطوس) و ایران (خراسان و کرممان) و افغانستان (بدخشان و شمال جلال آباد) و ترکستان و هند و شرق آفریقا وجود دارند.» نقل از: دایرةالمعارف فارسی، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۱۴۷.

۱۷- برنارد لوتیس، تاریخ اسماعیلیان، فریدون بدره‌ای، طوس، ۱۳۶۲، ۱۹۵.

کویر برای آنان را فراهم آورده و موجب توجه بیش از پیش آنان به قهستان گردیده لذا این ناحیه بعد از الموت مهمترین پایگاه اسماعیلیان شده به طوری که از میان داعیان و مبلغین اسماعیلی، علاوه بر حسین قاینی که نقش بسیار مهمی داشته است، به نام کسان دیگر نظیر ملا حسین قاینی - ملا رستم قاینی و میرزا کوچک قاینی برخورد می‌شود»^{۱۸}. کار اسماعیلیان در قهستان بالا گرفت تا حدی که «در قسمت شرق قهستان، مانند رودبار اسماعیلیان موفق به ایجاد يك دولت محلی شدند»^{۱۹}.

قلمرو اسماعیلیان محدوده وسیعی از قهستان را که از ترشیز (کاشمر) تا نیه (نهبندان) امتداد داشته، دربرمی گرفته است. برنارد لوئیس در این باره می‌نویسد: «ناحیه اسماعیلیان به قهستان بسیار گسترده بوده و از چندین شهر که مهمتر از شهرهای رودبار بود تشکیل شده بود»^{۲۰}. این شهرها عبارت بوده‌اند از: «زوزن - قاین - طبس - تون»^{۲۱}. پل‌آمیر طبس و قاین را در میان شهرهای مزبور، واجد اهمیت بیشتری می‌داند^{۲۲}.

همین امر نیز موجب شده است در جریان سرکوبی اسماعیلیان به دست سلجوقیان و مغولان شهرهای مزبور بیش از سایر شهرها دچار خسارت و خرابی شوند. شهر طبس تاوان حمایت از ملحدان اسماعیلی را پرداخت. سنجر (پادشاه سلجوقی) لشکر گران و کاملاً مجهزی که فرماندهی آن به عهده یکی از اُمرای بزرگ وی بود علیه اسماعیلیان به قهستان فرستاد. سپاهیان دهات و آبادیهای آنجا را ویران کردند و سپس طبس را که پایگاه عمده اسماعیلیان بود در حصار گرفتند. با استفاده از جراثقال بیشتر دیوارهای شهر را خراب کردند^{۲۳} و نیز سه سال بعد از این تاریخ مجدداً «... سپاهیان سلجوقی طبس و دیگر قلاع اسماعیلی را گرفته ویران ساختند و ماندگاههای اسماعیلیان

۱۸- الکساندر سیمونف، تاریخ اسماعیلیه، محمدبن زین العابدین خراسانی فدائی، ص ۱۳۱.

۱۹- برنارد لوئیس، همان کتاب، ص ۱۹۶.

۲۰- همان، ص ۲۹۳.

۲۱- همان، ص ۱۹۶.

۲۲- پل‌آمیر، خداوند الموت، ذبیح‌الله منصوری، ص ۱۹۳.

۲۳- تاریخ اسماعیلیان، ص ۲۰۴.

را غارت کردند و عده‌ای از ساکنان را به اسارت بردند^{۲۴}. تون نیز به مجازات خود رسید و «... از طرف سرداران هلاکوخان در اردوگشی بر علیه اسماعیلیه بر باد غارت رفت^{۲۵}». در مجاورت ارگ سابق تون که در قرن سوم هجری توسط عمرولیث صفاری بنا گردیده است تپه‌ای وجود دارد که در زمان حمله هلاکوخان ۴۰/۰۰۰ تن از اسماعیلیه را در آنجا قتل عام کردند و به دستور هلاکو از کشته‌های آنها تپه‌ای ساختند، تخت او را بر روی آن قرار دادند که آن تپه به تخت هلاکوخان شهرت یافته است^{۲۶}.

از این رقم می‌توان تعداد تقریبی ملاحده قهستان را برآورد نمود. پل آمیر تعداد آنان را در زمان حسن صباح بیش از ۶۰ هزار تن ذکر می‌کند^{۲۷}. همچنین از تعداد قلاع اسماعیلیان می‌توان این تخمین را به یقین نزدیکتر نمود. لسترنج می‌نویسد:

«در اواسط قرن هفتم، هلاکوخان به دفع اسماعیلیه برخاست و چنانکه گویند سپاهیان او هفتاد دژ اسماعیلیه را در ایالت قهستان فتح کردند^{۲۸}».

بعضی از این قلاع هنوز هم در قهستان وجود دارد، مانند قلعه رستم و حوض غلام‌کش در ارتفاعات باقران بیرجند.

به هر حال از اواخر قرن پنجم هجری (۴۸۵) که به دلیل عدم توانایی نیروهای مردمی در دفع فتنه اسماعیلیان، نیروهای عظیم سلجوقی وارد صحنه شدند، تا اوایل قرن هفتم که مغولان بر ایران یورش آوردند، اسماعیلیان همچنان درگیر نزاعهای بیهوده با سلجوقیان و خوارزمشاهیان بودند. تا این که سرانجام طومار آنها به دست هلاکوخان مغول درهم پیچید. بدین ترتیب اسماعیلیان قهستان مانند سایر مکاتب باطل به سرانجام محتوم خویش گرفتار شدند، در حالی که بازتاب جغرافیایی حضور آنها در قهستان به صورت ویرانی شهرها و کور شدن قنوات و آسیب دیدن توانهای محیطی و اشاعه فقر و

۲۴- همان، ص ۲۰۴.

۲۵- سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، ص ۱۵۰.

۲۶- دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۶، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰، ذیل ماده فردوس.

۲۷- خداوند الموت- ص ۱۳۹.

۲۸- گی. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، محمود عرفان، ص ۳۸۰.

بیکاری و تنزل رقم نفوس و مهاجرت‌های ناخواسته به همراه معدودی از هواداران پراکنده و ویرانه‌هایی از قلاع سابق، در سطح منطقه برجای ماند*.

۱-۴- بیرجند بعد از حمله مغول

حمله مغول در اوایل قرن هفتم هجری مصائب فراوانی به خصوص برای خراسان به بار آورد. مورخان درباره اوضاع و احوال این بخش از ایران چنین نوشته‌اند: «خراسان بیش از دیگر نواحی آسیب دید... در خلال اولین حمله مغول به خراسان در سالهای ۶۲۰-۶۱۷ هـ. ق قسمت اعظم اهالی شهرها و نواحی روستایی یا کشته شدند یا توسط عمال مغول به بردگی گرفته شدند و نیز اکثر شهرها و قلاع با خاک یکسان گردیدند. فاتحان کسی را آسوده نگذاشتند. جوینی می‌گوید: که تولی در عرض ۲ ماه اکثر نواحی خراسان را غارت کرد و آنها را مانند کف دست گردانید... طبق گفته شاعر «نزاری» تعدادی از روستاها هنوز در قهستان سالهای هفتاد [۶۷۰ هجری] متروک بود و شهر قاین هنوز بدون آب سر می‌کرد. در تون ۱۲۰۰۰ نفر به خاک و خون کشیده شده و تمام اسماعیلیان قهستان به فرمان هلاکو قتل عام گردیده بودند»^{۲۹}.

چنین می‌توان استنباط نمود که درگیریها و نزاعهایی که به واسطه وجود اسماعیلیان، از حوالی قرن ششم تا قرن هفتم هجری در این نواحی به وقوع پیوسته است اگرچه موجب ویرانی بسیاری از شهرها و تخریب قنوات و مهاجرت ساکنین شهرها و روستاها به دیگر نقاط گردیده ولی به نوبه خود موجب توجه بیش از پیش به نواحی اطراف بیرجند و خود بیرجند که تا این زمان قصبه کم اهمیتی بیش نبوده و از غایله

*- در حال حاضر تنها ۵۰ خانوار اسماعیلی در خود شهر بیرجند و ۲۰۰-۳۰۰ خانوار هم در نقاط روستایی اطراف این شهر به سر می‌برند. ر. لک: مریم معزی، اسماعیلیان ایران (از سقوط الموت تا امروز با تکیه بر دوران معاصر)، پایان نامه کارشناس ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی (مشهد)، ۱۳۷۱، صص ۳۱۲-۳۱۵.

۲۹- پطروسفسکی و دیگران - تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول - یعقوب آژند - مؤسسه اطلاعات صص ۷-۹.

اسماعیلیان نیز به دور بوده گردیده است. به طوری که بنا به قول لسترنج برای اولین بار در همین قرن است که نام بیرجند در اسناد تاریخی ذکر می شود.^{۳۰}

یاقوت حموی متوفای ۶۲۶ هـ.ق در این زمان از بیرجند به عنوان یکی از قرای قهستان یاد کرده می گوید: «بیرجند: به کسر اول و فتح الجیم و سکون النون: أحسبها من قری قوهستان؛ ینسب الیها الحسین بن محمد بن احمد بن محمد بن اسحاق بن محمد بن منازل البیر جندی ابوالقاسم؛...»^{۳۱}

پس از این تاریخ، مؤلف گمنام تاریخ سیستان نیز، نام بیرجند را در خلال حوادث سال ۶۸۸ هجری ذکر نموده است.^{۳۲}

تاریخ ساخت قدیمی ترین بنای شهر بیرجند - یعنی مسجد جامع - که حدوداً به قرن ششم و هفتم هجری نسبت داده می شود و تاریخ تحریر اثری که یاقوت حموی برای اولین بار، در آن اثر، نام بیرجند را برده است، نشان می دهد که از حدود قرن ششم و هفتم هجری بیرجند وارد مرحله جدیدی از حیات خود گردیده است.

در قرن هشتم هجری حمدالله مستوفی از طبس مسینا و خوسف که در شرق و غرب این ناحیه قرار دارند به عنوان کانونهای شهری یاد کرده است.

در قرن نهم هجری «حافظ ابرو» از نهارجان - شاخن - مؤمن آباد - طبس مسینا^{۳۳} که جملگی در محدوده کنونی شهرستان بیرجند قرار دارند به عنوان نواحی مهم و از ناحیه بیرجند به عنوان ناحیه ای کم اهمیت نام برده است.

۱-۵- بیرجند از دوران صفویه تا عصر حاضر

هر چند نام بیرجند از قرن هفتم هجری مطرح شده لیکن تا دوران صفویه یعنی

۳۰- جغرافیای تاریخی سرزمینهای...، ص ۳۸۷.

۳۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۴.

۳۲- تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعرای بهار، مؤسسه خاور، تهران ۱۳۱۴ هـ. ش، ص ۴۰۶.

۳۳- حافظ ابرو، جغرافیای خراسان در تاریخ حافظ ابرو، به تصحیح دکتر غلامرضا ورهرام، مؤسسه

اطلاعات، سال ۱۳۷۰، صص ۳۲-۳۰.

قرن دهم و یازدهم هجری هم چنان به صورت قصبه‌ای نه چندان مهم بوده است. از این زمان فصل جدیدی در تاریخ این شهر گشوده می‌شود.

علل این امر را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- یکی رسمیتی است که صفویان برای مذهب تشیع قایل شدند. و در نتیجه قاینات که پیش از این پناهگاه شیعیان به شمار می‌رفت مورد توجه بیشتری قرار گرفته، قبور متبرکه آن، آباد و مرکز رفت و آمد زائرین گردید.

به عنوان نمونه می‌باید از مزار منسوب به شاهزاده عبدالله بن موسی در قریه کارشک که نسبت شریف ایشان با سه واسطه به حضرت امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد نام برد. در این مزار شمعدانیهای فلزی وجود داشته که از طرف سلاطین صفوی هدیه شده، نام بعضی از آنها مانند شاه سلیمان صفوی بر آن شمعدانها نقش بوده است^{۳۴}.

- دیگری رواج اقتصاد تجاری است که صفویان نسبت به آن اهتمام بسیاری نشان می‌دادند. رونق داد و بستد و فزونی کاروانهای تجاری، برای این ناحیه در انزوا افتاده که فاقد امکانات طبیعی مناسب نیز بوده، فرصت مناسبی جهت رشد اقتصادی و توسعه کشت و کار و افزایش تولید و فعالیت، فراهم آورده است.

- ناامنی یکی از عوامل مهمی بوده است که در عقب ماندن این بخش از کشور ما سهم بسزائی داشته است. از قرن هفتم به بعد و بلکه تا عهد صفویه، این وضع تشدید شده، و بر یورشهای افاغنه و بلوچها که به طور پیوسته صورت می‌گرفت، مغولان و تیموریان نیز افزوده شده بودند. در عهد صفویه به این ناامنی خاتمه داده شد. چنانچه گزارش زیر از قریه درخش که یکی از مراکز سکونت نسبه مهم بیرجند بوده است، نمونه‌ای از این دست را ارائه می‌دهد: «قریه مرکزی درخش هزار نفر جمعیت دارد و یک قلعه کهنه قدیمی دارد و روی تمام پشته‌های اطراف آن نیز برج و بارو ساخته‌اند. تنها ساختمان آجری این آبادی مسجد معروف به مسجد ازبکهاست که در حدود ۲۰۰ سال پیش، این حوالی را در تصرف داشته و بالاخره به وسیله نیروهای شاه عباس از این حدود

۳۴- حاج شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، ص ۱۳۱.

خارج شده‌اند»^{۳۵}.

- یکی دیگر از علل اهمیت بیرجند در عصر صفویه را مرحوم آیتی چنین ذکر می‌کند: «در اعصار قدیم، بیرجند قصبه‌ای بوده که مدرسه و چند حمام و بازاری کوچک داشته و عدهٔ نفوسش بالغ بر ۵۰۰۰ نفر بوده‌اند. و از عهد صفویه که خانوادهٔ امیریه امارت یافته و در آن جا مستقر شدند* روی به تزیید و اعتبار گذاشته است»^{۳۶}.

بدین ترتیب بیرجند تدریجاً اهمیت یافته جایگزین شهر پرسابقهٔ قاین گردید. تقسیماتی که منسوب به دورهٔ صفویه است و قاین به عنوان یکی از بلوک بیرجند محسوب شده است، به نوبهٔ خود نشان دهندهٔ این جایگزینی تواند بود. محمدعلی منصف تقسیمات مزبور را چنین توضیح می‌دهد:

«این شهرستان (بیرجند) ... در گذشته و شاید از زمان صفوی به نه و نیم بلوک تقسیم می‌شده و آن نه و نیم بلوک مجموعاً قاینات نام داشته و به قرار زیر بوده است.

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱- بلوک شهاباد و خوسفرو | ۶- بلوک عربخانه و مختاران و هردنگ |
| ۲- بلوک پسکوه قاین و چرمه و بیهود | ۷- بلوک زیرکوه و زهان |
| ۳- بلوک القور | ۸- بلوک نه و بندان |
| ۴- بلوک شاخن | ۹- بلوک قاین |
| ۵- بلوک مؤمن آباد و سربیشه | ۱۰- بلوک نیم بلوک ^{۳۷} |

۳۵- سرپرسی سایکس، هشت سال در ایران، حسین سعادت نوری، چاپ نوری، چاپ ارمغان، ۱۳۱۶،

ص ۲۶۵.

*- با استناد به این جمله کتاب بهارستان و نیز نوشته مؤلف سی و دو مقاله جغرافیائی انتخاب بیرجند به عنوان حاکم‌نشین ولایت قاینات، در زمان صفویه صورت گرفته است، حال آنکه دائرةالمعارف فارسی تاریخ این انتخاب را سال ۱۲۷۷ هـ.ق ذکر نموده است که در عصر قاجاریه واقع می‌شود (ر. ک: دائرةالمعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۰۹۴).

۳۶- حاج شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، صفحه ۱۱.

۳۷- محمدعلی منصف: امیر شوکت الملك علم، ص ۱۳.

در آغاز قرن سیزدهم هجری یعنی در سال ۱۲۰۸، مؤلف بستان السیاحه، از بیرجند که تا این زمان قریه یا قصبه نامیده می‌شده است، به عنوان قصبه‌ای شهر مانند یاد می‌کند قصبه‌ای که به عوض قاین، حاکم‌نشین ولایت قاینات گردیده است:

«بیرجند به کسر اول و سکون راء و فتح جیم و نون مع الدال، قصبه‌ایست شهر مانند، دارالملک قهستان و از توابع خراسان است. گویند قرب ۴/۰۰۰ خانه در اوست و نواحی بسیار مضافات اوست، آبش از کاریز و هوایش معتدل و به گرمی مایل، مردمش همگی شیعه و حاکمش از طایفه عرب، خالی از مردمی نباشند و خاطر درویشان را به تیشه جفا نخرانند. نمد بیرجندی مشهور است»^{۳۸}.

لغت نامه دهخدا از قول گلداسمیت، جمعیت شهر بیرجند را در اواسط این قرن ۱۵/۰۰۰ نفر ذکر می‌کند^{۳۹}، ملک گرگر که از طرف دولت انگلستان برای تهیه اطلاعاتی درباره جغرافیای نظامی ایران به این نواحی سفر کرده و در اواسط قرن سیزدهم هجری (دهه ۱۸۷۰ م) از بیوجند دیدن کرده است، خانه‌های این شهر را ۳/۰۰۰ باب و خانه‌های قاین را تنها ۱۰۰ باب ذکر می‌کند^{۴۰}. هر گاه تعداد ساکنان هر خانه را ۵ نفر به حساب آوریم جمعیت شهر حدوداً ۱۵/۰۰۰ نفر می‌شود که مشابه رقم ارائه شده توسط گلداسمیت می‌باشد. خاندان امیریه به خصوص حشمت‌الدوله، که امیر قاینات شهرت داشته است با سرکوبی مهاجمان افغان و بلوچ و ترکمان، نقش به سزایی در اهمیت شهر بیرجند به عنوان مرکز حاکم‌نشین قاینات داشته است. وسعت قلمرو حکومت وی که تا حدود خواف و سیستان گسترش داشته، به نوبه خود به اعتبار سیاسی بیرجند می‌افزوده است. ثبات سیاسی این ناحیه و امنیت کاروانهای تجاری که از هندوستان نیل و از هرات پوست و از یزد قند و شکر و از تهران لوازم خانگی به قهستان می‌آوردند و فرش بیرجند و زعفران قاین را با خود می‌بردند، موجب اهمیت بیش از پیش شهر بیرجند گردید. تجار

۳۸- زین‌العابدین شیروانی- بستان السیاحه- ۱۲۴۸ هـ. ق، ص ۱۴۳.

۳۹- لغت‌نامه دهخدا- ذیل ماده بیرجند.

۴۰- سی. ام. ملک گرگر، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، مجید مهدیزاده، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۶، ص ۱۵۹.

هندی و افغانی که در رابطه با کمپانی هند شرقی میان این نواحی و سواحل جنوبی و به خصوص بندرعباس رفت و آمد داشتند، در بیرجند به فعالیت پرداختند. ملک گرگر از فروشگاههای شهری مانند کراچی، به عنوان بدترین چیزی که در آن شهر دیده است، یاد می‌کند.^{۴۱} حال آنکه از بازار سرپوشیده شهر بیرجند و فروشگاههای این شهر به نیکی نام می‌برد.^{۴۲} وی در مورد اهمیت تجاری بیرجند می‌نویسد: «بیرجند بر سر راه کرمان - یزد - هرات، سیستان و شهرهای میان راه واقع شده است، از این رو بازرگانان شهرهای مختلف به اینجا رفت و آمد می‌کنند. تنها کالای ارزشمندی که در بیرجند تولید می‌شود قالی است. من به چند قالی‌بافی سر زدم و قالیهایی دیدم که اغلب از الیاف نرم بافته شده بود و رنگهای روشن و خوبی در آنها به کار رفته بود... چند قالی زیبا نظرم را گرفت... در اروپا تحفه است و نقش زیبای آن جلب نظر می‌کند».^{۴۳}

بیرجند که از زمان انتخاب شدنش به عنوان حاکم‌نشین قایانات در مسیر پیشرفت افتاده بود، با رونق گرفتن تجارت در اوایل قرن حاضر و گسترش ارتباطات میان‌انگلیس و هند، از نظر اقتصادی شکوفایی بیشتری پیدا کرد. اتصال خط آهن کراچی به زاهدان که توسط انگلیس و در مسیر خط ارتباطی اروپا به هند صورت گرفته بود، موقعیت تجاری بیرجند را بیش از پیش بهبود بخشید و موجب تجمع تجار و صنعتگران در شهر بیرجند گردید. «از این تاریخ به بعد بیرجند از طرفی مرکز توزیع محصولات و مصنوعات هند و خاور و اروپا از قبیل چای و شکر و ادویه و کبریت و غیره و از طرف دیگر محل صدور محصولات قایانات و خراسان از قبیل پشم و زیره و زعفران و پوست و خشکبار و غیره قرار گرفت و از راه بیرجند بود که واردات نوع اول به کلیه بازارهای شمال ایران حتی قفقاز و ترکستان روس می‌رسید و در نتیجه این تحول اقتصادی، فعالیت بازرگانی بی‌نظیری در آن به وجود آمد به طوری که یکی از شعب مهم بانک شاهنشاهی ایران در آن جا تأسیس گردید و تجار معتبری در آن جمع آمدند و خود شهر مرکز توزیع محصولات

۴۱- سی. ام. ملک گرگر، همان کتاب، ص ۱۳.

۴۲- همان، ص ۱۵۹.

۴۳- سی. ام. ملک گرگر، همان کتاب، ص ۱۵۹.

برای تمام قاینات گردید چنان که در باراندازهای بیرجند همیشه هزاران عدل کالا که تمام در اوایل به وسیله شتر و بعد به وسیله گاری حمل می شد مشاهده می گردید... بعد از جنگ بین المللی گذشته و ایجاد راه شوسه مشهد به زاهدان، شهر بیرجند چند صبحی موقعیت بازرگانی خود را حفظ کرد با این تفاوت که جای قوافل شتر را کامیونها گرفتند و کلیه کاروانسراهای بیرجند به گاراژ مبدل گردید ولی معلوم بود که وسایل حمل و نقل موتوری برای حیات اقتصادی بیرجند گران تمام خواهد شد چه... توقف کالاهای و وسایل نقلیه موتوری در بیرجند خیلی کم شد... ایجاد راه آهن سرتاسری ایران کم کم خط سیر واردات ما را از هندوستان به اروپا تغییر داد و در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم معاملات تهاتری با آلمان باعث شد که واردات کشور بیشتر از مرزهای غربی صورت گیرد*. از طرفی دیگر تشکیل شرکتهای مرکزی و تمرکز سرمایه کشور در تهران که از سیاستهای اقتصادی ناصواب دوره بیست ساله ایران (= دوره حکومت رضاخان) بود به همان اندازه که به توسعه و رونق ظاهری پایتخت ایران کمک کرد به همان میزان چرخهای اقتصادی ولایات را از کار انداخت و بیرجند که به واسطه عدم استعداد کشاورزی و فقر طبیعی توسعه ای ناگهانی و مصنوعی نصیب آن شده بود، بیشتر از تمام ولایات لطمه دید.... طولی نکشید که بازارهای متعدد و پررونق آن بسته شد و کسبه و صنعتگران یا از این شهر مهاجرت کردند یا دست از حرفه و کار خود کشیدند^{۴۴}....**

* - اواخر سلطنت رضا شاه، حجم بازرگانی ایران و آلمان افزایش یافت. در سالهای ۱۷-۱۳۱۶ آلمان دومین کشور طرف تجارت ایران (پس از شوروی) بود. در واقع در این زمان ۲۷ درصد از کل تجارت خارجی ایران با آلمان صورت می گرفت. در پی عدم تمدید قرارداد بازرگانی ایران با شوروی، در سال ۱۳۱۹، آلمان با ۴۱/۵ درصد سهم از کل تجارت خارجی ایران به عمده ترین طرف بازرگانی خارجی کشور تبدیل شد... با حمایت های نخست وزیر، احمد قوام، و انعقاد قراردادهای بازرگانی با آمریکا و امتیاز قایل شدن برای واردات کالاهای آمریکایی، امپریالیسم تازه نفس آمریکا جای آلمان هتلیری را در بازرگانی خارجی ایران اشغال کرد. نقل از: ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، نشر سخا، ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۴۴ - محمدحسن گنجی: ۳۲ مقاله جغرافیایی، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۵۳. صص

۱۳-۱۴.

** - گابریل که در این ایام از بیرجند دیدن کرده است در مقایسه وضع نابسامان این شهر با گذشته پررونق

این وضع که البته خشکسالی دهه ۱۳۲۰ هـ. ش هم بر آن افزوده شد، موجب مهاجرت مردم بیرجند به شمال خراسان و شهرهای بزرگ ایران و حتی به روسیه و عراق گردید به طوری که میزان جمعیت شهر بیرجند به حدود ۱۰-۱۲ هزار نفر کاهش یافت.^{۴۵}

طی چند دهه اخیر توسعه شبکه ارتباطی شرق کشور و افزایش فعالیتهای اقتصادی به خصوص در زمینه قالی بافی و کشت زرشک و زعفران و غیره و همچنین فزونی یافتن جمعیت این ناحیه تغییراتی را موجب گردید. با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی و توجه برنامه ریزان و مسؤولان کشور به نواحی دور افتاده و محروم و بهبود سیستم حمل و نقل و توجه به مسائل رفاهی و خدماتی و اولویت بخشیدن به فعالیتهای کشاورزی، چیزی نگذشت که تولید و تجارت و سطح معیشت در این ناحیه از رونق و پیشرفت قابل ملاحظه ای برخوردار گردید که اهالی شریف بیرجند با مقایسه اوضاع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و وضعیت رفاه و سطح معیشت خود با ایام پیش از انقلاب اسلامی بدان معترف خواهند بود. در این جا لازم است در باره خاندان امیریه به خصوص آخرین بازمانده آنها که در تاریخ معاصر بیرجند، نقش قابل توجهی داشته اند توضیح بیشتری داده شود:

۱-۲- تاریخ خاندان علم

مؤلف بهارستان خاندان امیریه را از نژاد عرب می داند و پس از ذکر ماجرای دفع استاذسیس به وسیله حازم بن خزیمه در قرن دوم هجری می نویسد:

«... از این جا تفرّس می شود که آمدن حازم به قهستان و اقامت این مدت در آنجا،

→ آن چنین می نویسد: «زمانی که ما از بیرجند گذشتیم شهر کثیف و پر از مردم ژنده پوش بود، در حالی که در سال ۱۸۷۲ [یعنی بیش از پنجاه سال قبل از دیدار وی] هنگامی که «ا.ج. دبلیو. بلو» از بیرجند عبور کرده بود مردم شهر به صورت چشم گیری خوش لباس و مرفه بودند و گدا در آن جا وجود نداشت. زمان تغییر یافته و روزهای بسیار بدی جایگزین آن روزها شده بود. (آلفونس گابریل، همان کتاب، ص ۲۵۱).

ارتباط طایفه خزیمه را با این ولایت ایجاد کرده^{۴۶}.

وی آن گاه ادامه می‌دهد که خاندان مزبور به دلیل خصومت مأمون و طاهریان با علویان، در طول دوره خلافت عباسیان مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند، لیکن در زمان صفویه هم‌زمان با احیاء مذهب تشیع، فرصت مناسبی برای حضور در صحنه سیاسی کشور یافتند. در زمان نادرشاه افشار به اردوی وی پیوستند و در سرکوبی افغانه فعالانه مشارکت نمودند.

محمدعلی منصف، سابقه روشن این خاندان را منحصر به دوره صفویه و بعد از آن می‌داند و می‌نویسد: «آنچه از لابلای صفحات تاریخ از قبیل تاریخ سیستان، تاریخ جهانگشای نادری، مجمع التواریخ، ناسخ التواریخ و تواریخ و سفرنامه‌های دیگر مُستفاد می‌شود. نخستین بار از «امیر اسماعیل خان خزیمه» نام برده می‌شود که در اواخر دوره صفویه و بعد از آمدن شاه طهماسب صفوی به خراسان بر حسب دعوت نادر قلی افشار (نادرشاه) ... به اردوی نادری پیوست و در همین زمان (۱۱۴۴ ه.ق) ذکر می‌شود که حکومت قایمات به او تفویض شد.... آنچه مسلم است اینکه «امیر اسماعیل خان خزیمه» از سرداران برجسته نادرشاه بوده و در اکثر جنگها و فتوحات نادری شرکت و حضور داشته است^{۴۷}. سرپرسی سایکس، نیز ضمن تأکید در مورد نقش عمده این خاندان در استقرار امنیت در صفحات شرقی ایران، مطالبی پیرامون اصل و نسب آنها ذکر نموده است. به عقیده وی: «این خانواده اگرچه نسب نامه‌ای در دست ندارند ولی خود را از اعقاب عربهای خزاعی یا خزیمه می‌دانند که رئیس آنها طاهر ذوالیمینین و سایل جلوس مأمون را به مسند خلافت فراهم نمود. پدران امیر از بحرین به این حدود مهاجرت نموده و بتدریج زمام امور قاین و نه و بندان را به دست گرفتند و دامنه نفوذ خود را تا جنوب ایران بسط دادند. اواخر قرن هفدهم تمام قایمات به دست این خانواده افتاد، و پس از انقراض سلسله صفویه نیمه استقلالی برای خود پیدا کردند و رئیس همین خانواده بود که در ۱۷۴۸ میلادی شاه‌رخ را در مشهد کور و نابینا ساخت... میر علم گرچه نسبت به هیأت

۴۶- حاج شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، ص ۱۰۰.

۴۷- امیر شوکت الملک علم (امیر قاین)، صص ۱۸-۱۹.

اعزامی بریتانیا و داوران مرز آنقدرها سر فرود نیاورده ولی قلمرو مأموریت خود را به خوبی در مقابل تهاجم اشراک ترکمن و بلوچ و افغان حفظ نموده و تا زمان مرگ او (۱۸۹۱ م.) سکون و آرامش در این منطقه حکمفرما بود. میرعلم یا امیرقاین را می‌توان از مقتدرترین امرای آن دوره ایران خطاب کرد^{۴۸}.

نویسنده جستارهایی از تاریخ ایران، تاریخ واقعی خاندان علم را از زمان امیرعلم خان (اول) پسر اسماعیل خان خزیمه دانسته چنین می‌نویسد:

«او که نامش در تاریخ به عنوان چهره‌ای خونخوار ثبت شده در دوران انقراض افشاریه به ترك تازی در خطه شمال شرقی و شرق ایران پرداخت و دعوی سلطنت نمود و در توطئه کور کردن شاهرخ افشار دست داشت و بسیاری از قدرتمندان منطقه را به قتل رسانید و یا مانند جعفرخان رییس ایل کرد میانلو، کور نمود. مهدی بامداد فرجام شوم او را چنین بیان می‌دارد: او را دستگیر و به مشهد نزد شاهرخ شاه آوردند و چون شاهرخ مسبب اصلی کور کردن خود را امیر علم خان می‌دانست، فوراً دستور داد که او را کور کردند.... صرفنظر از این پیشینه که پایگاه سیاسی دودمان علم را در کنار صدها حکومت محلی دیگر در دوران فوق‌الذکر نشان می‌دهد، اقتدار واقعی آنان با جنگهای ایران و انگلیس بر سر هرات آغاز شد.... اختلاف ایران و انگلیس بر سر حاکمیت هرات... در زمان... قاجار بود... قشون ایران هرات را به تصرف درآورد و دولت بریتانیا که سُلطه ایران بر هرات را مغایر با اهداف استراتژیک خود می‌دانست به بوشهر حمله برد و تهدید کرد که اگر ایران از هرات دست بردارد، جنوب ایران را اشغال خواهد کرد... این ماجرا با معاهده ننگینی که فرخ خان امین‌الدوله کاشی، فراماسون سرشناس، به عنوان نماینده دولت ایران و با وساطت میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله با دولت بریتانیا در پاریس به امضاء رسانید، پایان یافت و ایران از کلیه حقوق خود در هرات چشم پوشید... در پی این حوادث، استعمار بریتانیا در راستای استراتژی منطقه‌ای خود توجه خویش را به نواحی شرقی ایران به ویژه خراسان و سیستان معطوف داشت.... اساس این استراتژی با توجه به آشفتگی حکومت

مرکزی قاجار و نفوذ روسیه تزاری در آن، تبدیل حکومت محلی قاین به مرکز سیاست بریتانیا در منطقه و بهره‌گیری از خاندان علم به عنوان پایگاهی قدرتمند بود...

۱-۲-۱- شوکت الملك علم (امیر قاین)

ابراهیم علم (۱۲۵۹ - ۱۳۲۳ ه.ش) در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ امپراطوری بریتانیا، حکومت خودمختار خطه شرقی ایران را به دست گرفت و لذا عمیقترین و گسترده‌ترین مناسبات را با استعمار انگلیس برقرار ساخت. به گفته سردنيس رایت*، در زمان او بود که به سال ۱۹۰۹ م. کنسولگری انگلیس در بیرجند... افتتاح شد.... سر کلارمونت اسکرين، کارمند وزارت خارجه بریتانیا در شرق ایران، در خاطرات خود می‌نویسد: «تا زمانی که يك يا دو مرد نظير شوکت الملك در ایران وجود دارند نباید نسبت به این کشور ناامید شد...»

۱-۲-۲- اسدالله علم در صحنه سیاست

با مرگ ابراهیم علم، وارث خان نشین قاینات، تنها پسر او اسدالله بود... اسدالله علم بسیار زود به وزارت رسید.... در سالهای ۱۳۲۹-۱۳۳۲ علم از نزدیکترین یاران محمدرضا پهلوی بود و در ماجرای ۲۵-۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش فعالی ایفا نمود... سالها بعد در ۱۹۶۵ مجله آمریکایی نیشن (Nation) فاش ساخت که اسدالله علم در کنار برخی بلندپایگان آمریکایی و انگلیسی و ایرانی به تنهایی مبلغ يك میلیون دلار از محمدرضا پهلوی پاداش نقش خود را در توطئه کودتا دریافت داشته است... او طی دوران صدارت خود (۴۱-۴۲) در نقش طراح و مجری طرح آمریکایی انقلاب سفید‌کندی و دمکرات‌های آمریکایی ظاهر شد^{۴۹}.

اقدامات علم در این زمان شامل اموری مغایر با شرع مقدس اسلام و به منظور

* - سفیر انگلیس در ایران بین سالهای ۱۳۴۲-۱۳۵۰ (به نقل از همان مأخذ)

۴۹- حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ج ۲-

چاپ پنجم، ۱۳۷۱، صص ۲۳۲-۲۳۹.

تضعیف مذهب می شد که با عکس العمل رهبر شجاع انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) مواجه گردید، هر چند در آن زمان، علم در مسند قدرت و حضرت امام (ره) روحانی ساده‌ای بودند که جز قدرت خداوند متعال و قدرت اسلام، از هیچ گونه پشتوانه‌ای مادی و زد و بندهای سیاسی برخوردار نبودند. قسمتهایی از یکی از مکاتبات ایشان که در تاریخ ۱۵/۸/۴۱ صورت گرفته عیناً درج می گردد:

تهران - جناب آقای اسدالله علم

عطف به تلگراف سابق اشعار می دارد، معلوم می شود شما بنا ندارید به نصایح علمای اسلام که ناصح ملت و مشفق اُمّتند توجه کنید و گمان کردید ممکن است در مقابل قرآن کریم و قانون اساسی و احساسات عمومی قیام کرد... اگر گمان کردید می شود با زور چند روزه، قرآن کریم را در عوض اوستای زردشت و انجیل و بعضی کتب ضاله قرار داد و به خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم - تنها کتاب بزرگ آسمانی چند صد میلیون مسلمان جهان - افتاده‌اید و کهنه پرستی را بخواهید تجدید کنید، بسیار در اشتباه هستید*. اینجانب مجدداً به شما نصیحت می کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای اُمّت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون اساسی بترسید و عمداً و بدون موجب مملکت را به خطر نیندازید و الا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد^{۵۰}.

به هر حال قدرت علم روز به روز افزایش می یافت چرا که او شبکه گسترده‌ای از روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و دانشجویان را تحت رهبری خود داشت و نمایندگان مجلس، جز با نظر او انتخاب نمی شدند. سپهبد فردوست که از گردانندگان درجه اول رژیم شاه و از همکاران علم بوده است، در خاطرات خود چنین می نویسد: «علم در يك خانواده انگلیسی متولد شد و پرورش یافت و با خاندان مقتدر انگلیسی قوام وصلت کرد.... او مهمترین فردی بود که در مسایل داخلی کشور، محمدرضا را هدایت

* - در رابطه با قسم خوردن نمایندگان مجلس به قرآن کریم است که می خواستند عنوان کتاب آسمانی را

جایگزین قرآن کریم کنند.

می‌کرد... در مسایل مهم مجری سیاستهای انگلیس و آمریکا بود و طرحهای آنان را در مسایل داخلی کشور انتقال می‌داد و به همین جهت در طرح‌ریزی و اجرای به اصطلاح انقلاب سفید و در قلع و قمع عشایر فارس نقش اساسی داشت.

مهمترین پایگاه علم در خراسان و شرق کشور و فارس بود (در خراسان و سیستان و بلوچستان به علت این که پایگاه اصلی خانواده‌اش بود، و در فارس به علت وصلت با خانواده قوام شیرازی). پسر عموی علم به نام امیرحسین خزیمه علم نیز از افراد متنفذ منطقه سیستان و بلوچستان بود و هرگاه وارد زاهدان می‌شد، باید استاندار و مقامات نظامی و غیر نظامی در فرودگاه حاضر می‌شدند و هر کدام حاضر نمی‌شدند از کار برکنار می‌گردیدند^{۵۱}. به هر حال علم پس از سالها تلاش برای کسب قدرت و تمتع مادی سرانجام مقهور پنجه سرنوشت و قضای الهی گردید:

«در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) پزشکان ایرانی و سویسی او... متوجه شدند که علم به سرطان خون مبتلاست... علم تا ده سال پس از تشخیص بیماری زنده بود... در پایان سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۷) بیماری علم شدت گرفت و در منزل بستری شد و در یادداشتهای خود از این روزها چنین یاد کرده است: دل خوشی من در این مدت صحبت کردن با شاهنشاه هر روز، یا يك در میان به وسیله تلفن بود^{۵۲}.

سرانجام امیر اسدالله علم در فروردین ماه ۱۳۵۷ درگذشت. رادیو بی‌بی‌سی در سوک وی به ماتم نشست و پیغام تلفنی سردنيس رايت را پخش نمود. وی در این باره چنین گفت: «... امروز من و همسرم هر دو در سوک وی شريك هستيم. علم مانند پدرش شوکت‌الملک دوست واقعی انگلیس بود... در ماه نوامبر سال گذشته از طرف ملکه الیزابت به گرفتن نشان درجه عالی از انگلیس مُفتخر گردید... از نقطه نظر انگلیس دادن این نشان بزرگداشت رسمی بود که از يك شخص ایرانی به عمل می‌آمد - شخصیتی که همیشه... به ارزش دوستی انگلیس برای ایران اعتقاد داشت^{۵۳}...»

۵۱ - حسین فردوست، همان کتاب، صص ۲۵۴-۲۵۵.

۵۲ - یادداشتهای علم، کتاب سرا - چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۵۷.

۵۳ - حسین فردوست، همان کتاب، صص ۲۴۷-۲۴۸.

۱-۳- معاریف و نام‌آوران بیرجند

قبل از آن که به ذکر نام تنی چند از بزرگان علم و معرفت و عرفان و ادب، که از بیرجند برخاسته‌اند پردازیم، باید یادآور شویم، به دلیل پیوستگی تاریخ بیرجند با ناحیه قاینات بسیاری از معاریف بیرجند به عنوان قاینی شهرت یافته‌اند. به عنوان مثال می‌توان از جناب شیخ محمدباقر آیتی نام برد که متولد گازار از روستاهای بیرجند هستند ولی در بعضی کُتب از ایشان به عنوان شیخ محمدباقر گازاری قاینی نام برده شده است. به هر حال بیرجند، در دامن پاك خود شخصیت‌های معتبری پرورده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

حاج شیخ محمد باقر بیرجندی اعلی‌الله مقامه

«شیخ محمدباقر بیرجندی در سال ۱۲۶۷ ق در بیرجند متولد شد. در دوازده سالگی برای تحصیل به قاین رفت و در مدرسه جعفریه مشغول تحصیل شد. پس از چندی با مُساعدت خانلرخان اعتصام الملك به مشهد رفت و در مدرسه میرزا جعفر در مدرس شیخ رئیس شاهزاده ابوالحسن میرزای قاجار ساکن گردید چند سالی آنجا اقامت داشت تا سطوح فقه و اصول را فراگرفت و در خلال این احوال به درس حکمت و معقول میرزا علی‌رضا مدرس سبزواری و حاج میرزا هدایت‌الله مجتهد ابهری حاضر می‌شد. حاج میرزا ابهری، در مقام هوش و استعداد او چنین می‌گفت «من فقط درس را از برای ایشان می‌گویم زیرا که شیخ بهایی در عالم خواب توصیه او را به من فرمود» آیت - الله بیرجندی سپس از مشهد به نجف رفت و در آن شهر در حوزه درس حاج میرزا حبیب‌الله رستمی، ملا محمد ابروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، شرکت کرد. پس از اجتهاد مجدداً پیش آیت‌الله میرزای شیرازی و حاج میرزا حسین نوری، می‌رفت و استفاده می‌کرد تا در سال ۱۳۰۵ ق بعد از سفر حج به ایران بازگشت و در شهر بیرجند اقامت و تأهل اختیار کرد. در اوایل ورودش در مجلس امیر علم خان، حاکم وقت با آخوند حنفی که از افاضل نامی اهل سنت بوده، در مسأله امامت و دیگر مسایل مذهبی در

جلسات عدیده مباحثه می‌کرد و این جلسات خود باعث شهرت او شد. آیت‌الله بیرجندی تا آخر عمر در بیرجند به تدریس و تبلیغ امور مذهبی پرداخت و تألیفات عدیده‌ای به رشته تحریر آورد.

برخی از آثار او عبارتند از:

- ۱- کتاب معصومین و کلمات محققین از حکماء و متکلمین.
- ۲- کتاب صمصام مهدوی در ردّ رساله شمس‌الدین هروی.
- ۳- کتاب اکفاء المکائد.
- ۴- کتاب زهرالریاض.
- ۵- کتاب فصل الخطاب.
- ۶- ذخیره المعاد جامع طرق و اجازات.
- ۷- کتاب بغیة الطالب در اثبات وجود امام غایب.
- ۸- رساله رجبیه.
- ۹- کتاب وثیقة الفقهاء.
- ۱۰- فواید الکاظمیه.
- ۱۱- کتاب ایضاح الطريق.
- ۱۲- فواید الطوسیّه.
- ۱۳- عواید الغرویّه.
- ۱۴- کتاب ازاحه الریبه در وجوب صلوٰة الجمعة فی زمن الغیبه.
- ۱۵- نصیح الاستغاثه.
- ۱۶- کتاب کبریت الاحمر فی شرایط المنبر. در سه جلد.
- ۱۷- کتاب مفتاح الفردوس.
- ۱۸- وقایع الاّیام.
- ۱۹- فاکهة الذاکرین.
- ۲۰- رساله‌ای در سیر و سلوک.
- ۲۱- سفینه القماش.

آیت‌الله بیرجندی سرانجام در شب جمعه ۱۴ ذی حجه ۱۳۵۲ وفات یافت^{۵۴}.

ملا عبدالعلی بیرجندی

«نظام‌الدین بن محمد بن حسین بیرجندی حنفی

محل تولد: بیرجند

سال تولد: نیمه دوم قرن نهم هـ. ق / سده ۱۵ میلادی

وفات: ۹۳۴ هـ. ق / ۹۰۶ خورشیدی / ۱۵۲۷ میلادی

از ریاضی دانان و منجمان بزرگ قرن دهم هجری قمری است. بیرجندی تحصیل دانشهای عهد خود را به تمامی نزد معروفترین استادان زمان، در هرات انجام داد و سپس شروع به شرح کتابهای مشهور در ریاضیات و تألیف کتابهایی در دانشهای دیگر کرد. گویند که وی به صفت تواضع و پرهیزگاری و حلم و دین‌داری اتصاف داشت، از جمله اثرهای بیرجندی: «شرح الفوائد البهائیه فی الحساب» (سال ۹۱۳ هـ. ق)، «شرح تحریر مجسطی» (۹۳۱ هـ. ق). «شرح شمسیه فی الحساب»، «شرح زیج جدید سلطانی» «شرح بیست باب در معرفت اسطرلاب»... «رساله تشریح در پرگار»، کتاب «مسالك و ممالك یا عجائب بلاد» و غیره^{۵۵}...

ابن حسام

«مولانا ابن حسام اهل خوسف بوده و در قرن نهم هجری می‌زیسته است. حسامی واعظ که شرح حال مفصلی از او ذکر کرده است می‌گوید «... افصح المتکلمین و تاج المفسرین... استادنا محمد بن حسام‌الدین قدس الله روحه العزیز... در مدت نود و دو سال عمر، اوقات شریفش را بعد از وظایف طاعات و عبادات به فلاح و زراعت و

۵۴- حسن مرسلوند، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۲، انتشارات العالم، تهران، ۱۳۶۹، صص

۱۴۴-۱۴۵.

۵۵- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دفتر پژوهشها و برنامه‌ریزی فرهنگی)، نام‌آوران فرهنگ ایران،

ص ۱۴۶.

کسب حلال گذرانید چنانکه خود فرماید:

به شب زبان من و مدح اهل بیت رسول به روز شغل من و کسب قوت و مایحتاج
... از مکروهات کمال اجتناب داشت، در وقت وفات بر سیل اندرز و نصیحت
به فرزندان خود فرمود که بحمدالله در مدت زندگانی مرتکب امری از امور محرمه
نگشته‌ام بلکه بر خاطر م معصیت خطور نکرده...
علاوه بر منظومات و مثنویات، دیوان شعری دارد که ظاهراً ۸,۰۰۰ بیت شعر
دارد. ابیات زیر از اوست:

دلا از عالم کثرت گذر کن تا جهان بینی
قدم در کوی وحدت نه که خود را در امان بینی
چرا تسلیم جان کردن تو را دشوار می‌آید
بده جان را به آسانی که یار دلستان بینی
تو ساز رحلت اکنون کن که در دست اختیاری هست
که ناگه اختیار خود بدست دیگران بینی
مشو غره به رعنائی رها کن زیب و زیبایی
که ناگه دیده بگشایی نه این بینی نه آن بینی
هم آخر در کفن روزی به خاک اندر فرو ریزد
تنی کورا به زیبایی لباس از پرنیان بینی
جهانداران با افسر، پری رویان مه پیکر
کنون بر خاکشان بگذر که مثنی استخوان بینی^{۵۶}

محمودولی اسدی

«محمودولی اسدی مصباح دیوان - مصباح السلطنه متولد ۱۲۵۷ خورشیدی فرزند
میرزا علی اکبر از اهالی بیرجند و مدتها پیشکار محمد ابراهیم خان شوکت الملك بود و

سه دوره هم از طرف شوکت الملك نماینده مجلس شد... اسدی بتدریج ترقی کرده سرشناس شد تا اینکه در سال ۱۳۰۵ خ از طرف شاه به سمت نیابت تولیت آستانقدس رضوی تعیین گردید و مدت ده سال و هشت ماه در آنجا به سمت مزبور برقرار بود... هنگام تبدیل کلاه بی لبه به لبه دار یعنی شاپو در مشهد غوغائی برخاست که در ۲۴ تیرماه ۱۳۱۴ خورشیدی منتهی به گلوله باران کردن مجتبعین مسجد گوهرشاد گردید و جمع زیادی که در پای منبر شیخ بهلول بودند کشته شدند. شیخ بهلول از اهالی و وعاظ خراسان و خیلی زیرک و باهوش بود، اغلب اوقات خود را پیاده یا سواره به سیاحت می پرداخت. ظاهرش مرد وارسته ای نشان می داد. شعر هم می گفت: اشعارش خیلی روان و بدون تکلف بود. پس از رویداد مسجد گوهرشاد شیخ بهلول با زرنگی زیاد و سرعت عمل فرار کرد و یا او را فراراندند و به افغانستان پناهنده شد و از آن سال به بعد در آنجا زندگی می کرد. در این هنگام شاه نسبت به اسدی ظنین شد و او را محرك اصلی غائله دانست. از این جهت در ۴ آذرماه همان سال او را توقیف و اهور محوله به وی به پاك روان والی خراسان واگذار شد و پس از محاکمه در دیوان حرب خراسان در ۲۹ آذر محکوم به اعدام و تیرباران شد^{۵۷}...

دکتر محمد ابراهیم آیتی

وی در سال ۱۳۳۳ قمری در بیرجند متولد شد و در بیرجند و تهران به تحصیل پرداخت و به علوم معقول و منقول احاطه یافت. آیه الله مرتضی مطهری مکرر در سخنرانیها و نوشته های خود، از سجایای اخلاقی و تحقیقات علمی او یاد کرده است. از وی آثار قلمی فراوانی برجای مانده است که از آن جمله می توان ترجمه «تاریخ یعقوبی» و ترجمه کتاب «البلدان یعقوبی» و تصحیح تفسیر شریف لاهیجی و تاریخ اندلس و حکومت مسلمین در اروپا و همچنین کتاب جهان در قرن بیستم و غیره را ذکر نمود. مرحوم دکتر آیتی در یکی از روزهای جمعه سال ۱۳۴۳ بهنگامی که برای برگزاری جلسه

۵۷- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۴، چاپخانه بانك بازرگانی

تفسیر قرآن به شمیران می‌رفت در يك سانه رانندگی جان به جان آفرین تسلیم نمود^{۵۸}.

شیخ محمد حسین آیتی

ضیاءالدین محمد حسین آیتی خراسانی که با نگارش کتاب «بهارستان»، غبار گذشت زمانه را از چهره بسیاری از اهل فضل ناحیه قهستان برگرفت و مطالب زیادی پیرامون تاریخ و جغرافیا و فرهنگ این ناحیه از خود به جا گذاشته است، در کتاب مزبور شرح کوتاهی از زندگی خود را نگاشته است که به موجب آن:

در سال ۱۳۱۰ هجری قمری در قریه مهمویی متولد شده‌اند و در ۲۰ سالگی به مکه معظمه مشرف شده از ترکیه، قفقاز، شام و عراق هم دیدار کرده‌اند. در تهران و اصفهان به کسب معارف دینی پرداخته‌اند و پس از چندی برای تکمیل تحصیلات به عتبات عالیات مشرف شده، به درجه اجتهاد نایل آمده‌اند. در سال ۱۳۴۲ به بیرجند مراجعت نموده به کار تحقیق و تألیف پرداخته‌اند. وی اشعار زیادی در مدح خاندان رسالت و نبوت سروده‌اند. این ابیات، بخشی از غزلی است که آن مرحوم در میلاد مقدس حضرت ولی عصر (عج) سروده‌اند:

دو شمسحر رسید پیامی ز کوی دوست	جان بخش و دلنواز چوانفاس عیسوی
از شاخه درخت رسالت گلی شکفت	گل کرد باز آتش میقات موسوی
یعنی نمود کوکب مهدی سحر طلوع	گیتی فروغ یافت ز انوار مهدوی
ناموس دهر و حجت یزدان ولی عصر	کز او دوباره شوکت اسلام شد قوی ^{۵۹}

محمد مشکوة بیرجندی

محل تولد: بیرجند

تولد: ۱۲۷۹ خورشیدی / ۱۳۱۹ هـ.ق. / ۱۹۰۰ میلادی

وفات: ۱۳۵۹ خورشیدی / ۱۴۰۱ هـ.ق. / ۱۹۸۰ میلادی

۵۸- حاج شیخ محمد حسین آیتی، ص ۳۵۴.

۵۹- همان مأخذ، حاج شیخ محمد حسین آیتی، صص ۸۲-۳۷۴.

از دانشمندان، علما و از اساتید مبرز دانشگاه تهران، وی دارای تألیفات و تصحیحاتی است از جمله: «تعلیقات المشکوة»، «کلمة التوحید»، تصحیح کتاب «الوجیزه» شیخ بهائی، تصحیح «کلید بهشت» قاضی سعید، تصحیح «درة التاج»، تصحیح «مصادقة الاخوان» تصحیح «صحيفة سجادية»، ترجمه «رسالة العشق» ابن سینا، تصحیح «درة الاخبار و لمعة الانوار». وی ۱۰۸۰ جلد از کتابهای خطی نفیس خود را در سال ۱۳۲۹ خورشیدی به دانشگاه تهران اهداء کرده است.^{۶۰}

نزاری

«نزاری بیرجندی قهستانی، [حکیم] سعدالدین: فرزند شمس‌الدین بن محمد محل تولد: بیرجند - قهستان یا قوهستان (مُرب کوهستان) [ناحیه‌ای تاریخی، در خراسان بزرگ که از جنوب نیشابور تا سیستان در جنوب شرقی ممتد، و از غرب و جنوب در کویر محصور بوده است]

تولد: حدود ۶۵۰ هـ.ق / ۱۲۵۲ میلادی. به قولی ۶۴۵ هـ.ق. / ۶۳۱ خورشیدی.

وفات: ۷۲۰ یا ۷۲۱ هـ.ق. / ۱۳۲۱ میلادی. / ۶۹۹ یا ۷۰۰ خورشیدی.

شاعر اسمعیلی مذهب. وی از شعرای قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هـ.ق. آثار و نامش متروک مانده است. پدر نزاری ظاهراً از دهقانان اصیل این سامان بوده که به گردش روزگار کم مایه شده بود. نزاری بر خلاف بعضی از شعرای معاصر خود به شعر و ادب با نظر تفریح و لذت سماعی نگاه نکرده و اشعار خود را وسیله انعکاس دردهای عامه مردم که در زیر فشار سنگین ظلم‌های مغول مستأصل شده بودند، نمود و حتی در غزلیات خود نیز مسائل اجتماعی را مطرح کرد. نزاری بیش از همه تحت تأثیر افکار و اشعار حکیمانه عمر خیام بوده است. علاوه بر «دیوان شعر» يك مثنوی به نام «دستور نامه» و نیز مثنوی دیگری از او باقی است.^{۶۱}

۶۰- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همان کتاب، ص ۱۴۶.

۶۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همان کتاب، ص ۲۹۳.

شیخ محمد هادی هادوی بیرجندی

«حاج شیخ محمد هادی فرزند حاج ملا محمد حسین، فرزند محمد محسن، در ماه رجب سال ۱۲۷۷ هجری قمری متولد شد.

اصل او اصفهانی است و خاندانش پیش از فتنه افغانه به بیرجند مهاجرت کردند: دوره علوم مقدماتی و سطوح را در بیرجند، در مدرسه معصومیه نزد پسر عمویش حاج ملا محمد و در مشهد مقدس گذراند. علم حکمت را نیز در آنجا آموخت و رموز اجتهاد را در نجف، کربلا و سامراء نزد اساتید، فراگرفت. حاج محمد هادی از فقها و شعرای عصر خود بود. به روایت حاج میرزا حسن محدث نوری در سال ۱۳۱۹ هجری قمری به موطن خود بازگشت و عهده دار امامت و تدریس و قضاوت گردید.

در سال ۱۳۲۹ هجری قمری به عنوان مجتهد طراز اول به مجلس شورای ملی معرفی شد، ولی این سهمت را قبول نکرد.

علاوه بر مقام فقاها و اجتهاد، در انشاء نظم و نثر توانا بود. دیوان قصاید و غزلیاتش بیش از سه هزار بیت دارد.

شیخ محمد هادی در روز جمعه، ۱۰ جمادی الثانی سال ۱۳۶۶ هجری قمری، وفات یافت^{۶۲}. در مکارم الآثار چنین آمده است:

«وی را تألیفات چندی است: اول کتاب «آئین سخنوری». دوم کتاب «بستان الناظر» بسبک «کشکول شیخ» که از نفایس ذخائر ادبی است. سیم «ترجمه کتاب الادب الکبیر ابن مقفع». چهارم «ترجمه عهدنامه مالک اشتر» تألیف آن سنه ۱۳۳۳ در ۲۳ رجب. پنجم «تقریرات دروس» اساتید خود. ششم «دیوان اشعار». هفتم کتاب «مائده محمدیه» در اینکه علوم و معارف منتهی بانبیاء (ع) است، و غیر اینها. و اینک این چند شعر از او نوشته شد:

مسعود سعد سلمان مجبوس بود و من ماهر دو یادگاریم از محنت زمن

او بیست سال جور کش خصم خویش بود من شصت سال دستخوش نفس خویشتم
 او با تنی مقید در حبس گاه نای من با دلی مشوش در تنگنای تن
 بر او فضای محبس مانند گور بود بر من قبای اطلس مانده کفن
 او را نه غیر حلقه زنجیر مستشار ما را نه غیر رشته تقدیر موئمن
 او را ز تار شبها دیبای شوشتر ما را ز خون دلها بیجاده یمین
 او شامگاه بر زیر دست غصه سر من صبحگاه بر سر زانوی غم ذقن^{۶۳}

علاوه بر آنچه گذشت، در بهارستان به تعداد بیشتری اشاره شده است که علاقمندان می‌توانند به همان مأخذ مراجعه نمایند. لیکن آنچه لازم است در پایان این بحث مورد اشاره قرار گیرد، وجود زنان اهل فضیلت در بیرجند است.* که از آن جمله‌اند:

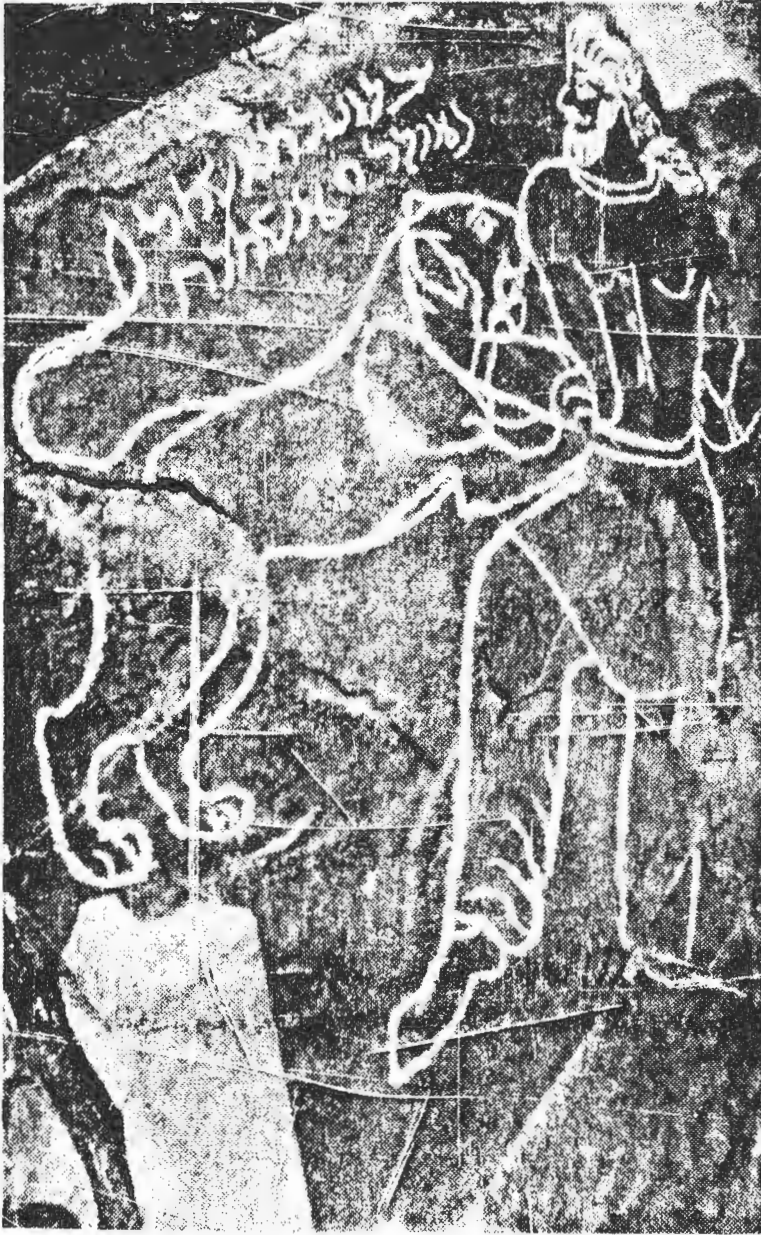
- نواب خفی، که اشعاری در مدح خاندان رسالت و امامت علیهم السلام دارد.
 - طاهره بیگم، که زنی روضه خوان بوده و به آخوند طاهره شهرت داشته است.

- شمع خاتون، که شاعره‌ای اهل روستای گازار بوده است.
 - مخدره علویه دختر آخوند، که شرح لمعه را مطالعه کرده و در اثر تربیت او زنهای بسیار متعهد و نافله گذار شدند و صاحب منبر و وعظ و خطابت بود این اشعار از اوست:

من آن زنم که همه کار من نکوکاری است به زیر مقنعه آیین من، گله‌داری است
 نه هر زنی به دو گز مقنعه است کدبانو نه هر سری به کلاهی سزای سرداری است

۶۳- میرزا محمدعلی (معلم حبیب آبادی)، مکارم الآثار: در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۶، نشر نفائس مخطوطات اصفهان، ۱۳۵۵، ص ۲۱۳۸.

*- یکی از موضوعات قابل توجه در شهرستان بیرجند، اهمیت دادن آنان به علم آموزی فرزندان و ارزشی است که برای مسائل فرهنگی قایل هستند. معلوم می‌شود، دامن پاک و شعور اجتماعی همین زنان بوده است که مردان بافضیلت و علما و عرفا و محققان و مجتهدان بیرجندی را به جامعه اسلامی ما تقدیم نموده است.



تصویر شماره ۴- کال جنگال: تصویر مرد و شیر که بر روی سنگ کنده شده است.
(توضیح اینکه هنگام عکسبرداری، روی خطوط را با گچ سفید کرده‌اند.)^{۶۴}



تصویر شماره ۵- کتیبه مزار زینبیه کاهین



تصویر شماره ۶- مزار درّه شیخان، در حاشیه شهر بیرجند



تصویر شماره ۷- چهره و پوشاک اهالی بیرجند*



تصویر شماره ۸- نمونه‌هایی از قلعه‌های استحکاماتی بیرجند که بازتابی از دوره‌های ناامنی به شمار می‌رود.

* - از پایان نامه تحصیلی آقای محمد درّی، تحت عنوان، جغرافیای گیو، موجود در دانشکده ادبیات و علوم انسانی.



تصویر شماره ۹- ساختمان ارگ بیرجند که فعلاً محل فرمانداری بیرجند است.



تصویر شماره ۱۰- قلعه پایین شهر



تصویر شماره ۱۱- نمای خارجی باغ اکبریّه که در حال حاضر به موزه تبدیل گردیده است.



تصویر شماره ۱۲- نمای داخلی باغ اکبریّه



تصویر شماره ۱۳- مدرسه طلاب بیرجند- تاریخ عکسبرداری: تابستان ۱۳۷۲.



تصویر شماره ۱۴- مدرسه شوکتیه که در قرن گذشته توسط معماران یزدی ساخته شده است.

۲- ویژگیهای جمعیتی

۱-۲- توزیع مکانی جمعیت

با توجه به موقعیت تقریباً نامساعد بیرجند در جنوب استان خراسان تنها بخش کمی از جمعیت استان در این شهرستان قرار گرفته است که آن هم اکثراً در نقاط روستایی به سر می‌برند.

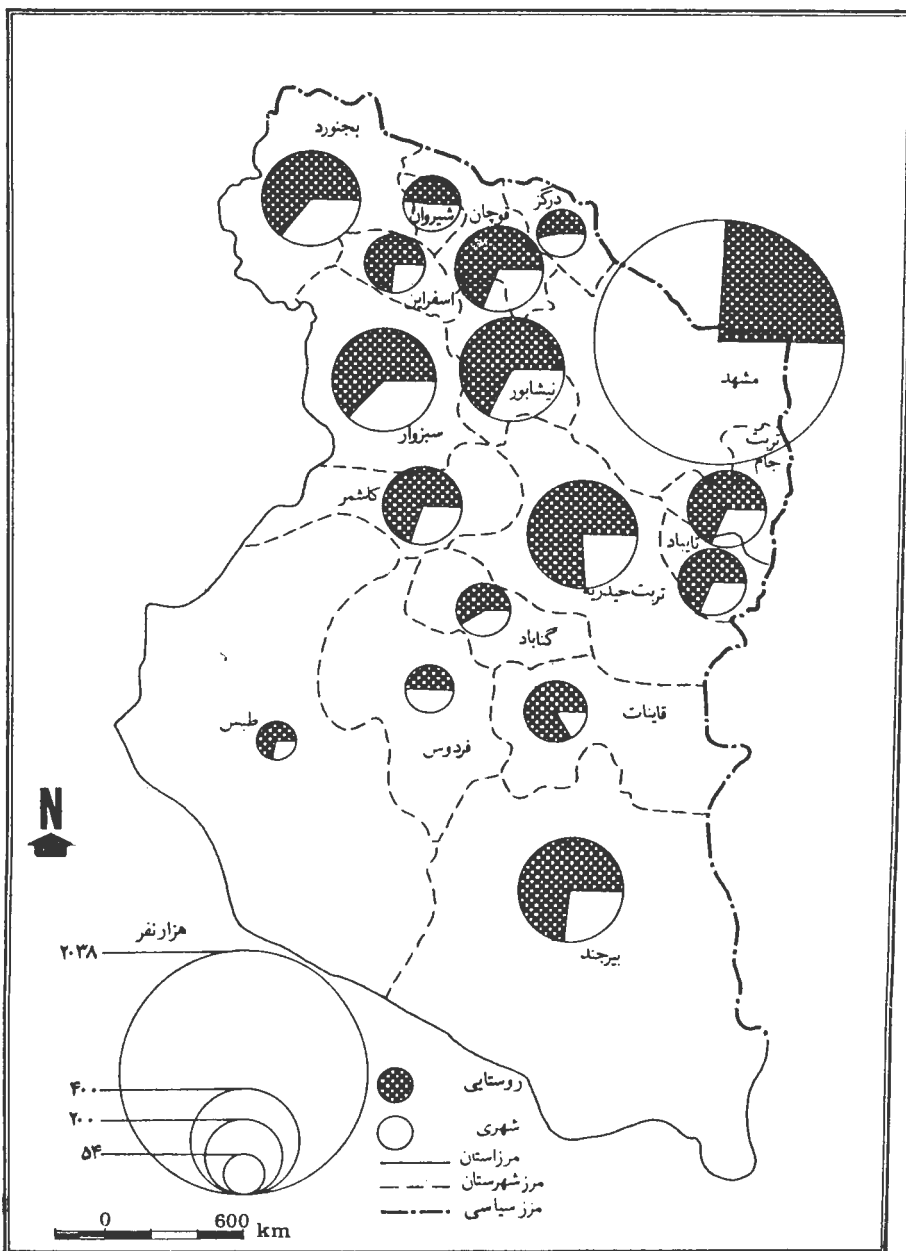
از این حیث (یعنی از نظر نسبت جمعیت روستایی به جمعیت شهری) بیرجند تقریباً وضعیتی استثنایی در بین شهرستانهای استان خراسان دارد.

کل جمعیت شهرستان بیرجند در سال ۱۳۶۵ بیش از ۳۶۱ هزار نفر بوده است که حدوداً ۲۵ درصد آن در نقاط شهری به سر می‌برده‌اند. مقایسه جمعیت شهرستان در دو مقطع سرشماری عمومی یعنی سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که در حدود ۸۳ درصد بر جمعیت افزوده شده و از ۶۱۵, ۱۹۶ نفر به ۴۰۳, ۳۶۱ نفر رسیده است.^{۶۵} همان‌طوری که اشاره شد در سال ۱۳۶۵ در این شهرستان سه نقطه شهری وجود داشته است که ذیلاً به توضیحات مختصری پیرامون هر یک می‌پردازیم.

۲-۲- جمعیت شهری

۱-۲-۲- شهر بیرجند

بیرجند مهمترین نقطه شهری به شمار می‌رود. این شهر با ۷۹۸, ۸۱ نفر در سال ۱۳۶۵ کمتر از ۲۳ درصد کل جمعیت شهرستان را به خود اختصاص داده است. جمعیت این شهر معادل ۱۸,۳۰۸ خانوار بوده که نسبت جنسی آن ۱۰۰ نفر زن در برابر ۱۰۷ نفر مرد بوده است. تقریباً ۵۵ درصد جمعیت این شهر، به موجب آمار سال ۱۳۶۵، متولد خود شهر و ۳۵ درصد متولد نقاط روستایی بوده‌اند که این نسبت خود گویای



موجود در آرشیو آزمایشگاه جغرافیای دانشکده ادبیات

نقشه ۷- درصد جمعیت شهری و روستایی استان خراسان

(1365)

مهاجرت شدید بخصوص در سالهای اخیر و نفوذ شدید فرهنگ روستایی در شهر مزبور می باشد، علاوه بر غلبه فرهنگ روستایی می باید گفت مسائلی نظیر مسکن، معیشت، داد و ستد، رفت و آمدها و موارد دیگری از این قبیل در محدوده شهر بیرجند بشدت تحت تأثیر حیات روستایی قرار گرفته است.

در مهرماه سال ۱۳۶۵ از کل جمعیت شهر بیرجند، ۹۷/۴ درصد را اتباع ایرانی تشکیل می داده اند. از ۸۴۱، ۶۳ نفر جمعیت ۶ ساله و بالاتر این شهر ۷۳/۵ درصد باسواد بوده اند. این نسبت در بین مردان ۸۲/۱ درصد و در بین زنان ۶۴/۳ درصد بوده است.

از جمعیت این شهر ۷۳۴، ۱۰ نفر در پایه های مختلف دوره ابتدایی و سوادآموزی ۱۶/۰۶ نفر در دوره راهنمایی یا دوره های معادل آن و ۱۸۶، ۵ نفر در دوره های مختلف متوسطه و معادل آن مشغول تحصیل بوده اند. از ۸۷۶، ۵۴ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر این شهر ۳۳/۳ درصد شاغل بوده اند.^{۶۶}

همچنین در تاریخ مزبور از حدود ۲۳، ۵۰۰ نفر مردان ۱۵ ساله و بالاتر این شهر ۶۶ درصد دارای همسر بوده اند و ۳۱ درصد مجرد و ۱/۴ درصد هم به دلیل فوت همسر و یا متارکه، بدون همسر بوده اند.

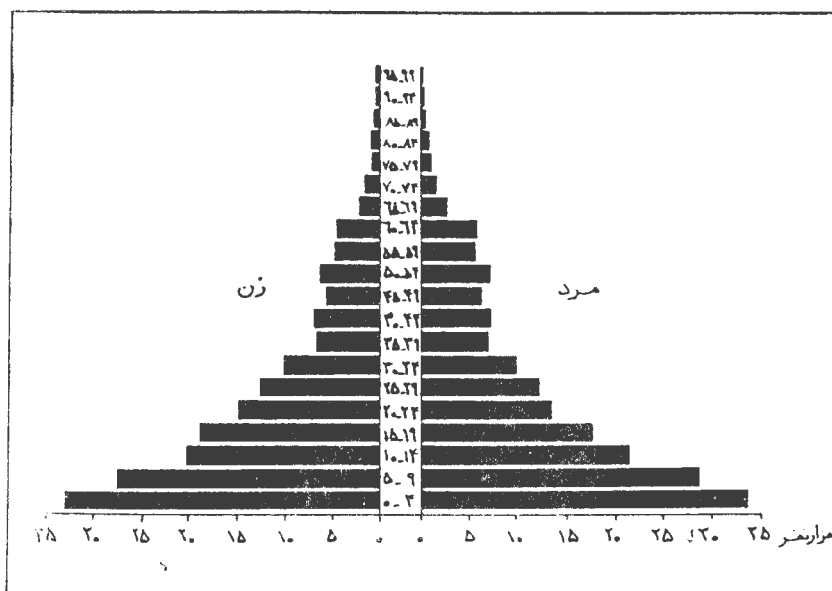
۲-۲-۲- شهر نهبندان

این شهر در مهرماه ۱۳۶۵ تعداد ۱، ۳۳۲ خانوار جمعیت داشته که بالغ بر ۶، ۳۷۷ نفر می شده اند. از کل جمعیت این شهر تنها ۱۵/۷ درصد متولد نقاط روستایی بوده اند، حال آن که این نسبت در شهر بیرجند به ۳۵ درصد می رسد. تفاوت دیگری که ترکیب جمعیت این شهر با شهر بیرجند دارد آن است که در این شهر درصد اتباع ایرانی کمتر از بیرجند بوده است، بطوری که در سال ۱۳۶۵ رقم مزبور در بیرجند ۹۷/۴ درصد ولی در این شهر ۸۷/۴ درصد بوده است* . در حدود ۳۱ درصد از جمعیت شهر نهبندان شاغل

۶۶ - مرکز آمار ایران، همان مأخذ.

* - چه در این شهر و چه در بیرجند، اتباع غیر ایرانی در حقیقت همان مهاجرین افغانی می باشند.

نمودار ۴- هرم سنی جمعیت بیرجند



مأخذ: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند ۱۳۶۵.

هستند. البته باید توجه داشت که چه در این شهر و چه در شهر بیرجند (که نسبت شاغلان بخش کشاورزی تنها ۲/۵ درصد گزارش شده است)، ارتباط عملی مردم با فعالیتهای کشاورزی بیش از نیسبتهای گزارش شده است زیرا ترکیب جمعیت روستایی است و ارتباط شهروندان و روستائینان و معیشت کشاورزی، رابطه ای است بسیار قوی و ریشه دار.

نسبت مردان از دواج نکرده که در شهر بیرجند ۳/۳۱ درصد است در این شهر به ۲۸ درصد تقلیل می یابد و این خود نشانه غلبه فرهنگ روستایی است ۶۷.

نهبندان که در حال حاضر از بیرجند جدا شده و به صورت شهرستان مستقلی درآمده است. از يك نقطه شهری (نهبندان) و دو بخش (مرکزی و شوسف) تشکیل شده است. بخش مرکزی خود از سه دهستان (به نامهای بندان، میغان و نه) و بخش شوسف

از دو دهستان (شوسف و عربخانه) به وجود آمده‌اند^{۶۸}.

۲-۲-۳- شهر سریشه

سریشه که به فاصله کمی از جنوب شرقی شهر بیرجند قرار گرفته است با ۲۲۲، ۳ نفر جمعیت کوچکترین نقطه شهری در شهرستان بیرجند به شمار می‌رود. متولدین خود شهر که در بیرجند حدوداً ۵۵ درصد و در نهبندان ۶۳ درصد از کل جمعیت شهری را تشکیل می‌دادند، در سریشه به ۷۹ درصد می‌رسد و این خود بیانگر آن است که مهاجرت‌های روستایی به این شهر کمتر صورت پذیرفته است^{۶۹}، امری که بی‌شبهه با رقابت شهر بزرگتر و پرجاذبه‌تر بیرجند در مجاورت آن، ارتباط نزدیک دارد. چنانچه از مشاهده جدول مربوطه به دست می‌آید، سریشه در سال ۱۳۶۵، تنها ۴ درصد شهر بیرجند جمعیت داشته است.

۲-۲-۳- جمعیت روستایی

جمعیت روستایی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۶۵ با رقمی معادل ۲۶۸، ۰۹۰ نفر ۷۴/۲ درصد از جمعیت کل شهرستان را تشکیل می‌داده است که در ۱۶۸۳ آبادی پراکنده بوده‌اند. در حقیقت $\frac{۳}{۴}$ جمعیت شهرستان در مقطع زمانی مذکور در نقاط روستایی به سر می‌برده‌اند و این اکثریت داشتن جمعیت روستایی به نوبه خود اثرات آشکاری در مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی شهرستان بر جای نهاده است.

متوسط جمعیت برای هر روستا در حدود ۱۶۰ نفر بوده است که البته این رقم حاصل تقسیم جمعیت روستایی بر تعداد آنهاست و نمی‌تواند گویای واقعیت باشد. واقعیت آن است که جمعیت روستاها، از روستاهای چند خانواری تا روستاهای چند هزار نفری متفاوت است. می‌توان گفت نیمی از نقاط روستایی در سال ۱۳۶۵ زیر ۶۰ نفر جمعیت داشته‌اند و روستاهای هزار نفر به بالا کمتر از ۴ درصد از تعداد روستاها را

۶۸ - سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، صص ۷-۵.

۶۹ - مرکز آمار ایران، همان مأخذ، ص ۲۰.

تشکیل می‌داده‌اند. با این وجود باید توجه داشت که روستاهای پرجمعیت علی‌رغم کمی تعداد، بخش عمده جمعیت را در خود دارند.

جدول زیر توزیع نقاط روستایی بر حسب تعداد خانوار را نشان می‌دهد.

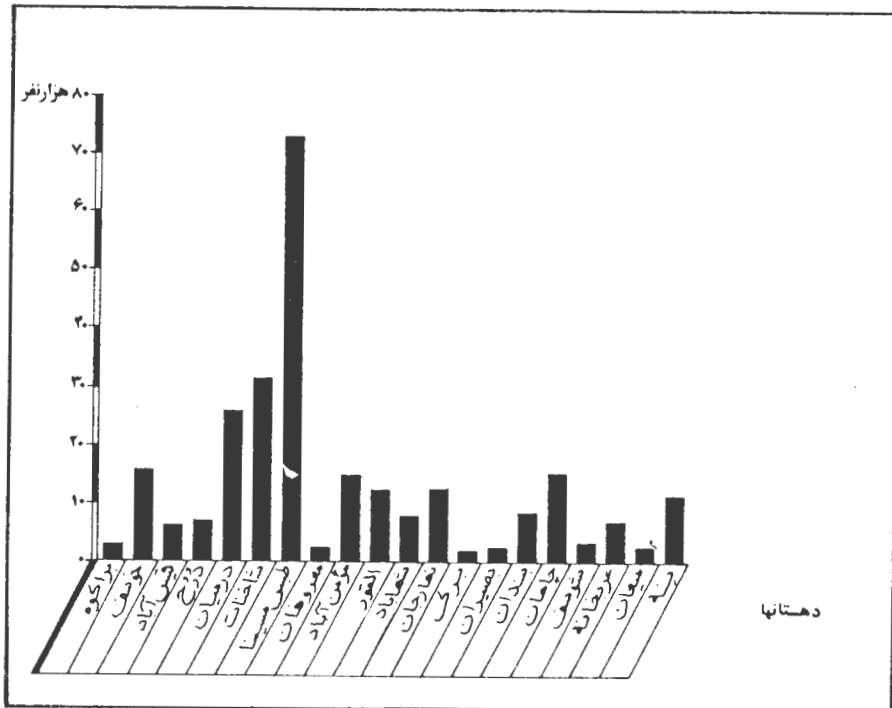
جدول ۷- آبادیهای دارای سکنه شهرستان بیرجند بر حسب تعداد خانوار (۱۳۶۵) ۷۰

تعداد خانوار	تعداد روستا	درصد بر حسب کل روستاها
۴-۱	۵۵۴	۳۲/۹
۹-۵	۲۹۶	۱۷/۵
۱۹-۱۰	۲۵۵	۱۵/۱
۴۹-۲۰	۲۸۵	۱۶/۹
۹۹-۵۰	۱۵۹	۹/۴
۱۱۹-۱۰۰	۸۴	۴/۹۹
۳۹۹-۲۰۰	۳۶	۲/۱
۹۹۹-۴۰۰	۱۱	۰/۶
۱۰۰۰ و بیشتر	۳	۰/۱۷
جمع	۱۶۸۳	۹۹/۶۶٪

توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی یکنواخت نبوده است. بخش عمده آنان در شمال و شمال شرقی بیرجند بخصوص در بخش «درمیان» متمرکز شده‌اند، یعنی جایی که دامنه‌های ارتفاعاتی نظیر باقران و مؤمن آباد، شرایط اقلیمی مناسبتر و خاک مستعدتر و شبکه آبهای روان و چشمه‌ساران متعدد را عرضه نموده است. هر چه به سمت جنوب علی‌الخصوص جنوب غربی پیش رویم همراه بانزدیک شدن به حواشی کویر لوت و افزایش درجه حرارت و خشکی هوا، از تراکم جمعیت و نقاط روستایی کاسته می‌شود.

نمودار زیر تعداد جمعیت را به تفکیک دهستانهای مختلف نشان می‌دهد:

نمودار ۵- جمعیت دهستانهای شهرستان بیرجند (۱۳۶۵)



بر اساس آمار: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند، ص ۱۵.

با توجه به آنچه گذشت می توان چنین گفت که توزیع جغرافیایی جمعیت در شهرستان بیرجند به گونه ای است که تقریباً $\frac{3}{4}$ جمعیت کل شهرستان در نقاط روستایی گرد آمده اند لیکن علی رغم فزونی جمعیت روستایی، این شهر بیرجند است که با اختصاص بیش از ۸۰ هزار نفر از کل جمعیت، به عنوان مهمترین نقطه تمرکز جمعیت در شهرستان بیرجند شناخته می شود. مطالعه توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی بیرجند این نتیجه را به دست می دهد که توزیع جمعیت در نقاط روستایی بشدت تحت تأثیر عوامل طبیعی نظیر وضعیت پستی و بلندی و موقعیت دشتهای و دره ها علی الخصوص منابع آبی قرار گرفته است، بطوری که عمده جمعیت روستایی در نقاطی مستقر است که از نظر

امکان دسترسی به منابع آب و خاک، در شرایط نسبتاً مساعدتری قرار دارند. برای آن که اهمیت نقش آن را یادآور شویم باید تأکید کنیم که در شهرستان بیرجند از نظر خاک محدودیتی وجود ندارد و معمولاً هر کجا آب فراهم باشد، آبادانی تحقق خواهد یافت.

۲-۴- ترکیب سنی جمعیت

منظور از ساختمان سنی جمعیت بطور کلی، مطالعه نسبت جوانان به بزرگسالان و سالخوردگان می باشد که امروزه نقش مهمی در برنامه ریزیهای اقتصادی - اجتماعی یافته است. به عنوان مثال جامعه ای که درصد جوانانش زیاد است، باید بودجه بیشتری برای آموزش و بهداشت و رفاه و ایجاد شغل اختصاص دهد.

جدول ۸- ساختمان سنی جمعیت شهرستان بیرجند (۱۳۶۵)^{۷۱}

گروه خردسالان (۱۴-۰)	گروه جوانان (۳۴-۱۵)	گروه بزرگسالان (۵۹-۳۵)	گروه سالخوردگان (۶۰+)	
در کل شهرستان	۴۵/۵٪	۳۰/۴٪	۱۷/۷٪	۶/۴٪

همان طوری که در جدول فوق نشان داده شده است گروه خردسالان نزدیک نیمی از جمعیت شهرستان را تشکیل داده است و همین گروه است که با مطرح کردن هزینه های آموزش و بهداشت و همچنین نیاز به مسکن و شغل در آینده، یکی از ضروری ترین جنبه های برنامه ریزی را در هر جامعه به وجود می آورد.

۲-۵- ترکیب جنسی جمعیت

منظور از نسبت جنسی، تعداد مردان در مقابل زنان یا بالعکس می باشد ولی معمولاً در این مورد نسبت مردان به زنان را ملاک محاسبه قرار می دهند و به صورت درصد ارائه می دهند مطالعه نسبت جنسی شهرستان بیرجند در سه قسمت به شرح زیر صورت گرفته است:

۷۱- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، صص ۳۲-۳۳.

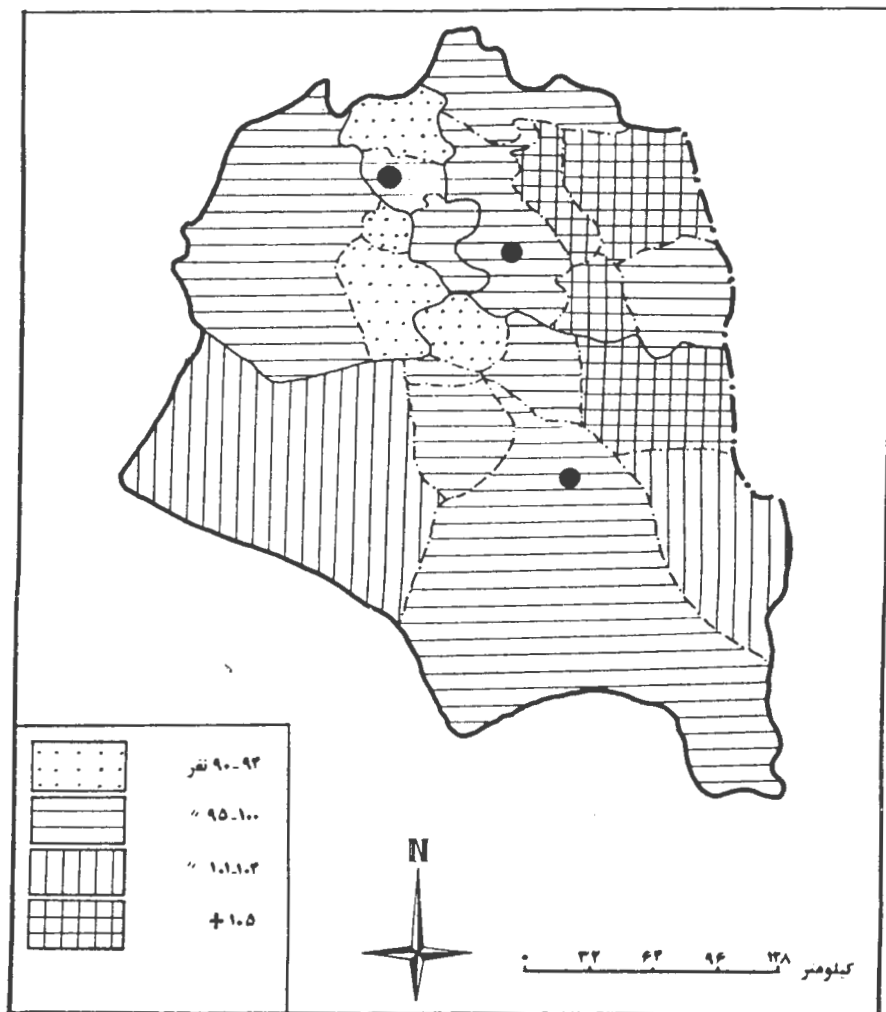
نسبت جنسی در کل شهرستان: براساس آمار سال ۱۳۶۵، نسبت جنسی در شهرستان بیرجند ۱۰۳/۴ نفر بوده است (۱۰۳/۴ مرد در مقابل ۱۰۰ زن) که بیانگر افزایش مردان در مقابل زنان می باشد. می توان گفت که نسبت جنسی این شهرستان در حالت کلی منطبق بر نسبت جنسی کل ایران (۱۰۴/۵) بوده است.

نسبت جنسی در گروههای سنی: نسبت مردان و زنان در گروههای سنی مختلف یکسان توزیع نشده است. نسبت زنان و مردان در گروههای سنی زیر ۱۴ سال تقریباً متعادل است. لیکن در گروه سنی ۱۴-۳۴ سال با کاهش محسوس در نسبت مردان مواجه می شویم که علت آن، بطور عمده، مهاجرت جوانسالان به شهرهای مختلف و شرکت در جبهه های جنگ و عواملی از این دست می باشد. در گروه سنی ۴۵ ساله به بالا با عکس این قضیه یعنی با افزایش نسبت مردان مواجه می شویم که آن نیز علل چندی دارد. از آن جمله می توان مرگ و میر بیش از حد زنان را که عهده دار انجام کارهای طاقت فرسا و بارداریهای نامتناسب هستند نام برد.

نسبت جنسی در نقاط شهری و روستایی: بطور کلی نسبت جنسی در مناطق شهری و روستایی استان خراسان و همچنین در سطح ایران، اختلاف زیادی را بویژه از نظر گروههای سنی نشان می دهد. این مسأله در نواحی جنوبی استان که اختلاف بین نقاط روستایی و شهری شدت بیشتری می یابد، محسوستر است. طبق آمار سال ۱۳۶۵ نسبت جنسی در مناطق شهری بیرجند ۱۰۵ نفر یعنی ۱۰۵ مرد در برابر ۱۰۰ زن و در نقاط روستایی ۹۹ نفر بوده است.

اگر چه رقم کلی نسبت جنسی در نقاط روستایی شهرستان بیرجند ۹۹ نفر است لیکن در مناطق مختلف روستایی تفاوتهای آشکاری را مشاهده می کنیم. این نسبت در دهستان شاخات ۱۱۱ نفر و در دهستانهای قیس آباد و براکوه ۹۰ نفر است. این اختلاف علل متعددی دارد که از آن جمله می توان به شرایط طبیعی و امکانات اقتصادی مناطق مختلف و دوری و نزدیکی آنها به مراکز شهری بخصوص شهر بیرجند اشاره کرد که به طرق مختلف در مهاجر فرستی و یا مهاجر پذیری مؤثر می افتد*.

*- در این مورد و موارد مشابه باید به این حقیقت توجه داشته باشیم که به هنگام آمارگیری (که در مهر ماه صورت گرفته است) احتمالاً عده ای از روستاییان در مهاجرتها فصلی به سر می برده اند.



طرح: از نگارنده، مأخذ ارقام: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند، ۱۳۶۵، ص ۱۵.
نقشه ۸-نسبت جنسی در دهستانهای شهرستان بیرجند (۱۳۶۵)

در این جا بد نیست اشاره ای هم به نسبت جنسی در میان جمعیت غیر ساکن این شهرستان بکنیم که در سال مزبور ۹۹ نفر (یعنی ۹۹ نفر مرد در برابر ۱۰۰ نفر زن) بوده است. همان طور که از رقم مزبور مستفاد می شود رقم مردان پایین تر از زنان گزارش شده است لیکن احتمالاً بیش از آن که مسأله مهاجرت در این مورد دخالت داشته باشد دور

بودن جوانان از دسترس آمارگران مؤثر بوده است.

۶-۲- میزان ولادت

میزان ولادت در رشد طبیعی جمعیت و رشد مطلق آن نقش مؤثری دارد. نرخ ولادت شهرستان بیرجند در سال ۱۳۶۵ معادل ۳۱/۱ در هزار بوده است. مقایسه این رقم با ارقام مشابه مربوط به شهرستانهای استان خراسان، نشان‌دهنده پایین بودن میزان ولادت در این شهرستان می‌باشد.

مطالعه جدول صفحه بعد نشان می‌دهد میزان موالید شهرستانهای جنوبی استان علی‌الخصوص بیرجند، نه تنها از رقم متوسط استان پایین‌تر است بلکه در مقایسه با شهرستانهایی نظیر شیروان (با ۳/۶۶ در هزار) و بجنورد (با ۷/۵۴ در هزار) اختلاف زیادی را نشان می‌دهد. پایین بودن این رقم می‌تواند ناشی از عدم ثبت بعضی از ولادتها و یا علل دیگر باشد که خود نیازمند تحقیقی جداگانه است*.

۷-۲- میزان مرگ و میر

میزان مرگ و میر بطور کلی تا سن ۱۰ سالگی (مخصوصاً در نقاط روستایی) بالاست و در گروههای سنی بالاتر از ۱۰ سال کاهش می‌یابد و مجدداً در سنین سالخوردگی بالا می‌رود. نرخ مرگ و میر نه تنها در طبقات مختلف سنی بلکه در میان زنان و مردان نیز تفاوت می‌کند. این نسبت در میان زنان روستایی که معمولاً دست‌اندرکار فعالیتهای کشاورزی و قالیبافی هستند و زایمانهای بی‌رویه و نامتناسب دارند، بالاتر از مردان است. به عنوان نمونه می‌توان به نسبت جنسی شهرستان بیرجند در گروه ۶۰-۶۴ ساله اشاره

* - در شهرستانهایی مثل بیرجند که خانه‌های بهداشت روستایی تعدادشان اندک است، روستاییان ناگزیراند برای ثبت موالید به اداره ثبت احوال مراجعه نمایند و در همین فاصله زمانی که گاه چندین ماه به طول می‌انجامد، تعدادی از نوزادان از دنیا می‌روند بدون این که جزو آمار متولدین محسوب شوند. بنابراین می‌توان رقم بالای بعضی شهرستانها و پایین بودن شهرهای خراسان جنوبی را تا حدی معلول همین علت دانست. جای ذکر است که تعداد خانه‌های بهداشت در سالهای بعد از انقلاب اسلامی به سرعت افزایش می‌یابد.

جدول ۹- نرخ موالید شهرستانهای استان خراسان و مقایسه آن با شهرستان بیرجند (۱۳۶۵)^{۷۲}

ردیف	شرح	جمعیت (نفر)	نرخ ولادت (در هزار)
۱	کل استان	۵/۳۲۲/۹۹۱	۴۶/۵
۲	شیروان	۹۸/۹۶۰	۶۶/۳
۳	بجورد	۳۳۲/۹۳۶	۵۴/۷
۴	نیشابور	۳۶/۵۹۹	۵۳/۲
۵	اسفراین	۱۰۲/۸۲۷	۵۰/۶
۶	تربت حیدریه	۴۰۶/۶۴۵	۵۰/۲
۷	درگز	۶۵/۶۹۷	۴۸/۴
۸	کاشمر	۲۱۶/۶۶۲	۴۸
۹	تربت جام	۲۱۹/۳۴۸	۴۷/۷
۱۰	تایباد	۱۴۶/۰۱۲	۴۷
۱۱	سبزوار	۳۹۳/۹۲۳	۴۶/۶
۱۲	مشهد	۲/۰۳۸/۳۸۸	۴۵/۹
۱۳	قوچان	۲۵۵/۶۸۱	۴۵/۷
۱۴	طبس	۵۴/۱۰۳	۴۴/۸
۱۵	فردوس	۷۶/۲۸۸	۳۸/۳
۱۶	گناباد	۹۳/۵۰۸	۳۷/۹
۱۷	قاین	۱۲۳/۷۲۷	۳۷/۵
۱۸	بیرجند	۳۶۱/۴۰۳	۳۱/۱

کرد که رقم مزبور برای نقاط شهری ۱۷ مرد در برابر ۱۰۰ زن و برای نقاط روستایی ۱۳۱ مرد در برابر ۱۰۰ زن گزارش شده است. همان طوری که ملاحظه می شود، مرگ و میر فراوان زنان موجب می شود نسبت مردان به زنان از تفاوت فاحشی برخوردار باشد.

۷۲- بر مبنای آمار مرکز آمار ایران و آمارنامه استان خراسان (۱۳۶۵) از انتشارات سازمان برنامه و بودجه

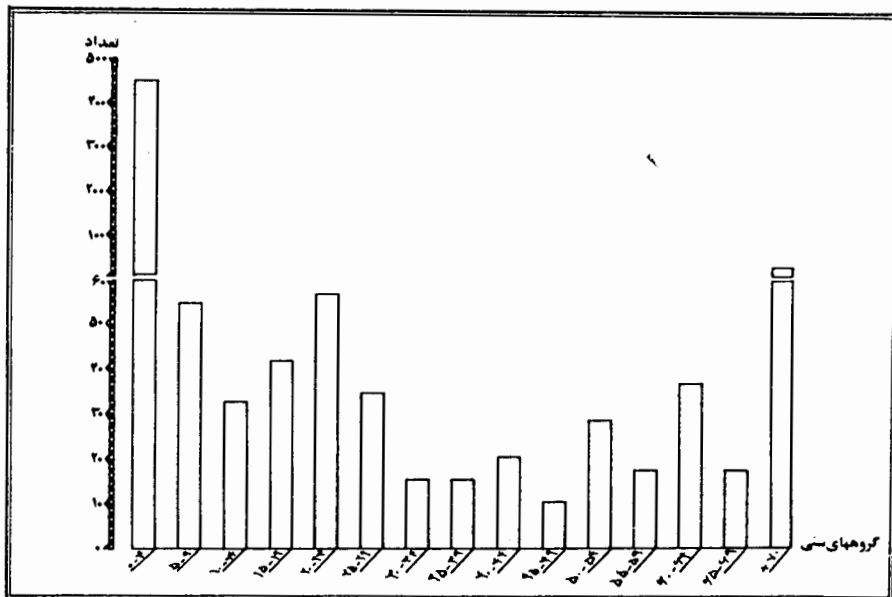
برای متوفیات رقم مشخصی نمی‌توان ارائه کرد به چند دلیل:

الف- آمار متوفیات بخصوص در مناطق روستایی قابل اطمینان نیست زیرا بسیاری از روستاییان پس از ولادت فرزند تا مدت زیادی از گرفتن شناسنامه خودداری می‌ورزند و چنانچه فرزند مزبور در این فاصله فوت شود در آمار محاسبه نمی‌شود.

ب- برخی از روستاهای دور افتاده به دلیل فاصله زیاد از مراکز اداری، آمار فوت‌شدگان (اعم از کوچک و بزرگ) را اطلاع نمی‌دهند.

ج- حتی در نقاط شهری نیز، آمار مرگ و میر کودکان قابل اطمینان نیست.

نمودار ۶- مرگ و میر گروه‌های سنی شهرستان بیرجند (۶۵-۶۴)



براساس آمار: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند ۱۳۶۵، ص ۱۴۳.

۸-۲- اعتقادات مذهبی

از کل جمعیت شهرستان در سال ۱۳۶۵ تعداد ۲۵۳ / ۳۶۰ نفر یعنی ۹۹ / ۶۸ درصد از کل جمعیت، ملتزم به آیین پاك اسلام بوده‌اند.

بعد از اسلام تنها آیینی که می‌توان از آن نام برد، زرتشتی است که در سال مزبور تنها ۵۰۲ نفر پیرو داشته است. با توجه به شواهد تاریخی که در برخی نقاط این شهرستان به دست آمده است، وجود زرتشتیان در این شهرستان مسبوق به سابقه‌ای طولانی است.

جدول ۱۰- توزیع نسبی جمعیت بر حسب دین به تفکیک ساکن و غیر ساکن (۱۳۶۵) ۷۳

غیر ساکن	ساکن		شهرستان	دین
	نقاط روستایی	نقاط شهری		
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	جمع
۹۹/۹۵	۹۹/۷۸	۹۹/۴۰	۹۹/۶۸	مسلمان
۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۲۲	۰/۱۴	زرتشتی
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	کلیمی
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	مسیحی
۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۳۸	۰/۱۸	سایر و اظهار نشده

مطلبی که در این زمینه به آن می‌باید اشاره کرد این است که در شهرستان بیرجند از دیرباز روستاهایی وجود داشته است که اهل تسنن در آنها سکونت داشته‌اند. بخش عمده این روستاها در ناحیه‌ای معروف به «سنی خونه» متجمع هستند که حدوداً در شمال شرقی شهرستان بیرجند قرار گرفته است.

اصولاً موقعیت جغرافیایی شهرستان بیرجند در مجاورت افغانستان و فاصله کم نقاط مرزی با قسمتهای داخلی شهرستان موجب گردیده است در قسمتهای شرقی شهرستان غلبه با اهل سنت باشد بخصوص این که در سالهای بعد از انقلاب با مهاجرت افغانه به این شهرستان و سکونت آنها در نواحی شمال شرقی، از جمله اردوگاههای «شمس‌آباد» و «پهواز» و... نسبت اهل تسنن به شیعیان تغییر یافته است.*

۷۳- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، ص ۴.

*- لازم به ذکر است که از برکت سیاستهای روشن‌بینانه رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه) وحدت شیعه و سنی در این شهرستان تحقق یافته است. با توجه به این که هجوم جمعیت
←

۲-۹- وضعیت سواد و آموزش

اهالی بیرجند برای کسب علم اهتمام فراوانی نشان می‌دهند. وجود علما و ادبایی نظیر حضرت آیت‌الله آیتی و مولانا محمدبن حسام خوسفی و تحصیلکرده‌های جدید بیرجندی مؤید این گفتار است. وجود ۹/۲٪ از کلیه مراکز آموزشی استان خراسان در شهرستان بیرجند و اختصاص درصد قابل توجهی از قبولشدگان کنکورهای دانشگاهی بویژه در رشته‌های علوم تجربی و ریاضی به این شهرستان و اعزام ۴ نفر از دانش‌آموزان این شهرستان به المپیاد فیزیک و ریاضی و اداره‌امور فرهنگی و اداری در شهرهای زاهدان، قاین و ایرانشهر توسط بیرجندیها، از جمله نشانه‌های دیگر اهمیتی است که مردم بیرجند برای کسب علم و دانش قایل هستند. همچنین تأسیس مدرسه شوکتیه که همزمان با دارالفنون بوده است، گواه دیگری بر سابقه‌دار بودن علم و فرهنگ در این ناحیه تواند بود. لازم به تذکر است که مدرسه اخیر صرفاً در اختیار خوانین و متنفذین محلی بوده است و توده مردم به آن راهی نداشته‌اند به همین دلیل منشأ تغییرات بنیادین اجتماعی و فرهنگی نشده است.

به موجب آمار سال ۱۳۶۵، از کل جمعیت شهرستان ۷۸/۲٪ را جمعیت ۶ ساله و بالاتر تشکیل می‌داده‌اند و از این تعداد ۴۰/۱٪ دارای سواد بوده‌اند. بخش عمده این تعداد در مقاطع تحصیلی زیر دیپلم بوده‌اند چنانچه از کل کسانی که در سال ۱۳۶۵ به تحصیل اشتغال داشته‌اند در حدود ۹۲٪ در این مقطع تحصیل می‌کرده‌اند.

→ کثیری از تازه‌واردین به خودی خود مشکلات متعددی را مطرح می‌کند مع هذا مردم نیکوکار و مهربان بیرجند، دامن رحمت خویش را برای پذیرایی از مهاجرین و آوارگان افغانی و مسائل و مشکلات آنان گشوده و در تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها خودداری نورزیده‌اند. مصداق این معنی وجود آموزگاران و مددکاران و تأسیسات آبرسانی و گرمابه و مدرسه و نظایر آن در اردوگاههای افغانه است که به دست برادران اهل تشیع جامعه عمل به خود پوشیده است. این از برکات و ثمرات انقلاب اسلامی است که سیاستهای تفرقه‌افکنانه میان شیعه و سنی جای خود را به وحدت و همکاری سپرده است و شیعه و سنی ضمن حفظ اصول اعتقادی، وجود خود را در قالب امت واحد اسلامی می‌بینند و می‌روند تا مصداق بارزی برای آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» باشند.

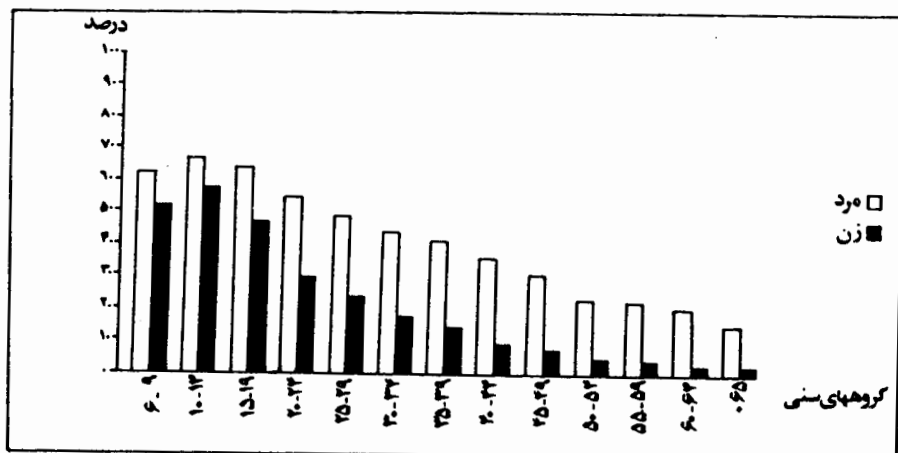
۲-۹-۱- نسبت‌های جنسی و سنی باسوادان

میزان باسوادان در میان مردان بیش از زنان است و این امری است که خاص بیرجند نیست و در سرتاسر ایران عمومیت دارد. علت آن نیز اشتغال زنان به امور کشاورزی و قالیبافی و برخی سنت‌های غلط اجتماعی است که علی‌رغم عمومیت داشتن دستور پیامبر بزرگوار اسلام برای تحصیل مرد و زن، زنان را از تحصیل محروم می‌دارد. مراجعه‌ای به آمار مربوطه نشان می‌دهد که در میان مردان ۶ ساله و بالاتر ۴۸٪ باسواد بوده‌اند حال آن که این نسبت برای زنان به ۳۱٪ / ۳ درصد تنزل می‌یابد.

اختلاف مزبور در گروه‌های سنی بالاتر افزایش می‌یابد بطوری که در گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله‌ها نسبت سواد برای مردان حدوداً ۷۰ درصد و برای زنان ۶۰ درصد است حال آن که این نسبت در گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله‌ها به ترتیب ۳۲ درصد و ۸ درصد است.

نمودار ۷- درصد باسوادان در جمعیت ۶ ساله و بیشتر شهرستان بیرجند بر حسب گروه‌های سنی به

تفکیک جنس (۱۳۶۵)



براساس آمار: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند، ۱۳۶۵، ص ۵.

اختلاف درصد تحصیلكرده‌ها بین زنان و مردان، نه تنها به موازات افزایش

گروههای سنی، بلکه همراه با بالا رفتن مدارج تحصیلی، افزایش می‌یابد، بطوری که در سال ۱۳۶۵ از ۱۸۹۵ نفری که تحصیلات عالیه داشته‌اند تنها $\frac{1}{4}$ آنها را زنان تشکیل می‌داده‌اند*.

بطور کلی می‌توان گفت در گروههای سنی پایین، میزان محصلان (چه در میان زنان و چه در میان مردان) افزایش می‌یابد، لیکن همچنان که نمودار مربوطه نشان می‌دهد هر چه به گروههای سنی بالاتر برویم از میزان تحصیلکرده‌ها کاسته می‌شود.

۲-۹-۲- امکانات آموزشی

با توجه به اهمیتی که اهالی بیرجند برای کسب دانش قایل هستند، امکانات آموزشی قابل توجهی در این شهرستان به وجود آمده و در سایه همت مسوولان شهرستان - علی‌الخصوص در سالهای بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی - سیری دائم‌التزاید داشته است. مقایسه مؤسسات آموزشی بیرجند با سایر شهرستانهای استان نشان می‌دهد بعد از مشهد، بیرجند بیشترین تعداد مؤسسات را به خود اختصاص داده و به تنهایی به اندازه شهرستانهای قاین، طبس و فردوس مؤسسات آموزشی داشته است.

در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ در آموزش و پرورش بیرجند ۳۲۳ آموزشگاه - اعم از دبستان و هنرستان و غیره - وجود داشته است که در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ به ۶۱۶ واحد افزایش یافته است. امکانات مزبور میان شهر و روستا یکسان توزیع نشده است. نقاط روستایی بیشترین سهم از امکانات آموزشی - اعم از آموزشگاه و مربیان - را به خود اختصاص داده‌اند. این امکانات عمده به دبستانها محدود می‌شود. شهر بیرجند علی‌رغم

* - همان‌طوری که قبلاً اشاره شد پایین بودن درصد تحصیلکرده‌ها بین زنان نه به دلیل عدم توانایی آنها در کسب علوم و فنون است بلکه اشتغال آنها در فعالیتهای تولیدی و بخصوص انجام وظیفه در سنگر مقدس خانواده و تربیت نسل، فرصت کمتری برای پرداختن به تحصیلات رسمی برایشان می‌گذارد و در سایه انجام همین وظایف مقدس است که مردان توفیق انجام خدمات بزرگ و طی مدارج عالیه تحصیلی را پیدا می‌کنند.

جدول ۱۱- آمار مقایسه‌ای دانش‌آموزان شهرستان بیرجند
(در سالهای تحصیلی ۶۶-۶۵، ۷۱-۷۰) ۷۴

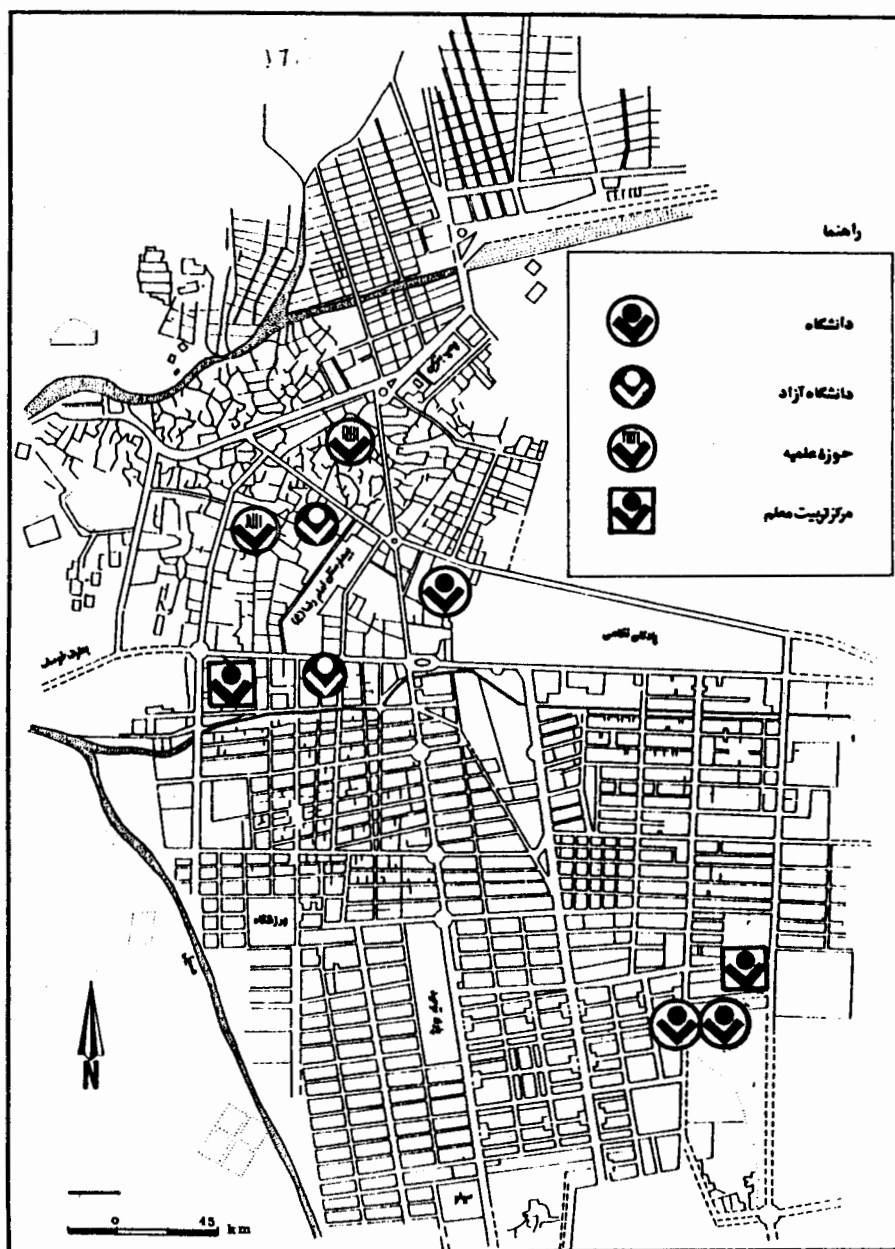
۷۰-۷۱					۶۵-۶۶					سال تحصیلی
دانش‌آموز			تعداد کل دانش‌آموز	تعداد آموزشگاه	دانش‌آموز			تعداد کل دانش‌آموز	تعداد آموزشگاه	شرح دوره تحصیلی
جمع	دختر	پسر			جمع	دختر	پسر			
۳۰۶	۱۴۴	۱۶۲	۳۴	۱۲	۶۲	۳۱	۳۱	۶	۱	استثنایی
۱۸۵۱	۹۴۳	۹۰۸	۶۸	۳۰	۵۵۳	۲۵۹	۲۷۴	۲۷	۱۱	کودکستان
۳۲۹۴۵	۱۵۱۰۴	۱۷۸۴۱	۱۶۰۹	۴۶۵	۱۹۵۹۲	۹۰۵۹	۱۰۵۳۳	۹۱۰	۲۴۸	ابتدایی
۱۲۶۲۱	۵۰۵۸	۷۵۶۳	۴۳۹	۶۶	۸۲۳۲	۳۳۳۰	۴۹۰۲	۲۵۳	۳۳	راهنمایی
۷۸۳۵	۳۵۷۱	۴۲۶۴	۲۷۷	۲۶	۵۳۴۷	۲۴۱۶	۲۹۳۱	۱۵۶	۱۶	متوسطه
۹۹۵		۹۹۵	۳۱	۲	۸۶۲		۸۶۲	۲۶	۲	هنرستان فنی
۵۶۸	۲۷۷	۲۷۱	۸	۲	۲۶۴	۹۹	۱۶۹	۸	۲	هنرستان حرفه‌ای
۴۶۲	۲۲۳	۲۳۹	۸	۳	۳۲۶	۱۵۰	۱۷۶	۸	۲	مراکز تربیت معلم
۴۹۹	۱۸۶	۳۱۳	۱۶	۴						دانشسرای تربیت معلم روستایی
					۸۳	۴۲	۴۱	۶	۶	پنجم شبانه
۴۸۹	۲۷	۴۶۲	۱۰	۲	۱۷۲		۱۷۲	۶	۱	دوره عمومی
۴۳۵	۶۵	۳۷۰	۷	۴	۶۷		۶۷	۴	۱	دوره تکمیلی
۵۸۹۸۶	۲۵۵۹۸	۳۳۳۸۸	۲۵۰۷	۶۱۶	۳۵۵۴۴	۱۵۳۸۶	۲۰۱۵۸	۱۴۱۰	۳۲۳	جمع

پایین بودن درصد بهره‌وری کمی‌اش، بخش اعظم دبیرستانها و هنرستانها و مراکز تربیت معلم را در خود داشته است. جدول صفحه قبل تعداد آموزشگاهها و دانش‌آموزان و هنرجویان شهرستان بیرجند را در مقاطع تحصیلی مذکور نشان می‌دهد.

شهرستان بیرجند از نظر تعداد کادر آموزشی نیز در سطحی بالا قرار دارد به طوری که به تنهایی معادل ۷۵٪ شهرهای خراسان جنوبی (قاینات، طبس، فردوس و گناباد) کادر آموزشی دارد. سرانه کادر آموزشی رقمی معادل یک نفر در برابر ۲۳ دانش‌آموز است که رقمی قابل قبول می‌باشد.

جدول ۱۲- کادر آموزشی و دانش‌آموزان آموزش و پرورش شهرستان بیرجند
(۷۵-۱۳۶۹-۷۰)

نام مؤسسه آموزشی	تعداد کارکنان کادر آموزشی	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموزان به کادر آموزش
کودکان استثنایی	۲۱	۱۹۵	۹/۲
کودکستان	۸۶	۲۰۲۴	۲۳/۵
دبستان	۱۸۰۳	۴۴۲۸۶	۲۴/۵
راهنمایی تحصیلی	۶۶۲	۱۴۶۷۷	۲۲/۱
دبیرستان	۲۲۵	۸۱۲۲	۳۶
هنرستان فنی	۸۰	۱۱۰۴	۱۳/۸
خدمات	۲۱	۴۴۴	۲۱/۱
تربیت معلم	۲۸	۹۶۱	۳۴/۳



- براساس تحقیق آقای حسینعلی برزگران تحت عنوان «اطلس شهر بیرجند»، موجود در آرشیو گروه جغرافیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی (مشهد)
نقشه ۹- توزیع مراکز آموزشی شهر بیرجند

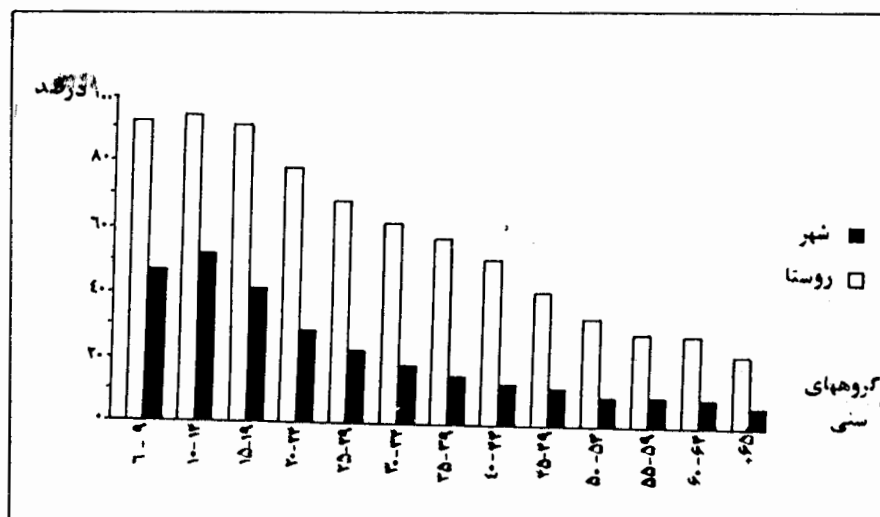
۲-۹-۳- توزیع جغرافیایی باسوادان

بطور کلی نسبت باسوادان در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی است، به طوری که در سال ۱۳۶۵ در بین افراد لازم‌التعلیم (۶-۱۴ ساله)، نسبت باسوادی برای نقاط شهری ۹۳/۵ درصد و در روستاها ۴۹/۴ درصد بوده است.^{۷۶}

همراه با افزایش گروه‌های سنی، نسبت باسوادان بویژه در نقاط روستایی کاهش می‌یابد به طوری که در گروه‌های سنی زیر ۲۰ سال نسبت باسوادان روستایی تقریباً نصف شهریان است لیکن در گروه‌های سنی بالاتر، این نسبت تقریباً به $\frac{1}{3}$ کاهش می‌یابد.

در بین نقاط شهری، از نظر فرهنگی، شهر بیرجند اهمیت بیشتری دارد و در بین نقاط روستایی، روستاهای شمال شرقی بیرجند بخصوص بخش «درمیان» بیش از سایر نقاط قابل ذکر هستند.

نمودار ۸- درصد باسوادان در جمعیت ۶ ساله و بیشتر شهرستان بیرجند برحسب گروه‌های سنی به تفکیک نقاط شهری و روستایی



نسبتهای زیر، اهمیت بخش «درمیان» در مقایسه با سایر نقاط روستایی شهرستان

بیرجند را نشان می‌دهد:

۷۶- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، ص ۵.

جدول ۱۳- درصد مراکز علمی و مذهبی بخش «درمیان» در مقایسه با سایر نقاط روستایی در شهرستان بیرجند (۱۳۶۵) ۷۷

نوع مراکز علمی و مذهبی	سهم بخش «درمیان»
مدارس علوم دینی *	٪۹۳
کتابخانه‌های عمومی	٪۶۵
امامزاده‌ها	٪۴۰
مساجد	٪۴۴

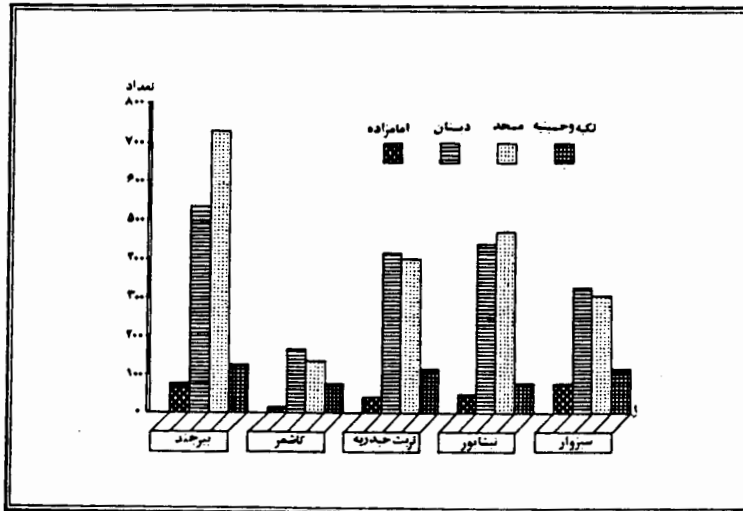
البته باید به این حقیقت هم توجه داشته باشیم که حدوداً نیمی از جمعیت نقاط روستایی بیرجند در بخش مزبور قرار دارد. این ناحیه به علت موقعیت جغرافیایی خاصی که دارد در قرون گذشته مورد توجه زرتشتیان و بعدها اعراب مسلمان قرار گرفته و زمانی هم اسماعیلیان در این جا فعالیت نموده‌اند و در زمانهای اخیر هم مرکز حکومتی خوانین و امرای محلی بوده است لذا این ناحیه بر گذشته و تاریخ و فرهنگ قابل اعتنایی تکیه زده است.

از میان دهستانهای بخش «درمیان» دهستان «طبس مسینا» اهمیت تاریخی و فرهنگی ویژه‌ای دارد و در سال ۱۳۶۵، ۶۶ درصد مدارس علوم دینی نقاط روستایی شهرستان بیرجند را به خود اختصاص داده است. دهستان مؤمن‌آباد، که یکی دیگر از دهستانهای این بخش به شمار می‌رود، تعداد زیادی از مقابر متبرکه منسوب به امامزادگان را در خود دارد و احتمالاً اطلاق واژه «مؤمن‌آباد» به این دهستان، و نیز به رشته کوههایی که در همین نواحی قرار دارد، با این مناسبت بی‌ارتباط نمی‌تواند باشد.

۷۷- فرهنگ روستایی استان خراسان ۱۳۶۵، صص ۷۸-۷۹.

* - در مورد مدارس علوم دینی، بطور کلی باید گفت از ۱۱۳ مدرسه علوم دینی در نقاط روستایی استان خراسان، ۴۵ مدرسه (یعنی حدوداً ۴۰ درصد از مجموع آنها) در روستاهای شهرستان بیرجند (بخصوص بخش «درمیان») قرار گرفته است. علت این امر وجود روستاهای متعدد اهل سنت در شمال شرقی شهرستان است. بسیاری از این روستاییان فرزندان خود را به عوض مدارس معمولی به مدارس علوم دینی که خاص اهل سنت است می‌فرستند.

نمودار ۹- مقایسه نقش فرهنگی نقاط روستایی شهرستان بیرجند با چند شهرستان خراسان (۱۳۶۵)



مأخذ: فرهنگ روستایی استان خراسان

در این جا بد نیست اشاره‌ای به وضع سواد و فرهنگ در نقاط روستایی شهرستان بیرجند داشته باشیم.

۲-۹-۴- اقبال روستاییان به علم و فرهنگ

مقایسه نسبت درصد باسوادان ۶ ساله و بالاتر نقاط روستایی بیرجند که ۲۹/۶ درصد است با رقم مشابه در کل استان خراسان که ۴۳ درصد می‌باشد، پایین بودن نسبت درصد باسوادان روستایی بیرجند را نشان می‌دهد ولی واقعیت آن است که بر خلاف بسیاری از روستاها که در شرایط جغرافیایی و موقعیت طبیعی مناسبی به تحصیل می‌پردازند در شهرستان بیرجند، روستاییان در حالی کسب علم و دانش را پی می‌گیرند که اولاً ناحیه مورد سکونت آنها تا حدی در انزوای جغرافیایی و شرایط اقلیمی نامساعدی قرار دارد، ثانیاً معیشت غالب که مبتنی بر کشاورزی (آنها در شرایطی دشوار) است موجب می‌شود بخش مهمی از وقت آنها به انجام امور زراعی اختصاص یابد. بسیاری از محصلان روستایی برای رسیدن به کلاسهای درس، راه درازی می‌پیمایند و با

تحمل شرایطی دشوار، در اتاقهای اجاره‌ای شهر بیرجند اقامت می‌گزینند. خانواده‌های بسیاری نیز برای آن که فرزندان‌شان را در شهر تنها رها نکرده باشند به بیرجند نقل مکان می‌کنند، اگر چه ارقام آماری نسبت باسوادان روستایی را کمتر از مراکز شهری بیرجند نشان می‌دهد لیکن باید توجه داشت که رونق مدارس و مراکز علمی شهر بیرجند از برکت علم دوستی روستاییان و اقبال آنان به امور فرهنگی است. تحقیقی پیرامون دو دبیرستان پسرانه شهید رجایی و شهید چمران (که البته وضعیتی استثنایی دارند) نشان می‌دهد که حدوداً نیمی از محصلان این دو مدرسه از نقاط روستایی برای تحصیل به بیرجند می‌آیند.

جدول ۱۴- فاصله دبستانهای روستایی تا شهر بیرجند ۷۸

مسافت	تا ۵۰ کیلومتر	۵۱-۱۰۰	۱۰۱-۱۵۰	۱۵۱-۲۷۰	جمع کل
تعداد	۱۳۷	۱۴۲	۸۰	۶۳	۴۲۲
درصد	۳۲/۴۶	۳۲/۶۵	۱۸/۹۶	۱۴/۹۳	۱۰۰٪

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود گستردگی سطح شهرستان و دورافتادگی نقاط روستایی، تأمین امکانات برای تحصیل روستاییان را با مشکلاتی جدی مواجه می‌سازد. آموزش و پرورش این شهرستان به یاری معلمان زحمتکش خود ناگزیر است تا شعاع ۲۷۰ کیلومتری را خدمات رسانی کند و این خود یکی از علل پایین بودن درصد باسوادان در نقاط روستایی تواند بود.

با تمام این مشکلات روستاییان بیرجند به تحصیل علم و دانش اهتمامی فراوان نشان می‌دهند به نحوی که در حال حاضر بخش عمده‌ای از روستاییان تحصیل کرده بیرجندی در شهرهای استان سیستان و بلوچستان، بخصوص زاهدان و همچنین در قاین و شهرهای دیگری نظیر مشهد و تهران، عهده‌دار مشاغل فرهنگی و اداری و خدماتی هستند*.

۷۸- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، ص ۷۹.

*- تنها در يك روستای ۱۵۰۰ نفری درخش (بنا به اظهار بعضی از اهالی) چند صد نفر مدرک تحصیلی دیپلم به بالا دارند.

۲-۱۰- مدارس علمیه

مدرسه معصومیه بیرجند از مدارس بسیار قدیمی است که معلوم نیست به دست چه کسی ساخته شده است. البته شخصی به نام معصوم قسمت جنوبی آن را که به وسیله سیل خراب شده بود تعمیر نموده است. لذا مدرسه به نام مدرسه معصومیه مشهور شده است. از مجتهدین و علمایی که تصدی این مدرسه را داشته مرحوم حجت الاسلام آقا سید ابوطالب شهیدی (والد مرحوم حجت الاسلام شهیدی) بوده اند که ایشان مدرسه معصومیه بیرجند و مدرسه قاین را اداره می فرموده و ۶ ماه از سال را در بیرجند و ۶ ماه در قاین مشغول فعالیت بوده اند. بعد از ایشان مدرسه تحت نظر حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ هادی هادوی که از علمای بزرگ بیرجند بوده و از اصحاب سامرا و از شاگردان آیت الله العظمی شیرازی صاحب فتوای تنباکو بوده اند اداره می شده است و بعد از ایشان توسط حضرت آیت الله تهامی به نظامت حجت الاسلام حاجی آقای عارفی اداره می شده است و بعد از فوت حضرت آقای تهامی مستقیماً تحت نظر حجت الاسلام آقای عارفی اداره می شود. آیات و علمای بزرگ و قدیم بیرجند که اکثراً مقدمات تحصیلات آنها هم در بیرجند بوده حضرت آیت الله حاج شیخ محمدباقر آیتی صاحب کبریت الاحمر و تالیفات دیگر و حضرت آیت الله حاج شیخ محمد حسین آیتی و حضرت آیت الله تهامی و حجت الاسلام کربلانی شیخ غلامرضا فاضل که در تربیت طلاب و محصلان سهم بسزایی داشته اند، می باشند. مدارس قدیمه بیرجند که اکنون فعالیت دارند عبارتند از: مدرسه معصومیه، مدرسه امام. پیروان مذهب حنفی نیز در «بیرجند» و «درمیان» حوزه علمیه دارند که به تدریس فقه حنفی اشتغال دارند^{۷۹}.

۲-۱۱- آموزش عالی

این شهرستان در استان خراسان بعد از مشهد در زمینه پرورش نیروهای

متخصص و دانشگاهی مقام والایی را دارا می‌باشد. در حال حاضر علاوه بر مجتمع دانشگاهی بیرجند و دوره شبانه دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور در این شهرستان به پرورش نیروهای متخصص بومی و غیربومی مشغول هستند که ذیلاً به شرح مختصری درباره هر یک می‌پردازیم.

مجتمع دانشگاهی بیرجند: این مجتمع که اخیراً دانشگاه بیرجند نام گرفته، عملاً در سال ۱۳۵۴ تأسیس شده است ولی موجودیت آن در سال ۱۳۵۶ با ایجاد دانشکده علوم و پذیرش ۱۲۰ نفر دانشجو اعلام گردید. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به تبعیت از سیاست محرومیت زدایی مورد توجه بیشتری قرار گرفت و بتدریج آموزشکده کشاورزی، آموزشکده فنی و مهندسی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی بین سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۹ به آن اضافه شد.

در حال حاضر دانشگاه بیرجند فعالیتهای آموزشی خود را در دو دانشکده، («علوم پایه» و «ادبیات و علوم انسانی») و دو آموزشکده («کشاورزی» و «فنی و مهندسی») با قریب ۲۰۰۰ دانشجو (۴۵۰ نفر دختر و ۱۶۰۰ نفر پسر) و ۶۵ نفر عضو هیأت علمی ادامه می‌دهد و برای جبران کمبود نیروی انسانی متخصص از همکاری تعدادی از استادان و مدرسان حق‌التدریسی و پروازی استفاده می‌شود. سالانه بیش از ۸۰۰ نفر دانشجو برای تحصیل در ۱۴ رشته تحصیلی در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد پذیرفته می‌شوند. ضمناً دوره شبانه از سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ با پذیرش ۶۰ نفر دانشجو در رشته‌های شیمی و زمین‌شناسی راه‌اندازی گردیده است.^{۸۰}

دانشگاه آزاد اسلامی: «دانشگاه آزاد اسلامی از مهرماه سال ۱۳۶۴ با تأسیس رشته ادبیات فارسی (با ۵۷ نفر دانشجو) فعالیت خود را آغاز نموده است و هم اکنون تعداد ۱۰۶۲ دانشجو در رشته‌های مختلف اشتغال به تحصیل دارند. کادر علمی دانشگاه ۳۷ نفر می‌باشد»^{۸۱}. این دانشگاه تا سال ۱۳۷۰ در حدود ۵۰۰ نفر به شرح جدول زیر، فارغ‌التحصیل داشته است، و در همان حال بیش از هزار دانشجو در دوازده

۸۰- همان مأخذ، ص ۹۷.

۸۱- همان مأخذ، ص ۱۱۶.

جدول ۱۵- فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند^{۸۲}

ردیف	نام رشته	تعداد
۱	کارشناسی ادبیات فارسی دوره‌ای	۱۳۵
۲	کاردانی ادبیات فارسی معلمان	۸۵
۳	کاردانی دینی و عربی معلمان	۱۰۵
۴	کاردانی برق	۱۰۹
۵	کاردانی کشاورزی	۶۷

رشته مشغول تحصیل بوده‌اند.

اخیراً يك مجتمع دانشگاهی در روستای «بیدخت» بیرجند با ۵۰۰۰ متر مربع زیربنا و ۶۰ میلیون تومان هزینه، در دست احداث می‌باشد^{۸۳}. دانشگاه پیام نور: دانشگاه پیام نور بیرجند در سال ۱۳۶۸ با رشته‌های شیمی، ریاضی، زمین‌شناسی آغاز به کار نموده در سال ۶۹ یعنی پس از یکسال، رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و علوم تربیتی نیز اضافه گردیده هم اکنون علاوه بر پنج رشته فوق دوره‌های کوتاه مدت شامل رشته‌های حسابداری، مدیریت و علوم تربیتی را دارا می‌باشد. در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ بیش از ۹۰۵ دانشجو در این واحد به تحصیل اشتغال داشته‌اند که از این تعداد ۳۵۸ نفر در رشته‌های علوم پایه و ۴۵۶ نفر در رشته‌های علوم انسانی و ۱۰۲ نفر در دوره‌های کوتاه مدت (کاردانی) مشغول تحصیل بوده‌اند^{۸۴}.

۲-۱۲- ساختمان شغلی

یکی از مهمترین ویژگی‌های اقتصادی جمعیت هر منطقه، میزان جمعیت

۸۲- همان مأخذ، ص ۱۱۷.

۸۳- روزنامه قدس، سال ششم، خرداد ماه ۱۳۷۲.

۸۴- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، صص ۱۱۳ و ۱۱۵.

شاغل* نسبت به کل جمعیت است.

از نظر ساختمان شغلی، جمعیت شاغل را در سه بخش:

- صنعت.

- خدمات.

- کشاورزی.

مورد مطالعه قرار می دهند که به عنوان فعالیتهای نوع اول و دوم و سوم معروف هستند. طبق سرشماری مهرماه ۱۳۶۵ از کل جمعیت شهرستان بیرجند ۶۳/۲۷ درصد را افراد ۱۰ ساله و بیشتر (یعنی کسانی که در سن کار** و فعالیت هستند) تشکیل می داده اند، لیکن از این مقدار تنها ۷۲۲/۸۵ نفر یعنی ۳۵/۹ عملاً مشغول کار بوده اند، بقیه شغلی نداشته، بیکار*** تلقی شده اند. نسبت جمعیت شاغل در نقاط روستایی ۳۶/۸ و در نقاط شهری ۳۳ درصد بوده است^{۸۵}.

علت بالا بودن درصد شاغلان روستایی نسبت به شاغلان شهری آن است که درصد قابل توجهی از جوانان شهری، به تحصیل اشتغال دارند.

توزیع جمعیت شاغل در گروههای مختلف شغلی، اختلاف آشکاری را بین نقاط شهری و روستایی نشان می دهد. عمده ترین این اختلاف مربوط می شود به دو بخش خدمات و کشاورزی که اولی در نقاط شهری و دومی در نقاط روستایی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، این دو نوع فعالیت هر کدام با اختصاص کمتر از نیمی از جمعیت شاغل، مهمترین گروههای شغلی را در شهر و روستا تشکیل می دهند.

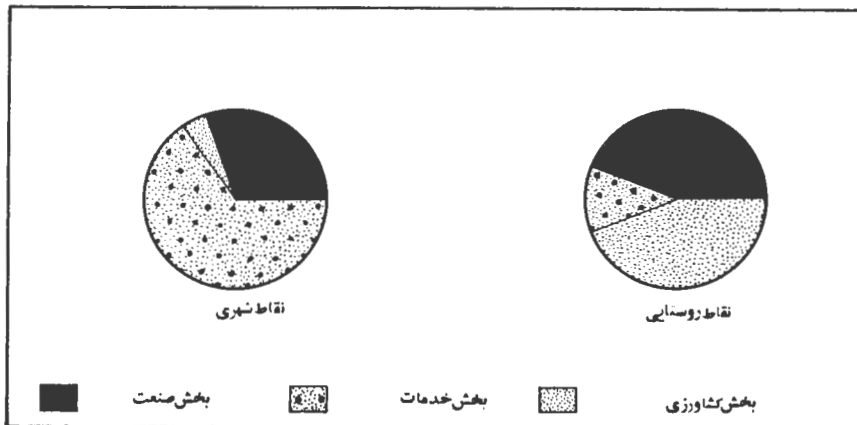
* - کسانی را که در سن فعالیت هستند جمعیت فعال و آن دسته از جمعیت فعال را که مشغول کار هستند، جمعیت شاغل می نامند.

** - تعریف مرکز آمار ایران از کار چنین است: «هر فعالیت فکری یا بدنی است که قانوناً مجاز باشد و به منظور کسب درآمد (نقدی و غیرنقدی) صورت گیرد».

*** - لازم به یادآوری است که معمولاً در تهیه آمارهای جمعیتی، محصلین و زنان خانه دار را نیز جزو جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر منظور می کنند. این طرز محاسبه موجب می شود رقم مربوط به جمعیت غیر شاغل و بیکار بیش از حد واقعی آن به نظر برسد.

۸۵ - مرکز آمار ایران، همان مأخذ، صص ۲-۷.

نمودار ۱۰- توزیع نسبی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بالاتر در شهرستان بیرجند (۱۳۶۵)



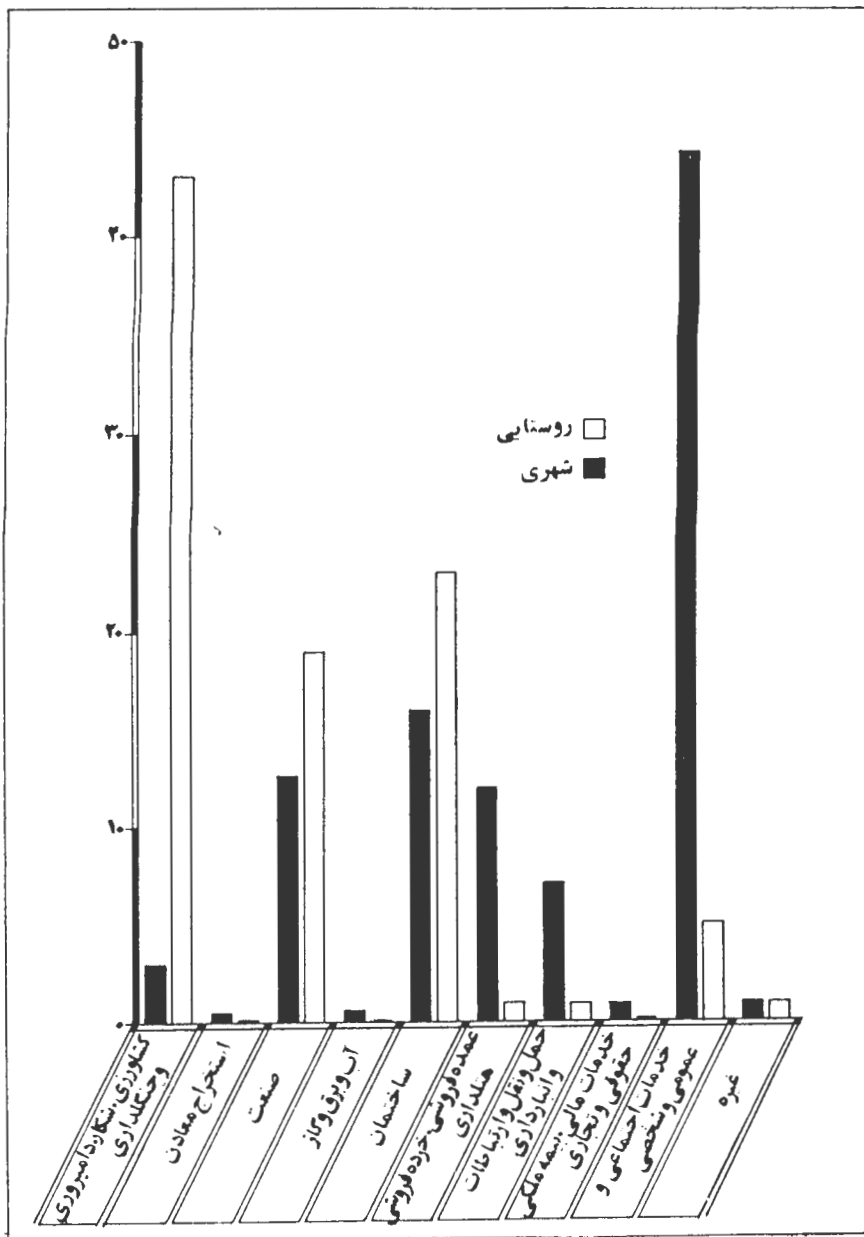
بر اساس: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند، ص ۹.

در رابطه با گروه‌های عمده شغلی لازم است توضیحاتی هر چند مختصر ارائه شود.
- بخش صنعت: درصد فعالیت‌های مربوط به این بخش در شهرستان بیرجند نسبتاً بالاست لیکن اهمیت این ارقام تنها به دلیل رواج صنایع دستی بخصوص قالیبافی است همچنین درصد شاغلان بخش صنعت در نقاط روستایی بیش از نقاط شهری است و این نیز به دلیل فزونی امر قالیبافی در نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری است. امری که در هوای گرم و خشک بیرجند و در کنار مشکلات عمده کشاورزی ضروری می‌نماید.

- بخش خدمات: بخش دیگری که نیاز به توضیح دارد، بخش خدمات است که شاغلان آن در نقاط شهری (به دلیل اشاعه فعالیت‌های نظیر مسافرخانه‌داری و امور مربوط به بانک و بیمه و حمل و نقل و خرید و فروش و غیره) بسیار افزونتر از نقاط روستایی هستند. در سال ۱۳۶۵ از کل شاغلان نقاط شهری ۶۵/۵ درصد در بخش خدمات فعالیت می‌کرده‌اند، در حالی که برای نقاط روستایی این رقم تنها ۱۱/۳ درصد بوده است.

- بخش کشاورزی: در مورد بخش کشاورزی نیز باید به این واقعیت اشاره کرد که اگرچه درصد قابل توجهی از شهریان جزو آمار کشاورزان محسوب نشده‌اند لیکن عملاً پیوند خود را با کشاورزی حفظ کرده‌اند. از سوی دیگر، زنان با مشارکت جدی و دائمی

نمودار ۱۱- شاغلان دهساله و بیشتر شهرستان بیرجند ۱۳۶۵ (برحسب فعالیت‌های ۹ گانه و به تفکیک نقاط شهری و روستایی)



مأخذ: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند، ۱۳۶۵. ص ۸.

خود، بخش کشاورزی را در نقاط روستایی مدد می‌رسانند بی آن که تماماً جزو آمار شاغلان بخش کشاورزی محسوب شوند.

۲-۱۳- بهداشت و درمان

در شهرستان بیرجند کمبود خدمات درمانی امری کاملاً محسوس و یکی از مشکلات دیرپا بوده است. مردم این نواحی همچون سایر اهالی جنوب خراسان ناگزیر بوده‌اند برای دستیابی به خدمات درمانی راه دراز بیرجند تا مشهد را طی نمایند، لیکن بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، تغییرات اصولی در توزیع خدمات و امکانات بین نقاط محروم از جمله شهرستان بیرجند به وجود آمد و قدمهای مؤثری در این زمینه برداشته شد. با این همه مجموع پزشکان شهرستان بیرجند، طبق آمار ۱۳۶۵ از ۴۷ نفر تجاوز نمی‌کرد. در سال ۱۳۶۹ رقم مزبور به ۶۰ افزایش یافت. در این سال بیرجند بعد از مشهد مهمترین مقام را در سطح استان کسب نموده است.^{۸۶} در سال بعد یعنی سال ۱۳۷۰ رقم مزبور به ۷۸ نفر افزایش پیدا کرده که این پیشرفت با تأسیس دانشگاه علوم پزشکی در این شهرستان بی ارتباط نمی‌باشد.

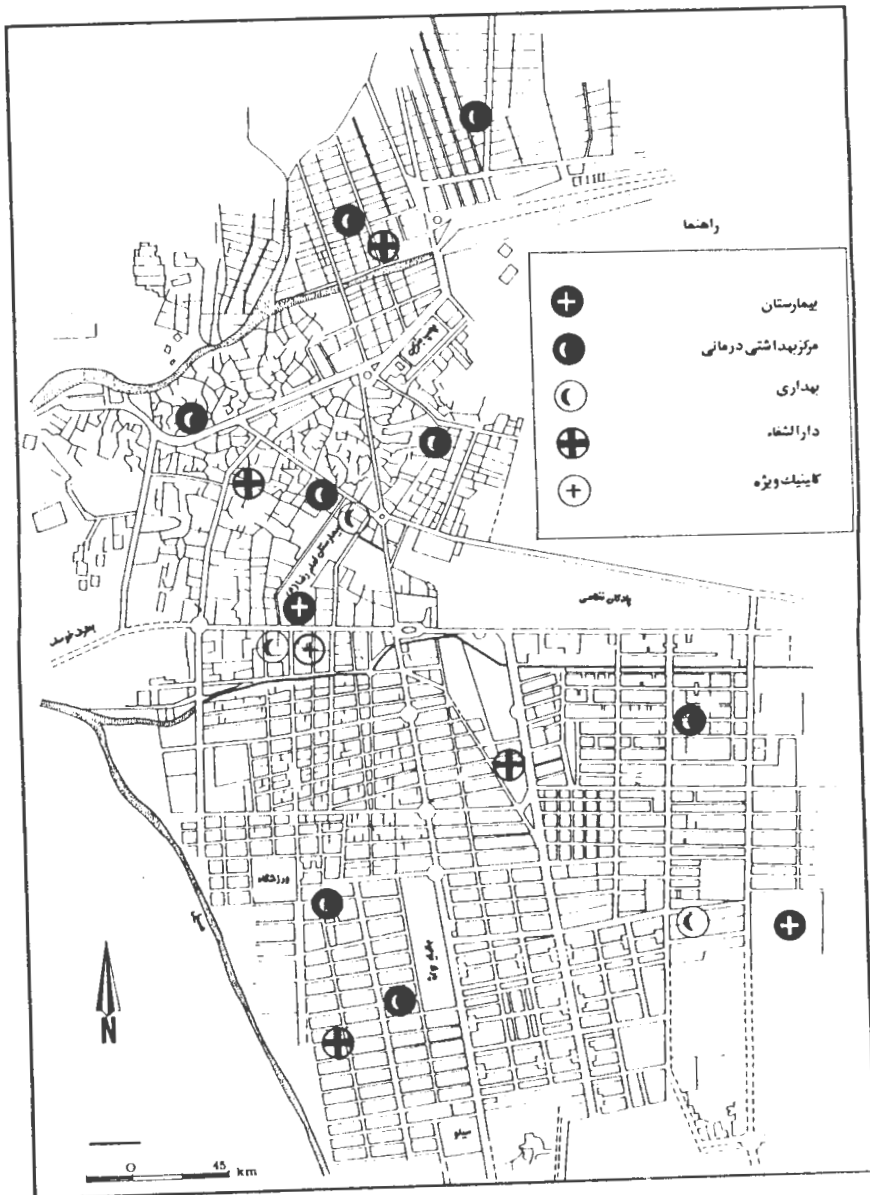
جدول ۱۶- پرسنل شبکه بهداشت و درمان شهرستان بیرجند (۱۳۷۰)^{۸۷}

نوع تخصص	تعداد مرد	تعداد زن
پزشک متخصص	۲۲	۶
پزشک عمومی	۳۸	۱۲
دندانپزشک	۵	۳
داروساز	۶	۴
جمع	۷۱	۲۵

مجموعه تلاشهایی که در این شهرستان به عمل آمده است و بخصوص این اقدام اخیر موجب خواهد شد روند مراجعه بیماران که تاکنون از بیرجند به سوی مشهد بوده

۸۶- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۱۱۰.

۸۷- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، ص ۲۳۴.



بر اساس تحقیق آقای حسینعلی برزگران

نقشه ۱۰- توزیع مراکز بهداشتی درمانی شهر بیرجند

است، تغییر یافته، بیرجند را به صورت قطبی برای مراجعه نقاط شهری و روستایی جنوب خراسان درآورد. کما این که آمار سال ۱۳۶۹ نشان می‌دهد در سال مزبور بیش از ۱۶۴/۰۰۰ نفر به بیمارستان امام رضا (ع) در شهر بیرجند مراجعه نموده‌اند.^{۸۸}

در این جا باید به اختلاف شدید میان نقاط شهری و روستایی در برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی اشاره کنیم. طبق آمار ۱۳۶۵ در نقاط شهری برای هر ۳/۰۰۰ نفر يك پزشك وجود داشته است حال آن که برای روستاییان این رقم حدوداً به ۱۶/۷۰۰ نفر می‌رسیده است. به موجب آمار سال ۱۳۶۵ تعداد پزشکان در شهر بیرجند (که حدوداً $\frac{1}{4}$ جمعیت شهرستان را شامل می‌شده) دو برابر نقاط روستایی بوده است. به عبارت بهتر اگرچه در بعضی از نقاط روستایی و همچنین در سریش و نهبندان درمانگاههایی وجود دارد ولی مهمترین مرکز درمانی که مجتمع درمانی امام رضا (ع) نام دارد در شهر بیرجند قرار دارد. این بیمارستان که در سال ۱۳۲۷ احداث گردیده است، در سال ۱۳۶۶ یکصد و پنجاه تخت و ۷ پزشك و ۱۳۷ کادر درمانی غیرپزشك و ۶۵ نفر کارکنان اداری و خدماتی داشته است.^{۸۹}

تعداد تختهای این بیمارستان در سال ۱۳۶۹ به ۹۰۲۵۰ و در سال ۱۳۷۰ به ۲۸۰ تخت افزایش یافته است.^{۹۱} بیمارستان مزبور دارای بخشهای داخلی، زنان، جراحی، جراحی عمومی، اورولوژی، حلق و بینی و چشم، سوانح و سوختگی، اطفال، درمانگاه اورژانس شبانه‌روزی، بخش رادیولوژی و سونوگرافی می‌باشد.

در عین حال باید اضافه کنیم، محرومیت‌زدایی که یکی از آرمانهای نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود موجب شده است حتی الامکان به نواحی روستایی توجه بیشتری معطوف گردد. در این زمینه باید تأکید کرد که:

۸۸- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۱۱۸.

۸۹- وزارت بهداشت، معاونت طرح و برنامه و امور مجلس، نشریه شماره ۱۶۵، ص ۶۸.

۹۰- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۱۱۴.

۹۱- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، ص ۱۶.



تصویر ۱۵- مجتمع درمانی امام رضا (ع)

اولاً: در ایجاد مراکز درمانی مستقر در شهر بیرجند، خدمات رسانی به روستاییان نیز مد نظر بوده است. چنانچه بخش عمده مراجعان مرکز مبارزه با سل را ساکنان نواحی غیر شهری تشکیل می دهند و همچنین تعداد زیادی از مراجعان بیمارستان امام رضا (ع) و سایر درمانگاهها، روستاییان هستند.

ثانیاً: با ایجاد و افزایش تعداد «مراکز بهداشتی و درمانی روستایی» سعی شده است خدمات درمانی را به نحوی هر چه مطلوبتر، در دسترس روستاییان قرار دهند. چنانچه در سال ۱۳۷۰، ۱۶ مرکز فعال در روستاهایی نظیر مود، خوسف، اسداباد، درخش و غیره وجود داشته و ۶ مرکز هم در دست اقدام بوده است. همچنین در سال مزبور ۱۰۰ «خانه بهداشت» در نقاط روستایی مستقر بوده و ۲۴ خانه هم در طرحهای اجرایی آینده قرار داشته است.^{۹۲} ارقام زیر، تعداد مراجعات روستاییان به مراکز درمانی روستایی را در ظرف

۹۲- همان مأخذ، صص ۲۳۱-۲۳۳.

سال نشان می دهد.

جدول ۱۷- فعالیتهای درمانی مراکز روستایی شهرستان بیرجند (ظرف يك سال)^{۹۳}

نوع مراجعات	تعداد (نفر)
جهت ویزیت	۱۹۲/۵۶۵
جهت تزریقات	۵۶/۱۸۹
جهت پانسمان	۵/۹۶۱
جهت واکسیناسیون	۳/۴۷۶
مراجعه به کلینیکهای تنظیم خانواده:	۲/۲۱۱
مراجعه به کلینیکهای مادر و کودک	۵/۵۹۸
مراجعه به آزمایشگاه	۹۷۴

۲-۱۴- مهاجرت

شهر بیرجند به عنوان مهمترین نقطه شهری در محدوده کنونی شهرستان بیرجند از اوایل قرن حاضر دوره های اوج و حسیضی را از سر گذرانده است که هر کدام بنوعی در جریانهای مهاجرتی این ناحیه نقش موثری داشته است. علل وقوع این جریانات را می توان به چند دسته تقسیم نمود:

- علل اقتصادی: بیرجند که از اوایل قرن حاضر (به دلیل قرار داشتن بر سر راه تجارتی اروپا و جنوب شرقی آسیا بالاخص هندوستان) از رونق اقتصادی برخوردار شده بود پس از احداث راههای جدید و تغییر مسیر ارتباطی لطمه فراوانی دید. این امر موجب رکود اقتصادی و تعطیلی کسب و کار و در نتیجه مهاجرت بسیاری از بیرجندیها گردید.

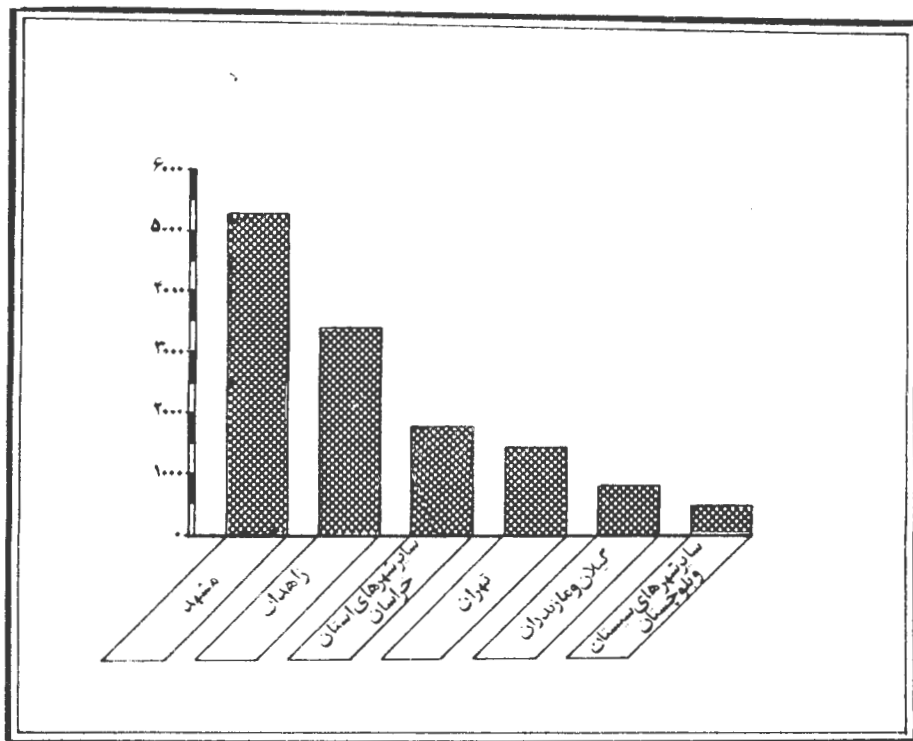
- علل طبیعی: وقوع خشکسالیها بویژه در دهه ۱۳۲۰ بسیاری از اهالی را برای نجات از قحطی ناگزیر به ترك دیار نمود. تحت تأثیر علل فوق تعداد قابل توجهی از اهالی این منطقه به شهرهایی مثل مشهد، تهران و سایر نقاط شهری ایران و عده ای نیز به

روسیه و عراق و کشورهای حوضه خلیج فارس مهاجرت نمودند.

- علل سیاسی: وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی و تغییراتی که در ارزش‌گذاریها و سیاستها و برنامه‌ریزیها به وجود آمد از يك طرف، و تجاوز شوروی سابق به خاک افغانستان از طرف دیگر، جریانهای مهاجرتی دیگری را پدید آورد.

از سال ۱۳۳۵ هـ، ش به بعد آمار روشنی در دست داریم و می‌توانیم جریانات مهاجرتی شهرستان بیرجند را دقیقتر بررسی کنیم. به موجب آمار همین سال مهاجرین وارده به بیرجند و قاینات تنها ۲/۲۴۰ نفر بوده است، حال آن که مهاجرین خارج شده به بیش از ۱۴/۴۰۰ نفر می‌رسیده است. بنابراین تا این زمان سیر کلی مهاجرت همچنان از داخل ناحیه به خارج بوده است.

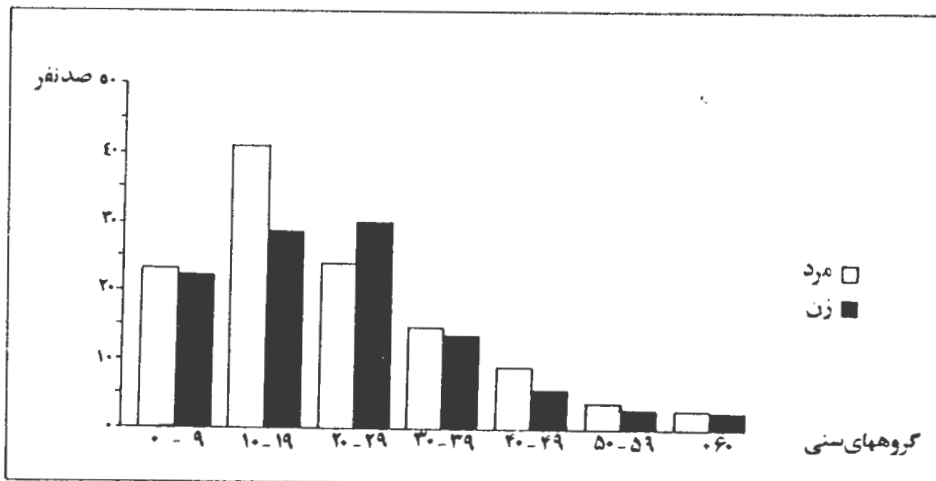
نمودار ۱۲- متولدین بیرجند و قاین براساس محل اقامت در سال ۱۳۳۵



مأخذ: مرکز آمار ایران، گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور ایران، آبانماه ۱۳۳۵، ص ۱۶۷.

از دهه ۱۳۴۰ به بعد که سیاستهای رژیم وابسته پهلوی اقتصاد ایران را عرصه کارزار شدیدتری برای کارتل‌ها و تراستهای غربی گردانید* و با اعمال برنامه‌هایی نظیر اصلاحات ارضی، کشاورزی و حیات روستایی ایران را به مخاطره افکند، جریان مهاجرت روستاییان به شهرها - که فروش نفت خام و صنایع مونتاژ و گسترش تجارت، حیات اقتصادی آنها را رونقی کاذب بخشیده بود - ادامه یافت. بطور کلی این سیر مهاجرت که از داخل به خارج بیرجند صورت می‌گرفت تا زمان وقوع انقلاب اسلامی ادامه یافت، و تنها در این تاریخ بود که در سایه سیاست‌گذاریهای دولت مبتنی بر محرومیت زدایی از نقاط دورافتاده، حرکت اخیر متوقف گردید.

نمودار ۱۳- مهاجرین وارد شده طی ۱۰ سال گذشته به نقاط شهری شهرستان بیرجند



بهر حال در زمینه مهاجرت بویژه مهاجرت‌های اخیر بیرجندیها می‌توان مهاجرت‌های درون شهرستان را از مهاجرت‌های خارج از شهرستان تفکیک نمود. اینک به توضیحاتی پیرامون هر کدام از این مباحث می‌پردازیم:

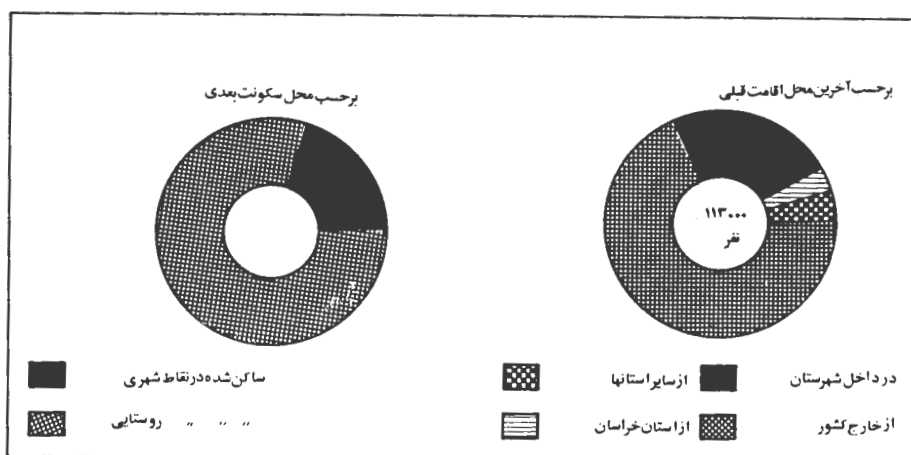
* - لازم است اشاره شود که نفوذ اقتصاد غرب در ایران از اواخر عصر قاجاریه آغاز شد و در زمان سلسله پهلوی به اوج خود رسید. ر.ک: دکتر ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، نشر نی، ۱۳۶۷، صص ۳-۳۶ (تحت عنوان: بررسی اجمالی اقتصاد ایران از گذشته تا امروز).

۲-۱۴- مهاجرت‌های بیرون از شهرستان

در سال‌های اخیر مهمترین مهاجرت‌های خارج از شهرستان توسط افغانه و به دنبال تجاوز نظامی شوروی سابق به آن کشور، صورت گرفته است. تعداد کل مهاجرینی که طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به شهرستان بیرجند وارد شده‌اند نزدیک ۱۱۳ هزار نفر بوده است که از این تعداد حدوداً ۶۸ درصد افغانی بوده‌اند.^{۹۴}

از این مهاجرین تنها بخش اندکی در نقاط شهری شهرستان بیرجند به سر می‌برده‌اند و اکثراً در اردوگاه‌های خاص خود و بعضاً در نقاط روستایی شهرستان سکونت گزیده‌اند. بعد از افغانه که درصد بالایی از مهاجرین وارده به شهرستان بیرجند را تشکیل می‌داده‌اند، سایر شهرهای استان خراسان با رقم ۲۶/۶ درصد، مهمترین گروه‌های مهاجرین را به خود اختصاص داده‌اند که اکثراً خانوادگی دست به مهاجرت زده، به طور یکسان به نقاط روستایی و شهری بیرجند وارد شده‌اند. همچنین تعداد کمی هم از

نمودار ۱۴- مهاجرینی که طی دهه ۶۵-۵۵ به شهرستان بیرجند مهاجرت نموده‌اند



بر اساس: نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند، ۱۳۶۵، ص ۴

۹۴- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، ص ۳

استان سیستان و بلوچستان بخصوص زابل و زاهدان به این شهرستان آمده‌اند^{۹۵}.
مهاجرت‌های خارج از شهرستان بیرجند را به اعتبار موقتی یا دائمی بودن به دو
بخش می‌توان تقسیم نمود (صرفنظر از افغانه که اکثراً از آغاز دهه ۱۳۷۰ ه. ش به وطن
خود بازگشته‌اند):

مهاجرت‌های دائمی: این نوع مهاجرت خاص خانواده‌هایی است که برای همیشه
بیرجند را ترک گفته به مشهد و تهران و زاهدان و سایر شهرهای ایران و بعضاً به خارج از
کشور رفته‌اند. بخش قابل توجهی از این مهاجرین در شهرهای مختلف کشور به مشاغل
اداری و فرهنگی و عده‌ای هم به کارهای فنی و خدماتی پرداخته‌اند.
درباره توزیع جغرافیایی این مهاجرین می‌باید گفت اگرچه در تمامی نقاط ایران
پراکنده‌اند لیکن در بعضی موارد می‌توان محله‌های خاصی را در شهرهای مختلف
باز شناخت که بیرجندیها به نحو مشخصی در آن محله‌ها تجمع یافته‌اند.
بطور نمونه به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

- گازاریها در محله‌های نارمک و در دشت و افسریه و عباس‌آباد تهران
- گازاریها در محله‌های احمدآباد و رضاشهر و آب و برق مشهد
- درخشیها در محله‌های رضائیه، سجادشهر، طلاب و الندشت مشهد
- درخشیها در محله‌های شمیران و عباس‌آباد تهران
- عربهای عربخانه در محله‌های خاوران، افسریه تهران
- عربهای عربخانه در محله‌های مهرآباد و گلشور مشهد
- نوفرستی‌ها* در محله‌های گاز، طلاب، نخریسی، زیباشهر، سجادشهر مشهد

۹۵- همان مأخذ، صص ۲۸-۲۹.

* - اکثر این روستاها و از جمله، نوفرستی‌ها به طور عمده از دهه ۱۳۲۰ یعنی مقارن دوره خشکسالی،
مهاجرت خود را آغاز کردند. روستاهای اطراف نوفرست نظیر خراشاد، نصرآباد، چاچ، کوچ، بیجار نیز همانند
نوفرست عمل کرده‌اند، (برای مطالعه بیشتر درباره نوفرست و مسائل مربوط به آن مراجعه شود به پایان‌نامه
تحصیلی: محمد حسین نوفرستی، جغرافیای روستایی نوفرست، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد
سال ۱۳۵۴-۱۳۵۳).

مهاجرتهای فصلی: در این زمینه باید بیشتر به مهاجرت جوانانی اشاره کرده که از نقاط روستایی بیرجند بخصوص در فصلی که فعالیتهای کشاورزی کاهش می‌یابد، به شهرهایی نظیر مشهد و تهران عزیمت می‌کنند. این قشر معمولاً به کارهای ساختمانی و کارگری می‌پردازند و در خانه‌های محقر اجاره‌ای سکونت گزیده، پس از مدتی به میان خانواده خویش باز می‌گردند و از دسترنج کار شرافتمندانه خود نیازهای خانواده خویش را تأمین می‌کنند. افاغنه ساکن در شهرستان بیرجند برای کار موقت، شهرهایی از قبیل مشهد، کرمان و تهران را انتخاب کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان افاغنه ساکن در روستای نوغاب را نام برد که برای کار به قم، کرمان، تهران و کوره‌های آجرپزی گرسار رفته‌اند.

۲-۱۴-۲- مهاجرتهای داخل شهرستان

در این زمینه، آشکارترین حرکت، حرکتی است که از روستاها به نقاط شهری، علی‌الخصوص شهر بیرجند، صورت می‌گیرد. مقایسه جمعیت شهر بیرجند در مقاطع مختلف سرشماری نشان‌دهنده افزایش شدید جمعیت در این شهر است. چنانچه میزان جمعیت این شهر طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ با رشد سالیانه‌ای معادل ۱/۶ درصد از ۱۴ به ۸۴ هزار نفر رسیده است.^{۹۶}

این رشد جمعیت در شهر بیرجند، تا حد زیادی ناشی از مهاجرتهای روستاییان به این شهر بوده است. آمار سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که از کل جمعیت ۹۱۴۰۰ نفری نقاط شهری بیرجند، حدوداً ۲۷٪ را روستاییان تشکیل می‌داده‌اند.

مطالعه روستاهای تخلیه شده و توزیع جغرافیایی آنها می‌تواند ما را به نتایج روشنتری برساند. داده‌های آماری سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که از ۴/۲۸۴ نقطه روستایی شهرستان بیرجند، تنها ۱/۶۸۳ نقطه، دارای سکنه بوده و بقیه یعنی ۶۰ درصد از مجموع روستاها خالی از سکنه بوده‌اند. نظری به توزیع جغرافیایی روستاهای تخلیه شده نشان می‌دهد تعداد روستاهای تخلیه شده نسبت به کل روستاها در دهستانهایی نظیر

۹۶- حبیب‌الله زنجانی، فریدون رحمانی، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، وزارت مسکن و شهرسازی

(مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری) ۱۳۶۸، جدول ۳-۲.

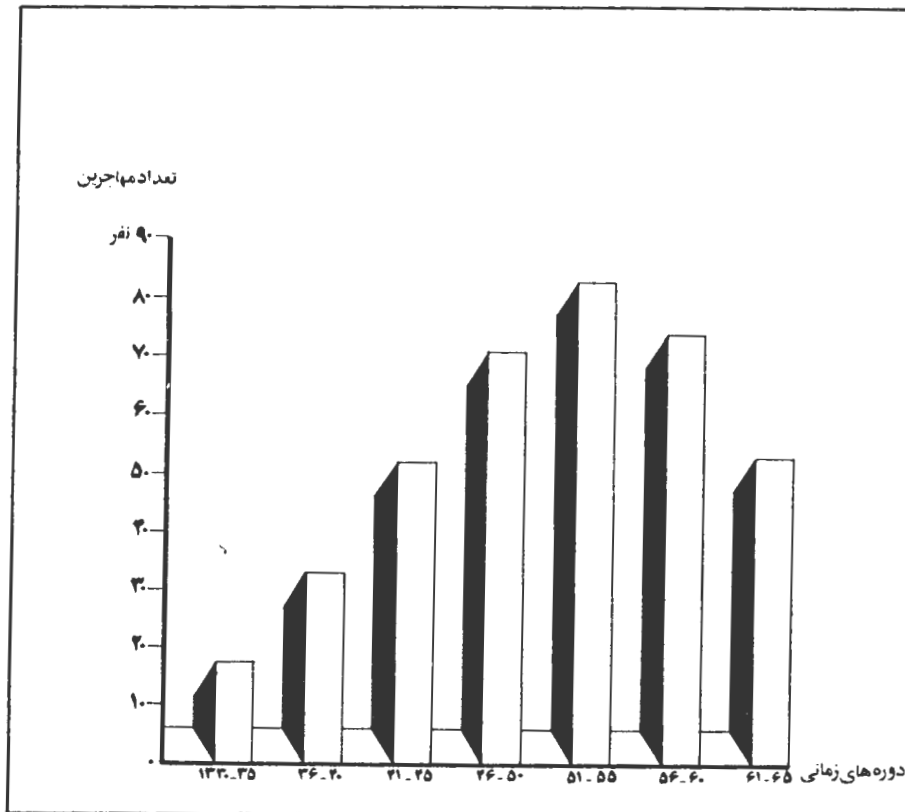
دهستان طبس مسینا و دهستان درمیان (در شمال شرقی شهرستان بیرجند) که وضعیت مطلوبتری دارند، کمتر از سایر دهستانهاست و نسبت روستاهای تخلیه شده آنها به ترتیب ۲۲ و ۲۳/۶ درصد است.*. لیکن در دهستانهایی مثل مؤمن آباد و شاخنات و القور و نهارجان و براکوه که اکثراً در فاصله نه چندان دوری از شهر بیرجند قرار گرفته و تحت تأثیر جاذبه آن واقع شده‌اند، نسبت روستاهای تخلیه شده بالای ۶۵ درصد و در بعضی موارد (مثل دهستان نهارجان) به حدود ۸۰ درصد بالغ می‌شده است.^{۹۷}

در مورد مهاجرت‌های درون شهرستانی نیز باید تفکیکی میان مهاجرت‌های فصلی و مهاجرت‌های دائمی قائل شویم، در مورد اول می‌توان به دانش‌آموزانی که برای تحصیل به شهر بیرجند می‌آیند و کارگرانی که با یک حرکت پاندولی از روستاهای نزدیک شهر برای کار در کوره‌پزخانه‌ها و ساختمان سازی و غیره به شهر مراجعه می‌کنند، اشاره کرد.

در مورد مهاجرت‌های دائمی می‌توان از بخش عظیم روستاییانی که طی چند دهه اخیر بویژه بعد از انقلاب اسلامی به شهر بیرجند سرازیر شده‌اند نام برد. این روستاییان عمده در شمال شهر بیرجند سکونت گزیده‌اند و بعضاً محله‌هایی همانم با روستاهای خود به وجود آورده‌اند، مانند محله سرچاهی‌ها که از روستای «سرچاه‌تازیان» به بیرجند آمده‌اند. بخش عمده صاحبان حرف در شهر بیرجند، اهالی همین روستاها هستند مانند «گازاریها» که به آلومینیوم سازی و تراشکاری و ساعت سازی و جواهر فروشی می‌پردازند و «بیدختی‌ها» که به نجاری و «سرچاهی‌ها» که به مکانیکی و رانندگی مبادرت ورزیده‌اند. بعضی از روستاییان نیز در مشاغل اداری و نظامی اشتغال دارند و به دنبال تقسیم

* - نواحی شمال شرقی بیرجند که بیشترین جمعیت روستایی را نیز در خود جای داده است از نظر طبیعی شرایط مناسبتری از سایر نقاط بیرجند دارد. وجود ارتفاعات و خاک مناسب و شبکه آبهای سطحی و چشمه‌سارانی که در پای کوه‌ها روانند به این ناحیه وضعیتی ممتاز بخشیده است. گذشته تاریخی این منطقه نیز با سایر قسمت‌های بیرجند تفاوت عمده‌ای دارد. در این ناحیه است که سوابق زرتشتیگری و سکونت اولیه اعرابی که به جنوب خراسان آمده‌اند و مرکزیت سیاسی امرا و حکام مختلف را مشاهده می‌کنیم. در حال حاضر نیز همچنان که در بخش‌های قبلی اشاره شد، سطح فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی این ناحیه امتیاز آشکاری نسبت به سایر نقاط بیرجند دارد.

نمودار ۱۵- نمودار مهاجرین روستاهای نمونه گیری شده دهستان شهاباد بیرجند



بر اساس: جهاد سازندگی خراسان، گروه تحقیقات جغرافیایی، مطالعات اقتصادی - اجتماعی دهستان شهاباد.

زمین میان کارمندان، در محله‌های جنوبی شهر ساکن شده‌اند.

با توجه به مباحثی که گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

الف: تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، جریانات مهاجرتی به طور عمده از داخل شهرستان به خارج بوده است لیکن از انقلاب اسلامی به این طرف به تبعیت از برنامه‌های مسؤولان نظام جمهوری اسلامی مبنی بر رفع محرومیت از مناطق محروم، مهاجرت‌های عمده از خارج شهرستان به داخل شهرستان صورت گرفته است.

ب- چیزی که در همه این جریانهای مهاجرتی مشترك بوده آن است که نقاط روستایی ضربات جبران ناپذیری را در خلال این وقایع دریافت نموده‌اند. چنانچه در دوره خشکسالی با مهاجرت متمکنین، روستاها پشتوانه‌های مالی خود را از دست داده‌اند و با بروز بحران اقتصادی و رکود تجارت و فعالیت، روستاییانی که در رابطه با اقتصاد شهری روزگار می‌گذراندند لطمه دیدند و با مهاجرت افاغنه در سالهای اخیر، این روستاها بودند که دچار مشکلات مختلف اقتصادی- اجتماعی و حتی اکولوژیکی شدند. در حال حاضر هم اگر چه جریان مهاجرتی داخل به خارج بیرجند قطع گردیده است لیکن با مهاجرت روستاییان به شهر بیرجند، این روستاست که از نیروی جوان و قدرت فعاله و استعدادهایش تخلیه می‌شود. امید است هر چه زودتر برای حرکت‌های مهاجرتی برنامه‌ای تدوین گردد تا همچنان که خون، با گردش منظم خود اعضای پیکره انسانی را به فراخور نیازشان مدد می‌رساند، نیروی محرکه مهاجرین نیز به نحوی سازمان یافته و عقلایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۲-۱۵- کوچ‌نشینان و عشایر

مشکلات محیط طبیعی شهرستان بیرجند و کمبودی که در زمینه آب و خاک، ازدیرباز در این ناحیه رخ می‌نموده است، زندگی کوچ‌نشینی و حرکت به دنبال یافتن مراتع تازه‌تر را ایجاب می‌نموده است. به علاوه، محیط نسبتاً دست‌نخورده‌ای که کمتر از شمال خراسان دستخوش حملات اقوام بیگانه بوده است و نیز عدم وجود راه‌های ارتباطی عمده در جنوب خراسان موجب شده است که بافت اجتماعی نیز کمتر دستخوش تغییرات شود. لذا زندگی اجتماعی بخشی از ساکنان این ناحیه و همچنین اعرابی که در این نواحی سکونت گزیده‌اند بر مبنای عشیره و خانواده پا برجا مانده است.

وجود ارتفاعات نسبتاً مهم «مؤمن آباد» و «درمیان» و یا ارتفاعات پراکنده دیگر در محدوده شهرستان بیرجند، در کنار دشتهای و نواحی بیابانی، موجب تنوع در وضعیت اقلیمی و پوشش گیاهی گردیده و بیلاق و قشلاق کوچ‌نشینان را امکان‌پذیر نموده است.

دامنه‌های ارتفاعات شمال شرقی و دشتهای گرم جنوب این ناحیه (بخصوص در بخش «درمیان» و در «نهبدان»)، شاهد آمد و رفت کوچ‌نشینانی هستند که همه ساله رأس موعد مقرر، مسیرهای معینی را پشت سر می‌گذارند. دهستانهای «موئن آباد» و «چاهان»^{*} بیش از سایر دهستانها از این حیث اهمیت دارند.

در این جا لازم است به مناسبت بحث کوچ‌نشینی، نگاهی ولسو اجمالی به وضع عشایر^{۹۸} بیرجند بیندازیم. عشایر شهرستان بیرجند با رقم تقریبی ۹۹۳۹/۷۰۰ نفر در سال ۱۳۶۶ حدوداً نیمی از عشایر خراسان را (که در تاریخ مزبور تعدادشان به ۸۶۵۷۰ نفر بالغ می‌شده) تشکیل می‌داده‌اند^{**}. توزیع جغرافیایی آنان در مقطع سرشماری مزبور به نحوی بوده است که اکثراً در نواحی کوهستانی شمال شرقی و یا در نواحی بیابانی جنوب این شهرستان، یعنی در نواحی ییلاقی و قشلاقی قرار داشته‌اند.

برای رسیدگی بیشتر به وضع عشایر که در قسمتهای مختلف شهرستان پراکنده‌اند، «اداره امور عشایر بیرجند» دایر گردیده و اقداماتی برای رفع مشکلات آنان و ارائه خدمات لازم به عمل آمده است. از جمله جهت ارتقای سطح دانش عشایر ۲۵ دبستان سیار و چند مدرسه راهنمایی (در «خور» و «دُرُج») دایر گردیده که حدوداً ۲۰۰ دانش‌آموز (اعم از دختر و پسر) را زیر پوشش دارد. همچنین در هفت نقطه عشایر نشین،

* - این دهستان در حال حاضر جزو شهرستان نهبدان است.

۹۸- عشایر کوچنده به مردمی گفته می‌شود که حداقل سه ویژگی زیر را داشته باشند:

- ساخت اجتماعی قبیله‌ای

- اتکای معاش به دامداری

- شیوه زندگی شبانی یا کوچ، نقل از: مرکز آمار ایران، سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده

۱۳۶۶، نتایج تفصیلی کل کشور، ۱۳۶۷، ص ۷.

۹۹- همان مأخذ.

* - در اینجا باید یادآور شویم به دلیل پراکندگی عشایر و عدم دسترسی آمارگیران به همه آنها نمی‌توان انتظار ارائه ارقام دقیقی را در این زمینه داشت. علاوه بر این، از سوی نهادهای مختلف، ارقام متفاوتی درباره آنها ارائه می‌شود.

جدول ۱۸- توزیع جغرافیایی عشایر شهرستان بیرجند به تفکیک بخشها (۱۳۶۶) ۱۰۰

نام بخش	تعداد (نفر)	مهمترین طایفه از نظر تعداد
درمیان	۱۹۰۷۷	بهلولی
نهندان	۱۹۰۵۱	اردنی
خوسف	۱۳۴۰	بهمدی
مرکزی	۲۰۸	
جمع	۳۹۶۷۶	

خوابگاههایی به وجود آمده که ۲۸۰ دانش آموز دختر و پسر را اسکان داده است^{۱۰۱}. در حال حاضر در میان عشایر شهرستان بیرجند مهمترین طوایف* (از نظر تعداد)، بهلولی ها^{۱۰۲} هستند که در شمال شرقی شهرستان به سر می برند. از طوایف قابل ذکر دیگر، اردنی ها هستند که در نهندان زندگی می کنند. طوایف بهمدی، براهوئی، ده مرده و عنانی در مرتبه بعد از اهمیت قرار می گیرند. سایر طوایف عبارتند از:

حیدری، تاجیک، خسروی، رخشانی، زارزهی، کلندرزی، ماهیرودی، یوسف

۱۰۰- همان مأخذ، صص ۳۰-۳۳.

۱۰۱- همان مأخذ، ص ۸۳.

*- تعریف مرکز آمار ایران از طایفه بدین شرح است:

مشخصترین و مهمترین چارچوب اجتماعی عشایر، طایفه است که شامل جماعتی است که غالباً با هم خویشاوندی دور و نزدیک دارند و در چند یا چندین نسل پیش نسبتاً یا سبباً به مبنای مشترکی می رسند. فرد عشایری در بیان وابستگی و تعلقش، از طایفه خود نام می برد.

۱۰۲- بهلولی (Bahluli) طوایف عشایری بلوچ هستند که در شهرستانهای مشهد، باخرز، خواف، قاینات و بیرجند و غیره زندگی می کنند. عشایر بهلولی از لحاظ رشادت مشهور هستند. اغلب آنها به دامداری و کشاورزی و قالیچه بافی اشتغال دارند. قالیچه های بهلولی از لحاظ نقشه و بافت در خراسان معروفند. جمعیت بهلولی های خراسانی در سال ۱۳۱۵ حدوداً ۵۴۰۰ خانوار بوده است. نقل از (سیدعلی میرنیا، پژوهشی در شناخت ایلها و طایفه های عشایری خراسان ... مؤسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش، ۱۳۶۹، ۱۷۴).

زهی، زرک زهی، نهتانی، پنجکه، جمال زهی، ناروئی، دیوانی، سارانی، ساسولی، شیخی، کله بچه، آخوندی، بولاغ زهی، چشک، محمودی، نوری، رامش، هراتی، محمد حسنی، نخعی، جر، دیوانه، شیبک، شیبانی، کوچال، میرشاه، جون آبادی، ریگی و عبداللهی^{۱۰۳}.

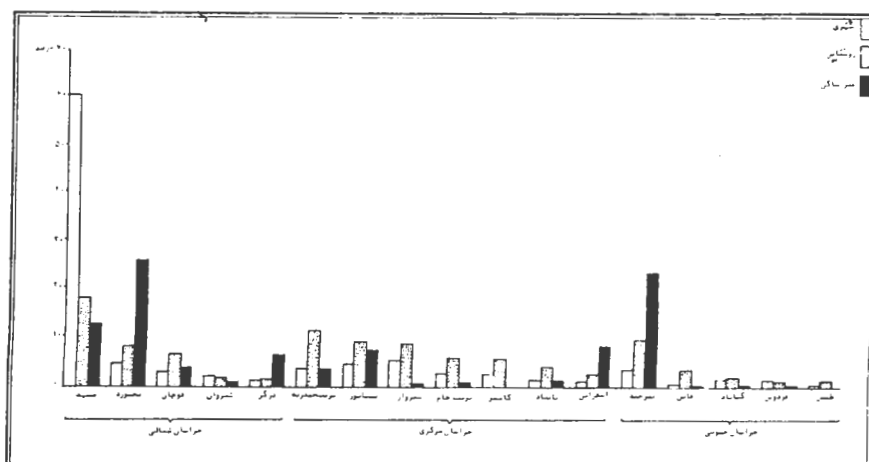
مرکز آمار ایران در سال ۱۳۶۵ جمعیت غیر ساکن شهرستان بیرجند را ۱۹۱۶ نفر گزارش کرده است^{۱۰۴}. این رقم در مقایسه با سایر شهرستانهای استان خراسان رقم مهمی به شمار می رود. مقایسه زیر این مفهوم را روشنتر می کند:

جمعیت شهری شهرستان بیرجند ۳/۶ درصد جمعیت شهری خراسان است.

جمعیت روستایی شهرستان بیرجند ۹/۸ درصد جمعیت روستایی خراسان است.

جمعیت غیر ساکن شهرستان بیرجند ۲۸/۴ درصد جمعیت غیر ساکن خراسان است.

نمودار ۱۶- درصد جمعیت شهرستانهای مناطق سه گانه به تفکیک شهری، روستایی و غیر ساکن نسبت به کل جمعیت شهری، روستایی و غیر ساکن استان



مأخذ: سید احمد فدایی، توزیع و تراکم جمعیت استان خراسان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۸، معاونت فرهنگی استان قدس رضوی، پاییز ۱۳۶۸، ص ۱۰۹.

۱۰۳- برای مطالعه بیشتر درباره عشایر شهرستان بیرجند مراجعه کنید به: بررسی اجمالی وضعیت عشایر شهرستان بیرجند، جهاد سازندگی خراسان، واحد طرح و برنامه.

۱۰۴- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، صفحه ۱.

۳- شهر بیرجند و ویژگیهای آن

۱-۳- دگرگونی در بافت فیزیکی شهر ۱۰۵

با توجه به بافت فیزیکی شهر بیرجند سه منطقه متفاوت از هم را می توان تشخیص داد که در زیر به ذکر خصوصیات عمده هر يك از این بخشها می پردازیم.

۱-۱-۳- بخش شمالی شهر بیرجند

وضع خاص توپوگرافیک و وجود تپه های متعدد موجب مشکلات کالبدی نظیر شیب زیاد کوچه ها و خیابانها در این بخش از شهر گردیده است. این وضعیت و همچنین وجود کال «کبوترخان» و گورستان «بهشت متقین» و کوره های آهک پزی و کارگاههای سفالگری از ابتدا موجب نامرغوبی زمینهای این بخش شده است، بطوری که جز کارگران کوره ها چندان رغبتی برای سکونت در این نواحی وجود نداشته است. عوامل فوق که موجب ارزانی زمین شده بود، به نوبه خود مهاجرین روستایی و کارگران کم درآمد را از اواخر دهه ۱۳۴۰* به این قسمت از شهر جلب نمود. نزدیکی این بخش به جاده بیرجند - مشهد، یکی از عوامل تسهیل کننده مهاجرت روستاییان به شمار می رود به خصوص آن که راه مزبور وسیله رفت و آمد به نقاط شرقی و شمال شرقی و شمالی شهرستان بیرجند (یعنی جایی که بیشترین جمعیت روستایی سکونت دارد) بوده است. توسعه این بخش بویژه پس از انقلاب اسلامی آهنگی سریعتر یافته، مهاجرین افغانی نیز بر ترکیب اجتماعی آن افزوده شدند. مطالعات انجام شده توسط اداره کل مسکن و شهرسازی خراسان نشان داده که:

۱۰۵- در تنظیم مطالب این مبحث، از منبع زیر استفاده به عمل آمده است:

- اداره کل مسکن و شهرسازی خراسان، طرح تفصیلی بیرجند، ۴ جلد، ۱۳۶۸.

*- این همان دهه ای است که به دلیل اجراء سیاستهای ارضی رژیم گذشته، مهاجرتهاى روستایی به نقاط شهری، شدت گرفت.

- ۱۰٪ از مجموع بناهای مسکونی این منطقه تا سال ۱۳۵۰ ساخته شده‌اند.
- ۱۷٪ از مجموع بناهای مسکونی این منطقه در فاصله سالهای ۱۳۵۰-۱۳۵۷ ساخته شده‌اند.
- ۷۰٪ از مجموع بناهای مسکونی این منطقه بعد از انقلاب و بخصوص بعد از ۱۳۶۰ ساخته شده‌اند.*

ساکنان این منطقه عمده‌ای از کارگران و روستاییان مهاجر و بطور کلی اقشار کم‌درآمد تشکیل شده‌اند. روستاییان محروم و بخصوص آنهایی که به صورت خوش‌نشین به سر می‌برند و به امور غیر کشاورزی اشتغال داشته‌اند در محله «پایین شهر» گرد آمده‌اند و کشاورزان فقیر (نظیر کارگران بخش کشاورزی و خرده‌مالکان فقیر) و دوره‌گردانی که در بیرجند غربتی نامیده می‌شوند و حضورشان یادآور اصلاحات ارضی رژیم گذشته است، در محله موسی‌بن جعفر (ع) سکونت گزیده‌اند. این ناحیه در حقیقت سکوی پرش مهاجرین روستایی به بخشهای مرغوبتر داخل شهر بیرجند به شمار می‌رود. بدین ترتیب آن دسته از روستاییانی که توانسته‌اند از امکانات شغلی شهر بهره‌برداری نمایند و برای خود، کاری دست و پا کنند به محله‌های مرغوبتر مثل هفده شهریور، کوشه‌ای، جوادیه و خیرآباد نقل مکان کرده، جایگزین خانواده‌هایی می‌شوند که این محله‌ها را به سوی قسمتهای مرفه‌نشین جنوبی ترک کرده‌اند. وجود دارهای متعدد قالی در خانه‌های مسکونی بخش شمالی، چهره عمومی مساکن و معابر و خانوارهای پرجمعیت با سطح درآمدی نازل و وجود خیابانی که به نام «کارگر» نامگذاری شده است همگی مؤید این واقعیت‌توانند بود. همین پایگاه خاص اقتصادی-اجتماعی ساکنان و نیز شتاب آنها برای ساخت و ساز بوده است که شکل ویژه‌ای به خصوصیات کالبدی و فیزیکی این بخش از شهر بخشیده است به نحوی که سبک معماری، شیوه‌ای سنتی و روستایی یافته و کوچه‌های بی‌قواره و بناهایی نامنظم و غیراصولی پدیدار گردیده است. ضمناً ساخت و ساز این منطقه به دلیل کوتاه بودن زمان ساخت و ساز و شتابی که سازندگان آن به خرج داده‌اند

* - همین مطالعه نشان داده است که بین سالهای ۱۳۶۳-۱۳۶۶ رشد سالیانه جمعیت این منطقه به ۹٪ رسیده است که خود حکایتگر شدت مهاجرت می‌باشد.

کیفیت نامطلوبی را به بار آورده است به طوری که در حال حاضر از نظر اصول شهرسازی و خدمات و تأسیسات لازمه نقایص و ضعفهای فراوانی به چشم می خورد. متوسط قطعات مسکونی در این بخش، تقریباً ۱۵۴ مترمربع است^{۱۰۶} که نسبت به خانه های جنوب شهر بیرجند (با متوسط ۲۷۸ مترمربع)^{۱۰۷} و حتی بخش مرکزی و قدیمی (با ۲۲۰ مترمربع)^{۱۰۸} قابل مقایسه نیست. در مورد سطح زیربنای نیز تفاوت آشکاری میان خانه های این بخش و جنوب شهر مشاهده می شود، بطوری که در برابر متوسط زیربنای خانه های مسکونی این بخش که ۱۰۸ مترمربع است، این رقم در بخش مرکزی و جنوبی شهر بیرجند به حدود ۱۸۰ مترمربع افزایش می یابد. هرگاه در نظر آوریم که بعد خانوار در این قسمت از شهر به دلیل بافت اجتماعی اش، گسترده تر از سایر بخشهای شهر است باید قبول کنیم که این عامل دست در دست ضعف بنیه مالی نهاده موجب شده است زیربنای مسکونی این بخش کمتر از سایر بخشهای شهر باشد. مراجعه ای به تحقیقات انجام شده نشان می دهد سرانه زیربنای مسکونی در قسمتهای مرکزی بیرجند حدوداً دو برابر و در قسمتهای جنوبی در حدود ۲/۵ برابر بخش شمالی بیرجند است.

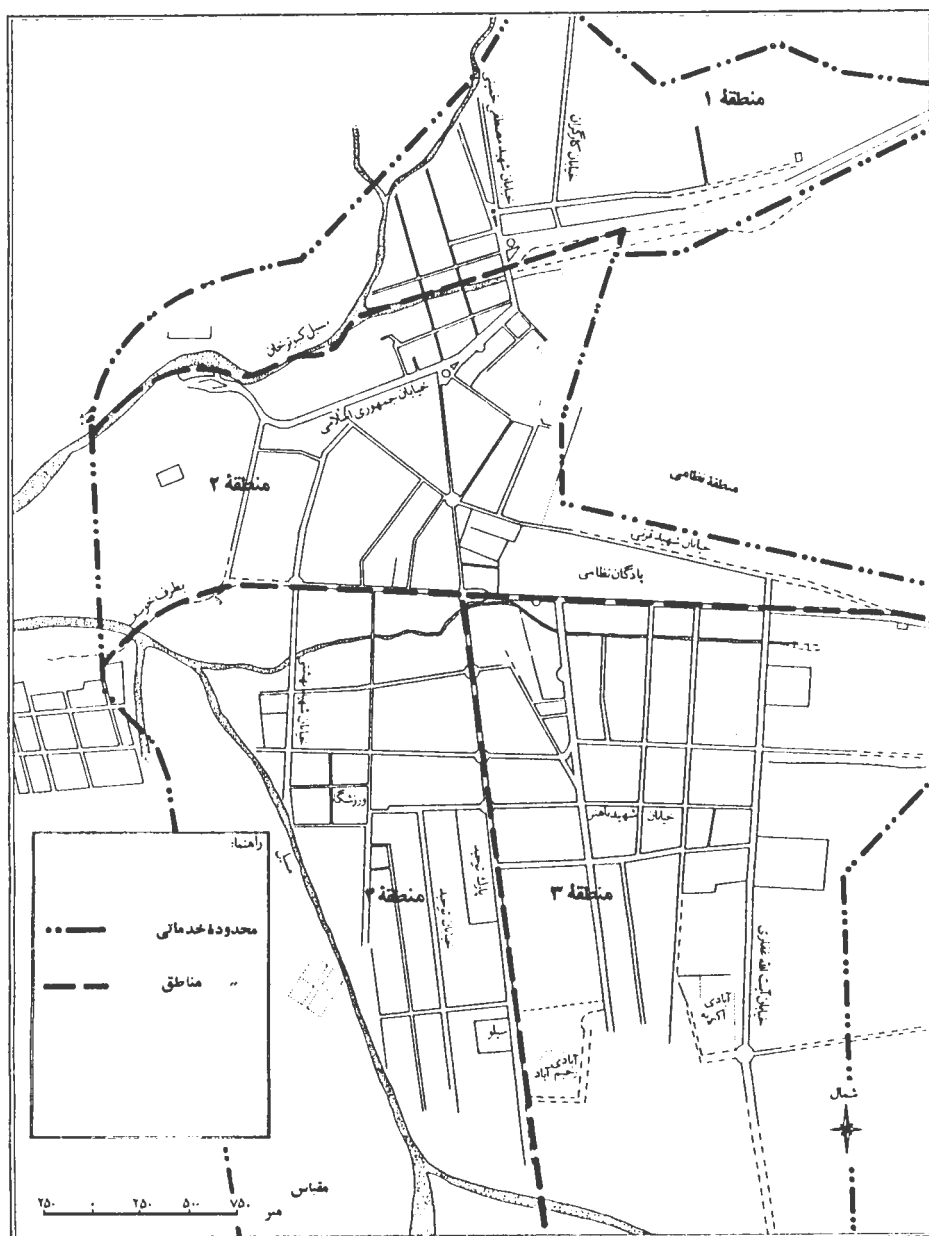
بناهای مسکونی در بخش شمالی بیرجند عموماً ساده، بدون نماکاری و بی قاعده هستند و اصول معماری و شهرسازی در آنها رعایت نشده است. فضای سبز سرانه عمومی که در قسمتهای دیگر شهر حدود ۶ الی ۷ مترمربع است در این بخش از شهر حتی به ۲ متر مربع نیز نمی رسد.

خیابانها و کوچه ها باریکتر از حد استانداردهای متعارف است بطوری که در آینده پاسخگوی توسعه این بخش و افزایش جمعیت و رفت و آمد نخواهد بود. به علاوه شیب تند بعضی کوچه ها بر مشکلات موجود می افزاید. مراکز خدماتی و درمانی و فرهنگی و تأسیسات شهری در این بخش به حداقل خود می رسد. در عین حال باید به این حقیقت اشاره کرد که بناهای این بخش در مقایسه با بخش قدیمی شهر بیرجند از کیفیت

۱۰۶- همان مأخذ، منطقه یک، ص ۴۷.

۱۰۷- همان مأخذ، منطقه سه، ص ۲۹ و منطقه چهار، ص ۲۹.

۱۰۸- همان مأخذ، منطقه دو، ص ۷۶.



نقشه ۱۱- نقشه تقسیمات شهری بیرجند

مطلوبتری برخوردار هستند زیرا قریب به ۷۵ درصد بناها از آجر و تیر آهن ساخته شده‌اند و تنها ۲۵ درصد باقی مانده از خشت و گل هستند، حال آن که درصد عمده‌ای از بناهای بخش قدیمی شهر از خشت و گل و با کیفیتی نامناسب بنا شده‌اند. علت این امر نیز جدید بودن بناهای بخش شمالی بیرجند است و همان طوری که قبلا هم اشاره شد در حدود ۷۰ درصد از بناهای این بخش از انقلاب اسلامی به این طرف ساخته شده‌اند.

در این جا باید میان بناهای شمال و شمال شرقی بیرجند با بناهای شمال غربی آن، که محل سکونت روستاییان و مهاجرینی با سطح درآمد پایین تر است، تفاوت قایل شویم.

۲-۱-۳- بخش مرکزی یا بافت قدیمی

این بخش تقریباً در مرکز شهر بیرجند و در ملتقای راههای ارتباطی متعددی قرار دارد که از گذشته بیرجند را به زاهدان و مشهد و خوسف متصل می کرده است. لیکن به اعتباری تعیین حد و مرز این بخش از شهر بیرجند غیر ضروری می نماید زیرا در



تصویر ۱۶- بخش مرکزی یا بافت قدیمی

هر کجای شهر بیرجند که از فرازی به چهره عمومی شهر بنگریم بخش قدیمی با پشت‌بامهای گنبدی و بادگیرهای کوچک و بزرگ و ساختمانهای خشت و گلی و کوچه‌های پرپیچ و خم، خود را از دیگر بخشهای شهر متمایز می‌سازد. آب‌انبارهای متروکه و ساباطها و دربهای چوبین قدیمی (باقالباهای جداگانه برای مردان و زنان) خاص این بخش از شهر است.

در چند دهه اخیر بخصوص بعد از انقلاب اسلامی کشورمان، این بخش دستخوش تغییرات چندی گردیده است. از جمله این که به دلیل گسترش عمومی شهر بیرجند تحت تأثیر فشار دموگرافیک، بعضی از خانه‌هایش به مراکز تجاری و انبارها اختصاص یافته است. واقع شدن این بخش در نواحی مرکزی شهر بیرجند و نیاز به افزایش ارتباطات بین قسمتهای شمالی و جنوبی شهر، احداث خیابانهایی را ضرورت بخشیده است. این خیابانها بعضاً در مسیر باروی بخش قدیمی قرار گرفته و دچار انحنائی گریزناپذیر شده‌اند.

در دو طرف این خیابانها نیز خانه‌ها و خرابه‌های فراوانی برجای مانده که به مرور زمان به واحدهای تجاری و مسکونی تغییر یافته است. بدین ترتیب خاطرات گذشته شهر بیرجند و بلکه تاریخ این شهر در هیاهوی ساخت و سازهای جدید و ساکنانی جدیدالورود، می‌رود که به دست فراموشی سپرده شود. چهره‌های پرچین و چروکی که تاریخ بیرجند را در سینه سپرده و داستانهای فراوانی از کاروانسراها و دروازه‌های قدیم شهر بیرجند بر لب داشتند اکنون در این بخش کمتر به چشم می‌خورند چرا که درصد قابل توجهی از ساکنان بخش مرکزی بیرجند را امروزه مهاجرین تازه‌واردی که از درمیان و خوسف و سریش و شهاباد آمده‌اند و حتی مهاجرین غیربیرجندی تشکیل می‌دهد که از نظر اقتصادی یا وابسته به مراکز تجاری همین بخش و یا روستاهای اطراف می‌باشند. اصولاً مدتهای زیادی است که خانه‌های خشت و گلین این بخش، میزبان کوتاه مدت میهمانانی است که از روستاهای اطراف می‌آیند و يك چند درنگ می‌کنند و آن گاه به بخشهای مرغوب‌تر شهر نقل مکان می‌نمایند. وجود دارهای متعدد قالی در خانه‌های این بخش یکی از نشانه‌های غلبه بافت روستایی در این قسمت

از شهر می‌باشد، همچنان که وجود انبارها و واحدهای تجاری، به نوبه خود گویای اهمیت یافتن کارکرد تجاری و خدماتی این بخش به شمار می‌رود. زمینهای این قسمت غالباً وقفی هستند. شهرداری و بنیاد مستضعفان هم مالکیت‌هایی دارند که با زمینهای اوقافی قابل مقایسه نیست.

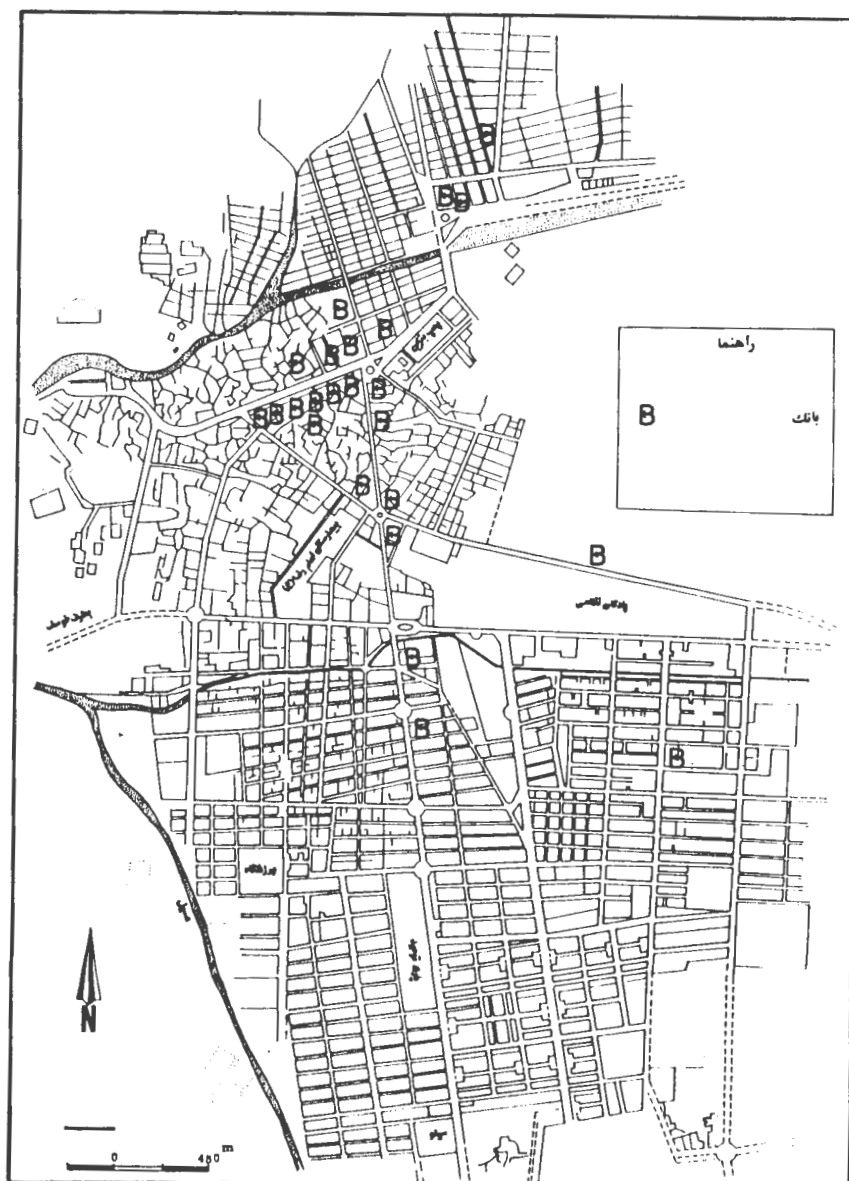
متوسط قطعات مسکونی این بخش حدوداً ۲۲۰ مترمربع است که در مقایسه با قطعات مسکونی شمال شهر بزرگتر و در مقایسه با جنوب شهر کوچکتر است. در مورد سرانه مسکونی نیز همین نسبتها برقرار است. بطوری که در برابر ۱۹ مترمربع برای شمال شهر ۱۰۹ و ۴۶ مترمربع برای جنوب شهر ۱۱۰، در این بخش رقم مزبور به ۳۶/۸ مترمربع بالغ می‌گردد^{۱۱۱}. در مورد مواد و مصالح نیز همان طوری که قبلاً توضیح داده شد غالب خانه‌ها از مواد کم دوام مثل خشت و گل و چوب ساخته شده‌اند مگر در مواردی که در سالهای اخیر در معرض نوسازی قرار گرفته‌اند.

بخش مرکزی که در حقیقت هسته اولیه شهر بیرجند در آن است اگر چه از نظر سبک بنا و مواد و مصالح ساختمانی و نظم و انتظام معابر از بخش شمالی شهر بیرجند عقبتر و از بخشهای جدیدالاحداث و سازمان یافته جنوب بیرجند بسیار عقبتر است لیکن از نظر خدماتی و فرهنگی با بخشهای مذکور قابل مقایسه نیست. بخش قابل توجهی از عناصر شهری و مراکز خدماتی و تأسیسات فرهنگی در این بخش قرار گرفته‌اند. دفاتر تجاری، بانکها، ادارات دولتی، سازمانها و نهادهای انقلابی، دکانها، چلوکبابیها، اغذیه فروشیها، لوازم التحریر و کتابفروشیها، مسافرخانه‌ها، ترمینالها و ایستگاههای مسافری، مساجد و حسینیه‌ها اغلب در همین بخش جای گرفته‌اند. نقشه‌های صفحات بعدی، تراکم تأسیسات شهری و مراکز خدماتی در این بخش از شهر را نشان می‌دهد.

۱۰۹- همان مأخذ، منطقه يك، ص ۴۷.

۱۱۰- همان مأخذ، مناطق سه و چهار، صص ۲۹ و ۲۹.

۱۱۱- همان مأخذ، منطقه دو، ص ۷۶.

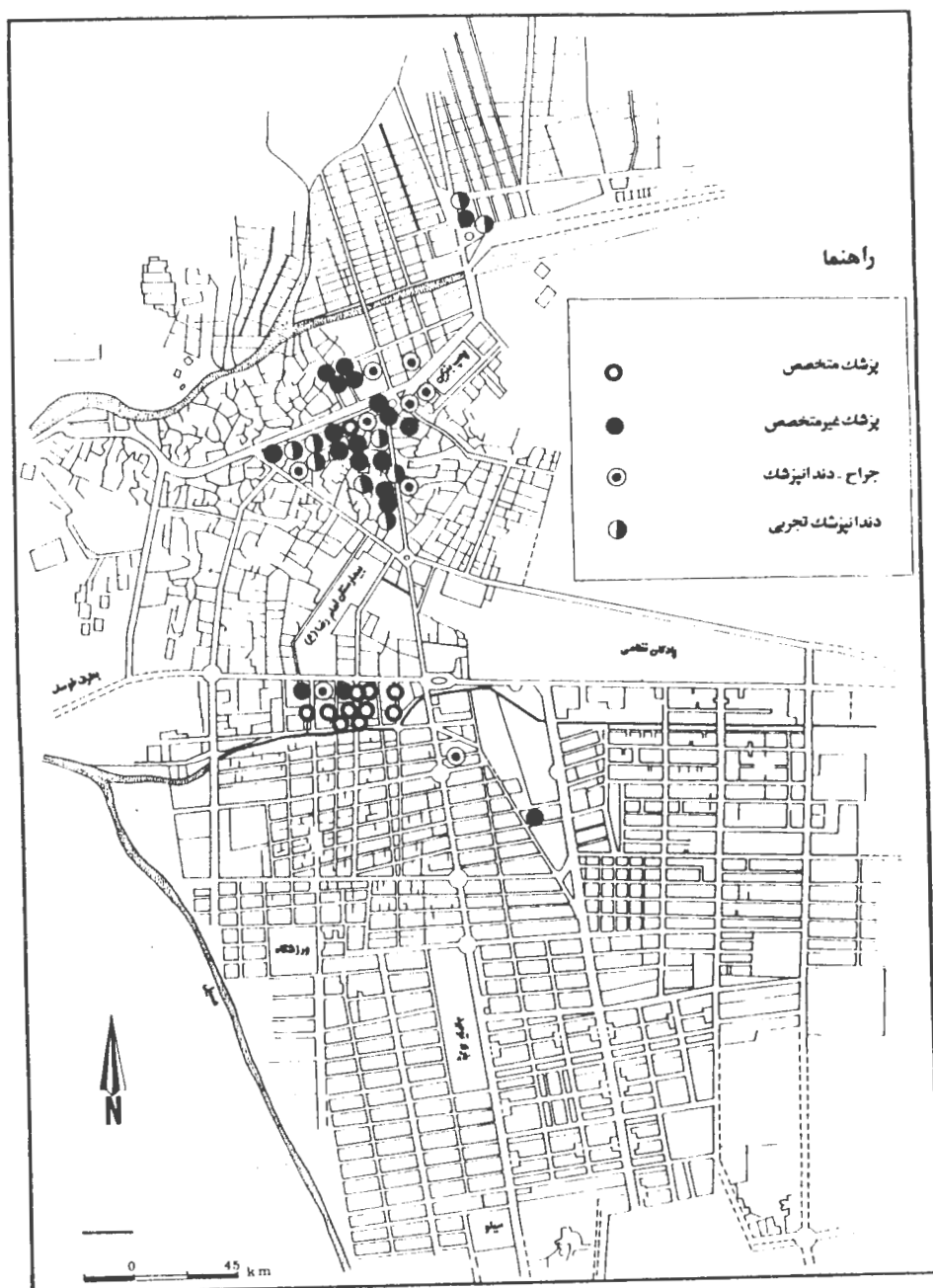


همان گونه که ملاحظه می شود، بخش عمده بانکها در بخش مرکزی و در مجاورت بازار شهر
پیرچند مستقر شده اند.

نقشه (۱۲-۱) - توزیع بانکهای شهر پیرچند



نقشه (۱۲-۲) - پراکندگی تجهیزات شهری شهر بیرجند





نقشه (۱۲-۴) - توزیع کتابخانه‌ها - کتابفروشی - روزنامه فروشی شهر بیرجند

وجود آثار هنری و معماری سنتی نظیر مسجد جامع، قلعه پایین شهر، مسجد عاشورا، حسینیه امام رضا (ع) (شوکتیه سابق)، ساختمان ارگ، مقبره حکیم نزاری و همچنین تعداد زیادی از کاروانسراها و آب انبارها و دکانهای قدیمی در این بخش، چهره‌ای تاریخی و فرهنگی به آن بخشیده است. همین اهمیت بوده است که توجه مسوولان حفاظت از آثار باستانی را به این بخش جلب نموده و منجر به اقداماتی برای محافظت برخی از آثار موجود گردیده است.

تنها بازار شهر بیرجند در همین بخش و در کنار بازار قدیمی قرار دارد، یعنی جایی که در روزگاران پیش مرکز داد و ستد زعفران و خشکبار و غیره بوده است. کاروانسراهایی که محل اقامت کاروانهای تجاری بوده است در همین قسمت از شهر جای داشتند که هم اکنون نیز خرابه‌ها و آثاری از آنها حکایتگر روزگاران پیشین می‌باشد.

۳-۱-۳- نیمه جنوبی شهر بیرجند

در جنوب بخش مرکزی یا بخش قدیمی شهر بیرجند که ذکر آن گذشت، بخش جدیدی به وجود آمده است که از نظر سبک معماری و رعایت قوانین شهرسازی و قشربندی اجتماعی کاملاً با بخشهای مرکزی و شمالی بیرجند متفاوت است. عمده توسعه این بخش از شهر به سالهای بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد، سالهایی که سازمان زمین شهری اقدام به تقسیم زمین و واگذاری آن نموده است. در این سالها حدود ۴ الی ۵ هزار واحد مسکونی جدید که معادل ۷۰ درصد وسعت کنونی این بخش را تشکیل می‌دهد ساخته شد و شهر بیرجند با بلعیدن روستاهای اکبریّه و رحیم‌آباد محدوده خود را تا پای ارتفاعات با قرآن گسترش داد. شکل مالکیت اثر قاطعی در سیمای این بخش برجای نهاد بدین صورت که بر خلاف بخش مرکزی، در این بخش مالکیت زمینها عمده در دست سازمان زمین شهری بوده است و تقسیم‌بندی زمینها و اختصاص قطعات ویژه‌ای برای تأسیسات و تجهیزات شهری و فضای سبز و غیره موجب نظم و ترتیب خاص شده است.

در حال حاضر بافت کلی در این بخش، بافت شطرنجی است و خیابانهای نظیر

خیابان مدرّس، امام حسین (ع)، معلم و آیت الله غفاری در جهت شمالی جنوبی بطور تقریباً موازی کشیده شده و خیابانهای اصلی و فرعی متعدّدی بر آنها عمود شده است. مهمترین کارکرد این بخش همانا نقش سکونت است. بخش عمده‌ای از فرهنگیان و کارمندان و تجار و متمکین شهر در این بخش خانه دارند. بخش جنوبی بیرجند اگرچه به دلیل جدیدالاحداث بودنش فاقد آثار تاریخی می‌باشد لیکن برنامه‌دار بودن توسعه این بخش فرصتی برای ایجاد تجهیزات و تأسیسات شهری به دست داده است که از آن جمله‌اند: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بیمارستان، مدرسه عالی پرستاری، نیروگاه برق، استادیوم آموزش و پرورش و مجموعه ورزشی آزادی، پارک توحید. این پارک رقم فضای سبز سرانه را که در بخش شمالی بیرجند کمتر از ۲ متر مربع است به حدود ۶/۵ مترمربع رسانده است.

تقریباً ۹۰ درصد ساختمانهای این بخش یک طبقه است. وجود ساختمانهای یک طبقه که در کل شهر عمومیت دارد و نشان‌دهنده عدم برنامه‌ریزی و آینده‌نگری بوده است، موجب توسعه افقی شهر بیرجند شده است. عوارض نامطلوب این نوع گسترش و همچنین گرانی تدریجی زمین موجب شده است که اخیراً به ساختن یک طبقه اضافی علاقه نشان داده شود. چنانچه از ۵۵۴ پروانه ساختمانی که در سال ۱۳۶۵ توسط شهرداری بیرجند صادر شده است، ۳۹۳ پروانه برای ساختمان دو طبقه و ۳۷ پروانه نیز برای بیش از دو طبقه درخواست شده است^{۱۱۲}.

بالا بودن سرانه زیربنای مسکونی که به حدود ۴۶ مترمربع بالغ می‌شود و اختلاف شدید این رقم با سرانه شمال شهر که ۱۹ مترمربع می‌باشد نشان‌دهنده تمکن مالی ساکنان این بخش می‌باشد. امری که در انتخاب نوع مواد و مصالح نیز مؤثر افتاده است بطوری که تقریباً ۸۰ درصد بناهای آن از آجر و تیرآهن ساخته شده‌اند.

۲-۳- سبک معماری

سبک معماری و کیفیت ایجاد بناها در بیرجند، بیش از هر چیز تحت تأثیر دو عامل

۱۱۲- مرکز آمار ایران، اطلاعات پروانه‌های ساختمانی صادره توسط شهرداریهای کل کشور (۱۳۶۵)، ص ۴۷.

طبیعی و انسانی قرار داشته است. عامل طبیعی به نحو قدرتمندی در ساختن و پرداختن مساکن روستایی و بافت قدیمی شهرها و بخصوص بافت قدیمی شهر بیرجند مؤثر افتاده است. بطوری که خانه‌های روستایی در دشته‌ها و پهنه‌ها غالباً از خشت و گل و در دانه‌ها و دره‌ها از سنگ و چوب بنا گردیده است. این تأثیرگذاری صرفاً به مواد و مصالح طبیعی محدود نشده، به نوع اقلیم نیز مربوط می‌شود. اقلیم بیرجند که جز در بعضی موارد کوهستانی، بطور کلی خصایص اقلیم گرم و خشک را داراست، موجب گردیده است که ضخامت دیوارها برای ممانعت از انتقال حرارت تابستانی و برودت زمستانی به چشم‌گیری افزایش یابد و سقفها به شکل گنبدی یا استوانه‌ای احداث شود و پنجره‌ها حداقل خود کاهش یابد و بطور کلی بافت ساختمانها به صورت متراکم و فشرده درآید. سطح تماس با سرما و گرمای هوا به حداقل ممکن کاهش یابد.

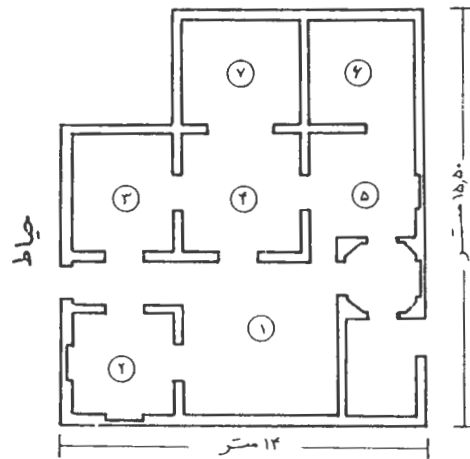
در مورد تأثیرپذیری از محیط طبیعی، مساکن روستایی وابستگی بیشتری داشته‌اند تا مساکن شهری، بطوری که آمار سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد بناهای خشت و گلی که در مناطق شهری بیرجند ۳۰ درصد بوده است در نقاط روستایی به حدود ۹۰ درصد می‌رسیده است. این نسبت در مورد بناهایی که از مصالح بادوام مثل آهن و آجر و سیمان ساخته شده کرده‌اند به ترتیب ۶۶ و ۷/۲ درصد یعنی عکس نسبت قبلی بوده است. و اما در مورد تأثیرگذاری عوامل انسانی می‌توان به امکانات مالی و نوع معیشت و دسترسی به مراکز ارتباطی و دوری و نزدیکی به مراکز تهیه مواد و مصالح جدید اشاره کرد. بطوریکه روستاهایی که به کار قالیبافی اشتغال داشته‌اند مثل روستای سرچاه تازیان* و یا آنها که به رهگذر ارائه خدمات به شهروندان تمکن مالی بهتری داشته‌اند نظیر روستای گازار و ... آنها که به بیرجند دسترسی داشته‌اند مثل معصوم آباد، در انتخاب سبک بنا و مواد برای مصالح، تا حدی از اسارت مقتضیات طبیعی رهیده‌اند. هم اکنون روستاییانی که تمکن مالی برای خرید آجر و تیرآهن داشته‌اند سقفهای گنبدی خانه‌های خود را به سبکهای مسطح و نمای گلین را به آجری مبدل نموده‌اند. لیکن بطور کلی نوع معیشت کشاورزان

* - از دهستان شاخات بخش درمیان.

در همه جا سایه خود را در سبک بنا و ایجاد فضاهایی مانند انبار و طویله و تنور و غیره تحمیل نموده است. در شهر بیرجند با توجه به دوره‌های تاریخی می‌توان سه نوع مشخص را در سبک معماری تشخیص داد.

۱-۲-۳- معماری سنتی

این نوع معماری در بافت قدیمی (یا بخش مرکزی شهر بیرجند) که بر روی تپه‌هایی چند قرار گرفته است به چشم می‌خورد. در این بخش به نحو محسوس اثرات محیط طبیعی و بخصوص اقلیم گرم و خشک حاکم بر منطقه، مشاهده می‌شود. استفاده فراوان از خشت و گل به عنوان مهمترین مصالح ساختمانی، دیوارهای قطور و سقف‌های گنبدی و بادگیرهای کوچک و بزرگ و پنجره‌های کوچک و بافت فشرده و کوچه‌های باریک و ممتد ولی پریپچ که بعضی قسمتهای آنها با سقفهای کوتاهی پوشیده شده‌اند از ویژگیهای معماری در این بخش به شمار می‌رود.

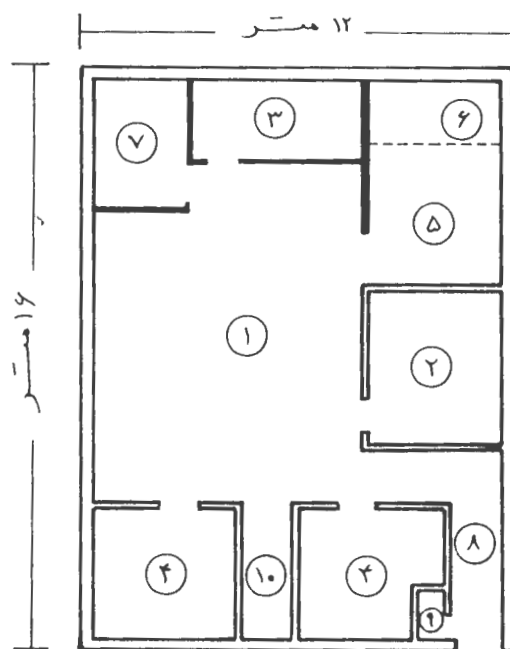


- | | |
|-----------------|-----------------|
| ① حیاط | ⑤ آشپزخانه |
| ② پذیرایی | ⑥ تنور و انبار |
| ③ نشین تابستانی | ⑦ اتاق تابستانی |
| ④ نشین زمستانی | |

نقشه ۱۳- خانه مسکونی در بافت قدیمی شهر بیرجند

۳-۲-۲ معماری نیمه سنتی

در حالی که معماری سنتی به گذشته‌های دور تا اوایل قرن حاضر (هجری شمسی) تعلق دارد، معماری نیمه سنتی مخصوص دهه‌های اولیه قرن حاضر تا حدود ۱۳۴۰ هـ، ش است. یعنی ایامی که اقتصاد و اوضاع اجتماعی کشور دستخوش تغییراتی شده بود و نقشه‌های جدید معماری توسط فارغ التحصیلان دانشگاه‌های خارج از کشور عمومیت می‌یافت. در این زمان سطح معیشت مردم با گذشته متفاوت شده،



- | | |
|------------------|----------------|
| ۱ حیاط | ۶ تنور و انبار |
| ۲ پذیرایی | ۷ اتاق |
| ۳ نشیمن تابستانی | ۸ ورودی |
| ۴ نشیمن زمستانی | ۹ مستراح |
| ۵ آشپزخانه | ۱۰ انبار |

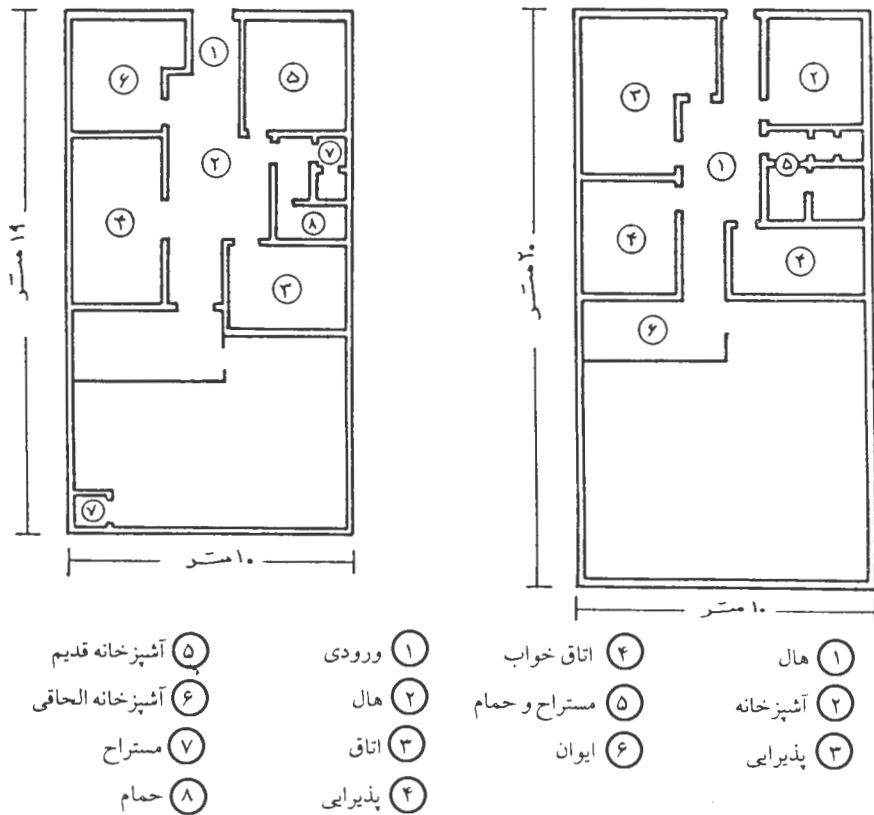
نقشه ۱۴- خانه مسکونی در بافت میانی شهر بیرجند

دسترسی به مواد و مصالح جدید میسر شده بود، لذا سبک جدیدی که هنوز ارتباطش با معماری سنتی محفوظ مانده بود، در اطراف بافت سنتی شهر بیرجند به وجود آمد.

۳-۲-۳- معماری جدید

این نوع معماری از نظر زمانی، بازتاب تحولات اجتماعی و اقتصادی کشورمان در دهه ۱۳۴۰ است. رواج اقتصاد پولی و گسترش ارتباطات و امکان استفاده از مواد و مصالح جدید و وسایل مکانیکی برای تولید گرما و سرما، تحولاتی اساسی در سبک معماری به وجود آورده سقفهای گنبدی به سقفهای مسطح و دیوارهای ضخیم خشت و گلی به دیوارهای نازک آجری و یا اسکلت فلزی و پنجره‌های کوچک به دهانه‌های باز و وسیع، و نماهای ساده و گلی به نماکاریهای آجری و سیمانی تبدیل شد. بعضی از ضمایم قبلی مانند هشتی و پستو و تنور و بادگیر و انباری حذف گردید و مستراح از گوشه حیاط به داخل بخش مسکونی انتقال یافت. در این نوع معماری از تابستان‌نشین و زمستان‌نشین خبری نیست و تنها یک سمت خانه ساخته شده است. بدین ترتیب، مدنیت جدید و معماری جدید که جملگی ره‌آورد تمدن و فرهنگ وارداتی غرب بودند و در عصر پهلوی با سرعت و شدت بر فرهنگ و اقتصاد و معنویت ما یورش آورده بود، بسیاری از پیوندهای منطقی معماری سنتی با شرایط و مقتضیات محیط را قطع نمود. بنابراین می‌توان چنین خلاصه کرد که معماری جدید یکی از ویژگی‌هایش قطع پیوندهای میان مساکن با مقتضیات و شرایط طبیعی بوده است^{۱۱۳}.

۱۱۳- و این خصلت پدیده‌های «جدید» و «جدید بودن» در زمانه ماست. هر چیزی که «جدید» است یکی از خصوصیاتش این است که هیچ‌گونه ارتباط منطقی با شرایط و اوضاع و احوال و خواسته‌ها، نیازها و آرزوها و اعتقادات و سنتها و بطور کلی با فرهنگ ما ندارد. چون پدیده‌های جدید (در زمینه‌های پوشاک، لوازم زندگی، اتومبیل و مسکن) برخاسته از محیطها و نتیجه قدرت خلاقه ما نبوده بلکه از خارج وارد شده‌اند، از خارج از حوزه فرهنگی و جغرافیایی ما. خوشبختانه در پرتو انوار بازگشت به اسلام در سالهای اخیر و رهنمودهای ارزنده رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی (ره) در زمینه بازگشت به خویش و احیای ارزشهای اسلامی و ملی، این نوگرایی مخرب مورد تجدیدنظر قرار گرفته است.



نقشه ۱۵ - خانه‌های مسکونی در بافت جدید شهر بیرجند

در عین حال معماری جدید که بخش قابل توجهی از جنوب شهر بیرجند و قسمتهایی از شمال شهر را به خود اختصاص داده، دارای ارزشهای مثبتی نیز بوده است که از آن جمله می‌توان به اجرای نقشه‌های حساب شده و کاربریهای منطقی و تفکیکهای اصولی در زمینه قطعات مسکونی و شبکه‌های ارتباطی، اشاره نمود.

یکی از ویژگیهای بناهای جدید، کاربرد مواد و مصالح جدید بخصوص آجر و تیرآهن است که خود به خود بر سبک معماری هم اثر گذاشته است. به موجب آمار سال ۱۳۶۰، ۵۹۸ واحد ساختمان شده در آن سال تماماً از آجر و تیرآهن ساخته شده‌اند. حال آن که در سال ۱۳۴۵ تمامی واحدهای ساختمانی که از آجر و تیرآهن ساخته شده بودند



تصویر-۱۷ بافت قدیم (بخش مرکزی شهر)



تصویر-۱۸ بافت جدید (قسمتی از شهرک گلها واقع در جنوب شهر که از ساخت و سازهای پس از انقلاب به شمار می‌رود)

در سطح شهر بیرجند از ۲۵۰ واحد تجاوز نمی‌کرد. در سال ۱۳۶۵ نیز از ۵۵۴ واحد ساختمانی، جملگی از آجر و آهن بوده‌اند^{۱۱۴}. یکی از تغییرات سبک معماری جدید که بنا بر ضرورت صرفه‌جویی در زمین و جلوگیری از گسترش توسعه افقی شهر و همچنین به اتکای مواد و مصالح بادوام عمومیت یافته است همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد بناهای دو طبقه است که حدوداً از دهه ۱۳۵۰ آغاز گردیده است.

۳-۳-۳- بستر طبیعی شهر و مسیر رشد آینده

رشد و گسترش شهر بیرجند در قسمت‌های شمالی و جنوبی و شرقی با موانعی مواجه شده است که اینک به شرح مختصری پیرامون آن می‌پردازیم. در قسمت‌های شمالی همان‌طور که قبلاً نیز توضیح داده شد وجود تپه ماهورها و کوره‌ها و کارخانه‌های گچ مانع از ادامه شهر شده است. در انتهای این قسمت شیب تند کوچه‌ها و پستی و بلندی خانه‌ها کاملاً گویای نامساعد بودن بستر طبیعی شهر در این قسمت است.

در قسمت‌های جنوبی که از دامنه‌های ارتفاعات باقران تشکیل شده است زمینهای هموار و مسطح بسرعت زیر ساخت و ساز قرار گرفته و در حال حاضر به قسمت‌هایی نزدیک می‌شود که شیب تند زمین مانع از ادامه رشد شهر می‌شود.

در شمال شرقی بیرجند نیز وجود فرودگاه مانع از نزدیک شدن واحدهای ساختمانی به آن قسمت‌هاست. بنابراین تنها بخشی که باقی می‌ماند بخش غربی شهر است. در این بخش نیز بهترین زمینهای کشاورزی قرار دارد که از نظر اکولوژیکی تصرف و اشغال آنها مقرون به صلاح نیست، لیکن به دلیل محدودیتهایی که از سمت شمال و جنوب و شرق وجود دارد، مسیر گسترش بعدی شهر خود به خود به نواحی غربی هدایت می‌شود. در ۱۵ کیلومتری غرب شهر بیرجند محلی برای استقرار صنایع این شهر در نظر گرفته شده است که با گسترش این بخش در سالهای

آتی، به بخشهای جدیدالاحداث شهر بیرجند نزدیکتر خواهد شد. با این حساب گسترش شهر بیرجند در آینده اجباراً از قسمتهای غربی شهر صورت خواهد گرفت و این امر علاوه بر انهدام زمینهای کشاورزی، موجب کوتاه شدن فاصله شهر بیرجند از بخش صنعتی آن خواهد گردید.

در پایان این بحث باید به این نکته اشاره کنیم که نحوه گسترش شهر بیرجند، افقی است و به عبارت دیگر شهر در سطح گسترش می‌یابد. این نحوه گسترش شهر علاوه بر تصرف سریع زمینهای اطراف - و اجباراً اشغال زمینهای کشاورزی - موجب افزایش هزینه‌های مربوط به کابل‌گذاریها و لوله‌کشیها و نیاز بیشتر به فضای سبز و دور افتادن مراکز آموزشی و خدماتی از یکدیگر و اصولاً زیاد شدن فواصل و مشکلاتی از این قبیل می‌گردد. شاید به همین دلایل بوده است که در سالهای اخیر گرایش نسبت به احداث ساختمانهای دو طبقه و بیشتر، در شهر بیرجند به وجود آمده است.



تصویر - ۱۹ میدان امام خمینی (ره) نمونه‌ای از نوسازی شهر بیرجند در سالهای پس از انقلاب اسلامی

۳-۴- تجهیزات و تأسیسات شهری بیرجند

از جمله تأسیسات عمده‌ای که برای بهبود کارکرد شهر و رفاه اهالی بیرجند به وجود آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۴-۱- مسجد

مساجد که محل ذکر خدا و وسیله ارتباط میان مخلوق و خالق هستند، یکی از مهمترین عناصر شهری به شمار می‌روند که علاوه بر جایگاه عبادت، نقشهای متفاوت و مهمی بر عهده داشته‌اند*. اگرچه در گذشته، همزمان با رواج فرهنگ منحط غربی، مساجد اهمیت واقعی خود را از دست داده بودند، لیکن بعد از انقلاب مجدداً نقش موثر خود را بازیافتند و علاوه بر ایفای نقش عبادی و برگزاری نمازهای جمعه و جماعت و آموزش معارف اسلامی و کلاسهای قرآن و غیره، جایگاهی شدند برای انتشار اخبار و تنویر افکار و سوادآموزی و درمان بیماران و کمک به محرومان و توزیع کالاهای ضروری و آموزش نظامی و برگزاری انتخابات و حتی اعزام نیروهای رزمنده به جبهه‌های جنگ تحمیلی، یعنی همان نقشهایی که مساجد در صدر اسلام داشته‌اند.

* - از جمله این نقشها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مسجد به عنوان کانون مذهبی - اجتماعی.

- » » » عبادی.

- » » » نهاد دولتی.

- » » » پایگاه قضایی.

- » » » پایگاه حسبت.

- » » » مرکز مددکاری اجتماعی.

- » » » پایگاه جهاد و نهضت.

- » » » مرکز آموزش.

رک: دکتر عباس سعیدی رضوانی، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۶۸،



نقشه ۱۶- توزیع مراکز آموزشی و مذهبی شهر بیرجند

فراوانی تعداد مساجد در بیرجند، بیانگر روحیه مذهبی مردم این ناحیه است. در خود شهر بیرجند حدوداً ۳۰ باب مسجد وجود دارد که کمتر از نصف آن در بخش مرکزی شهر قرار دارد. نه تنها در شهر بیرجند بلکه در نقاط روستایی نیز حضور مساجد قابل توجه است. از کل نقاط روستایی بیرجند و نهبندان ۷۳۹ نقطه دارای مسجد هستند.

ذیلاً نام مساجد شهر بیرجند و تاریخ تقریبی احداث آنها از نظر می گذرد:

جدول ۱۹- مساجد شهر بیرجند^{۱۱۵}

شماره ردیف	نام مسجد	تاریخ احداث
۱	مسجد جامع چهار درخت	قرن ۶ هجری
۲	» عاشورا	قدیمی است
۳	» جامع پایین شهر	قدیمی است
۴	» حیدر حسن	قدیمی است
۵	» آبتی	حدوداً ۱۵۰ سال پیش
۶	» مصلی	» ۹۰ سال پیش
۷	» محمدیه	۱۳۱۰
۸	» رضوی	۱۳۳۴
۹	» جامع علوی	۱۳۳۵
۱۰	» صاحب الزمانی	۱۳۴۱
۱۱	» مرتضوی	۱۳۴۲
۱۲	» الرسول (ص)	حدوداً ۱۳۴۵
۱۳	» حسینی (مهدوی)	» ۱۳۴۷
۱۴	» صدیقه طاهره (س)	» ۱۳۴۸
۱۵	» موسی بن جعفر (ع)	» ۱۳۵۲

←

۱۱۵- حسینعلی برزگران، مراکز فرهنگی و تفریحی- تجاری شهر بیرجند، سال ۱۳۶۷، ص ۱۶، (موجود در آرشیو گروه جغرافیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد).

دنباله جدول ۱۹- مساجد شهر بیرجند

شماره ردیف	نام مسجد	تاریخ احداث
۱۶	مسجد الحسین (جوادیه)	۱۳۵۲
۱۷	» الرضا (ع)	۱۳۵۶
۱۸	» النبی (ص)	۱۳۵۷
۱۹	» امام حسین (ع)	۱۳۵۷
۲۰	» امام حسن عسکری (ع)	۱۳۵۷
۲۱	» امام حسن (ع)	۱۳۵۸
۲۲	» جواد الاثمه (ع)	۱۳۵۹
۲۳	» خواجه‌ها	تازه‌ساز
۲۴	» توحید	تازه‌ساز
۲۵	» جامع توحید	»
۲۶	» علی بن ابی طالب (ع)	»
۲۷	» النبی (متعلق به برادران اهل تسنن)	»
۲۸	» خضر نبی	-

در این جا لازم است به حسینیه‌ها نیز اشاره کنیم که به طور عمده محل برگزاری مراسم عزاداری، بخصوص عزاداری سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است. در حدود پانزده باب از این حسینیه‌ها در شهر بیرجند و تعداد زیادی هم در نقاط روستایی وجود دارد که نقشی شبیه مساجد ایفا می‌کنند.

۳-۴-۲- بازار

محل قدیمی بازار بیرجند به موازات کالی بوده است که سیلابها را به خارج شهر هدایت می‌کرده است. این کال بعدها به خیابانی تبدیل شد که در حال حاضر جمهوری

اسلامی نام دارد. بازار مذکور از راسته‌های دباغها، رنگرها، نمدمالها، کفاشها و نظایر اینها تشکیل می‌شده است، لیکن با گسترش شهر بیرجند، مرکز فعالیتهای تجاری در ضلع جنوبی کال متمرکز گردید. بازار فعلی در حقیقت چیزی نیست جز يك خیابان كم عرض طولی که هیچ شباهتی به بازارهای سنتی ایران ندارد. این راسته و راسته‌های منشعب از آن - که هر يك به حرفه‌ای و کالاهای خاصی اختصاص دارند - هیچ گونه سقفی ندارند، تنها بخش کوچکی مسقف است که به آن «بازار سرپوش» می‌گویند. این بخش مهمترین قسمت بازار جدید بوده که از اواخر دهه ۱۳۴۰ به سمت شرق امتداد یافته و با احداث چند شعبه بانك، بر اهمیت آن افزوده شده است. در مجاورت بازار سرپوش، راسته‌هایی دیده می‌شود که قدمت بیشتری داشته، دکاکین و درهای آن، یادآور زمانی است که تجار هندی - مانند بسیاری از شهرهای جنوبی ایران - در این بازار داد و ستد می‌کردند. این دکانها به انضمام کاروانسراهایی نظیر «مستوفی» و «قیصریه»، هم اکنون به انبار کالا و کارگاههای خیاطی و غیره تبدیل شده‌اند. ۶

پیرمردان بیرجندی، که در طول عمر خود شاهد تغییرات باورنکردنی و فراز و نشیبهای شدیدی در حیات اقتصادی - اجتماعی این شهر بوده‌اند، وقتی در کنار این حجره‌ها و کاروانسراها می‌ایستند و از گذشته سخن می‌گویند، آن چنان مستغرق خاطرات گذشته می‌شوند که گویی کاروانهایی را که پارچه از سواحل خلیج، و ادویه و شکر از هندوستان آورده و بنا دارند پشم و خشکبار و قالی با خود ببرند، به چشم می‌بینند و صدای زنگ شتران را می‌شنوند.

بخش مهمی از فعالیت این بازار به قالی و قالیبافی مربوط می‌شود. از نخبایی و رنگرزی و عرضه ابزار کار قالیبافی، تا خرید قالی از روستاییان و قالی‌بافان، در همین بازار صورت می‌گیرد. از میان قالی‌بافان آنهایی که استطاعت مالی بهتری دارند، مستقیماً کالای خود را به مشهد یا تهران عرضه می‌کنند لیکن اکثراً به دلیل آن که توانایی مالی ندارند، بافته‌های خود را در همین بازار می‌فروشند. خریداران نیز به نوبه خود، قالیهای مزبور را به مشهد و تهران و بعضاً از آن جا به آلمان ارسال می‌کنند. از نظر اهمیت، زعفران و زرشك بعد از قالی قرار می‌گیرند. هر چند قسمتی از این دو محصول به وسیله



تصویر ۲۰ و ۲۱ - بازار بیرجند

دلالتها و واسطه‌ها و بعضاً خود تولیدکنندگان، به مشهد و تهران عرضه می‌شود، لیکن بخش قابل توجهی از آنها در همین بازار مبادله می‌شود. كرك یکی دیگر از اقلامی است که طی چند ساله اخیر مجدداً مورد توجه قرار گرفته است*. علاوه بر اقلام مزبور، همه گونه کالا در این بازار عرضه می‌شود. از نخ و پشم قالی تا لوازم منزل و اشیاء لوکس و ابزار کار کشاورزی و سموم دفع آفات نباتی و پارچه و غیره. این بازار در حقیقت مهمترین مرکز تلاقی اقتصاد شهری و اقتصاد روستایی است و تنها مکانی است - که پس از ترمیالهای مسافری - بیشترین مراجعان روستایی را در خود می‌پذیرد. روستاییانی که با نوساناتی منظم و هم زمان با موعد کاشت و برداشت راهی بازار شده، حاصل تلاش يك ساله را نقد کرده، لحظاتی بعد به فروشگاههای پارچه و پوشاك و غیره می‌سپارند و به روستا بازمی‌گردند.

۳-۴-۳ آب

برای مدتهای طولانی تنها منبع عمده آب آشامیدنی، قنات «علی آباد» بوده است که آب شیرین و گوارایی از پایکوههای «باقران» در چند کیلومتری شهر عرضه می‌کرده است. برای کمبود آب آشامیدنی، افراد خیر و نیکوکار به احداث آب انبارهایی اقدام کرده‌اند که بعضاً خرابه‌های آنها هنوز باقی است. به علاوه کسانی هم بوده‌اند که آب شیرین را با وسایل ابتدایی به شهر حمل کرده، به فروش می‌رسانده‌اند. بعد از جنگ جهانی اول با استفاده از لوله‌های به جا مانده از کمپهای انگلیسی در اطراف بیرجند و سفیدابه و غیره و خریداری تعدادی دیگر لوله و متعلقات از هندوستان، بنگاه خیریه

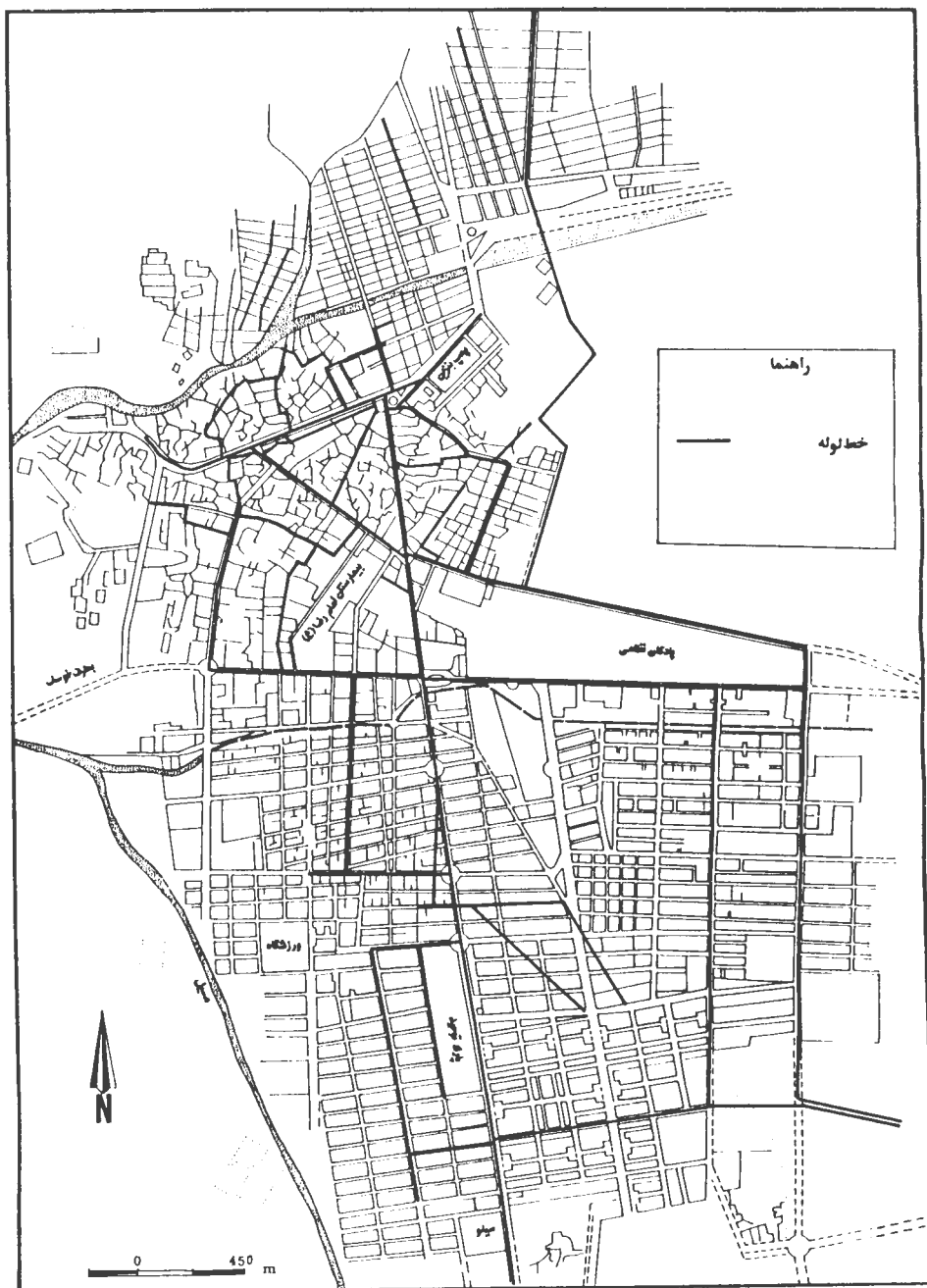
* - به طوری که شنیده شد، از دهه ۱۳۳۰ به دلیل ملی شدن صنعت نفت و تحریم نفت ایران توسط انگلستان و سایر کشورهای سرمایه‌داری، صدور کالاهای غیرنفتی و از جمله كرك مورد تشویق قرار گرفت. صدور این محصول از اوایل دهه ۱۳۴۰ دچار رکود شد و مجدداً ظرف چند ساله اخیر - که سیاست خودکفایی در سرلوحه برنامه‌های اقتصادی دولت قرار گرفت - رونق یافت. همچنین به قرار مسموع، تجارت كرك قبلاً به وسیله یهودیان صورت می‌گرفته است. آنها كرك خریداری شده را در کیسه‌های پنجاه کیلویی بسته بندی کرده به تهران و از آنجا به خارج (احتمالاً به آمریکا) ارسال می‌کرده‌اند.

آبرسانی را به وجود آوردند. این بنگاه که در سال ۱۳۰۲ بنیان نهاده شد به وسیله دو رشته لوله شمالی - جنوبی و تعبیه شیرهای همگانی در محله‌های مختلف، آب شرب مورد نیاز ساکنان را تأمین می‌کرد و بدین ترتیب بیرجند اولین شهری بود که به آب لوله‌کشی دست یافت. تدریجاً به مشترکین خانگی و صنعتی و تجاری انشعابهای مستقل داده شد. افزایش جمعیت شهر بیرجند نیاز به آب مصرفی را گسترش داد و لذا چاههای جدیدی در داخل و حاشیه شهر حفر گردید. تعداد چاههای مزبور به ۱۲ حلقه رسید، لیکن بعضی از آنها به دلیل نفوذ فاضلابهای شهری از مدار خارج گردیدند. از آن جا که افزایش جمعیت و مهاجرت بی‌رویه به این شهر نیاز به توسعه بیشتری را در این زمینه مطرح می‌کرد، سازمان آب منطقه‌ای خراسان مشغول فعالیت شد تا با حفر چاههای آب اضافی به کمک بنگاه آب لوله‌ای بیرجند بشتابد. لذا علاوه بر چاههای آب آشامیدنی مزبور، در حدود ۲۰ حلقه چاه دیگر نیز برای مصارف کوره‌ها و فضاها و سبزه‌داری و مراکز نظامی و دانشگاهی و غیره نیز حفر گردید. بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵، همزمان با افزایش جمعیت شهر بیرجند، تعداد مشترکین سازمان آب از ۸۶۸۸ به ۱۵۳۹۸ رسید^{۱۱۶}. به موجب آمار سال ۱۳۶۵ کلاً ۳۳ درصد خانوارهای موجود در شهرستان بیرجند از آب لوله‌کشی استفاده می‌کرده‌اند که البته شهریان و به‌خصوص اهالی شهر بیرجند بیش از سایرین سهم داشته‌اند. طبق آمار مذکور ۹۰ درصد خانوارهای شهری از لوله‌کشی استفاده می‌کرده‌اند حال آن که این رقم برای خانوارهای روستایی تنها ۱۴/۳ درصد بوده است^{۱۱۷}. ذکر این نکته ضروری است که شهر بیرجند از نظر تأمین آب آشامیدنی وضعیت مطلوبی ندارد زیرا به دلیل کمبود ریزشهای جوی و جریانات سطح الارضی، ناگزیر می‌باید به حفر چاههای هر چه بیشتر متوسل شد که این هم به نوبه خود خسارات جبران ناپذیری به وجود خواهد آورد که مهمترین آن، پایین افتادن سطح آبهای زیرزمینی است. اصولاً علاوه بر کمبود حجم ذخایر زیرزمینی، شهر بیرجند با محدودیتهای

۱۱۶- شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان، مطالعات، جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب بیرجند (آبان ماه

۱۳۶۵)، ص ۷.

۱۱۷- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، ص ۱۱.



نقشه ۱۷ - شبکه لوله کشی آب شهر بیرجند

دیگری نیز دست به گریبان است. از جمله این که شرق بیرجند به دلیل کیفیت نامرغوب آبهای تحت الارضی برای حفر چاههای آب مساعد نیست و در جنوب نیز به دلیل افزایش ساخت و سازهای شهری و وضعیت خاص جنس زمین، امکان نفوذ فاضلابهای شهری و آلوده شدن چاههای آب زیاد است. بنابراین شایسته است اهالی بیرجند مصرف سرانه خود را که در سال ۱۳۶۵ چیزی در حدود ۱۴۰ لیتر در ظرف سال بوده است^{۱۱۸}. کاهش داده در مصرف آب صرفه جویی نمایند.

۳-۴-۴- برق

اولین مولد برق بیرجند که موتوری دو سیلندر و از نوع مارشال بود در سال ۱۳۲۹ آغاز به کار کرد. این موتور که تنها ۵ کیلووات ظرفیت داشت می توانست خانه های تعداد معدودی از افراد سرشناس شهر را روشنایی بدهد، حال آن که به تبعیت از گسترش فعالیتهای صنعتی و زندگی شهری و افزایش نیاز عمومی روز به روز بر ظرفیت مولدهای برق کشور افزوده می شد. شهر بیرجند نیز خواستار استفاده هر چه بیشتر از نیروی برق برای تأمین روشنایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی بود و برای پاسخ به این نیاز دو مولد دیگر از نوع بلاکستون که ۳۰۰ کیلووات ظرفیت داشتند در سال ۱۳۴۰ هـ، ش وارد شد.

افزایش جمعیت شهر بیرجند و توسعه فرهنگ رفاه طلبی و عمومیت یافتن وسایل ارتباط جمعی و لوازم برقی و همچنین تأسیس واحدهای صنعتی جدید کماکان موجب شد مجدداً در سال ۱۳۵۳ دستگاههای جدیدی بر مولدهای قبلی افزوده شده، به محل مناسبتری در خیابان آیت الله غفاری فعلی انتقال یابد. نیروگاه بیرجند که اتصال به شبکه سراسری، قدرت برق رسانی آن را افزایش می دهد، برق مصرفی منازل و کارگاهها و کارخانجات صنعتی و بیش از ۲۰ حلقه چاه کشاورزی را در قالب ۲۷،۰۰۰ مشترک تأمین نموده است. همچنین بیش از ۵۰ روستا را برق رسانی نموده و شعب جدیدی

۱۱۸- این رقم حاصل مطالعه و بررسی روی ۷۹ مشترک در شهریورماه ۱۳۶۵ می باشد. نقل از:

جغرافیای انسانی □ ۱۷۷

مانند شعبه خوسف و شعبه اسدآباد - گزیک احداث کرده است که عموماً بعد از انقلاب اسلامی و به تبعیت از سیاست محرومیت زدایی و در قالب ۶,۰۰۰ مشترك صورت گرفته است.

آمار سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد، از میان خانوارهای شهری ۹۸ درصد و از میان خانوارهای روستایی تنها ۲۳ درصد از نعمت برق بهره‌مند بوده‌اند^{۱۱۹}.

جدول ۲۰- نوع مصرف برق مشترکین در شهرستان بیرجند و نهبندان در سال ۱۳۶۹
(هزار کیلووات ساعت)^{۱۲۰}

نوع مصرف	شهرستان		بیرجند		نهبندان	
	مقدار مصرف	درصد مصرف	مقدار مصرف	درصد مصرف	مقدار مصرف	درصد مصرف
خانگی	۳۲۵۶۹	٪۴۷/۵	۲۵۳۶	٪۷۲/۵		
عمومی	۲۱۳۵۳	٪۳۱/۱۷	۷۹۲	٪۲۲/۶		
صنعتی	۱۸۴۳	٪۲/۷	-	-		
کشاورزی	۹۱۴۹	٪۱۳/۳	۸۵	٪۲/۴۳		
مساجد، آرد و نان	۹۳۰	٪۱/۳۵	۸۴	٪۲/۴		
روشنایی معابر	۲۶۵۳	٪۳/۹	-	-		
جمع کل	۶۸۵۰۲	٪۱۰۰	۳۴۹۷	٪۱۰۰		
درصد از کل استان		٪۱/۹		٪۰/۱		

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بیشترین مصارف در شهرستان بیرجند به ترتیب عبارتند از «مصارف خانگی» و «مصارف عمومی» که مجموعاً کمتر از ۸۰٪ برق مصرفی را به خود اختصاص داده‌اند. مصارف صنعتی با رقمی معادل ۷/۲٪ سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده است که حاکی از عقب ماندگی این بخش می‌باشد.

۱۱۹- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، ص ۱۱.

۱۲۰- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۲۴۱-۲۴۴.

۳-۴-۵- مخابرات

تا سال ۱۳۵۳ مخابرات بیرجند ارتباط مخابراتی این شهر را به کمک ۶۰۰ شماره تلفن مغناطیسی برقرار می‌کرد. از این سال سیستم تلفن خودکار جایگزین تلفنهای مغناطیسی شد. تلفنهای خودکار نیز از هزار شماره در سال ۱۳۵۳ به حدود ۶۰۰۰ شماره در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت. به موجب گزارش وضعیت مخابرات در سال ۱۳۷۰ تعداد مزبور به ۸۰۰۰ افزایش یافته است^{۱۲۱}.

بخش عمده مشتریان تلفن، واحدهای مسکونی هستند. پس از آن واحدهای تجاری و ادارات دولتی در مراتب بعدی قرار دارند که علاوه بر ارتباط بین شهری، با خارج از کشور هم می‌توانند تماس حاصل نمایند.

بعد از انقلاب، شرکت مخابرات به تبعیت از برنامه کلی محرومیت زدایی سعی کرده است حتی الامکان نقاط روستایی بیشتری را زیر پوشش قرار دهد*. در سال ۱۳۶۵ روستاهای تحت پوشش عبارت بوده‌اند، معصوم‌آباد، مود، سربیشه، درمیان، اسدآباد، گزیک، طبس مسینا، درح، شوسف، حسین‌آباد، سده و خوسف.

سیستم ارتباطی روستاها، تدریجاً از تک سیمه فیزیکی به تلفن خودکار تغییر یافته و تلاش می‌شود امکانات بیشتری در اختیار نقاط روستایی قرار گیرد. از جمله این تلاشها می‌توان به برقراری ارتباط بین شهری در خوسف اشاره کرد که به کمک یک دستگاه ۱۰۰ شماره‌ای صورت گرفته است. با همه اینها ارتباط روستایان تنها از طریق مراکز مخابرات روستایی امکان پذیر است، حال آن که بسیاری از خانوارهای شهری از تلفن خصوصی بهره‌مند شده‌اند. نسبت خانوارهایی که در سال ۱۳۶۵ از تلفن خصوصی بهره‌مند بوده‌اند برای شهریان ۲/۲ درصد و برای روستایان، تنها ۴ درصد بوده است.

۱۲۱- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، ص ۱۲.

*- تا سال ۱۳۵۳ جز چند نقطه در حومه شهر بیرجند، هیچ یک از نقاط روستایی ارتباط تلفنی نداشتند.

۳-۴-۶- آتش‌نشانی

آتش‌نشانی که علاوه بر اطفای حریق، فعالیتهایی نظیر امدادرسانی، نجات غریق، کمک به سیل زدگان و زلزله زدگان و نظایر آنها را عهده‌دار است یکی از تجهیزات مهم شهری به شمار می‌رود.

آتش‌نشانی بیرجند که ابتدا با يك ماشین اطفای حریق، آغاز به کار کرده است به مرور زمان گسترش یافته و در حال حاضر با چندین دستگاه ماشین اطفای حریق و آمبولانس و لودر و موتور پمپ و چند ماشین کمک‌رسانی از نوع وانت و کپسولهای آتش‌نشانی و تجهیزاتی دیگر آماده خدمت در هر ساعت از شبانه روز می‌باشد. ماشینهای آبرسانی نیز به هنگام لزوم آب توزیع می‌کنند. آب مورد نیاز به وسیله لوله از فاصله ۳-۴ کیلومتری پمپاژ می‌شود و به هنگام قطع برق از استخرهای موجود استفاده به عمل می‌آید. طبق تحقیقات سازمان مسکن و شهرسازی خراسان، آتش‌سوزیها که میانگین وقوع آنها به ۱۸۰ مورد در سال می‌رسد عمده در جنوب شهر اتفاق می‌افتد چرا که این بخش از شهر تقریباً نوساز است و خانه‌ها اکثراً حمام شخصی دارند و بیشتر از سایر قسمتهای شهر از گاز استفاده به عمل می‌آورند^{۱۲۲}.

۳-۴-۷- حمام

از حدود ۱۴ گرمابه دایر شهر بیرجند، تاریخ ساختمان قدیمترین آنها به آغاز دهه ۱۳۰۰ هجری شمسی، یعنی مقارن لوله‌کشی آب شهر می‌رسد. لیکن بیشترین حمامهای بیرجند در دهه ۱۳۴۰ ساخته شده‌اند. این دهه مقارن ایامی است که شهر بیرجند در بسیاری از زمینه‌ها شاهد گسترش و تحرك محسوسی بوده است و پیشرفت سطح فرهنگ مردم موجب افزایش توجه آنها به نظافت و بهداشت گردیده است. بخش عمده حمامها در بافت قدیمی شهر بیرجند قرار گرفته و با مواد و مصالح ابتدایی نظیر خشت و گل و با

۱۲۲- طرح تفصیلی بیرجند، منطقه يك، ۱۳۶۸.

سبك سستی و پشت بامهای گنبدی شکل ساخته شده‌اند. حمامهایی که نوسازی می‌شوند از مواد و مصالح جدید نظیر آجر و تیر آهن سود می‌جویند و در سبك بنا نیز با حمامهای قبلی تفاوت می‌کنند. حمامهای قبلی، بخشهای عمومی جداگانه‌ای برای زنان و مردان و بندرت نمره‌های خصوصی داشته و با سیستم ابتدایی گرم می‌شده‌اند. لیکن تدریجاً بخشهای عمومی را حذف نموده و بر تعداد نمره‌ها افزوده‌اند. همچنین سیستم جدیدتر و مناسبتری برای ایجاد گرما و روشنایی به کار برده، از موزائیک و کاشی و مصالح جدید استفاده کرده‌اند. در این رابطه به این حقیقت نیز باید اشاره کنیم که در سالهای اخیر همزمان با بهبود وضع معیشتی مردم بیرجند، بسیاری از خانواده‌ها از حمامهای شخصی استفاده می‌کنند، تقریباً اکثر قریب به اتفاق خانه‌های جنوب شهر بیرجند از حمام شخصی استفاده می‌کنند. آمار سال ۱۳۶۵ میزان خانوارهای شهری و روستایی را که از حمام شخصی بهره‌مند بوده‌اند به ترتیب ۵۴/۳۵ درصد و ۲/۹۹ درصد نشان می‌دهد^{۱۲۳}.

۳-۴-۸- سوخت و انرژی

جهت تأمین سوخت و انرژی، در گذشته از هیزم و چوب بیشترین استفاده به عمل می‌آمده است که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد. این کار غالباً به وسیله روستاییان - و بخصوص در سالهای اخیر به وسیله مهاجرین افغانی - صورت می‌گیرد و موجب تخریب مراتع و جنگلهای طبیعی می‌شود. در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۴,۰۰۰ خانوار روستایی از این طریق سوخت مورد نیاز خود را تأمین می‌کرده‌اند^{۱۲۴}.

در حال حاضر نفت سفید بیش از سایر انواع سوخت مورد استفاده ساکنان شهری و روستایی بیرجند است به طوری که در سال مزبور حدوداً ۲۰,۰۰۰ از خانوارهای شهری و ۳۴,۰۰۰ از خانوارهای روستایی انرژی مورد نیاز برای ایجاد گرما را از این طریق تأمین می‌کرده‌اند^{۱۲۵}.

۱۲۳- مرکز آمار ایران، همان مأخذ، ص ۱۱.

۱۲۴- همان مأخذ، ص ۱۲.

۱۲۵- همان مأخذ، ص ۱۲.

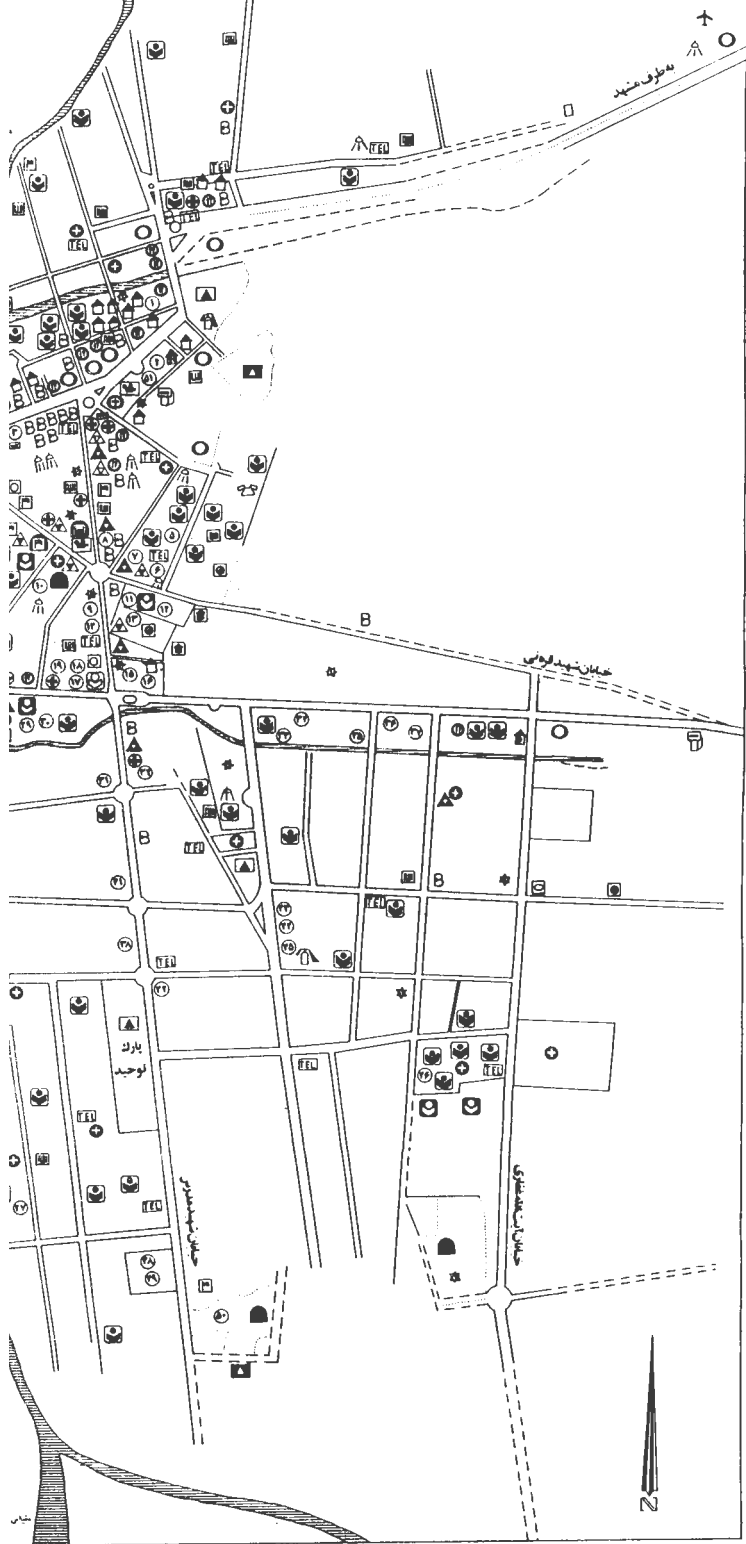
شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ناحیه بیرجند با ایجاد ۱۳ جایگاه برای عرضه مواد نفتی تا شعاع ۳۵۰ کیلومتری شهر بیرجند را تغذیه می‌کند. مخازن این شرکت قادر هستند ۳۰۰,۰۰۰,۷ لیتر نفت سفید را ذخیره نمایند. علاوه بر نفت سفید، تهیه و توزیع بنزین و نفت گاز و روغن نیز به عهده این شرکت است و تعداد فروشندگیها و مصرف‌کنندگان و کارخانجات عمده‌ای که با این شرکت در ارتباط هستند به ۱۴۰۰ نقطه بالغ می‌شود. «لازم به یادآوری است که ناحیه دارای سه دستگاه نفتکش حمل مواد سوختی جهت پرواز هواپیماها می‌باشد و در هفته کلیه پروازهایی که به فرودگاه بیرجند مراجعه می‌نمایند سوختگیری می‌شوند»^{۱۲۶}

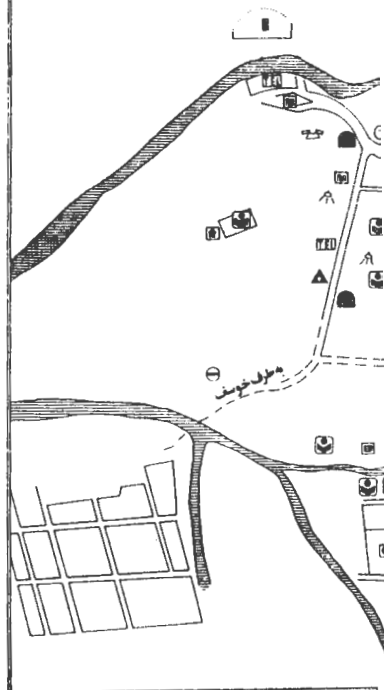
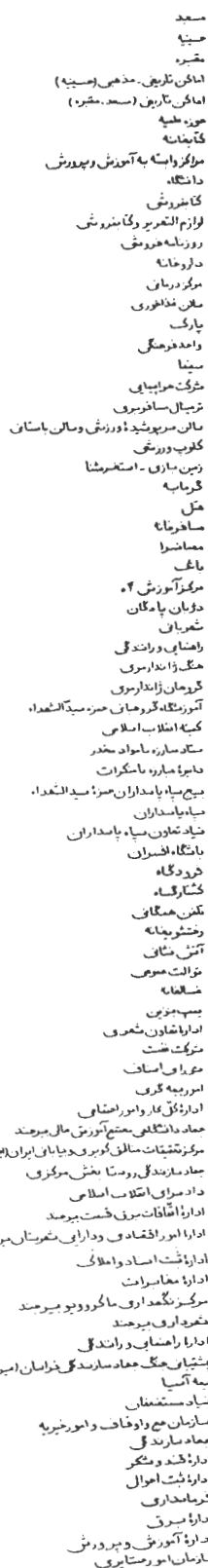
در سالهای اخیر گاز هم به لیست منابع سوختی افزوده شده است. تا قبل از انقلاب برای انتقال گاز از منابع گاز خانگیان سرخس به شهرهای جنوبی خراسان و از جمله بیرجند، اقداماتی به عمل آمد، لیکن با وقوع انقلاب اسلامی مناطق صنعتی و مواردی که در طرح توسعه اقتصادی قرار داشتند نظیر نیروگاه «نکا» در اولویت قرار گرفته، طرح مزبور ناتمام ماند. در حال حاضر اهالی بیرجند مانند سایر شهرهای جنوب خراسان از کپسولهای گاز استفاده می‌کنند. کپسولهای مزبور عمده برای پخت و پز و بندرت برای ایجاد گرما مورد استفاده قرار می‌گیرند. طبق آمار سال ۱۳۶۵ از کل خانوارهای شهرستان بیرجند، ۵۵۰,۱۱ خانوار از گاز استفاده می‌کرده‌اند (۹,۶۴۳ خانوار شهری و ۱۹۱۲ خانوار روستایی).

۳-۴-۹- پست و تلگراف

این اداره یکی از اولین اداراتی است که حدوداً از سال ۱۳۱۵ در بیرجند تأسیس شده است، علت آن نیازی بوده که حکومت‌های وقت به خبرگیری و پیام رسانی و اطلاع از اوضاع و احوال محدوده حکومتی خود داشته‌اند. به همین دلیل نه تنها در بیرجند بلکه در بسیاری از نقاط ایران تشکیلات پست و تلگراف و تلفن قبل از بسیاری از تأسیسات و

نقشه ۱۸-پر





- داد گسترش
 جمعیت خلیل احمد
 اداره بازار گازی
 اداره استاد
 ستاد حفاظتی مؤرخان
 اداره پست
 اداره گشت دوری
 اداره معاشرت
 جنگلداری میرد
 دفتر کارخانه خند و خست
 نگاره خیریه آب لوله
 اداره زمین شعری
 اداره تربیت بدنی
 ستاد روزگزی آموزش مالی میرد
 بنیاد شهید انقلاب اسلامی
 اداره تأسیس انجمن
 ستاد آموزشی طرح ملی انفرادی بنیاد مسکن میرد
 دفتر تبلیغات مائش آلات شعری
 بنیادری صنعتگران میرد
 بنیاد یگان معادن شعریان میرد
 روزگزی مائش آلات ادار و ادوار و مترا بری
 اداره مائش
 اداره فنی راه و مترا بری
 شرکت معملی یمه ایراد
 اداره صنایع

تجهیزات دیگر به وجود آمده است. نظر به افزایش جمعیت و گسترش ارتباطات در سال ۱۳۵۱ اداره پست از مخابرات جدا شد و از سال بعد اداره پست بیرجند مرکز مبادله پستی بین استانهای خراسان و سیستان و بلوچستان گردید. از این زمان به بعد کلیه مراسلات و امانات پستی که از هند و پاکستان به زاهدان می رسید در بیرجند با پست خراسان مبادله می شد. در حال حاضر دهها صندوق پست داخله و خارجه ارتباط این شهرستان با داخل و خارج کشور را امکان پذیر کرده است. با توجه به ضرورت ارتباط دائمی میان شهر و روستا، پست بیرجند به وسیله دفاتر رسمی و نمایندگیهای پستی، ارتباط خود با نواحی روستایی را برقرار نموده و حدوداً ۵۰۰ روستا را نیز تحت پوشش خود قرار داده است. بسیاری از این فعالیتها بعد از انقلاب اسلامی و در راستای بها دادن به نقاط روستایی صورت گرفته است که از آن جمله می باید به احداث دفاتر جدید در سریش، شوسف، دُرُج، سده، اسدآباد، گزیک و خضری اشاره کرد.

بخش سوم

پتانسیل‌های اقتصادی ناحیه

- ۱- کشاورزی
- ۲- فعالیتهای صنعتی
- ۳- داد و ستد و تجارت
- ۴- راههای ارتباطی
- ۵- حمل و نقل

۱- کشاورزی

این بخش از فعالیتهای اقتصادی، از دیرباز با مشکلاتی اساسی در این ناحیه مواجه بوده است. مهمترین این مشکلات، تأمین آب برای آبیاری زمینهای زراعی و سپس ایجاد شبکه ارتباطی مناسب و حمایتهای مالی و فنی و غیره بوده است. علاوه بر مشکلات اقلیمی و طبیعی، اجرای سیاستهای اقتصادی رژیم گذشته و عدم توجه به نقاط روستایی و بخش کشاورزی، موجب رکود بیش از پیش این بخش گردیده بود، هر چند به مرور زمان، افزایش جمعیت، نیاز به تولیدات کشاورزی را - که به واسطه انزوای جغرافیایی و دوری از مراکز تولید، وارد کردن آن نیز آسان نمی نمود - شدت می بخشید. با وقوع انقلاب اسلامی و اجرای سیاست خودکفایی، بخش کشاورزی در اولویت قرار گرفت و از این زمان جان تازه‌ای در کالبد بی‌رمق اقتصاد کشاورزی بیرجند دمیده شد.*. مقایسه سطوح زیر کشت و میزان تولید و بازدهی محصولات کشاورزی در

* - در برنامه اول جمهوری اسلامی ایران، بخش کشاورزی به علل زیر محور توسعه اقتصادی قرار گرفت:

الف - تأمین مواد غذایی برای جمعیت کشور...

ب - نیل به خودکفایی کشاورزی به منظور جلوگیری از تحت سلطه قرار گرفتن کشور.

ج - توجه بیشتر به کشاورزان و عشایر کشور که... همواره از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم بوده‌اند.

د - تغییر ساختار اقتصاد مصرفی به ساختار اقتصاد تولیدی در زمینه‌های کشاورزی.

ه - تغییر جهت منطقی مهاجرت در سطح کشور، نقل از: دکتر ابراهیم رزاقی، ص ۳۵۰.

واحد سطح که در صفحات بعدی از نظر می‌گذرد، مؤید این واقعیت خواهد بود که بخش کشاورزی دستخوش تحولاتی اساسی گردیده است، هر چند رشد عقلایی این بخش، سیاست‌گذاریهای حساب شده‌ای را طلب می‌کند که ناظر بر مشکلات و محدودیتهای خاص این ناحیه باشد.

۱-۱- زراعت و باغداری

با توجه به انزوای جغرافیایی این شهرستان و عدم دسترسی به راههای ارتباطی عمده و مراکز تولید مواد غذایی، از دیرباز کشاورزان این ناحیه به منظور تأمین نیازهای خویش، غلات و سبزیجات و علوفه دامی و درختان میوه را در رأس سایر فعالیتهای قرار داده‌اند. در حال حاضر هم به دلیل عدم موقعیت مناسب تجاری، جمعیت دائم‌التراید و نیازهای فزاینده این ناحیه، کماکان بر تولیدات کشاورزی نظر دوخته‌اند و همین امر باعث فشار اکولوژیکی بیش از حد به منابع آبی و خاکی منطقه می‌شود.

به موجب آمار سال ۱۳۶۴ اداره کل کشاورزی استان خراسان، مجموع زمینهای زیر کشت شهرستان بیرجند ۸۵۷, ۱۱۷ هکتار بوده است که از این مقدار ۳۹/۵ درصد به طریقه آبی و بقیه زیر کشت دیم قرار داشته است.

در سال ۱۳۶۹ وسعت زمینهای زیر کشت به ۴۰۰, ۱۲۱ هکتار افزایش یافته و نسبت زمینهای زیر کشت آبی به ۲۷/۵ درصد کاهش یافته است^۱. البته باید توجه داشت که همه ساله درصد قابل توجهی از زمینهای مزبور به صورت آیش رها شده، عملاً مورد کشت و کار قرار نمی‌گیرند. همچنین باید خاطر نشان کنیم که بخشی از زمینهای کشاورزی که توسط کوچ‌نشینان کشت و کار می‌شود معمولاً به علت دور ماندن از دسترس آمارگیران، در محاسبات مربوط به سطح زیر کشت و میزان تولیدات کشاورزی شهرستان، منظور نمی‌شوند. مهمترین محصولات این ناحیه از نظر

۱- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، صص ۱۸۶-۱۹۱.

سطح زیر کشت در سال ۱۳۶۹ گندم بوده است که تقریباً ۸۵ درصد از زمینهای زیر کشت را به خود اختصاص می داده است ولی از نظر میزان محصول، نباتات علوفه‌ای - آن هم در سالهای اخیر - مقام اول را به دست آورده است. سطح زیر کشت این محصول که در سال ۱۳۶۵ حدوداً ۳۷۰ هکتار بوده در سال ۱۳۶۹، ۱۶ برابر افزایش یافته است، افزایشی که با فزونی جمعیت و نیاز به محصولات دامی و نیز با اقلیم خشک منطقه و دشواری تأمین خوراک دام، بی ارتباط نمی تواند باشد.

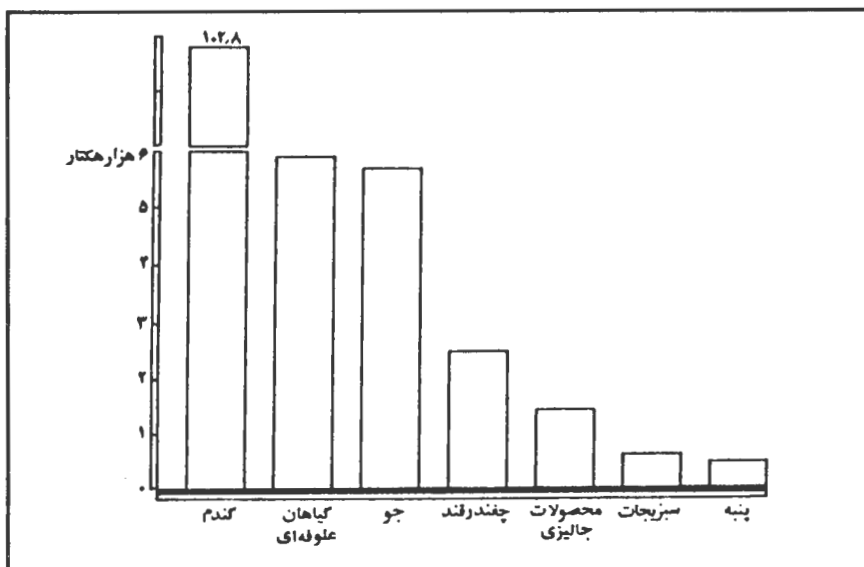
علاوه بر اینها باغات زیادی از درختان مختلف نظیر گردو، مو، خرما، سیب، انار، بادام، پسته، آلو، عناب و زرشک در کوهپایه‌ها و دره‌ها وجود دارد، که مسبوق به سابقه‌ای طولانی است. فروش محصولات خشکبار به بازار شهر بیرجند و یا به دلالانی که با مشهد و تهران طرف معامله هستند، یکی از منابع تأمین درآمد روستاییان است.

نگاهی به ارقام مربوط به توزیع جمعیت شاغل روستایی می تواند اهمیت بخش کشاورزی را بیش از پیش روشن نماید. این ارقام نشان می دهد که بیش از نیمی از شاغلان روستایی مشغول فعالیت هستند، حال آن که صنعت (البته به معنای محدود آن) ۳۰ درصد و خدمات تنها ۷/۱۲ درصد آنها را به خود مشغول نموده است. باید توجه داشت که درصد قابل توجهی از شاغلان بخش صنعت و خدمات در عین حال به امور کشاورزی نیز می پردازند.

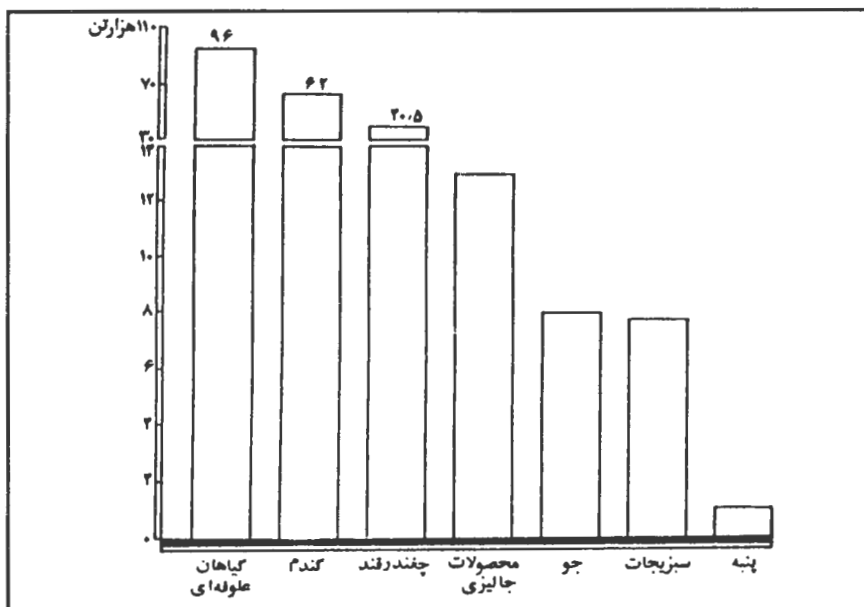
۱-۱-۱- محصولات عمده

گندم: با توجه به سیاست خودکفایی که یکی از اهداف جمهوری اسلامی بوده است، کشت گندم در شهرستان بیرجند نیز مورد توجه قرار گرفت، به طوری که میزان محصول در سال ۱۳۶۵ به ۴۹,۵۰۰ تن و در سال ۱۳۶۹ به ۶۲,۱۰۰ تن افزایش یافت. همان طور که اشاره شد ۸۵ درصد زمینهای زیر کشت به این محصول اختصاص یافته است لیکن از آن جا که بخش عمده این زمینها به طریقه دیمی کشت می شود، میزان محصول آن چنان که انتظار می رود نیست. در سال مزبور گندم دیمی ۸۱ درصد از

نمودار ۱۷- سطح زیر کشت زراعت سالیانه در بیرجند (۱۳۶۹)



نمودار ۱۸- میزان محصول زراعت‌های سالیانه بیرجند (۱۳۶۹)



مأخذ: آمارنامه استان خراسان، ۱۳۶۹، صص ۲۰۰-۱۸۶.

زمینهای زیر کشت را به خود اختصاص داده، لیکن تنها ۳۹/۶ درصد محصول از این طریق به دست آمده است.

مهمترین نواحی کشت گندم در دهستانهای «نه»، «خوسف» و «شاخات» قرار دارد لیکن به اقتضای اهمیت خاصی که این محصول در تأمین خوراک اهالی دارد، علاوه بر نواحی مزبور، در سرتاسر این ناحیه به صورت پراکنده کشت می‌شود.

جو: با وجود آن که این محصول یکی از سازگارترین و مناسبترین انواع محصولات برای مناطق خشک و خاکهای شور است، آن طور که باید مورد استقبال قرار نگرفته است. مقایسه آمار سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۹ نشان‌دهنده کاهش این محصول - چه در واحد سطح و چه از نظر میزان محصول - می‌باشد.

در سال ۱۳۶۵ حدوداً ۹,۰۰۰ هکتار زیر کشت جو بوده است که در سال ۱۳۶۹ به ۵,۷۰۰ هکتار کاهش یافته است. به تبعیت از این کاهش، میزان محصول نیز از ۱۲,۲۰۰ تن به ۸,۱۵۲ تن تنزل یافته است. برخلاف گندم که عمده به صورت دیمی کشت می‌شود، سطح زیر کشت جو آبی، بیش از دیمی است. به همین دلیل در مقایسه با گندم با وجود آن که ۵/۵ درصد از زمینهای زیر کشت گندم را تشکیل می‌دهد لیکن ۱۳/۱ درصد از محصول را عرضه می‌کند. توزیع جغرافیایی کشتزارهای جو تقریباً از پراکندگی مزارع گندم تبعیت دارد.

چغندر قند: کارخانه قند قهستان که از سال ۱۳۳۸ هـ، ش، در شرق بیرجند (اسدآباد) بنیانگذاری شده است، یکی از مهمترین انگیزه‌های افزایش کشت این محصول در بیرجند بوده است. کارخانه مزبور که ظرفیت رسمی آن ۵۰۰ تن می‌باشد در سال ۱۳۶۹ حدوداً ۹,۷۰۰ تن شکر تولید نموده است^۲. توجهی به شرایط طبیعی این ناحیه، نامتناسب بودن اقدام مزبور را نشان می‌دهد چرا که چغندر قند دو برابر بیش از گندم و حدوداً چهار برابر بیشتر از جو به آب نیاز دارد. به علاوه، تابستانه بودن کشت این محصول موجب تبخیر بیش از پیش آب و باقی ماندن املاح نمک در خاک و

۲- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۲۳۳.

عقیم شدن آن می‌گردد. با این وجود سطح زیر کشت این محصول در سالهای اخیر در حال ازدیاد بوده است چنان که این میزان که در سال ۱۳۶۵، ۱,۵۰۰ هکتار بوده است در سال بعد به ۱,۸۰۰ هکتار و در سال ۱۳۶۹ به ۲,۲۰۲ هکتار افزایش یافته است.

مهمترین نواحی کشت چغندر قند (که توزیع جغرافیایی آنها با محل استقرار کارخانه نیز مرتبط است) به قرار زیر می‌باشد:

خانلرآباد، طبس مسینا، آواز، علی‌آباد، اسدآباد، چاه عطایی، فیض‌آباد و نازدشت. پنبه: کشت این محصول عمده در دشتهای گرم شمال غربی و غربی شهرستان بیرجند یعنی در بخش خوسف صورت می‌گیرد. در سالهای اخیر، هم از سطح زیر کشت و هم از میزان محصول کاسته شده، به طوری که سطح زیر کشت تقریباً به نصف رسیده است، لیکن به دلیل بالا رفتن راندمان تولید (از ۱۳۰۰ به ۲۰۰۰ کیلوگرم در هکتار) میزان محصول به این نسبت کاهش نیافته است.

کشت پنبه اگرچه صنعت بافندگی را رونق بخشیده و تعدادی از روستاییان را در قالب کارگاههای کوچک بافندگی و به عنوان فروشندگان دوره‌گرد به کار واداشته است و بطور کلی محصولی درآمدزا به شمار می‌رود، لیکن همانند چغندر قند با شرایط اکولوژیکی این ناحیه سازگار نمی‌باشد چرا که به آب زیادی برای آبیاری نیاز دارد و این در حالی است که بعضی از دشتهای بیرجند با بحران آبی مواجه هستند. به علاوه تابستانه بودن آبیاری این محصول موجب شور شدن و عقیم شدن خاکها می‌شود. در حال حاضر بخشی از چاههای آب کشاورزی بیرجند در همین ناحیه و به منظور آبیاری مزارع پنبه حفر شده است.*

* - شایسته است در این ناحیه کم آب، هر کجا قرار است آب مورد استفاده قرار گیرد، میزان بازدهی آن سنجیده شود. باید این نکته برای همه اهالی بیرجند روشن شود که اهمیت و قیمت آب در این ناحیه کمتر از سرمایه‌ای که تجار به جریان می‌اندازند نیست. همچنان که یک تاجر به هنگام سرمایه‌گذاری حساب برگشت سرمایه و سود سرمایه را می‌کند، مصرف آب نیز باید کاملاً مورد سنجش قرار گیرد چه این که برای جبران ضایعات ناشی از مصرف بی‌رویه آب در ناحیه گرم و خشک بیرجند فردا خیلی دیر است.

جدول ۲۱- سطح زیر کشت و میزان تولید محصولات عمده کشاورزی شهرستان بیرجند (۱۳۶۹)^۳

نوع محصول	سطح زیر کشت (هکتار)	میزان تولید (تن)
نباتات علوفه‌ای*	۵/۹۱۵	۹۶/۰۷۰
گندم	۱۰۲/۸۰۰	۶۲/۱۰۰
چغندر قند	۲/۵۰۲	۴۰/۵۲۰
محصولات جالیزی	۱/۴۲۶	۱۳/۰۰۲
جو	۵/۷۰۰	۸/۱۵۲
سبزیجات**	۶۲۷	۷/۷۶۵
پنبه	۵۰۰	۱۰۰۰

زعفران***: «زعفران... کلمه‌ای است عربی که جمع آن زعفر می‌شود. نام (زعفران) در زبانهای مختلف دنیای عتیق و جهان امروز غالباً با کم و بیش اختلاف شبیه واژه زعفران در زبان فارسی امروز است، و یا تشابهی با واژه «کرکم» پارسی باستان، ایلامی و عبری و عربی قدیم و امروز) که به معنی زعفران است، دارد»^۴.

نویسنده کتاب «شناخت زعفران ایران» ضمن برشمردن نام کشورهایایی که سابقاً کشت زعفران در آنها وجود داشته است (مانند: مراکش، الجزایر، اسپانیا، سوریه و

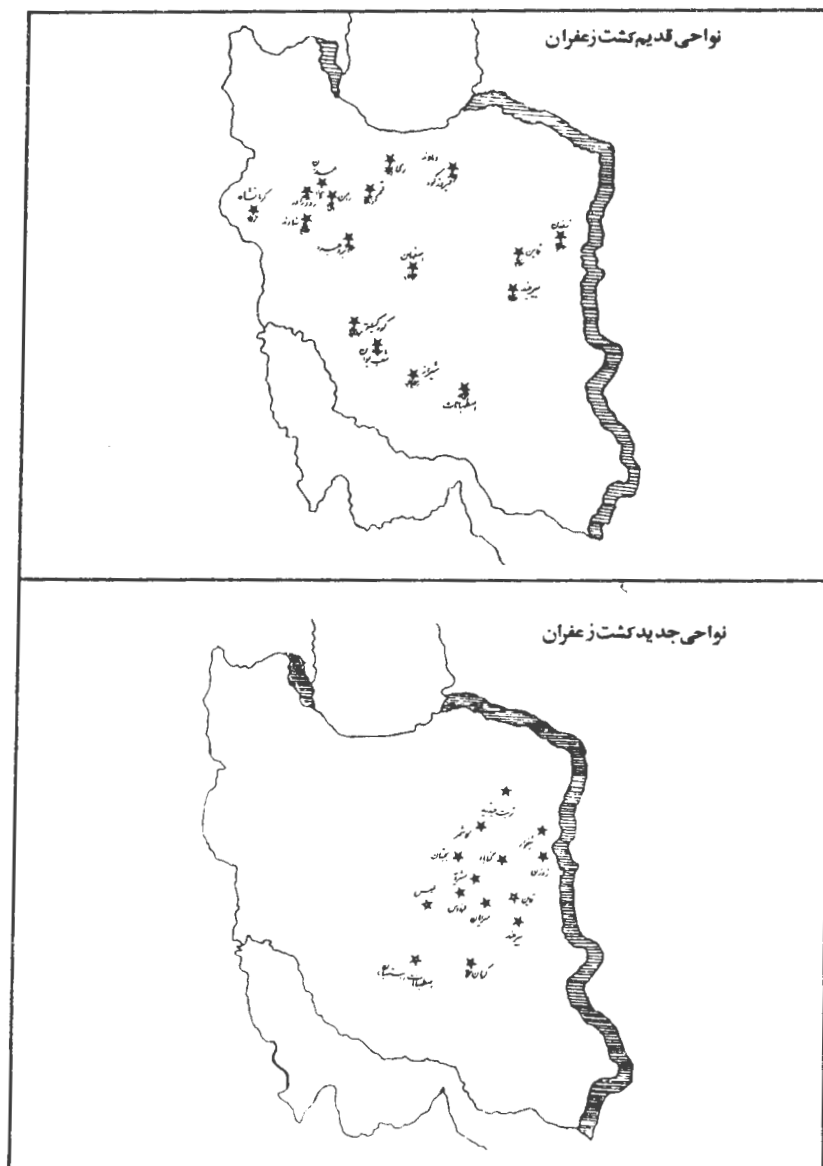
۳- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، صص ۱۸۶-۲۰۲.

*- نظیر یونجه، اسپرس، چغندر علوفه‌ای، ذرت علوفه‌ای، شلغم علوفه‌ای و...

** - نظیر پیاز، سیب‌زمینی، گوجه فرنگی، سیر، بادمجان، باقلا تازه و...

*** - «زعفران گیاهی است پایا و بصلی از تیره زنبقیان، دارای ساقه زیرزمینی که از دو پیاز خارج می‌شوند. پیازهای آن سخت و مدور و گوشتدار و پوشیده از غشاءهای نازک و قهوه‌ای رنگ است. از وسط پیاز... ساقه زیرزمینی قائمی خارج می‌گردد و از ساقه زیرزمینی تعدادی برگهای باریک و دراز با رنگ سبز بیرون می‌آید. از وسط برگهای مذکور، ساقه مولد گل ظاهر می‌شود که در انتها به یک یا دو و گاهی سه غنچه گل منتهی می‌گردد... قسمت مورد استفاده این گیاه، ناحیه انتهایی خامه و کلالة آن است که به نام زعفران خرید و فروش می‌شود...» نقل از: لغت نامه دهخدا، ذیل ماده زعفران.

۴- محمدحسن ابریشمی، شناخت زعفران ایران، انتشارات توس، ۱۳۶۶، ص ۲۶.



أخذ: شناخت زعفران ایران، صص ۷۶-۷۷.

نقشه ۱۹- نواحی مهم کشت زعفران در ایران

عراقستان و...) این سه رسول را خواص فلات ایران دانسته، اظهار می‌دارد که در گذشته، سرزدهٔ جنفر اخیایی کشت آن در قسمتهای مرکزی و غربی ایران (نظیر قم، بروجرد، ری، اصفهان، همدان، فارس و لرستان) بوده است، لیکن بعدها به استان خراسان منتقل گردیده است.*

در حال حاضر حوزهٔ کشت این محصول در خراسان مرکزی و جنوبی (از تربت حیدریه تا بیرجند) به انضمام کرمان و استهبانات می‌باشد.

در دهه‌های اخیر که خشکسالیها و اشاعه اقتصاد پولی و افزایش جمعیت، نیاز مردم این ناحیه را به تولید محصولات درآمدزا، افزایش داده است، کشت زعفران نیز اهمیت روزافزونی یافته است. از اوایل انقلاب اسلامی که توجه به کشاورزی و حمایت از تولیدات داخلی در رأس برنامه‌های دولت قرار گرفت، کشت زعفران - که تا این زمان محدود به نواحی اندکی نظیر «گل» و «فریز» بود، رونق پیدا کرده، سطح زیر کشت که در سال زراعی ۱۳۶۳-۱۳۶۴ در حدود ۳۵۰ هکتار بوده^۵ است، در سال ۱۳۷۰ به ۸۵۰ هکتار افزایش یافت.^۶

در حال حاضر مهمترین حوزهٔ کشت این محصول در دامنه‌های ارتفاعات باقران قرار دارد که از غرب تا روستاهای «گل» و «فریز» و از شرق تا حدود سربیشه ادامه دارد. همچنین روستای گزیک و نقاط اطراف آن، از نواحی عمدهٔ دیگر به شمار می‌روند. زعفران گل و فریز و سپس گزیک و اطراف آن، از نظر مرغوبیت قابل ذکر می‌باشند**.

* - «... هم‌زمان با حمله مغول و قتل عام عمومی شیعیان قم (در سال ۶۱۷ هجری) بازماندگان آنها طی هجرت به سوی اماکن مقدسه در خراسان (مقبره حضرت امام رضا علیه‌السلام) در فارس (مقبره شاهچراغ) پناهنده شدند و در نقاط مستعد این دو ایالت یعنی «زوزن» و سپس «فاین» و بعد «بیرجند» در خراسان و استهبانات و شیراز در فارس مبادرت به کشت و ترویج آن کردند». شناخت زعفران ایران، ص ۸۴.

۵ - وزارت کشاورزی، همان مأخذ.

۶ - فرمانداری بیرجند، همان مأخذ، ص ۱۲.

** - در این جا بد نیست به تناسب مطالب، به خواص زعفران اشاره کنیم، این گیاه به واسطه عطر و طعم و رنگ زیبایش، در طبعا به مورد استفاده زیادی داشته است و هم‌زمان در صنعت به ویژه در رنگ آمیزی پشم و پوست و چرم و پارچه و قلم کاری و نظایر اینها به کار می‌رفته است. برای این گیاه خواص درمانی چندی هم قابل ←

در پایان باید اضافه کنیم، کشت زعفران در جنوب خراسان به چند دلیل می‌باید جدی گرفته شود:

۱- بازدهی زعفران در هر هکتار قابل توجه است و به آبیاری تابستانی نیاز ندارد (زیرا زمان آبیاری آن از مهرماه تا فروردین ماه است) و با این حساب با شرایط اکولوژیکی این نواحی که گرفتار کمبود زمین و منابع آبی هستند سازگارتر است.

۲- چنانچه میزان بازدهی در واحد سطح را حداقل ۵ کیلو زعفران خشک به حساب آوریم، و قیمت هر کیلو را حدوداً ۲۵۰,۰۰۰ ریال محاسبه‌نماییم، تنهادر شهرستان بیرجند درآمدی در حدود یک میلیارد ریال وارد اقتصاد ناحیه خواهد نمود. به عبارت دیگر، توسعه کشت این محصول می‌تواند درآمدزا، اشتغال‌زا و بازدارنده از مهاجرت باشد.

۳- با توجه به اینکه حدوداً ۸۰ درصد زعفران ایران به خارج صادر می‌شود، توجه به بازارهای صادراتی و تلاش برای بهبود صنعت بسته‌بندی از ضروریات به شمار می‌رود بخصوص این که در سنوات اخیر رقاباتی هم برای زعفران ایران وارد بازار جهانی شده‌اند، و چنانچه روشهای تولید و عرضه به همان شکل سنتی صورت گیرد، مسلماً رقابتی ایران، بازار را در قبضه خود خواهند گرفت.

جدول ۲۲- تولید کنندگان عمده زعفران و سهم هر یک، از تولید جهانی (۱۳۶۵/۱۹۸۶)^۷

نام کشور	اسپانیا	ایران	یونان	مراکش	چین	سایر کشورها	کل
میزان تولید (تن)	۳۵/۲	۲۲/۴	۸	۶	۹	۱/۳۶	۸۲
سهم از تولید جهانی	٪۴۳	٪۲۷/۴	٪۹/۷	٪۷/۲	٪۱۱	٪۱/۶	٪۱۰۰

→ بوده‌اند و آن را نشاط‌آور و مفرح روح، بازکننده رنگ رخساره، مقوی حواس و قلب، و... می‌دانسته‌اند، لیکن باید توجه داشت زیاده‌روی در استعمال این گیاه را منع کرده، موجب تیرگی حواس و کمی اشتها و اختلال در دید و غیره دانسته‌اند (برای اطلاعات بیشتر رک: به شناخت زعفران ایران، صص ۱۳۵-۱۹۳).

۷- سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران (مرکز خراسان)، گزارش هیئت‌اعزامی به اسپانیا، ۱۳۶۸، صص ۳۴.

همان طور که در جدول صفحه قبل ملاحظه می شود، اسپانیا مهمترین رقیب ایران در بازارهای جهانی به شمار می رود. با وجود آن که سطح زیر کشت زعفران در این کشور تنها ۵۹/۳ درصد ایران است مع هذا به دلیل بالا بودن راندمان تولید، میزان محصولش بیش از ایران می باشد*.

با توجه به نقش مهمی که تولید زعفران می تواند در اقتصاد شهرستان بیرجند داشته باشد، سزاوار است اقداماتی جدی در زمینه توسعه سطح زیر کشت، افزایش بازدهی محصول، آموزش روشهای علمی و فنی، کمکهای مالی، تشکیل تعاونیها و کوتاه کردن دست واسطه ها، بهبود روشهای عرضه محصول و تقویت صنعت بسته بندی، شناخت بازارهای صادراتی (به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس) به عمل آید. نزدیکی بیرجند به بازار صادراتی حوزه خلیج فارس - که از مصرف کنندگان با سابقه زعفران هستند - امتیازی برای این ناحیه به شمار می رود.

زرشك: «درخت زرشك از تیره زرشکیان، نزدیک به تیره آلانگان و از رده دولپه ایهاست این درخت (یا درختچه) بسیار مقاوم است. در زمینهای سنگلاخ به زندگی ادامه می دهد. در کم آبی طاقت زیاد دارد... زرشك را به نامهای سرشك، دارشك، زارج، زراج، زرك... اترار، عودالریح، عودالصلیب، زنبل، هروك، زنب، امرباریس (یونانی)، انبرباریس (عربی) و برباریس گفته اند»^۸.

ایرانیان از دیرباز زرشك را می شناخته اند و علاوه بر استفاده های خوراکی، از آن در صنعت رنگرزی استفاده می کرده اند، خواص گوناگونی که در میوه و پوست و ریشه این گیاه وجود داشته، توجه حکما و اطبا را به خود جلب نموده است**.

* - سابقه کاشت زعفران در اسپانیا به فاصله سالهای ۹۱ و ۹۲ هجری... زمانی که مسلمین اسپانیا را تسخیر کردند بر می گردد. بنابه اظهار مورخان، کشت و کار زعفران از زمان حکومت مسلمانان در اسپانیا، متداول گردیده است». همان مأخذ، ص ۱۰.

۸ - محمود عنبرانی، زرشك و عناب، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، صص ۱۳ و

** - «پوست شاخه های آن را خشك می کنند و برای درمان بیماریهایی چون یرقان، سنگ کلیه و سنگ

نهال زرشك تا حدود پنج سال دستاورد اقتصادی چشمگیری ندارد. بیشترین اندازه باردهی از سالهای چهاردهم و پانزدهم آغاز و تا بیست و پنج سالگی ادامه می‌یابد. میانگین زرشك خشك به دست آمده از هر درختچه به شرح زیر است:

جدول ۲۳- میانگین محصول خشك در هر درختچه

عمر نهال	میزان محصول
نهال ۵ ساله	۱ کیلوگرم
» ۷ »	۷ »
» ۱۲ »	۲۰ »

لازم به یادآوری است که زرشك تازه حاوی مقدار زیادی آب است که بتدریج با تبخیر آن، از وزن زرشك کاسته می‌شود، به طوری که سرانجام هر ۴ کیلو زرشك تازه به يك کیلو زرشك خشك تبدیل می‌شود.

عمر درخت زرشك نسبتاً زیاد است. در بیرجند و قاین درختانی وجود دارد که سن آنها به ۵۰ الی ۶۰ سال می‌رسد. این درختان به خوبی محصول می‌دهند. بکری باردهی درخت يك سال در میان است.^۹

در حال حاضر مهمترین نواحی تولید زرشك در سریش و در میان و خوسف قرار

→ کیسه صغرا و رفع اعتیاد به کار می‌برند. در کشورهای چین و ایران از دیر زمان از آن استفاده می‌کرده‌اند، پوست‌ریخته زرشك... را گرم و خشك، قابض و مدرّ می‌دانند. جوشانده شاخه‌های جوان همراه با برگ آن، برای پیش‌گیری از گسترش بیماریهای دهان و دندان به صورت موضعی (مزمزه کردن) مصرف می‌شود... مقوی قلب، صغراب، ممکن حرارت معده و کبد و بندآورنده خون از بواسیر (است)... از آب زرشك برای درمان مسمویتیها و پیش‌گیری از استفراغ استفاده می‌کنند و تب‌بری قوی است.^{۱۰}

همان مأخذ، صص ۱۸-۱۹.

۹- همان مأخذ، ص ۲۲.

دارد، لیکن به صورت باغات کوچک و پراکنده در بسیاری از نواحی پایکوهی و دره‌های بیرجند مشاهده می‌شود. طی چند سال اخیر میزان این محصول چه در واحد سطح و چه از نظر وزن و چه از نظر میزان بازدهی در هر هکتار، افزایش یافته است. چنانچه در سال ۱۳۶۴ سطح زیر کشت این محصول تنها ۲۵۰ هکتار و میزان محصول آن ۷۵ تن بوده است^{۱۰}، لیکن در سال ۱۳۷۰ سطح زیر کشت به ۸۰۰ هکتار و میزان محصول به ۸۵۰ تن افزایش یافته است^{۱۱}.

۱-۱-۲- بازدهی تولید

منظور از بازدهی تولید، عملکرد میزان محصول در یک هکتار است که به آن راندمان تولید هم گفته می‌شود. بطور کلی بازدهی تولید در ایران - به دلایل اقتصادی و اجتماعی و تکنولوژیکی و همچنین به علت شرایط خاص طبیعی - از سطح نازلی برخوردار است. بیرجند هم از این قاعده مستثنی نیست. این شهرستان در مقایسه با متوسط عملکرد استان، تنها کمی عقبتر است لیکن در بین شهرستانهای خراسان جنوبی وضعیت بهتری دارد. در مورد محصولات به خصوص گندم، اگرچه مساحت قابل توجهی زیر کشت قرار دارد لیکن رقم تولید ناچیز است، زیرا بخشی از کشت و کار به طریق دیمی صورت می‌گیرد.

پایین بودن راندمان کشت دیمی زمانی روشنتر می‌شود که با کشت آبی مقایسه شود. این ارقام برای کشت گندم آبی و دیمی به ترتیب ۲,۰۰۰ کیلوگرم و ۲۹۰ کیلوگرم در هکتار و برای جو ۲۰۰۰ کیلو و ۲۵۰ کیلوگرم در هکتار بوده است. در سالهای اخیر، سیاستهای حمایت‌آمیز دولت و به خصوص تلاشهای برادران مؤمن و متعهد جهاد سازندگی، راندمان تولید را - جز در مورد چغندر قند - افزایش بخشیده است. این افزایش طی سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۹ به شرح جدولی که می‌آید بوده است.

۱۰- وزارت کشاورزی، اداره کل کشاورزی استان خراسان، همان مأخذ، ص ۱۶۳.

۱۱- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، ص ۱۲.

جدول ۲۴- بازدهی تولیدات کشاورزی در شهرستان بیرجند (کیلوگرم- هکتار)^{۱۲}

محصولات جالیزی آبی	سبب زمینی	سایر نباتات علوفه‌ای	یونجه و اسپرس	جو*	گندم*	چغندر قند
۱۳۶۵	۱۶۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۵۰۰۰	۷۵۰۰	۸۵۰	۹۰۰
۱۳۶۹	۱۹۸۷۰	۱۵۰۰۰	۱۷۳۷۰	۷۸۶۰	۱۱۲۰	۱۱۴۰
تغییرات	+۳۸۷۰	+۳۰۰۰	+۲۳۷۰	+۳۶۰	+۲۷۰	+۲۴۰
						-۳۸۰۰

در این جا باید به ذکر این نکته نیز پردازیم که برخی از محصولات که راندمان بالایی دارند، علی‌رغم کمی سطح زیرکشت، بخش قابل توجهی از محصولات را عرضه نموده‌اند. نباتات علوفه‌ای، چغندر قند، و محصولات جالیزی به ترتیب ۶ و ۸ و ۱۰ برابر گندم آبی بازدهی دارند. محصولات جالیزی در مقایسه با کشتزارهای گندم آبی با وجود آن که تنها ۷/۵ درصد از زمینهای زیر کشت را اشغال نموده‌اند لیکن در حدود ۲۱ درصد از محصول را عرضه کرده‌اند.

بازدهی زعفران در واحد سطح، از نظر وزن، چندان اهمیتی ندارد، لیکن با توجه به قیمت بالای این محصول، کمترین تغییر در بازدهی، تأثیر مهمی در میزان درآمد زارعین برجای می‌گذارد. در سال زراعی ۱۳۶۳-۱۳۶۴ که سطح زیر کشت ۳۵۰ هکتار بوده ۱۷۵۰ کیلوگرم محصول به دست آمده است^{۱۳}، با این حساب بازده نسبی هر هکتار، حدوداً ۵ کیلوگرم زعفران خشک بوده است. باید توجه داشت که بازدهی زعفران بستگی به شرایط اقلیمی، حاصلخیزی خاک، جنس پیاز زعفران، میزان مراقبتهای لازمه و رعایت نکات فنی دارد. همچنین، پیاز زعفران بطور متوسط ده الی پانزده سال عمر

۱۲- آمارنامه‌های مرکز آمار ایران و سازمان برنامه و بودجه استان خراسان.

*- در مورد گندم و جو به دلیل ثابت نبودن سطح زیر کشت آبی و دیمی در دو مقطع مزبور، مقایسه دقیق امکان‌پذیر نیست.

۱۳- وزارت کشاورزی، اداره کل کشاورزی استان خراسان، همان مأخذ ص ۱۶۳.

پتانسیل‌های اقتصادی ناحیه □ ۲۰۱

می‌کند و چنانچه در جدول زیر ملاحظه می‌شود، در طول این ایام، میزان بازدهی یکسان نیست.

جدول ۲۵- بازدهی تولید زعفران در طول يك دوره^{۱۴}

سالهای بهره‌برداری	مقدار محصول (کیلوگرم-هکتار)
سال اول	۱/۳۲
سال دوم	۳/۹۵
سال سوم	۷/۸۰
سال چهارم	۱۰/۵۰
سال پنجم	۱۳/۲۰
سال ششم	۹/۱۵
سال هفتم	۷/۸۰
سال هشتم	۵/۲۰

در عین حال می‌توان با فراهم آوردن شرایط مطلوب، عملکرد این محصول را تا میزان ۱۰ الی ۲۵ کیلوگرم در هکتار افزایش داد، کما این که «در گناباد در سال ۱۳۴۲ به علت مناسب بودن شرایط جوئی از هر هکتار ۲۴ کیلوگرم زعفران برداشت نموده‌اند»^{۱۵}.

۱-۱-۳- نواحی عمده کشاورزی

همان طوری که گذشت توزیع جغرافیایی زمینهای زیر کشت شهرستان بیرجند، رابطه مستقیمی با وضعیت توپوگرافی این ناحیه دارد، بطوری که بخش عمده‌ای از زمینهای زیر کشت و محصولات تولید شده و منابع آبی، در شمال و شمال شرقی شهرستان و منطبق بر بخش کوهستانی و کوهپایه‌ها و دامنه‌های این ناحیه واقع شده‌اند.

۱۴- محمدحسن ابریشمی، همان مأخذ، صص ۲۳۶-۲۳۷. (به استناد عملکرد متوسط در استهبانات).

۱۵- همان مأخذ، ص ۲۳۶.

از میان نواحی عمده کشت و کار، دهستان «شاخات» وضعیت ممتازی دارد که ذیلاً به توضیح کوتاهی پیرامون آن می‌پردازیم.

«شاخات» که حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری تحت عنوان «شاخن» از آن نام برده است^{۱۶} از سویی بر دامنه‌های ارتفاعات «آهنگران» و از سوی دیگر بر دامنه‌های کوهستانهای «مؤمن آباد» تکیه زده است و از زهکش دامنه‌های مزبور و چشمه‌ساران و قنوات فراوان بهره می‌برد. در حدود ۴۶۰ رشته قنات دایر زمینهای کشاورزی این ناحیه را آبیاری می‌کنند و این جدای از رودخانه‌های متعدد و یکصد چشمه‌ساری است که بر غنای کشاورزی این ناحیه افزوده‌اند.

به استناد محاسبات و تحقیقات انجام شده در سال ۱۳۶۰ حدوداً $\frac{۱}{۳}$ زمینهای زیرکشت و همین تعداد از قنوات دایر شهرستان بیرجند، به این دهستان اختصاص داشته است^{۱۷}. وجود یکصد رشته قناتی که در سال مزبور بایر افتاده، به نوبه خود گویای اهمیت کشاورزی در سالهای گذشته تواند بود. علاوه بر استعداد این ناحیه برای کشتهای آبی، وجود بارندگی در دامنه‌های ارتفاعات آهنگران و مؤمن آباد که حد متوسط آن از ۲۰ سانتیمتر تجاوز می‌کند، این ناحیه را به یکی از مناطق مهم کشت دیمی تبدیل کرده است. بر طبق آمار مذکور، اراضی دیم کاری شاخات حدوداً ۳۰ درصد از اراضی دیمی شهرستان و ۸۰ درصد از کل اراضی کشاورزی این ناحیه را تشکیل می‌دهد. از میان محصولات کشاورزی، گندم و جو در حدود $\frac{۲}{۳}$ زمینهای زیرکشت را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از این دو محصول حبوبات و انگور و نباتات جالیزی، در درجات بعدی اهمیت قرار داشته‌اند. پرورش و نگهداری احشام بخصوص گوسفند و بز هم رایج است بطوری که تقریباً ۱۵ درصد از کل دامهای شهرستان به این ناحیه اختصاص یافته است^{۱۸}.

۱۶- حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، محمد دبیر سیاقی، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶، ص ۱۷۷.

۱۷- جهاد سازندگی استان خراسان، فرهنگ اقتصادی دهات و مزارع، واحد آمار و برنامه‌ریزی، آبانماه

۱۳۶۰، ص ۴۰/۵.

۱۸- همان مآخذ، ص ۴۰/۶.

علاوه بر شاخات که در شمال شهرستان واقع است می‌باید از «خوسف» نام برد که در شمال غربی، در مسیر رسوبات رودخانه بیرجند قرار گرفته است. این ناحیه از نظر زمینهای زیر کشت و بخصوص از نظر کشت پنبه اهمیت دارد و در حدود نیمی از سطح زیر کشت پنبه شهرستان بیرجند در این ناحیه قرار دارد.

علاوه بر زراعت، نگهداری انواع دام، نظیر گاو و گوساله و گوسفند و بز و شتر، از فعالیتهای عمده این ناحیه به شمار می‌رود. شیب عمومی زمین موجب گردیده است به موازات پیشروی از شهر بیرجند به سمت خوسف، سطح آبهای زیرزمینی بالاتر بیایند.

همین امر موقعیت ممتازی را از جهت حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق واحداث قنات برای این محدوده همراه آورده است. وجود راه آسفالتی بیرجند - خوسف که سهولت مبادله را امکان‌پذیر نموده، بر امتیازات این ناحیه افزوده است.

۱-۱-۴- منابع آب مورد استفاده در بخش کشاورزی

همان طور که در بخش مسائل مربوط به وضعیت طبیعی ذکر شد، در بخش عمده این شهرستان (به استثنای ارتفاعات) شرایط اقلیم خشک حاکمیت دارد و میزان بارندگی زیر ۲۵ سانتیمتر است، یعنی زیر رقمی که به عنوان حداقل باران مورد نیاز برای کشت دیمی شناخته شده است. ایستگاه سینوپتیک شهر بیرجند که در ارتفاع تقریبی ۱۵۰۰ متری قرار گرفته است میزان متوسط بارندگی سالیانه را حدوداً ۱۶-۱۷ سانتیمتر نشان می‌دهد، لیکن از مشاهده خطوط همباران شهرستان مشاهده می‌شود که تنها بخش محدودی از قسمتهای شمالی شهرستان، به دلیل وجود ارتفاعات «باقران» و «مؤمن آباد» و «آهنگران» بارانی بین ۱۰-۲۰ سانتیمتر و بندرت ۲۵ سانتیمتر دریافت می‌کنند و در عوض قسمتهای وسیعی از جنوب و جنوب غربی این شهرستان در طول سال، بیش از ۱۰ سانتیمتر باران به خود نمی‌بینند. به علاوه - همچنان که قبلاً اشاره شد - رژیم بارندگی نیز تناسب چندانی با نیازهای کشاورزی ندارد چرا که بخش مهمی از باران بناگهان و در مدت زمانی کوتاه آنهم نامتناسب با فصل آبیاری نازل می‌شود. مجموعه این

عوامل و همچنین محدودیت رودخانه‌های دائمی، موجب اتکای کشاورزی بیرجند به حفر قنات شده است. غلبه اقلیم خشک، در گذشته نیز، یکی از خصوصیات این نواحی به شمار می‌رفته است کما این که جیهانی در قرن چهارم می‌نویسد: «در همه قهستان هیچ جوی بزرگ نیست مگر کاریزها و چاهها»^{۱۹}.

نتایج تحقیقات جهاد سازندگی خراسان تعداد قناتهای دایر شهرستان بیرجند را در سال ۱۳۶۰، ۷۵۷، ۲ رشته نشان داده است که این تعداد در بخش کشاورزی بخصوص در کشتزارهای حاشیه ارتفاعات شمالی بیرجند، مورد استفاده قرار داشته است.^{۲۰} علاوه بر این تعداد، ۵۳۰ رشته قنات نیز به صورت بایر بوده است که خود گویای اهمیت نقش قنات در حیات کشاورزی است.*. در حال حاضر، با وجود آن که حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق رواج فراوان یافته است لیکن هنوز هم قنات مهمترین منبع تأمین آب در بخش کشاورزی به شمار می‌روند.

علاوه بر قنات حدوداً ۴۵۰ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق^{۲۱} و ۲۲۰ حلقه چاه دستی^{۲۲} اراضی کشاورزی این شهرستان را مدد می‌رساند**. دشتهای بیرجند و مختاران و ناحیه خوسف بیشترین تعداد چاههای عمیق و نیمه عمیق را به خود اختصاص داده‌اند.

۱۹- ابوالقاسم احمد بن جیهانی، اشکال العالم، عبدالسلام کاتب (تصحیح و توضیح و حواشی از فیروز منصوری)، شرکت به نشر، ۱۳۶۸، ص ۱۷۱.

۲۰- جهاد سازندگی استان خراسان، همان مأخذ، ط.

*- باید توجه داشت که در سالهای اخیر بر تعداد قنات افزوده شده است اگر چه بعضی از قنات قبلی نیز به خشکی گرایده‌اند.

۲۱- سعدالله ولایتی، سعید توسلی، همان کتاب، صص ۲۶۵-۲۶۹ (براساس شمارش تعداد چاههای واقع در دشتهای بیرجند).

۲۲- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، ص ۱۲.

** - آمار و اعداد چندان دقیق نمی‌تواند باشد، ضمناً اعداد مربوطه منحصر به دشتهای بیرجند است، بنابراین چاههایی که در گوشه و کنار شهرستان پراکنده‌اند احتمالاً به حساب نیامده‌اند. نکته قابل ذکر دیگر این که رقم قنات مربوط به بیرجند و نهبدان و رقم چاهها منحصر به بیرجند (بدون نهبدان) است.

۱-۱-۵- اشاره‌ای به نظام‌های بهره‌برداری

محدودیت زمین‌های حاصلخیز و منابع آبی، از دیرباز نظامات خاصی را در زمینه بهره‌برداری از این دو، پدید آورده است. در مورد زمین‌های کشاورزی، یکی از مسائل مهم شکل خاص مالکیت است که موجب کوچکی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی شده است این امر به نوبه خود یکی از علل عقب ماندگی کشاورزی بیرجند به شمار می‌رود، چرا که مانع از یکدست شدن اراضی و مکانیزاسیون کشاورزی گردیده است. البته در همین جا باید اشاره کنیم که عقب ماندگی کشاورزی بیرجند صرفاً به دلیل رواج خرده مالکی نیست بلکه کهنه بودن شیوه‌های کشت و کار و ابتدایی بودن ابزار کار و همچنین آبیاری به شیوه سنتی و غرقابی که حدوداً ۵۰ درصد آب کشاورزی^{۲۰} را به هدر می‌دهد از جمله عوامل و علل مؤثر در این زمینه به شمار می‌روند.

در این شهرستان همچون سایر نواحی خشک و نیمه خشک ایران، عدم توانایی کشاورزان برای تأمین سرمایه لازم، موجب شده است تأمین نیازهای عمده نظیر آب و کود و بذر را به عهده مالک واگذارند و در مقابل، بخش مهمی از محصول را به او سپارند.

این نوع مالکیت که اربابی نامیده می‌شود اگر چه در گذشته رواج بیشتری داشته است لیکن همانند بسیاری از نقاط ایران در سال‌های پس از انقلاب بتدریج کاهش یافته است. میزان بهره ارباب از محصول، بستگی به نوع قرارداد و تا حد زیادی، عرف معمول داشته است. حضور یا عدم حضور ارباب در تعیین سهم وی مؤثر بوده است. در بیرجند معمولاً سهم ارباب غایب نصف کشاورز بوده حال آن که ارباب حاضر $\frac{2}{3}$ می‌برده است^{۲۳}.

خرده مالکی در بیرجند رواج فراوانی دارد. در این نوع از مالکیت وضعیت

۲۳- جهاد سازندگی خراسان، گروه تحقیقات جغرافیایی، مطالعات اقتصادی - اجتماعی دهستان شهاباد

کشاورزان از نظر درآمد، نسبت به کشاورزانی که برای مالکان و اربابان کار می‌کنند بهتر است لیکن از آن‌جا که این شکل از مالکیت با کوچک و پراکنده بودن زمینهای کشاورزی همراه بوده است، راندمان تولید کاهش یافته، بخش قابل توجهی از آبهای کشاورزی هدر می‌رود. به علاوه، امکان هر گونه اقدامی در جهت مکانیزاسیون کشاورزی کاهش می‌یابد.

تعاونیهای مشاع ره‌آورد انقلاب اسلامی است. در این سیستم مالکیت، زمینهای کشاورزی از سوی هیأتهای واگذاری زمین به گروههای پنج تا بیست نفره کشاورزان واگذار می‌شود. علاوه بر زمین، آب و ابزار کار و حتی وام کشاورزی به گروههای مزبور اعطا می‌شود و در مقابل، کشاورزان موظفند بخش عمده این اراضی را به کشتهای استراتژیک (غلات) اختصاص دهند. وسعت زیاد زمینها به علاوه کمکیهای دولت، موجب شده است استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی و مکانیزه کردن کشت در این زمینها امکان‌پذیر شده، راندمان تولید و درآمد کشاورزان افزایش یابد. تعداد تعاونیهای مشاع بیرجند در سال ۱۳۶۴ جمعاً ۱۹ واحد و میزان اراضی واگذاری بیش از ۲۷۰۰ هکتار بوده است که به ۲۷۷ نفر عضو واگذار گردیده است^{۲۴}.

نظام اوقافی یکی دیگر از سیستمهای مالکیت است که شامل زمینهای وقفی می‌شود. سازمان اوقاف، به عنوان متولی این قبیل زمینها، یا از طریق اجاره آنها را واگذار می‌کند و یا به کشاورزانی که روی زمینهای مزبور کار می‌کنند مزد پرداخت می‌کند. مورد وقف همیشه زمین نیست بلکه در بعضی موارد آب چاه یا قنات و یا چند سهمی از آنهاست که به صورت اجاره واگذار می‌شود.

اصولاً مالکیت آب در اشکال مختلف آن، منشاء روابط و نظامات خاصی گردیده است. اصطلاحات ویژه‌ای که در رابطه با آب به وجود آمده است، اهمیت نقش آن را بازگو می‌کند.

به عنوان نمونه به بعضی اصطلاحات مربوط به سنجش زمان آبیاری اشاره می‌کنیم:

۲۴- وزارت کشاورزی، اداره کل کشاورزی استان خراسان، همان کتاب، ص ۱۰۰.

يك سهم حدوداً مساوی است با ۲۴ ساعت آب (در روستاهای بیرجند)					
يك طاقه	»	۱۲	»	»	»
نیم طاقه	»	۶	»	»	»
يك فنجان	»	۱۲ دقیقه	»	»	۲۵»
يك تاس	»	۷/۵	»	»	(در روستای نوفرست) ۲۶
يك خاییه	»	۱۲/۸	»	»	(در نهبدان) [و بعضی روستاهای بیرجند]
يك طش	»	۳/۶	»	»	۲۷»

در نهبدان این واحدهای سنجش را با محاسبه سایه خورشید در حفره‌ای به عمق تقریبی ۳ متر به دست می‌آورده‌اند. در این حفره «... از دو دیوار بلند که به صورت شرقی و غربی، به فاصله معینی درست در مقابل هم ساخته شده و سایه آن دو دیوار بر روی یکدیگر می‌افتد استفاده می‌شد. نشانه‌گذاریهای روی آن که براساس حرکت آفتاب در فاصله‌های ۸/۲۸ دقیقه تعبیه شده، هر کدام نمایانگر يك خاییه «خمسه» می‌باشد... هر يك از فاصله‌های ۸/۲۸ دقیقه‌ای (يك خاییه) به ۸ فاصله ۶/۳ دقیقه‌ای، که هر کدام نمایانگر يك «طش» می‌باشد تقسیم شده است... [برای سنجش در شب و روزهای ابری] از ظرف سفالی، برنجی یا مسی استفاده می‌شده که ۸ خط و نشانه داشته و در انتهای آن سوراخی تعبیه شده بود. هر خط نمایانگر يك «طش» یعنی ۶/۳ دقیقه بود و با هر بار پر و خالی شدن ظرف از آب که ۸/۲۸ دقیقه طول می‌کشید، يك خاییه متغیر می‌شده^{۲۸}».

اهمیت آب، نظم و نسق خاصی را هم برای گردش نوبت آن ایجاد نموده است.

۲۵- مطالعات اقتصادی- اجتماعی دهستان شهاباد بیرجند. همان مأخذ.

۲۶- محمدحسن نوفرستی، جغرافیای روستایی نوفرست (پایان نامه تحصیلی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی (مشهد)، سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳، ص ۱۰۵.

۲۷- نقیب نقوی، روش آبیاری سنتی در نهبدان و قناتهای آن، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۱۴، پاییز ۱۳۶۸، ص ۱۲۳.

۲۸- همان مأخذ، صص ۱۳۱-۱۳۲.

منظور از «گردش آب» که به آن «مدار قنات» هم گفته می‌شود، طول يك دورهٔ زمانی است که هر فرد می‌تواند از آب قنات برخوردار شود. این مدار، در نواحی مختلف با هم تفاوت می‌کند:

گردش آب قنات	در مرکز شهرستان بیرجند	۱۶ شبانه‌روز است
»	در روستای تقاب بیرجند	۱۳ »
»	در روستای درمیان بیرجند	۱۲ »
»	در روستای نوفرست بیرجند	۱۴ »
»	در دشتهای اطراف نوفرست	۷ »
»	در روستاهای نه‌بندان	۳۰ *

۲-۱- دامداری

این حرفه - که میراث اقتصاد سنتی و معیشت مبتنی بر خودکفایی است - از گذشته‌های دور، مهمترین رکن زندگی مردم این ناحیه را تشکیل می‌داده است. بعضی از جغرافی‌نویسان - مانند اصطخری^{۲۹} که در قرن چهارم هجری به این ناحیه سفر کرده است - برتری دامداری نسبت به کشاورزی را مورد تأکید قرار داده‌اند. این برتری تا زمانی نزدیک به ما، همچنان پابرجا بوده است، چنان که مهندسان مشاورى که در دهه

* - «کاشت گندم در نه‌بندان سه دوره کامل (یعنی ۳ ماه) به طول می‌انجامد، بنا براین گندم بجز آبیاری اولیه زمان کاشت، تا ۳ ماه آبیاری نمی‌شود. برای تأمین رطوبت کافی زمین طی این مدت طولانی، هر مالک در موقع کاشت گندم به میزان ۳ برابر سهم آب خود از هر قنات استفاده می‌کند. بدین صورت که زمین مزروعی را نخست کاملاً سیراب می‌کند و پس از آماده شدن زمین جهت کاشت و قبل از بذریاشتی، زمین را ۷ مرتبه ماله می‌کشند تا تمام خلل و فرج آن از بین برود و رطوبت را کاملاً در خود نگه دارد. پس از کشت و بذریاشتی نیز ۷ بار دیگر زمین را ماله می‌کشند تا زمین کاملاً سفت شده و کوچکترین منفذی برای از بین رفتن رطوبت باقی نماند. این روش احتمالاً در سایر نقاط استان خراسان بزرگ از جمله بخارا و نواحی دیگر نیز معمول بوده است». همان مأخذ، ص ۱۲۵.

۲۹- ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالك و ممالك، ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،

۱۳۴۰ مطالعات وسیعی در این ناحیه انجام داده‌اند، چنین اظهار داشته‌اند، «... در منطقه بطور کلی کشاورزی کمتر از دامپروری اهمیت دارد. استعدادهای مربوط به کشاورزی خیلی کمتر از دامپروری است...»^{۳۰}.

در حال حاضر، دامداری به روش سنتی روستایی و کوچ عشایری صورت می‌گیرد. یکی از مشکلات، ضعف مراتع و ضرورت تغذیه دستی دامهاست که با بنیه ضعیف مالی روستاییان سازگار نیست.

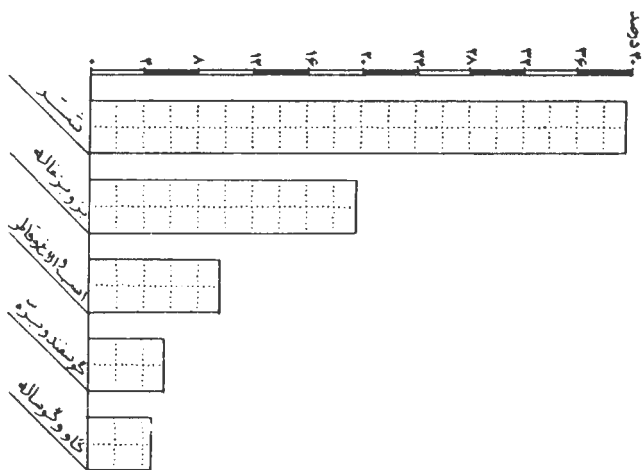
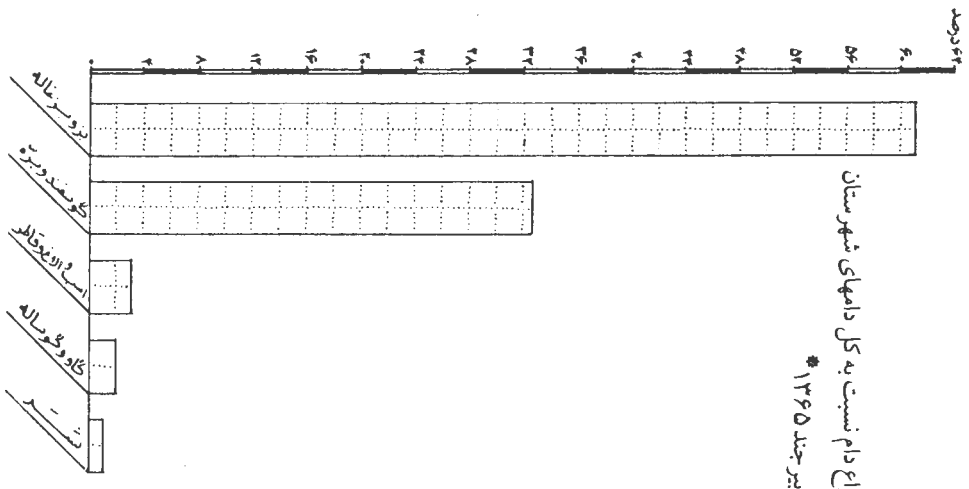
پایین بودن ظرفیت مراتع موجود و نازل بودن کیفیت آنها موجب شده است بخش قابل توجهی از زمینهای زیر کشت به محصولات علوفه‌ای اختصاص یابند. نگهداری بز به دلیل مقتضیات اکولوژیکی مورد توجه قرار گرفته و بیش از نیمی از دامهای این شهرستان را تشکیل می‌دهد*. پس از بز نوبت به گوسفند می‌رسد که حدوداً $\frac{1}{3}$ از مجموع دامهای شهرستان را تشکیل می‌دهد و در آخر گاو و گوساله قرار می‌گیرند که درصد ناچیزی از حدود $\frac{1}{1000} / \frac{1}{1000}$ رأس دام این شهرستان را به خود اختصاص داده‌اند. شتر که در گذشته اهمیت بیشتری داشته و در خوسف تربیت می‌شده است، در حال حاضر چندان زیاد نیست لیکن تقریباً ۴۰ درصد از نفرات استان را تشکیل می‌دهد.**

«شاخانات» و «طبس مسینا» و «مؤمن آباد» که در شمال شرقی شهرستان بیرجند قرار داشته و از مواهب دامنه‌های کوهستانها برخوردار هستند و همچنین خوسف در غرب شهر بیرجند که جملگی منطبق بر بخشهای پرجمعیت می‌باشند از نظر نگهداری و پرورش گوسفند و بز بیشترین اهمیت را دارند. در «برک»، «بصیران»، «چاهان»، «شوسف» «عربخانه» و «میغان» که منطبق بر نیمه جنوبی هستند به اقتضای محیط اقلیمی خشکتر، نسبت بز و بزغاله چند برابر از گوسفند افزونتر است.

۳۰- سازمان برنامه، ست کوپ اتکو کنسرسیوم همکاری مهندسين مشاور پارتيا، توسعه اقتصادی استان خراسان (منطقه شماره ۵ بیرجند)، ج ۱، ۱۳۵۱، ص ۵۶.

*- این حیوان، اگرچه با مراتع فقیر سازگار است لیکن زیان فاحشی هم وارد می‌کند.

** - با توجه به کمبود گوشت قرمز، در سالهای اخیر تربیت شتر، بخصوص در قسمتهایی که از نظر محیط طبیعی و پوشش گیاهی فقیرتر از سایر نواحی هستند، مورد توجه قرار گرفته است.



* - مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۶۵

نژادهای دامی عمده‌ای که در شهرستان بیرجند وجود دارند عبارتند از:
- گوسفند بلوچی که معمولاً سفید رنگ و دارای جثه‌ای متوسط است و دنبه‌ای
نسبتاً کوچک دارد. این نژاد استعداد چاقی اش زیاد است و می‌تواند مقدار زیادی چربی
زیر پوست و داخل و اطراف شکم خود ذخیره نماید. گوسفند نژاد بلوچی در مقابل کمی
آب و علوفه مقاوم‌تر است و علت توجه به این نژاد ظاهراً ضرورت اکولوژیکی و
شرایط خاص جغرافیایی بوده است.

- نژاد دیگری که در این شهرستان پرورش می‌یابد نژاد افغانی است که از
افغانستان آمده و دارای جثه‌ای بزرگ می‌باشد.

- بزهای این شهرستان غالباً از نوع نژاد پاکستانی هستند. این بزها پاهای بلند و
جثه‌ای بزرگ دارند.

- گاوهای این ناحیه نیز اکثراً از نژاد سیستانی هستند که جثه‌ای بزرگ داشته میزان
شیردهی آنها نسبتاً در حد بالایی قرار دارد.

همان گونه که ملاحظه می‌شود در اشاعه نژادهای غالب این شهرستان که
عموماً افغانی و سیستانی و بلوچی هستند، عامل جغرافیایی نقش تعیین کننده‌ای داشته
است.

طیور: در پایان بحث دامداری لازم است به مرغ داریها نیز اشاره کنیم که با
افزایش جمعیت شهری بیرجند و نیاز روزافزون به مواد غذایی، یکی از فعالیتهای
ضروری و در حال توسعه می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ تعداد مرغداریهای گوشتی این شهرستان ۴۱ واحد به ظرفیت
یکدوره ۲۷۱,۵۰۰ جوجه گوشتی گزارش شده که از این نظر شهرستان بیرجند بعد از
شهرهای مشهد و نیشابور و تربت حیدریه مقام چهارم را در سطح استان دارا می‌باشد.
همچنین در سال مزبور سه واحد پرورش مرغ تخمی به ظرفیت ۵۴,۰۰۰ قطعه و یک
واحد پرورش مرغ مادر به ظرفیت ۴۰,۰۰۰ قطعه در این شهرستان گزارش شده
است.^{۳۱}

۳۱- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۲۰۸.

تربیت زنبور عسل نیز با توجه به سودآوری این حرفه مورد توجه بوده است به طوری که در سال ۱۳۶۹ تعداد ۹۵۶ کندوی زنبور عسل در این شهرستان وجود داشته است.^{۳۲}

۲- فعالیتهای صنعتی

۱-۲- صنایع کارخانه‌ای

علی‌رغم آن که تاکنون شهر بیرجند از نظر صنعتی فعالیت چشم‌گیری نداشته است در سالهای اخیر توجه بیشتری به این امر معطوف گردیده و برای استقرار فعالیتهای صنعتی، مکانی در اراضی غرب شهر بیرجند در مسیر جاده خوسف، در نظر گرفته شده است. به موجب گزارش سال ۱۳۷۰، «۵۵ فقره موافقت‌اصولی جهت طرحهای صنعتی در سطح شهرستان صادر شد، و واحدهای یخچال‌سازی، تولید نمک، فرآورده‌های گوشتی (کالباس، سوسیس، همبرگر و...)، تولید کشك، تولید مربا، تولید موزائيك، تولید آبگرم‌كن و بخاری، تولید میخ، کارتن از ورق آماده، تولید سراميك، تولید ادوات کشاورزی که در شهرك مزبور استقرار یافته‌اند به تولید رسیده‌اند و واحدهای دیگر نیز مشغول انجام عملیات ساختمانی می‌باشند از واحدهایی که هنوز به بهره‌برداری نرسیده‌اند تولید ماکارونی، یخ‌سازی، سورتینگ و بسته‌بندی زرشك، نوشابه، شیر پاستوریزه، دفترسازی، پتوبافی و... را می‌توان نام برد»^{۳۳}.

با توجه به این که شهرستان بیرجند از نظر فعالیتهای صنعتی بسیار ضعیف بوده است این اقدامات می‌تواند در آینده این منطقه مفید واقع شود. تا قبل از این اقدامات مجموع فعالیتهای صنعتی قابل ذکر در بیرجند عبارت بود از کارخانه قند قهستان و کارخانه صابون‌سازی و کارخانه آجر سفال. این در حالی است که ناحیه مزبور به دلیل

۳۲- همان مأخذ، ص ۲۰۹.

۳۳- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان مأخذ، ص ۱۳.

محدودیت‌های کشاورزی و وجود ذخایر نسبتاً مهمی از مس، پنبه نسوز و منیزیت و نیز به جهت تبدیل فرآورده‌های کشاورزی، نیاز به تقویت بخش صنعت داشته‌است به خصوص این که انزوای جغرافیایی این شهرستان همیشه‌علتی بوده است برای دشواریهای واردات و پرداخت هزینه‌های سنگین برای حمل و نقل.

موقعیت جغرافیایی بیرجند و فقر صنعتی جنوب خراسان چنین حکم می‌کند که این شهر کانونی شود برای رفع نیاز شهرهای جنوبی این استان.

۲-۲- صنایع دستی

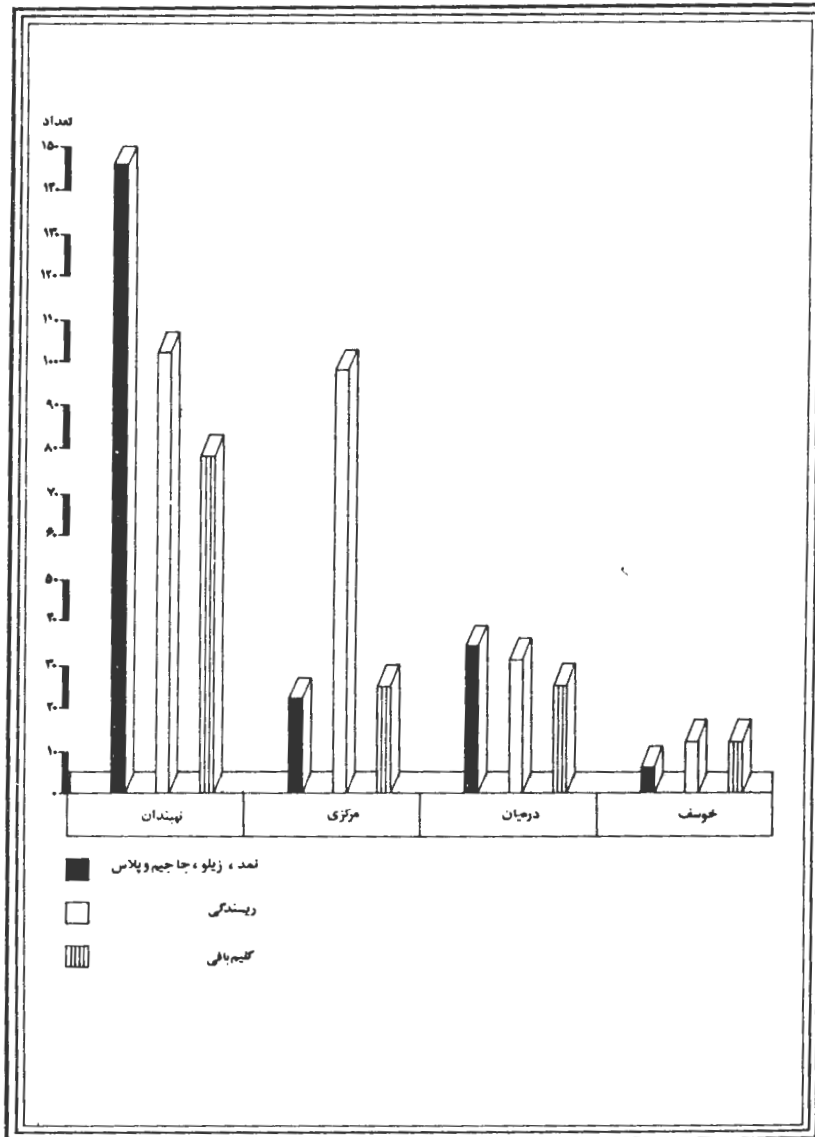
با توجه به این که مردم بیرجند تا چند دهه پیش، با فقر دست به گریبان بوده‌اند و روستاییان نیز جز کشاورزی-آنهم کشت و زرعی که امید چندانی نمی‌توانستند به آن بیندند- درآمد دیگری نداشتند لذا سعی می‌کردند به کمک ابزار ابتدایی و کارگاه‌های خانگی، بخشی از نیازهای خود را تأمین نمایند. لذا از دیرباز ریسندگی، گیوه‌دوزی، سبدهافی، بافت زیلو و جاجیم و پارچه و بخصوص قالیبافی در این ناحیه رایج گردیده است. در دهه‌های اخیر، به موازات افزایش روابط پولی میان شهر و روستا و نیاز روستاییان به کسب درآمد بیشتر برای تأمین مایحتاج خود، قالیبافی رواج بیشتری پیدا کرد به طوری که در حال حاضر تأثیر قابل توجهی در اقتصاد این منطقه بر جای نهاده است.

ذیلاً به بعضی از حرف دستی این منطقه اشاره می‌کنیم:

-ریسندگی: ریسیدن پشم و آماده کردن آن برای رنگرزی، یکی از حرفه‌هایی است که صرف نظر از سابقه طولانی آن در سالهای اخیر به دلیل اشاعه قالیبافی، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

پشمهایی که از نواحی مختلف (نظیر بیرجند، زابل، قاینات و غیره) در بیرجند جمع‌آوری و شسته شدند نیاز به ریسیدن پیدا می‌کنند. ریسیدن همین پشمهاست که بخش قابل توجهی از اوقات فراغت زنها را بخصوص در نقاط روستایی، پر کرده، درآمدی نیز نصیب آنان می‌کند.

نمودار ۲۱- دستبافته‌های بیرجند به تفکیک هر بخش ۱۳۶۰



بر اساس آمار: فرهنگ اقتصادی دهات و مزارع شهرستان بیرجند، ص ۴۰/۶.

- سبذبافی: این حرفه گویی اختصاص به بیرجند دارد. در سال ۱۳۶۹ از حدود یکصد روستای استان که به این حرفه اشتغال داشته‌اند، ۶۳ روستا در بیرجند قرار داشته است.^{۳۴} «جهت بافت سبد از چوب درختچه بید مشک استفاده می‌شود که هم ظریف و باریک می‌باشد و نیز خاصیت انعطاف پذیری آن زیاد است... در بعضی آبادیها پس از رشد درختچه‌های بیدمشک و پس از اینکه درختچه به مرحله جوانی رسید به آنها پیوند نهال زردآلو زده، از آن میوه به دست می‌آورند»^{۳۵}.

- نمد مالی و زیلو بافی: یکی دیگر از حرف دستی است که از دیرباز رایج بوده و بدان وسیله، مفرش ارزان قیمتی فراهم می‌آورده‌اند. در سال ۱۳۶۹ حدود ۲۰۰ نقطه روستایی به این حرفه اشتغال داشته‌اند که در مقایسه با سایر شهرستانهای استان، بیشترین تعداد به شهرستان بیرجند تعلق داشته است.^{۳۶}

جدول ۲۶- تعداد آبادیهای دارای صنایع دستی در بیرجند و مقایسه آن با استان خراسان (۱۳۶۹)^{۳۷}

نوع صنعت دستی	پارچه بافی	گلیم بافی	قالیبافی	سفالگری سرامیک	حصیربافی سبذبافی	نمد مالی زیلوبافی
تعداد آبادی	۲۰	۱۰	۸۵۰	۳	۶۳	۲۰۰
درصد از کل شهرستان	۱/۷	۰/۹	۷۴/۲	۰/۲	۵/۴	۱۷/۵
درصد از کل استان	۲۹/۸	۳/۸	۲۱/۸	۱۸/۷	۶۳/۶	۴۱

همچنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود از ۱۴۵، ۱ آبادی شهرستان بیرجند که صنعت دستی داشته‌اند، ۸۵۰ آبادی (یا ۷۴ درصد کل آبادیهای مزبور) به قالیبافی اشتغال داشته‌اند. لذا جا دارد در مورد این صنعت توضیح بیشتری داده شود.

۳۴- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۲۳۶.

۳۵- مطالعات اقتصادی- اجتماعی دهستان شهاباد بیرجند، ص ۲۵۵.

۳۶- سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۲۳۶.

۳۷- بر مبنای همان مأخذ، صص ۲۳۵-۲۳۶.

۲-۲-۱- سابقه و اهمیت قالیافی

این حرفه از دیرباز در بیرجند رواج داشته است. مک گرگر که حدوداً ۱۲۰ سال پیش، از بیرجند دیدن کرده است در این باره چنین می‌نویسد: «... تنها کالای ارزشمندی که در بیرجند تولید می‌شود قالی است. من به چند قالیافی سر زدم و قالیهایی دیدم که اغلب از الیاف نرم بافته شده بود و رنگهای روشن و خوبی در آنها به کار رفته بود... چند قالی زیبا نظرم را گرفت... در اروپا تحفه است و نقش زیبای آن جلب نظر می‌کند»^{۳۸}

تا اوایل قرن حاضر هجری تنها روستای درخس^{۳۹} در بافت قالی شهرت داشته است، لیکن از این تاریخ به بعد با تحولاتی که در سطح کشور و همزمان با آن در بیرجند صورت گرفت، قالیافی به سایر روستاها نیز کشیده شد. حوادث بعد از جنگهای بین‌الملل، و تغییر مسیر تجاری کشور و رواج بیش از پیش اقتصاد پولی - که با خشکسالی نیز توأم شده بود - موجب خرابی اوضاع اقتصادی بیرجند و رکود کسب و تجارت گردید، لذا عده‌ای برای رهایی از فقر به مهاجرت روی آوردند و عده‌ای نیز به طرق دیگر به انطباق خود با شرایط دشوار پیش آمده پرداختند. به همین دلیل دستگاههای قالیافی از حدود ۳۶۰۰ دستگاه بعد از جنگ جهانی دوم به «۱۳ هزار دستگاه در سال ۱۳۷۰» افزایش یافت^{۴۰}.

در سال مزبور صنعت قالیافی، جمعیتی در حدود ۳۰ هزار نفر را به خود مشغول داشته و به طور عمده در بخش «درمیان» به خصوص در دهستان شاخات (که تقریباً نیمی از دارهای قالی را به خود اختصاص داده) متمرکز بوده است. پس از این

۳۸- مک گرگر، همان کتاب، صص ۱۶۰-۱۶۱.

۳۹- سایکس در اوایل قرن حاضر یعنی حدوداً ۶۰ سال پیش در باره درخس می‌نویسد:

«در ناحیه درخس در حدود ۴۵۰ دستگاه قالی دایر است» (به نقل از: سرپرسی سایکس، همان کتاب، ص

۴۰- فرمانداری شهرستان بیرجند، همان کتاب، ص ۱۴.

ناحیه، شهر بیرجند و نقاط روستایی اطرافش، بخصوص دهستان «نهارجان» را می‌باید نام برد که در درجه بعدی از اهمیت قرار گرفته‌اند. بواسط پیوندهای عمیقی که شهر بیرجند را با روستاهای آن مرتبط می‌سازد در بسیاری از خانه‌های شهر بیرجند، دستگاههای قالبی برپاست بطوری که در حدود ۲۰ درصد از دستگاههای قالبی شهرستان بیرجند در این شهر شمارش شده‌اند. در عین حال باید اذعان نمود که قالبی همواره يك صنعت ویژه روستاهای بیرجند است تا کارگاههای شهری. در بین نقاط روستایی مزبور، بعد از آسیابان و درخش (Doroxš) که از سابقه‌ای طولانی برخوردارند، روستاهای «مود» و «گسک» (Gask) شهرت بیشتری دارند. از نقشه‌های رایج در این شهرستان می‌توان در درجه اول ریزه ماهی و سپس نقشه‌هایی مانند سی و دو گل، کله اسبی، کله شیخ، ترکمن، خشتی، سعدی، سی و دو کله و سه گل را نام برد.

بعضی نواحی در نقشه خاصی مهارت و شهرت یافته‌اند. از مهمترین این نقشه‌ها می‌توان «ریزه ماهی» را نام برد که اگر چه در بسیاری از نقاط بیرجند عمومیت دارد ولی بطور عمده به «مود» و اطراف آن اختصاص یافته است، در میان نقشه‌های مختلف بعد از «ریزه ماهی» نقشه «سعدی» نیز ارزش تجارتي دارد و خاص «آسیابان» است. اصولاً «مود» و «آسیابان - درخش» نقاط مهمی هستند که نه تنها در مورد ارائه بهترین نقشه‌ها با هم رقابت دارند بلکه اکثر استادکاران و دلالان و تاجران فرش، ریشه در این نقاط دارند. ابعاد دستبافته‌ها تا حدی بستگی دارد به امکانات مادی و مهارت بافندگان. اغلب این بافته‌های در ابعاد کوچک، از جمله قالیهای ۶ متری است چرا که بسیاری از بافندگان با سرمایه‌های اندک شخصی کار می‌کنند و امکانات محدود آنها با دستبافته‌های کوچک سازگارتر است. سایر ابعاد قالیهای بیرجندی بدین قرار است.

۹ متری، ۱۲ متری، ۲۰ متری و گاه ۳۰ متری و حتی ۴۰ متری. قالیچه‌های ۲

متری نیز در میان عشایر رواج دارد.

حدوداً ۶۰ درصد از قالیافان بیرجندی برای خودشان کار می‌کنند و بقیه به یکی

از شیوه‌های زیر فعالیت دارند:

الف - به صورت کارگر روز مزد - این گونه کارگاهها، بویژه قبل از انقلاب که مانعی نیز نمی‌دیدند، کارگران خود را از میان زنان و کودکان انتخاب می‌کردند. محیطهای نامناسب و غیربهداشتی این کارگاهها، موجب ابتلای کارگران به بیماریهای چشمی و ریوی و رماتیسم و غیره می‌گردید.

ب - به صورت «مخاطی» (Moxáti) - بدین ترتیب که در برابر بافت مقدار معینی از قالی، اجرت معینی دریافت می‌دارند. این شیوه مخصوص بافندگان ماهر است چون زمان بافت قالی را سریعتر به پایان می‌برند.

ج - کار برای تاجر و صاحب سرمایه - در این شیوه، تاجر و یا واسطه و به هر حال صاحب سرمایه، امکانات لازم، اعم از وسایل و مواد خام، را در اختیار قالیباف می‌گذارد و ظاهراً با او شریک می‌شود. پس از اتمام کار، قالی برای فروش در اختیار تاجر قرار می‌گیرد و هم اوست که تعیین کننده قیمت فروش و براساس آن، پرداخت کننده سهم قالیباف می‌باشد.

د - پیش فروش - بعضی نیز پیش از بافته شدن قالی، آن را به واسطه‌ها و سلف‌خرها پیش فروش می‌کنند. شکل کار به هر صورت که بوده است معمولاً موجب از دست رفتن حاصل زحمات روستاییان و باقی ماندن آنان در فقر می‌شده است. لذا بعد از انقلاب اسلامی، برای کوتاه شدن دست سرمایه‌اندوزان و دلالتان محلی، اقداماتی صورت گرفت تا از انتقال ثمره کار و تلاش روستاییان به تاجران و مغازه داران و واسطه‌ها جلوگیری به عمل آید، از آن جمله می‌توان به اقدامات جهاد سازندگی بیرجند در قالب تشکیل «شرکت تعاونی فرش دستباف» اشاره نمود که ضمن تأمین مواد اولیه و ابزار کار و تأسیسات لازمه و آموزش روستاییان، قالیهای آنان را یا به قیمت عادلانه از آنان خریداری می‌کند و یا به نفع خودشان به فروش می‌رساند.

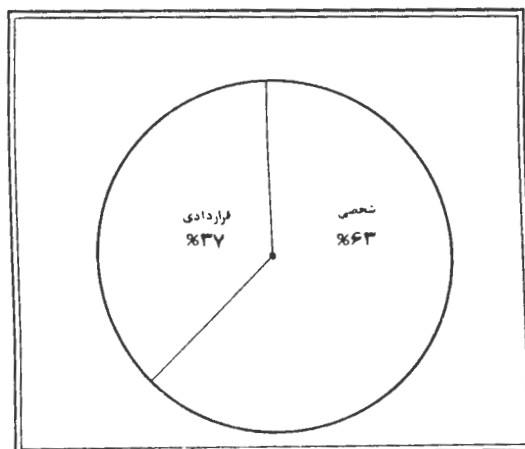
۲-۲-۲- ارزیابی اقتصادی

قالیافی در بیرجند ارتباطات و حرفه‌های گوناگونی را موجب شده است. بدین ترتیب که برای خرید پشم و نخ و رنگ و فروش دستبافته‌ها يك سلسله ارتباطات میان

نمودار ۲۲- مقایسهٔ جمعیت و تعداد دارهای قالی بخشهای شهرستان بیرجند (۱۳۶۵)



نمودار ۲۳- تفکیک قالیافان شخصی و قراردادی شهرستان بیرجند (۱۳۶۵)



بیرجند و مشهد و اصفهان و تهران و یزد و حتی همدان و باختران برقرار شده است. پاره‌ای ارتباطات نیز میان روستاهای بیرجند با خود شهر ضرورت یافته است چرا که پنبه و پشم مناطق روستایی می‌باید برای شستشو، حلاجی، ریسندگی و رنگریزی به شهر بیرجند وارد شود و همراه با دستگاهها و ابزار قالیبافی به روستا باز گردد. در شهر بیرجند در حدود ۱۵۰ فروشگاه رنگ و مواد اولیه و کارگاه رنگریزی و پشم زنی به انضمام یکصد فروشگاه و تجارتخانه وجود دارد که در رابطه با قالیبافی فعالیت می‌کنند*.

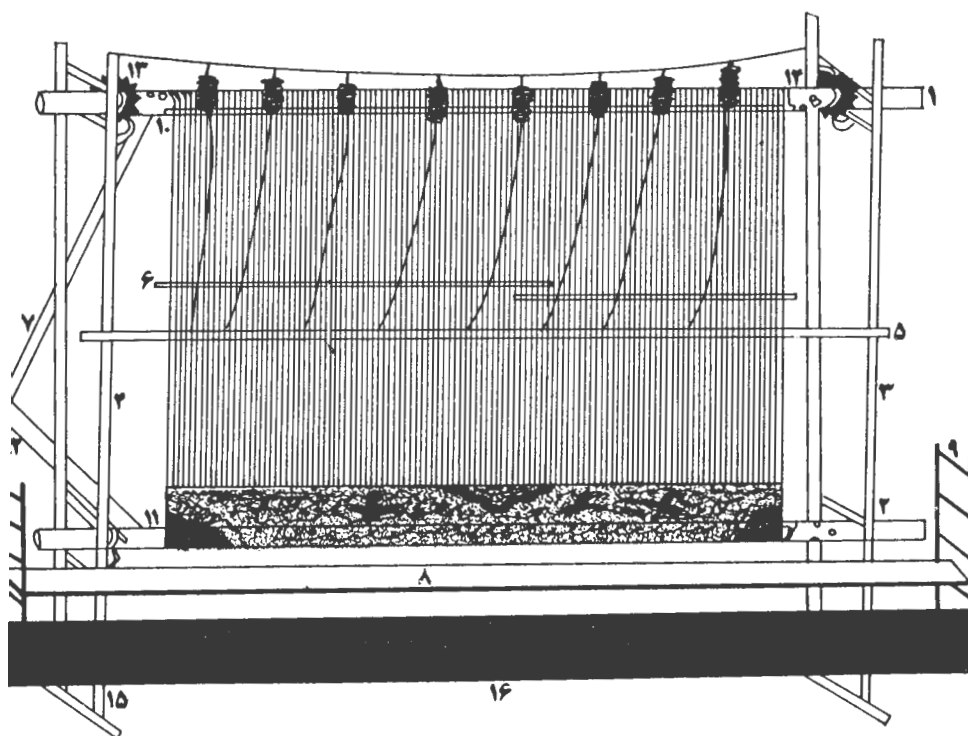
ارزش قالی با توجه به قیمت مواد اولیه آن و وضعیت بازار جهانی و نوسانات اقتصادی کشور تعیین می‌شود. جنس مواد اولیه و کیفیت آن، ظرافت و استحکام و زیبایی قالی از نظر بافت و رنگ و طرح در ارزش گذاری آن تأثیر عمده‌ای دارد. در سال ۱۳۶۵ قیمت هر متر مربع قالی بین ۳۰ تا ۸۰ هزار ریال بوده است، لیکن به این حقیقت باید اشاره کرد که دخالت واسطه‌ها و تجار موجب افزایش قیمت نهایی قالی می‌گردد. بطور مثال در یک قالیچه ۲×۳ به ارزش نهایی ۴۰ هزار تومان، حدود ۲۰ درصد قیمت تمام شده نصیب دلال و تاجر شده است.

۲-۲-۳- ابزار کار

مهمترین وسیله کار، «دستگاه» یا «دار» (Dâr) قالیبافی است. معمولاً برای بافت قالی از دستگاههای قائم استفاده می‌کنند و قالیچه را با دستگاههای خوابیده می‌بافند. تاکنون جنس دستگاههای قالیبافی از چوب بوده است لیکن در سالهای اخیر استفاده از دستگاههای فلزی جایگزین دستگاههای قبلی شده است. اجزای مختلف دستگاه قالیبافی به شرح زیر هستند:

* - بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم شهر بیرجند بخشی از نیازهای روستاها را فراهم می‌آورد، و در عین حال از ثمره کار و تلاش آنان بهره می‌برد. این ارتباط متقابل میان نقاط شهری و روستایی امروزه بخشی از مطالعات جغرافیایی را به خود اختصاص داده است. در این جا بد نیست به این نکته نیز اشاره کنیم که این گونه روابط چنانچه به حال خود رها شود معمولاً به زیان روستاها عمل کرده و موجب انتقال ثمره کار و زحمت روستاییان به نقاط شهری و باقی ماندن آنان در فقر و نابسامانی می‌گردد.

سرگز (Sar-gaz): که دو سر قالی را به آن محکم می کنند.
 گله (Gala): که تار به دور آن پیچیده می شود.
 شفت (Shaft): که از چوب یا فلز و یا پلاستیک ساخته شده است.
 تنگ (Tang): برای سفت کردن تیرهای بالا و پایین دار قالی.
 تخته: که به صورت نیمکتی است و روی آن می نشینند و قالی می بافند.



تصویر ۲۲- دستگاه قالی بافی (سبك فارسی)

۱- تیر بالا	۵- کله	۹- نردبان	۱۳- دنده
۲- تیر پایین	۶- شفت	۱۰- سرگز بالا	۱۴- سوراخ تنگ
۳- پاهه (راست)	۷- تنگ	۱۱- سرگز پایین	۱۵- پایه دستگاه
۴- پاهه (چپ)	۸- تخته	۱۲- طناب	۱۶- زمین

کارد (پاکی): برای بریدن قسمتهای اضافی بود.

شانه: برای کوبیدن بود.

قیچی (مقراض):

در این جا بد نیست به برخی از اصطلاحات قالیبافی اشاره کنیم:

چین (که به آن «چه» و «رج» هم گفته می شود): يك ردیف كوك زدن یا گره زدن

در عرض قالی.

بتو (Beto): هر چهار نخ یا چهار تار، يك بتو حساب می شود.

مخاط (Moxât): هر ۶۰۰۰ بتو يك مخاط است.

بقچه: هر بقچه ۴/۵ كيلو وزن دارد.

مَر: واحد محاسبه در جهت عرضی قالی. به عنوان مثال در مر ۶۵، هر ۲۵

سانتیمتر، ۶۵ بتو است.

مارك: ثبت نام یافته روی قالی.

شكرد: واحد مقدار كار انجام شده^{۴۱}.

در پایان این بحث باید به این واقعیت اشاره کنیم که حرفه قالیبافی در محیط اقلیمی خشك بیرجند نقش مؤثری می تواند ایفا نماید. وجود ۱۳۰۰۰ دار قالی توانسته است در حدود ۳۰,۰۰۰ نفر از نیروی فعال را به كار واداشته، كمك مؤثری به اقتصاد ناحیه نماید، لیکن در كنار این اثرات مثبت، عوارض نامطلوبی هم وجود داشته است که از آن جمله می توان به انصراف خردسالان از تحصیل و ایجاد امراض جسمی و روحی برای كارگران قالیباف و انتقال ثمره كار و فعالیت آنان به جیب سرمایه اندوزان و تاجران بزرگ و دلالان و واسطه ها اشاره نمود. به علاوه، نوسانات قیمت بازار فرش موجب می شود خانوارهایی که از نظر اقتصادی وابسته به تولید قالی هستند دچار مشکلات اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی شوند، لذا ضمن این که قالیبافی به نوبه خود فعالیت

۴۱- برای مطالعه بیشتر، مراجعه شود به تحقیق آقایان برزگران و فال سلیمان تحت عنوان، «بررسی

مقدماتی مسایل قالیبافی و شرکت تعاونی فرش دستباف در شهرستان بیرجند» از انتشارات جهاد سازندگی بیرجند،

مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.

مناسبی برای نواحی خشک و نیمه خشک به شمار می‌رود و می‌تواند از فشار جمعیت بر زمین‌های محدود کشاورزی و ذخایر آبی بکاهد، در عین حال می‌باید با تمهیداتی همراه شود که به موجب آن قالبیان در شرایط مطلوب به سر ببرند و در مقابل نوسانات بازار و همدستی تاجران و دلالان محافظت شوند. همچنین لازم است اقداماتی جهت بهبود کیفی و کمی قالبیافی و تأمین وسایل و مواد خام و مراحل تکمیلی (نظیر ریسندگی و رنگرزی)* در خود بیرجند و تقویت شرکتهای تعاونی به عمل آید.

۲-۳- صنایع استخراجی

بیرجند به تبعیت از وضعیت خاص زمین شناسی جنوب خراسان، موقعیت ممتازی از نظر معادن متنوع دارا می‌باشد. اهمیت اقتصادی ذخایر معدنی شهرستانهای بیرجند و نهبندان و قاین و طبس و کویرهای اطراف آنها را، بعد از ذخایر گاز سرخس، در درجه دوم از اهمیت به شمار می‌آورند.

ذخایر شناخته شده شهرستانهای بیرجند و نهبندان عبارتند از:

الف - معادن کوارتزیت و کانیهای مس در محور شمالی و شمال شرقی شهرستان بیرجند.

ب - معادن پنبه نسوز، کرومیت و منیزیت در نهبندان.

ج - معادن آهک در شمال و غرب.

د - معادن بازالت منشوری در مرکز شهرستان (در سریشه)

ه - ذخایر پراهمیت مس قلعه زری در جنوب غربی بیرجند.

معادن دیگری هم نظیر خاک نسوز، گل سفید، گچ، نمک و گوگرد و سنگهای تراورتن در این منطقه وجود دارند که به دلیل ضعف سرمایه‌گذاری و فقدان طرق ارتباطی و سایر امکانات، آن طور که باید مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند.

* - لازم به ذکر است که به دلیل فقدان صنایع تکمیلی، بیرجندیها ناگزیرند بقچه‌های پشم را برای رسیدن و رنگرزی به صدها کیلومتر دورتر از بیرجند مانند مشهد و یزد و اصفهان بفرستند و سپس همان پشم را به پنج الی شش برابر قیمت فروش، خریداری نمایند.

جدول ۲۷- وضعیت معادن بیرجند و نهیندان در مقایسه با استان خراسان (۱۳۶۹) ۴۲

نوع معدن	تعداد معدن	میزان استخراج (تن)	ذخیره قطعی (تن)	ذخیره قطعی در مقایسه با استان
متیزیت	۴	۶,۰۰۰	۳۰,۰۵۶,۶۲۴	٪۱۰۰
پنبه نسوز	۱	۱۳۵۸	۴,۹۳۵,۲۰۰	٪۱۰۰
گل سفید	۵	۳۵۵	۱۲,۱۴۰	٪۱۰۰
مس	۱	۶۵,۳۱۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۰۰
بازالت	۱	۳۶۴	۵۹۵,۰۰۰	٪۱۰۰
سنگ لاشه ساختمانی	۲	۴۳,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۰
مرمر، مرمریت، تراورتن	۱	-	۸۵۵,۰۰۰	٪۲/۹
سنگ آهک و مارن	۱	۷۰۵	۸۰۰,۰۰۰	٪۳

معدن مس قلعه زری

«تاکنون ذخایری از مس بطور پراکنده در نقاط مختلف استان خراسان شناخته شده‌اند و تعدادی از این گونه ذخایر تا به حال مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند که پاره‌ای از آنها بواسطه اتمام ذخیره و یا عیار پایین مس در سنگ معدن و یا افزایش چشمگیر هزینه‌های استخراج و تغلیظ و عدم ترقی قیمت فروش این نوع مواد معدنی در بازارهای جهانی به همین علت تعطیل گردیده‌اند. عمده‌ترین و با ارزش‌ترین ذخیره مس شناخته شده در استان خراسان و تنها معدن فعال مس که در حال حاضر در سطح کشور به صورت تونلی استخراج می‌گردد معدن مس قلعه زری می‌باشد...»

این معدن در ۱۸۲ کیلومتری جنوب بیرجند و شمال شرق کویر لوت واقع شده است. تشکیلات ولکانیکی این منطقه مربوط به دوران سوم زمین شناسی (پالئوژن) می‌باشند. طول منطقه میرالیزه به ۴ کیلومتر و عرض متوسط آن ۵۰ متر می‌باشد و در این محل چند رگه از مواد معدنی بطور موازی در جهت شمال غرب - جنوب شرق و با

شیب ۷۰ تا ۸۰ درجه و ندره قائم وجود دارد...

میزان ذخیره باقیمانده این معدن براساس آخرین بررسی‌های به عمل آمده در سال گذشته بالغ بر ۳۱۸۸۴۱ تن بوده است و در حال حاضر عیار سنگ مس ۸۷/۲ - ۳/۲ درصد می‌باشد. سنگ مس مستخرجه از این معدن در کارخانه فلوتاسیون به ظرفیت ۴۰۰ تن خوراک در روز که مجاور معدن احداث گردیده تغلیظ شده و عیار کنستانتره حاصله به ۲۳-۲۴ درصد می‌رسد. علاوه بر این در هر تن محصول کنستانتره این معدن ۶۰۰- ۷۵۰ گرم در تن نقره و ۲۰-۲۵ گرم در تن طلا وجود دارد...

کنستانتره به دست آمده از این معدن تاکنون عمده به خارج از کشور صادر می‌گردیده^{۴۳}...

پنبه نسوز

«تنها معدن پنبه نسوز فعال استان، معدن حاجات نهبدان واقع در ۲۵۴ کیلومتری جنوب بیرجند است که یکی از معادن بزرگ پنبه نسوز در کشور می‌باشد و ذیلاً به شرح مختصری از آن اشاره می‌شود.

معدن پنبه نسوز حاجات نهبدان در ۴۷ کیلومتری شرق تقی‌آباد خوانشرف واقع گردیده است...

میزان ذخیره معدن براساس گواهی‌نامه کشف صادره ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تن سنگ معدنی با عیار ۵-۱۰ درصد برآورد گردیده است. به منظور برآورد دقیق ذخیره معدن و تعیین نوع پنبه و انتخاب کارخانه مناسب با نوع پنبه نسوز معدن، کارهای اکتشافی شامل مطالعات ژئوفیزیکی، میکروتکتونیکی و حفر چاه و ترانشه در محدوده معدن صورت گرفته است و ناحیه مورد نظر به ۳ بلوک تقسیم و عملیات اکتشافی تفصیلی و نیمه تفصیلی در ناحیه‌ای به وسعت ۹۸ هکتار در دست انجام می‌باشد...

در حال حاضر يك دستگاه کارخانه جداسازی الیاف پنبه نسوز که دارای

ظرفیت اسمی ۱۰۰,۰۰۰ تن خوراک در سال می‌باشد در سر معدن نصب و در دست بهره‌برداری است...

تأسیسات موجود در معدن شامل سنگ‌شکن، انبار، سالن تصفیه، نیروگاه، تراشکاری، دفتر فنی، آزمایشگاه، مسجد، بهداری، نگهبانی، پاسگاه ژاندارمری، مهمانسرا، دبستان، شرکت تعاونی و تعداد قابل ملاحظه‌ای واحدهای مسکونی کارمندی و کارگری می‌باشد... در حال حاضر میزان استخراج سنگ پنبه‌نسوز حدود ۵۰,۰۰۰ تن در سال بوده که پس از اتمام عملیات اکتشافی و خرید و نصب کارخانه متناسب با نوع و الیاف این نوع پنبه، میزان استخراج و نتیجتاً تولید پنبه‌نسوز افزایش چشمگیری خواهد داشت. با توجه به موارد متعدد استفاده از پنبه‌نسوز در صنایع مختلف از قبیل صنایع آذبت سیمان، ساختن لنت ترمز، پلاستر نسوز، اسپری نسوز، و استفاده در صنایع بسته‌بندی و نیاز مبرم صنایع کشور به این نوع ماده معدنی امید است با تجهیز کامل این معدن و خرید و نصب کارخانه متناسب با نوع پنبه‌نسوز معدن ضمن ایجاد اشتغال برای عده کثیری در این منطقه محروم و کویری و کمک به آبادانی و عمران منطقه نیاز کارخانجات مصرف کننده این نوع ماده معدنی از معدن فوق تأمین و به این ترتیب گام مهمی در زمینه قطع وابستگی برداشته شود^{۴۴}.

منیزیت

«جنوب استان خراسان در منطقه بین بیرجند تا نهبندان از نظر منیزیت بسیار غنی است، به همین دلیل در سالهای اخیر عملیات اکتشافی وسیعی در این منطقه انجام شده و هنوز در دست انجام است. نتایجی که تاکنون از این عملیات به دست آمده به طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد:

ذخایر افضل آباد

این معدن در ۳۰ کیلومتری شرق شوسف واقع گردیده است و طبق بررسیهای به

عمل آمده در افضل آباد جنوبی ذخیره مرئی حدود ۳۵۰,۰۰۰ تن و ذخیره احتمالی بیش از يك ميليون تن می باشد. منیزیت این منطقه از نوع مرغوب و Cao موجود در آن کمتر از ۲ درصد می باشد. عملیات اکتشافی انجام شده شامل تهیه نقشه توپوگرافی به مقیاس و $\frac{1}{۱۰۰,۰۰۰}$ همچنین حفر حدود ۱۰ ترانشه ۱۰۰ متری و ۲ تونل نیمه تمام می باشد و تا کنون ۲۰ نمونه جهت آنالیز برداشت گردیده است. عملیات حفاری عمقی انجام نشده ولی طول رگه حدود يك کیلومتر و عرض متوسط ۵ متر می باشد...

در منطقه افضل آباد شمالی طول رگه های منیزیت حدود ۱۲۰۰ متر و عرض آن بطور متوسط ۲۰ متر و ذخیره مرئی حدود يك ميليون تن و ذخیره احتمالی بیش از ۲ ميليون تن برآورد گردیده است...

ذخایر منطقه ترشك محمدی

این ذخایر در ۱۷ کیلومتری شرق حسین آباد بیرجند واقع گردیده، طول رگه ها حدود ۱۲۰۰ متر و عرض حدود ۶۰۰ متر و ذخیره مرئی حدود يك ميليون تن و ذخیره احتمالی حداقل ۳ میلیون تن پیش بینی گردیده... این معدن در سطح واقع شده و استخراج در آن به سادگی انجام خواهد شد و کارهای اکتشافی به زودی از طرف سازمان زمین شناسی به اتمام خواهد رسید...

ذخایر سبز شیرند

منیزیت این منطقه از نوع بسیار مرغوب بوده و ناخالصی SiO_2 و Cao تقریباً صفر است. ذخیره مرئی در حدود ۱۰,۰۰۰ تن می باشد و چون معدن به وسیله آلومینوم پوشیده شده برآورد دقیق ذخیره معدن مستلزم انجام عملیات اکتشافی می باشد. ضمناً نقشه توپوگرافی به مقیاس $\frac{1}{۱۰۰,۰۰۰}$ تهیه گردیده است...^{۴۵} در این مورد می توان از معادن دیگری نیز نام برد به شرح زیر:

معدن تك سیاه، آب لآخ، شیر كوهك، قنبر، كاخ سرخ، حیدرآباد نه‌بندان، خونيك (در جنوب نه‌بندان) و غیره*.

با توجه به محدودیت وضع اقلیمی و منابع و ذخایر آبی شهرستان بیرجند، وجود معادن فوق نعمت بزرگی برای این ناحیه به شمار می‌رود و شایسته است محوری برای رشد فعالیتهای اقتصادی این ناحیه قرار گیرد.

* * *

در پایان بحث جغرافیای اقتصادی بیرجند می‌توان چنین نتیجه گرفت که شرایط جغرافیایی بیرجند و بطور کلی جنوب خراسان، برنامه‌ریزی حساب‌شده‌ای را می‌طلبد. مشکل کم آبی در طی سالیان آینده، چهره ناخوشایند خود را بیشتر نشان خواهد داد، چرا که مراکز جمعیتی و مزارع و باغات و واحدهای صنعتی با گسترش دائم التزاید خود فشار بیشتری به سفره‌های محدود آبهای زیرزمینی وارد خواهند نمود. بنابراین می‌توان اهم تصمیماتی را که در زمینه فعالیتهای اقتصادی می‌باید اتخاذ شود به شرح زیر بیان نمود:

الف - استفاده صحیح از ذخایر آبی و خاکی ناحیه توأم با صرفه جویی و کاربرد تکنیک مناسب، به عنوان مثال کشت محصولاتی که به آب کمتری نیاز دارند و درآمد بیشتری تولید می‌کنند (مانند زعفران).

ب - وارد نمودن تولیدات کشاورزی در روند تولیدات صنعتی و عرضه صحیح محصولات نظیر زرشك و زعفران و میوه و خشکبار و تولیدات دامی، به صورتی که قابل ارائه به بازارهای داخلی و خارجی باشد. در این زمینه می‌توان به فعالیتهایی نظیر نساجی، نخریسی، دباغی، ساخت کنسرو، کمپوت، شربت زرشك و غیره اشاره نمود که برخی از آنها اخیراً جامه عمل به خود پوشیده است.

ج - فعال نمودن ذخایر معدنی بیرجند بطرقی که صرفاً به استخراج و صدور آنها اکتفا نشده، حتی الامکان این ذخایر را وسیله گسترش فعالیتهای اقتصادی و صنایع تبدیلی قرار دهند.

* - لازم به تذکر است که در سال مزبور (یعنی سال ۱۳۶۶)، سالیانه ۳۰ الی ۵۰ هزار تن پودر منیزیت برای

کارخانه آجرنسوز مورد نیاز بوده که از کشورهای کره و چین وارد می‌شده است.

د- توسعه صنایع دستی به خصوص صنعت قالیبافی که با توجه به جنبه صادراتی آن می‌تواند کمک موثری به اقتصاد ناحیه و همچنین به اقتصاد کشور بنماید.

۳- داد و ستد و تجارت

در بیرجند، از گذشته به علت فقر منابع طبیعی، دامداری (آن هم به صورت کوچ‌نشینی) بیش از زراعت و باغداری رایج بوده است. به دلیل همین فقر طبیعی، مردم بیرجند به قناعت عادت کرده، برای تأمین مایحتاج زندگی خود، دست به دامان محیط اطراف شده، از خاک رس و شاخه بید و پشم حیوانات جهت تهیه ظروف سفالین و انواع سبد و پوشاک مفرش و غیره رفع نیاز می‌کردند. بنابراین، تولیدات ناحیه در آن حد نبوده است که مازاد آنها را در شهر بیرجند مبادله کنند. لیکن از دوره صفویه به بعد به ویژه در قرن گذشته که امنیت راههای ارتباطی تأمین گردید و فعالیت و تجارت رونق بیشتری یافت، بیرجند نیز در مسیر دگرگونی افتاد. مک گرگر که از فروشگاههای بندر کراچی به عنوان بدترین چیزی که دیده است نام می‌برد^{۴۶}، از بازار سرپوشیده و فروشگاههای بیرجند به نیکی یاد می‌کند^{۴۷} که خود بیانگر رونق تجاری در این شهر می‌باشد. وی در مورد اهمیت تجاری بیرجند در آن ایام چنین می‌نویسد:

«بیرجند بر سر راه کرمان، یزد، هرات، سیستان و شهرهای میان راه واقع شده است، از این رو بازرگانان شهرهای مختلف به این جا رفت و آمد می‌کنند»^{۴۸}.

با گسترش ارتباطات میان انگلستان و هندوستان در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن حاضر، و اتصال خط آهن کراچی به زاهدان موقعیت تجاری بیرجند بهبود یافت. در دهه ۱۲۹۰ ه. ش، ۵/۲۶ درصد از کل ۸۶۰ میلیون قران تجارت خارجی ایران، با هند و انگلیس صورت گرفته است^{۴۹} و مسلماً بخشی از این مبادلات از طریق بیرجند انجام

۴۶- مک گرگر، همان کتاب، صفحه ۱۳.

۴۷- همان، صفحه ۱۵۹.

۴۸- همان، صص ۱۶۱-۱۶۰.

۴۹- سید محمدعلی جمال زاده، گنج شایگان، کتاب تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲، صفحه ۱۱.

شده است. نقش واسطگی بیرجند زمانی روشن تر می شود که در نظر آوریم ۸۰ درصد کل مبادلات ایران با دو کشور مزبور، به واردات کالاهایی مانند منسوجات پنبه‌ای، قند و چای و...، از آن کشورها اختصاص داشته است و بخش قابل ملاحظه‌ای از این واردات به ویژه واردات کالاهای هندی الزاماً از طریق بیرجند صورت می گرفته است. هندوستان در این برهه زمانی مقام سوم بعد از انگلستان و روسیه را در صدور پارچه به ایران داشته است.^{۵۰} این کشور همچنین بخش کمی از قند و خاکه قند و بخش عمده چای ایران را (که بعد از منسوجات و قند و طلا و نقره، چهارمین کالای وارداتی ایران بوده) تأمین می کرده است. وجود سی تاجر هندی که بنا بر قول آلفونس گابریل در اوایل قرن حاضر هجری در بیرجند فعالیت داشته‌اند نشانه اهمیت روابط تجاری با هند می باشد.

از چند دهه پیش به این طرف به موازات رواج اقتصاد پولی، روابط میان شهر و روستاهای بیرجند افزایش یافت. روستاییان می باید محصولات خود را به فروش رسانده، کالاهای مورد نیاز را خریداری نمایند و همین امر آنان را به تهیه محصولات بازارپسند ترغیب نموده، هر چه بیشتر به سمت بافت قالی* و کشت محصولات پردرآمدی مثل زعفران و زرشک کشانید. چنانچه در سال ۱۳۴۶ حدوداً ۳۳۰ کیلو زعفران و ۳۳۰ کیلو زرشک که مهمترین اقلام صادراتی به شمار می رفته‌اند از این شهرستان صادر شده است. اولویت دادن نظام جمهوری اسلامی به بخش کشاورزی، جان تازه‌ای به کالبد اقتصادی بیرجند دمید و در پرتو فعال شدن کشاورزی، صنایع وابسته به آن

۵۰- همان، صفحه ۱۳.

* - ملك گرگردر اواسط قرن گذشته و سایكس در اوایل قرن حاضر به اشاعه قالیبافی در بیرجند اشاره کرده‌اند. سایكس ضمن اشاره به وجود ۴۵۰ دستگاه قالیبافی در قریه درخش بیرجند اظهار می دارد قالیبافان از رنگهای جوهری به جای رنگهای طبیعی استفاده می کنند. شماره دستگاههای قالیبافی و استفاده از رنگهای جوهری نشان دهنده رونق تجارت قالی در این ناحیه تواند بود کما این که در این زمان قالیهای قاین علاوه بر ایران به خارج نیز صادر می شده است و احتمالاً قالیهای بیرجند نیز که در مجاورت قاین بوده از این امتیاز برخوردار بوده است.

- علی‌الخصوص قالیبافی - و صدها کارگاه و فروشگاه و تجارتخانه شهر بیرجند که در رابطه با بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند، رونق گرفتند.

افزایش جمعیت، گسترش شهر بیرجند، ایجاد مراکز نظامی و آموزش عالی، یکی دیگر از عوامل رونق داد و ستد و کسب و تجارت در این شهر می‌باشد. گسترش بازار بیرجند طی سنوات اخیر و رویش قارچ گونه صدها اغذیه فروشی و فروشگاههای مواد غذایی و لوازم التحریر و احداث مسافر خانه‌ها و ترمینالهای مسافری و غیره نشانه‌های بارزی بود از پاسخ گویی بخش اقتصادی و تجاری شهر بیرجند به جمعیت دائم‌الترازد منطقه و مسافران و دانشجویان و محصلان که از شهرها و روستاهای اطراف برای کار و فعالیت و تحصیل به این شهر می‌آمدند.

فزونی نیازمندیها موجب شده است، با وجود افزایش زمینهای زیر کشت و میزان تولیدات کشاورزی، بخش قابل توجهی از غلات، میوه و حبوبات از خارج شهرستان وارد شود. در سال ۱۳۶۹ مقدار ۴٫۸۲۵ تن گندم از داخل استان خراسان و ۱۶۷٫۲۹ تن از سایر سیلوها و بنادر کشور وارد شهر بیرجند شده است^{۵۱}.

سایر نیازهای مصرفی که از طریق واردات باید تأمین شود به شرح زیر هستند:

- مواد غذایی.

- پوشاک.

- کود و بذر و سم و غیره.

- کالاهای مصرفی و خانگی.

- انواع ماشین آلات.

- مصالح ساختمانی.

- مواد سوختی.

- مواد اولیه قالیبافی.

از نظر صادرات می‌توان تفکیکی میان بخش کشاورزی و صنعت و معدن قائل

۵۱ - سازمان برنامه و بودجه، همان مأخذ، ص ۲۰۵. نقل از: اداره کل غله استان خراسان.

شد. بخش کشاورزی اگرچه از نظر میزان اشتغال، مهمترین بخش به شمار می‌رود ولی از نظر ارزش افزوده، چندان اهمیتی ندارد. در عین حال دام و فرآورده‌های دامی، زرشك، پسته، انار، انگور، پنبه و خشکبار (نظیر مغز بادام، انجیر خشك، برگه هلو و زردآلو) از جمله صادرات کشاورزی به شمار می‌روند که تا اقصی نقاط ایران و حتی به خارج از کشور صادر می‌شوند.

چنانچه توجه بیشتری به منابع طبیعی و تولیدات کشاورزی به عمل آید، تخمه‌هندوانه، شوید، ارزن، خاکشیر، بذر شلغم، شاهدانه، زیره سبز، کندر، آنقوره و كرك پشم، از جمله اقلامی هستند که قابلیت صدور خوبی دارند. در این میان زعفران از اهمیت خاصی برخوردار است. اگرچه در حدود $\frac{1}{3}$ زعفران تولیدی بیرجند به وسیله زعفران‌کاران به مشهد و تهران و سایر نقاط عرضه می‌شود و یا به دلالها و واسطه‌ها فروخته می‌شود*، لیکن به هر حال بخش عمده آن در بازار بیرجند مبادله می‌شود.

در بخش صنایع، مهمترین اقلام صادراتی قالی و قالیچه و سپس زیلو و جاجیم و پارچه و گیوه و نظایر اینهاست و همچنین شکر حاصله از کارخانه قند قهستان و مواد معدنی در صادرات بیرجند اهمیت خاصی دارند. سنگ مس از معدن قلعه زری، پنبه نسوز از معدن حاجات نهبندان همچنین سایر معادن نظیر منیزیت، گل سفید، بازالت، گچ، آهك گرافیت و غیره از این منطقه صادر می‌شود. صدور این مواد که بعضاً در ایران منحصر به فرد می‌باشند، علاوه بر تأمین شغل و درآمد برای این منطقه، مقادیری ارز هم برای کشور تحصیل می‌نماید، لیکن امید است با وارد شدن در چرخه تولید اقتصادی، عواید بهتری نصیب این ناحیه بنماید.

بعد از انقلاب اسلامی (در سال ۱۳۶۱) برای تنسيق امور تجاری بیرجند، «اداره بازرگانی» به وجود آمد. «اهداف این اداره بررسی مسایل اقتصادی، برنامه‌ریزی پیرامون پتانسیلهای اقتصادی، اجتماعی و نظارت بر امور اصناف و

* - در حقیقت بخشی از داد و ستد و تجارت بیرجند بوسیله این قبیل واسطه‌ها - که مستقیماً به روستاها مراجعه می‌کنند و زعفران و زرشك و قالی و غیره را خریداری می‌کنند - صورت می‌گیرد.

بسیج اقتصادی، بررسی نرخ خدمات و کالاها و نظارت و بررسی کالاهای تولیدی شهرستان و مشخص نمودن صادرات و واردات است. از سازمانهای وابسته آن بسیج اقتصادی، کمیته توزیع مصالح ساختمانی، مجامع امور صنفی و اتحادیه های صنفی می باشد^{۵۲}.

۴- راههای ارتباطی

راههای ارتباطی بیرجند و نهبندان، جزء حوزه استحفاظی «اداره کل راه و ترابری بیرجند» است که حوزه فعالیت آن بخش عمده راههای ارتباطی جنوب خراسان را شامل می شود. این اداره از سال ۱۳۶۲ به صورت اداره کل درآمده است، علاوه بر بازدید از راهها و پلها و مرمت و بازسازی آنها، به تهیه آمار ترافیک در سطح جاده ها می پردازد و بر عملکرد مؤسسات باربری و مسافربری و همچنین بر فعالیت پلیس راه نظارت می کند.

محورهای اصلی حوزه استحفاظی اداره کل راه و ترابری بیرجند به شرح زیر می باشد:

۱- محور زاهدان، نهبندان، سربیشه، بیرجند، قاین، گناباد.

۲- محور کرمان، راور، دیهوک، فردوس و بجستان.

۳- یزد، طبس، دیهوک، فردوس و بجستان.

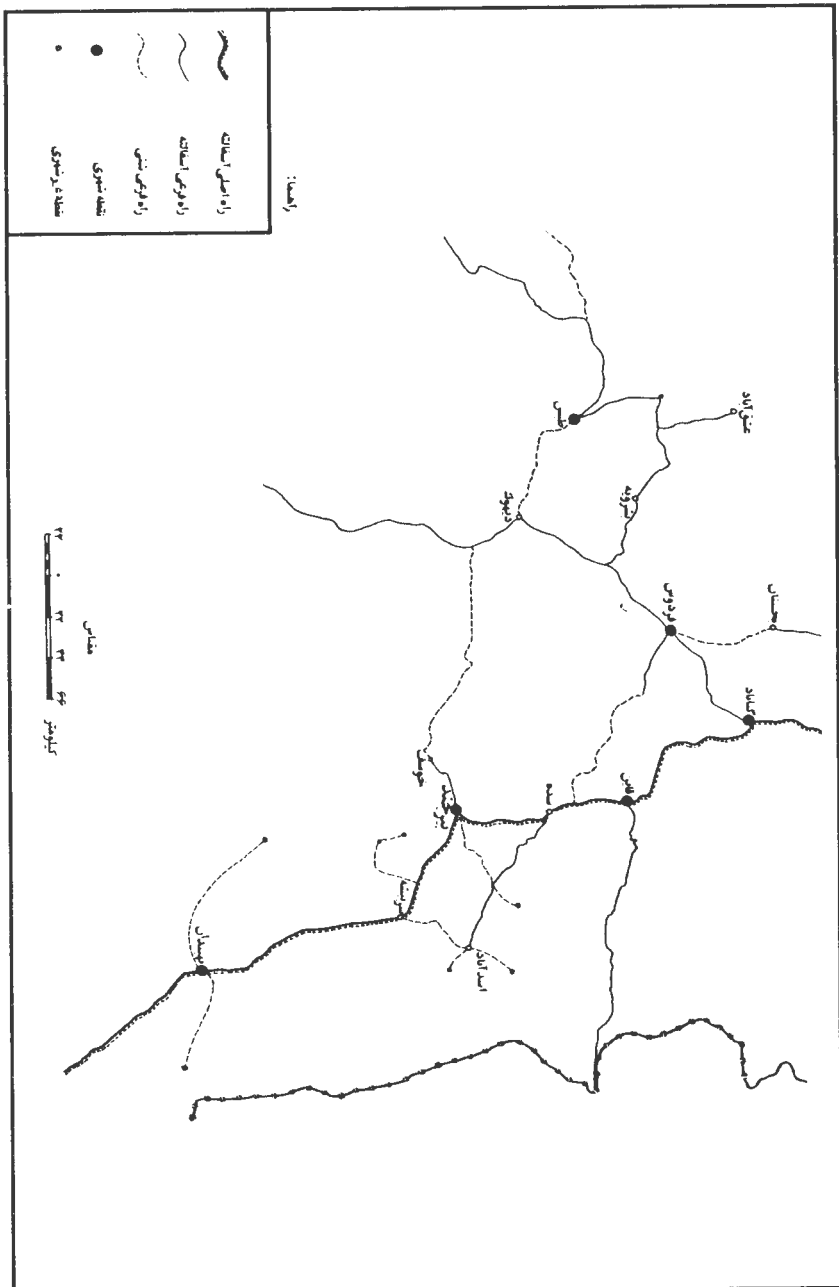
۴- اصفهان، طبس، بشرویه، فردوس و بجستان.

۵- محور نوار مرزی.

۶- بیرجند، خور و عرب آباد^{۵۳}.

بر اساس آمارنامه استان خراسان در سال ۱۳۶۹ طول راههای موجود حوزه استحفاظی اداره راه و ترابری بیرجند به شرح جدول زیر بوده است.

۵۲- کمیته انتشارات سمینار ۱۴۰۰ بیرجند، نگرشی بر دیدگاههای توسعه در یک دوره ۳۰ ساله، ۱۳۷۰،



مأخذ: با استفاده از نقشه راههای اداره کل راه و ترابری بیرجند (۱۳۶۶)

نقشه ۲۰- حوزه استحفاظی اداره کل راه و ترابری بیرجند

جدول ۲۸- طول راههای حوزه استحفاظی اداره راه و ترابری بیرجند و نهبندان در سال ۱۳۶۹ ۵۴

نوع راه	بیرجند	نهبندان
راه اصلی	۱۶۶/۴ کیلومتر	۱۶۷ کیلومتر
راههای فرعی (آسفالت سرد)	» ۱۶۴	—
راههای فرعی (شنی)	» ۳۱۷	» ۵۸
راههای روستایی (شنی)	» ۱۴۸	—
راههای روستایی (خاکی)	» ۲,۵۳۰	» ۹۷۶
راههای روستایی (آسفالت سرد)	» ۴/۲	—
سایر راهها (آسفالت)	» ۱۷	» ۵۲
سایر راهها (شنی)	» ۱۴۲	» ۵۸
جمع	۳,۴۸۸/۶ کیلومتر	۱۳۱۱ کیلومتر

۵- حمل و نقل

از اوایل قرن حاضر که استفاده از وسایط نقلیه موتوری در سطح کشور رواج پیدا کرد، شهرها و از جمله بیرجند تدریجاً حمل و نقل میان شهری را در قالب شرکتهای مسافربری به عهده گرفتند، و اتوبوسها و کامیونها را جایگزین کاروانهای شتر و قاطر و گاری و درشکه نمودند. لیکن از آن جا که حمل و نقل جاده‌ای، هنوز گسترش چندانی پیدا نکرده بود تا مدتهای طولانی امور مربوط به حمل و نقل بیرجند را معدودی گاراژ مسافربری نظیر «گاراژ ثلاثه» و «گاراژ سریع‌السير» در انحصار داشتند. تدریجاً با ایجاد شبکه ارتباطی مناسب و افزایش ورود اتومبیل و غلبه اقتصاد پولی بر معیشت خود بسنده نواحی مختلف کشور، ارتباطات میان نواحی مختلف - در قالب نواحی روستایی و شهری و حتی در سطح کشور و خارج از کشور - افزایش یافت. در بیرجند نیز شرکتهایی نظیر شرکت مسافربری قم و اتوخراسان و مشایخی و می‌آبادی و غیره به وجود آمد.

در حال حاضر علاوه بر اتومبیل‌های سواری و وانت و کامیون‌هایی که بین بیرجند و سایر نقاط در رفت و آمد هستند، حدود ۲۰۰ دستگاه اتوبوس و کامیون به حمل مسافر و بار اشتغال دارند. بیشترین رفت و آمدها به مشهد مقدس صورت می‌گیرد و علت آن هم این است که مشهد نزدیکترین مادر شهر (متروپل) به بیرجند است که با تمرکز خدمات اداری، رفاهی، فرهنگی، درمانی و غیره و بخصوص وجود مرقد مطهر امام هشتم (ع) طرف مراجعه بیرجندیها می‌باشد. در عین حال بخش قابل توجهی از فعالیتهای تجاری در ارتباط با فروش قالی، زرشک، زعفران، خرید پارچه، ارزاق و وسایل مصرفی نیز در این شهر صورت می‌گیرد. جدول زیر میزان سفر به مشهد و اهداف مورد نظر را نشان می‌دهد.

جدول ۲۹- مسافرت از بیرجند به مشهد مقدس در سال ۱۳۶۵^{۵۵}

کل نفرات	برای زیارت	گردش و دیدار	معالجه	تجارت و خرید شغلی	مراجعات اداری	مأموریت اداری	به منظور مسافرت به سایر مناطق	خرید غیر شغلی	نامشخص
۱۷۲,۹۸۰	٪۲۶	٪۳/۴	٪۷/۷	٪۱/۷	٪۸/۶	٪۲/۳	٪۲۲/۶	٪۰/۳	٪۷/۴

همانطور که ملاحظه می‌شود با وجود نقشهای مختلف خدماتی، رفاهی، تجاری و غیره، در عین حال مهمترین انگیزه سفر به مشهد مقدس، زیارت مرقد مطهر حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) هشتمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت می‌باشد که همه ساله میلیونها زائر را از گوشه و کنار میهن اسلامی و حتی سایر کشورهای جهان به جوار پاك آن آستانه مقدسه می‌کشاند.

بعد از مشهد، زاهدان بیشترین رفت و آمدها را به خود اختصاص داده است که بی‌گمان با سکونت بخش قابل توجهی از بیرجندیها در آن شهر - که اکثراً به امور اداری و

۵۵- سید ابوالقاسم حسینیون پژوهشی در مورد حوزه نفوذ نقشهای مختلف مشهد مقدس، فصلنامه

فرهنگی اشتغال دارند - بی‌ارتباط نیست. علاوه بر این، اقلام متعددی از کالاهای لوکس، پارچه و غیره از طریق زاهدان به این شهر وارد می‌شود و متقابلاً برخی از تولیدات بیرجند نظیر خشکبار و زعفران به زاهدان حمل می‌شود که خود انگیزه بسیاری از رفت و آمدها می‌تواند باشد. در ضمن اهل تسنن بیرجند با زاهدان و از طریق زاهدان با پاکستان ارتباطات ویژه‌ای دارند.

خانواده‌هایی که فرزندان‌شان در مراکز نظامی و آموزش عالی (مثل دانشگاه‌های بیرجند، آزاد، پیام نور، علوم پزشکی) بسر می‌برند، از جمله مشتریان شرکت‌های مسافربری به شمار می‌روند. شرکت‌های مزبور علاوه بر مسافر، به حمل و نقل بار نیز می‌پردازند و قالی، پشم، زرشک، آلو، داروهای گیاهی و نظایر آن را به مقصد مشهد و تهران حمل نموده از آن طرف پارچه، مواد غذایی، کالای مصرفی و ابزار آلات مختلف با خود می‌آورند.

حمل و نقل شهری که قبلاً به وسیله سواری و پیکانهای اتاقدار صورت می‌گرفت در سالهای اخیر به وسیله تاکسی و مینی‌بوس و اتوبوس صورت می‌گیرد. ایستگاه‌هایی بسیاری از آنها میدان امام خمینی (ره) است، چرا که این میدان و حواشی آن توقفگاه بسیاری از وسایل نقلیه‌ای است که به شهرها، روستاها و محله‌های مختلف بیرجند رفت و آمد دارند. علت این امر نیز نزدیکی به مدخل راه ارتباطی مشهد - بیرجند است، که از دیرباز پایگاه وسایل نقلیه و مسافرین و مسافرخانه‌ها بوده، هم اکنون نیز ترمینالهای مسافربری را در جوار خود دارد.

باید اضافه کنیم که بخش قابل توجهی از رفت و آمدها بین بیرجند و نقاط روستایی صورت می‌گیرد. اتوبوس، مینی‌بوس، وانت بار، سواری و موتورسیکلت‌های فراوانی همه روزه جاده‌های عمده خاکی را درمی‌نوردند، و روستاییان را میان نقاط روستایی و شهر بیرجند جابه‌جا می‌کنند، این جابه‌جایی به طور عمده در چند محور صورت می‌گیرد:

- محور بیرجند به درمیان و اسدآباد.

- محور بیرجند به خوسف.

- محور بیرجند به سریشنه.

در پایان این بحث باید به امکان ارتباط هوایی بیرجند با سایر نقاط اشاره نمود که از طریق فرودگاه بیرجند صورت می‌پذیرد. این فرودگاه بانندی به عرض ۲۵ متر و طول ۲۲۰۰ متر دارد. در سال ۱۳۶۷ جمعا ۴۰۲ پرواز در این فرودگاه صورت گرفته است که ۱۶۶ پرواز آن به وسیله شرکت آسمان و بقیه بوسیله مراکز نظامی و انتظامی و غیره، انجام شده است.^{۵۶}

«در حال حاضر پرواز شرکت هواپیمایی آسمان هفته‌ای ۲ روز و شرکت هواپیمایی ساها هفته‌ای ۲ روز در مسیرهای «بیرجند، مشهد، تهران» و «زاهدان، بیرجند، مشهد» انجام می‌شود.^{۵۷}»

بخش چهارم

تحول روابط شهر و روستا در بیرجند

- ۱- نقش عوامل مؤثر
- ۲- جاذبه عملکردهای شهر بیرجند
- ۳- حوزه نفوذ و محدوده پرتوافشانی شهر بیرجند
- ۴- فرجام

۱- نقش عوامل مؤثر

از جمله عوامل مهمی که در این زمینه باید نام برد، عوامل طبیعی بخصوص وضعیت اقلیمی و منابع آب و وضعیت مورفولوژی می‌باشد. درباره هر يك از عوامل مذکور قبلاً توضیح داده شده است، لیکن در این جا به همین مختصر اکتفا می‌شود که ضعف پتانسیل‌های طبیعی، دلیلی همیشگی برای رکود فعالیتهای اقتصادی در کل ناحیه بوده است. کمبود منابع آب بیش از هر چیز در این میان تأثیر گذاشته است.

خشکسالیهای مکرری که در این ناحیه رخ داده، به نحو بارزی روابط میان شهر و روستا را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از متداولترین این تأثیرات هجوم بیکاران روستایی به شهر بیرجند و سایر نقاط شهری و حتی کشورهای همسایه بوده است. چنان که در خشکسالی دهه ۱۳۲۰ هـ ش تعدادی از روستاییان ناحیه بیرجند به عراق و روسیه مهاجرت نموده‌اند. وقوع خشکسالی در آغاز قرن حاضر، بازتابهای دیگری هم داشته است که بی‌تردید با تغییرات اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور بی‌رابطه نبوده است. از جمله این بازتابها می‌توان به اشاعه قالیبافی و توسعه کشت زرشک و زعفران اشاره نمود که به آب کمتری نیاز داشته‌اند. همچنین در این زمینه می‌توان روی آوردن نقاط روستایی به حرف و پیشه‌های تخصصی و فنی را نام برد که از آن جمله است اشاعه صنعت نجاری در روستای بیدخت، و وارد کردن اولین دستگاه تراشکاری به وسیله روستاییان گازار. دستگاه تراشکاری مزبور که حدوداً از چهار دهه قبل وارد شده، ابتدا در خود روستا به کار افتاد لیکن طولی نکشید به شهر بیرجند منتقل گردید و حرفه تراشکاری را در انحصار

گزاریه‌ها قرار داد. ضعف پتانسیل‌های طبیعی، موجب اتکاء شکوفایی اقتصادی ناحیه و بخصوص شهر بیرجند - که به عنوان قلب تپنده ناحیه عمل می‌کرده است - به شرایط انسانی و اقتصادی گردیده است.

این اتکاء به نحوی درآمده است که هرگاه شرایط انسانی - اقتصادی مناسبی فراهم آمده است، به طور محسوسی در رابطه شهر و روستا تأثیر گذاشته است. کما این که در آغاز قرن حاضر، به دلیل افزایش روابط اقتصادی انگلستان با هندوستان و بخصوص با اتصال راه آهن کراچی به زاهدان گویی خون تازه‌ای در شریان‌های این ناحیه به حرکت آمد. رونق تجارت منطقه، نه تنها موجب رونق اقتصادی و ایجاد کاروانسراها و تجارتخانه‌های جدید در شهر بیرجند شد، بلکه نقاط روستایی نیز امکان یافتند از طریق شهر بیرجند محصولات کشاورزی و دامی و صنعتی خود نظیر خشکبار، زیره، زعفران، پشم، پوست و قالی را به فروش برسانند. «با تقویت بنیه اقتصادی روستایی، نیاز آنان به کالاهای مصرفی مانند سماور و چراغ و ظروف مسی و... که در شهر بیرجند تولید می‌شد - افزایش یافت و از این رهگذر اقتصاد شهر بیرجند شکوفاتر شده راسته‌های آهنگران، کفاشان، خیاطان، نمدمالان، حلبی‌سازان و... به وجود آمدند.»^۱

با توجه به اهمیت نقش عوامل انسانی بوده است که به محض رواج وسایط نقلیه موتوری و احداث خطوط آهن (که مسیر تجاری ایران را تغییر می‌داد) وضعیت کسب و کار و داد و ستد در بیرجند کساد شده، تجارتخانه‌ها و کاروانسراها به حالت تعطیل درآمده، بیکاری و فقر اشاعه یافت. رکود اقتصادی شهر بیرجند به عنوان مهمترین مرکز مبادلات ناحیه، روستاها را نیز بی‌نصیب نگذاشت، زیرا از سویی امکان فروش محصولات هر چند اندک خود را به بازار بیرجند از دست داده بودند و از سویی با قطع شدن تردد کاروانهای تجاری که از بیرجند می‌گذشتند، و به وسیله روستایان ناحیه از نظر آذوقه و سایر نیازمندیها تدارک می‌شدند، این راه درآمد نیز بر آنان بسته شد.

از عواملی که در تحولات روابط شهری - روستایی این ناحیه به تبعیت از وضعیت کلی کشور نقش مهمی داشته است، اهمیت یافتن نقش پول در اقتصاد روستاهاست. این عامل موجب بیرون آمدن روستاها از اقتصاد خودکفا و پیوست هرچه بیشتر آنها به شبکه تجارت ملی و بلکه جهانی شده است. نقاط روستایی معمولاً لبنیات، کشک و روغن و سایر محصولات غذایی را تولید می کرده اند. مواد اولیه قالیبافی و نقشه های قالی نیز در خود روستا تهیه می شده است. پیرزنان نخ می ریسیده اند و نخهای تابیده شده توسط بعضی از روستاییان رنگ آمیزی می شده است. بعضی از زنان امور رنگرزی را شخصاً در اتاقی از منزل که به اتاق رنگرزی شهرت داشته است، انجام می داده اند، لیکن امروزه به دلیل مهاجرت جوانان به شهر، تولید محصولات کشاورزی و از جمله گندم، چندان مقرون به صرفه نمی باشد، زیرا بسیاری از خانواده ها که از همیاری فرزندان جوانشان محروم شده اند، می باید برای جمع آوری محصول و سایر امور زراعی مبالغ قابل توجهی اجرت بپردازند. مشکلات مزبور به حدی است که بعضی ها ناچاراً محصولات را که خود قبلاً تولیدکننده آنها بوده اند، امروزه در برابر پرداخت وجه خریداری می کنند. ضرورت معاملات پولی، نیاز روستاییان به کسب درآمد را افزایش داده است، و نقاط مستعد را به سوی کشتهای تخصصی و درآمدزا بخصوص کشت زرشک و زعفران و نیز بافت قالی و قالیچه سوق داده است.

عوامل مؤثر در روابط شهر و روستای این ناحیه را به اعتباری می توان در دو بخش مورد ملاحظه قرار داد:

یکی عواملی که موجب دفع جمعیت روستا می شود، دیگری عواملی که به جاذبه های شهری کمک می کند. در مورد علل و عوامل دسته اول می توان علاوه بر عوامل طبیعی و مشکل کمبود آب به ساختار اجتماعی نقاط روستایی اشاره نمود که به صورت کمبود در زمینه تأسیسات اجتماعی و خدمات عمومی نظیر آب لوله کشی، برق، مخابرات، درمانگاه، مراکز آموزشی، تعمیرگاههای مجهز، فروشگاههای مواد و تجهیزات صنعتی و خانگی و غیره خود را نشان می دهد.

عامل دیگری که در رابطه با دافعه های روستایی می باید به آن اشاره کرد تقطیع

اراضی کشاورزی است.

نیاز خانواده‌های روستایی به تأمین نیازهای ضروری مانند غلات، حبوبات، سبزیجات و علوفه در شرایط محدودیت منابع خاک و بخصوص منابع آب، طولانی بودن فواصل و بخصوص ضعف بنیه اقتصادی به جهت خرید محصولات مورد نیاز، از جمله عوامل مؤثر در تقطیع اراضی این ناحیه به شمار می‌رود.

کوچک بودن و پراکنده بودن قطعات زمینهای کشاورزی، صرفنظر از مزایایی که از نظر تنوع تولیدات و ایجاد اشتغال کامل برای صاحبان بهره‌برداری در بردارد، لیکن معایبی به شرح زیر نیز دارد که به آن اشاره می‌شود.^۲

الف) عدم امکان در بهره‌گیری از ماشین‌آلات کشاورزی و روشهای نوین کشاورزی.

ب) عدم امکان کشت محصولات تجاری و پردرآمد به دلیل تراکم زمینهای مجاور و کوچک بودن زمینهای زیرکشت.

ج) صرف وقت زیاد جهت جابه‌جایی نیروی کار و ابزار از زمینی به زمینی دیگر.
د) دشواری همیاری و توافق زارعین در اموری نظیر تسطیح، زهکشی و احداث شبکه‌های آبیاری.

ه) از بین رفتن قسمتی از آب به دلیل جابه‌جایی آن.

عوامل مذکور در نهایت منجر به کاهش راندمان تولید شده است و شاید این را بتوان از جمله علل مؤثری دانست که در کنار پتانسیل ضعیف طبیعی ناحیه، موجب نابسامانی وضع اقتصادی نقاط روستایی و افزایش نیاز به شهر بیرجند شده است.^۳

۲- ر. ک: دکتر مهدی طالب، عوامل مؤثر در تقطیع اراضی زراعی و لزوم یکپارچگی زمینها...، رشد جغرافیا، سال سوم، شماره ۱۱ صفحه ۹-۱۰.

۳- مؤلف بهارستان درباره ضعف اقتصاد ناحیه در چند دهه قبل چنین نوشته است: «اهالی آن (قاینات) صدی بیست و پنج معتاد به تریاک و مبتلا به امراض مسری از قبیل سیفلیس و تراخم و غیره می‌باشند... اهالی قاینات بیشتر فقیر و بی‌بضاعت و بی‌نهایت قانع می‌باشند. برخی در سال بیش از چهار ماه نان گندم نمی‌خورند. باقی سال را با نان جو و ارزن و توت خشک و شلغم گذران می‌کنند». بهارستان، صص ۲۷-۲۸.

اما در مقابل این قبیل عوامل منفی که شرایط زندگی در روستاها را با دشواری مواجه نموده است، جاذبه‌های شهر بیرجند بخصوص از اوایل قرن حاضر همزمان با تحولی که در امر شهرنشینی در کل کشور به وقع پیوسته بود، از نظر تأسیسات اداری و خدماتی و رفاهی افزایش روزافزونی یافته که در بحث مربوط به عملکردهای شهر بیرجند درباره آنها توضیحات بیشتری داده خواهد شد. علاوه بر امکانات خدمات‌رسانی و ادارات دولتی و سایر جاذبه‌های شهری، تقسیم زمین برای ساخت و سازهای مسکونی، از جمله عوامل مهم افزایش جمعیت شهر بیرجند بوده است. سازمان زمین شهری از سال ۱۳۶۱ با توزیع ۱۲ قطعه زمین کار خود را در این زمینه آغاز نمود. از سال بعد بر تعداد زمینهای واگذاری اضافه نموده و تا سال ۱۳۷۰ مجموعاً ۴۹۸۸ قطعه زمین به متقاضیان انفرادی واگذار نموده است.^۴

این اقدام موجب تغییرات کالبدی و گسترش فیزیکی این شهر گردید به نحوی که حدوداً نیمی از وسعت بیرجند کنونی ناشی از اقدام مزبور می‌باشد.

۲ - جاذبه عملکردهای شهر بیرجند

با توجه به این که نقش و عملکرد هر شهر، تأثیر قابل توجهی در ایجاد جاذبه‌های گوناگون شهری بر جای می‌گذارد، اشاره‌ای هر چند کوتاه به عملکردهای شهر بیرجند، می‌تواند ما را در تبیین هر چند بهتر روابط شهر و روستا در این بخش از خراسان مدد رساند.

۲-۱- نقش تجاری

طی چند دهه اخیر به تبعیت از تحولات اقتصادی - اجتماعی کل کشور در این ناحیه نیز تغییراتی صورت گرفت که منجر به گسترش شهر بیرجند و افزایش جمعیت آن

گردید. با وقوع انقلاب اسلامی و توجه به بخش کشاورزی، حیات روستایی نیز ثبات و قوام بیشتری یافته، از تکاپوی خود، بازار شهر بیرجند را مجدداً رونق بخشید. شهر مزبور که به واسطه ایجاد مراکز نظامی و آموزشی و همچنین جمعیت دائم التزایدش، بیش از پیش اهمیت می‌یافت، به عنوان مرکز مبادله اضافه تولیدات روستاهای ناحیه و تدارك‌کننده کالاهای و خدمات مورد نیاز آنان به ایفای نقش تجاری خود پرداخت. افزایش جمعیت ناحیه که آهنگ رشد آن از گسترش زمینهای کشاورزی و افزایش تولیدات ناحیه پیشی گرفته بود، و تأمین نیازهای مختلف شهروندان و ساکنان روستاها که می‌باید از طریق واردات تأمین می‌شد، منجر به تقویت نقش بیرجند به عنوان مهمترین کانون تجاری ناحیه گردید و دامنه عملکرد تجاری این شهر را در مقیاس فرانااحیه‌ای گسترش داد. به عنوان نمونه برای تأمین خوراك در سال ۱۳۶۹ مقدار ۴۸۵۲ تن گندم از داخل استان خراسان و ۲۹۱۶۷ تن از سایر سیلوه‌ها و بنادر کشور وارد شهر بیرجند شده است.^۵

بازار بیرجند، مرکز مهمترین مبادلات تجاری ناحیه است. این بازار که در مجاورت بازار قدیم بیرجند ساخته شده است، محصول تغییرات اقتصادی - اجتماعی طی چند دهه اخیر به شمار می‌رود. زرشك و زعفران و سایر تولیدات اضافی کشاورزی نظیر خشکبار و عناب و غیره در همین بازار به فروش می‌رسد. تجار مهم زعفران، چند نفری بیشتر نیستند لیکن همین چند نفر در مغازه‌های كوچك خود، درصد مهمی از تجارت بازار را هدایت می‌کنند. از نظر تعداد، بیشترین واحدهای تجاری بازار بیرجند را فروشگاههای مواد خوراکی و پوشاك تشكيل می‌دهند. در عین حال فروشگاههای بسیاری هم به عرضه لوازم منزل و پارچه و مواد مورد نیاز برای قالیبافی می‌پردازند. بهر حال علی‌رغم این اختلافات، وجه مشترك آنها نوع مشتریانی است که بیشتر روستایی هستند، نحوه مبادله بخصوص در زمینه مواد مصرفی قالیبافی، به صورت نقد و نسیه است که خود وابستگی روستایی به فروشگاههای شهری را موجب می‌گردد. شعب

بانکهای مختلف که عمده در مجاورت بازار شهر قرار گرفته‌اند، تجارت بازار را تسهیل می‌نمایند.

نابرابری زیرسازهای اجتماعی - اقتصادی در شهر و روستا، ضعف عملکرد تعاونیها در نقاط روستایی، منجر به افزایش نیاز روستاییان به شهر بیرجند جهت تأمین نیازهای مختلف می‌گردد. صرف‌نظر از نیازهای ساده و اولیه مانند پیاز و سیب‌زمینی و بیل و کلنگ و کبریت و صابون که بخش مهم آن از روستای مورد سکونت و یاروستاهای مجاور تهیه می‌شود، مواد غذایی اساسی مانند برنج و روغن و قند و چای و ابزار و ادوات فنی و کالاهای پیچیده سرمایه بر، کلاً باید از شهر خریداری شوند. در این زمینه هرچه پیچیدگی کالا بیشتر و سطح قیمت آن بالاتر باشد، امکان تهیه‌اش از نقاط روستایی کمتر است.

نتایج پرسشگری محلی نشان داده است. روستاییان ۸۰٪ از نیازهای خود را در زمینه کالاهای تخصصی و مصالح ساختمانی از شهر بیرجند تهیه می‌کنند. این مراجعات در زمینه وسایل تخصصی کشاورزی (نظیر سم‌پاش و موتور پمپ) به ۸۷/۹٪ و در مورد تهیه لوازم یدکی اتومبیل و موتورسیکلت به ۹۰/۲٪ و در مورد تهیه لوازم اساسی منزل (مثل پنکه و کولر) به ۹۶٪ افزایش یافته است.

چنانچه فقر زیربنای اقتصادی و اجتماعی و کمبود واحدهای تجاری نقاط روستایی را با کثرت جمعیت روستایی در رابطه قرار دهیم، اهمیت نقش تجاری شهر بیرجند روشنتر می‌شود. این اهمیت را می‌توان در ارقام مندرج در جدول مربوطه مشاهده نمود که بر طبق آن میزان مراجعات روستاییان برای تأمین کالاهای تخصصی از ۸۰ درصد تنزل نمی‌کند.

به هر حال شهر بیرجند به دلیل کثرت جمعیت ناحیه و رونق تولید محصولات درآمدزا مانند قالی و قالیچه و زرشک و زعفران و نیز بواسطه استقرار مراکز نظامی و انتظامی و دانشگاهها و آموزشگاهها و حتی مدارس که محل مراجعه دانش‌آموزان بیرجندی است، در سالهای اخیر رونق تجاری آشکار یافته است، این رونق تا حد زیادی به درآمدهای ناشی از فعالیت روستاییان و در حقیقت بر حاصل دسترنج آنان متکی است

توران و مشهد	شهر بیرجند	نقاط روستایی
		امور بانکی
		اخذ شناسنامه
		درمان اساسی و عمل جراحی
		وسایل اساسی کشاورزی (سمپاشی و ...)
		مواد غذایی اساسی (برنج و روغن و ...)
		لوازم اساسی منزل (پنکه، کولر)
		تحصیل در مقطع دبیرستان

که بخشی از آن نیز قبل از ورود به گردونه تجاری شهر بیرجند از ناحیه خارج و به شهرهای دیگر کشور وارد می‌شود. وجود ۱۸۴۷ واحد خرده‌فروشی و ۲۱۷ عمده‌فروشی که در سال ۱۳۶۵ در شهر بیرجند شمارش شده است^۶، به تنهایی بیش از ارقام مشابه در تمام نقاط روستایی بیرجند و نه‌بندان که سه برابر شهر بیرجند جمعیت داشته‌اند، بوده است. در سال مزبور فروشندگان شهر بیرجند که تعدادشان به ۲۰۷۶ نفر می‌رسیده است، ۲/۱۰٪ از کل جمعیت شاغل این شهر را تشکیل می‌داده‌اند که در مقایسه با رقم مشابه در نقاط روستایی که تنها ۲/۱٪ بوده است، اهمیت نقش تجاری این شهر را نشان می‌دهد^۷.

مشاهده نمودار مربوط به واحدهای تجاری شهر بیرجند نشان می‌دهد، خرازیها و پلاستیک‌فروشیها و خواربارفروشیها و عطاریها و پارچه‌فروشیها و فروشگاههای پوشاک و فرش و نخ و پشم که علاوه بر شهروندان بیرجندی، مورد مراجعه روستاهای اطراف می‌باشند، تعدادشان بیش از حد متعارف بوده، بلندترین ستونهای نمودار مربوطه را تشکیل می‌دهند.

۲-۲ نقش فرهنگی و آموزشی

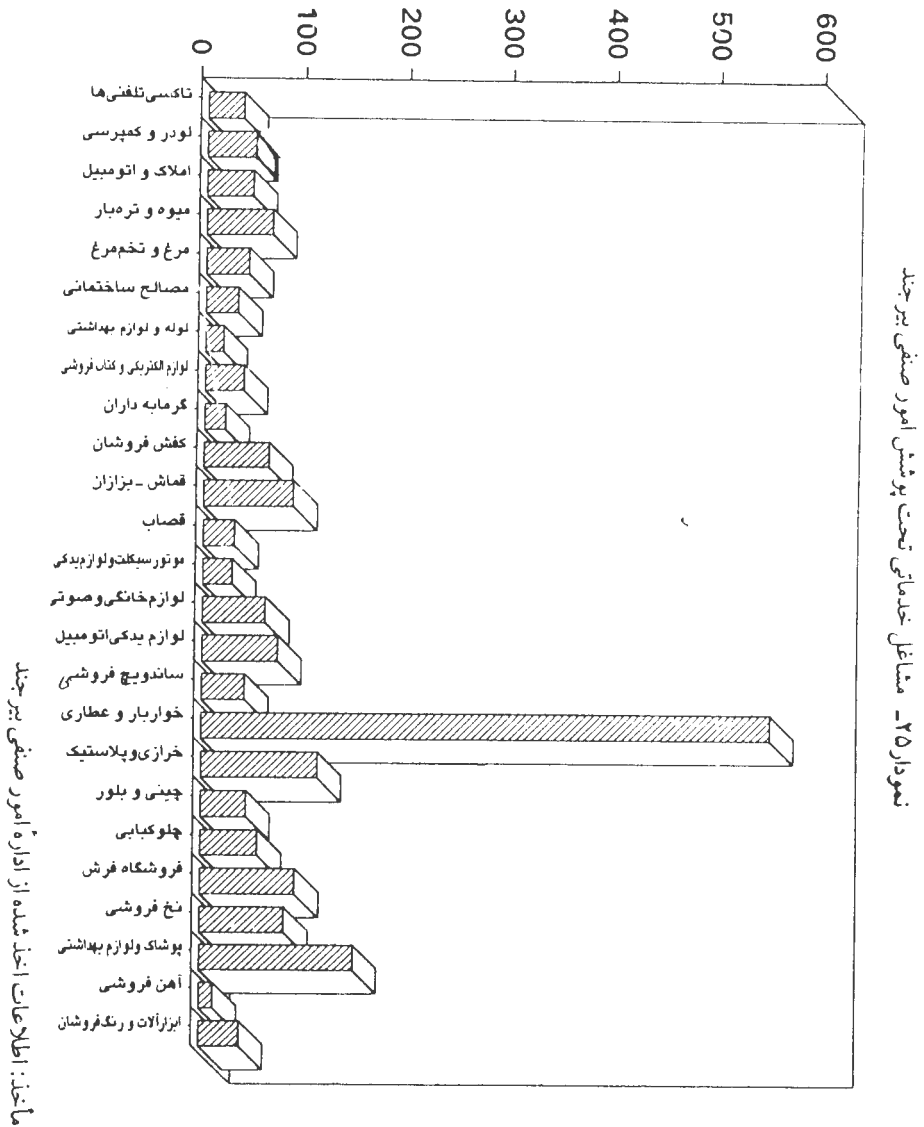
در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ اداره آموزش و پرورش بیرجند، امکانات تحصیلی بیش از ۳۵۰۰۰ دانش‌آموز را فراهم نموده است. تدارکات این تعداد از یک طرف و افزایش سریع دانش‌آموزان از طرف دیگر بر اهمیت نقش فرهنگی و آموزشی بیرجند افزوده است، چنان که رقم مزبور در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ به ۵۸,۹۸۶ نفر دانش‌آموز افزایش یافته است^۸.

شهر بیرجند از نظر آموزشی نقش قابل توجهی دارد. طبق آمار سال ۱۳۶۵ مقدار کل معلمان و مدرسان این شهر به ۲۶۰۱ نفر می‌رسیده که ۸/۱۲٪ از کل شاغلان

۶- نتایج تفصیلی... صص ۱۶۸-۱۶۷.

۷- براساس آمار مندرج در نتایج تفصیلی... صص ۱۱۰-۱۰۷.

۸- آمارنامه استان خراسان ۱۳۷۰ - صص ۸۷-۸۶.



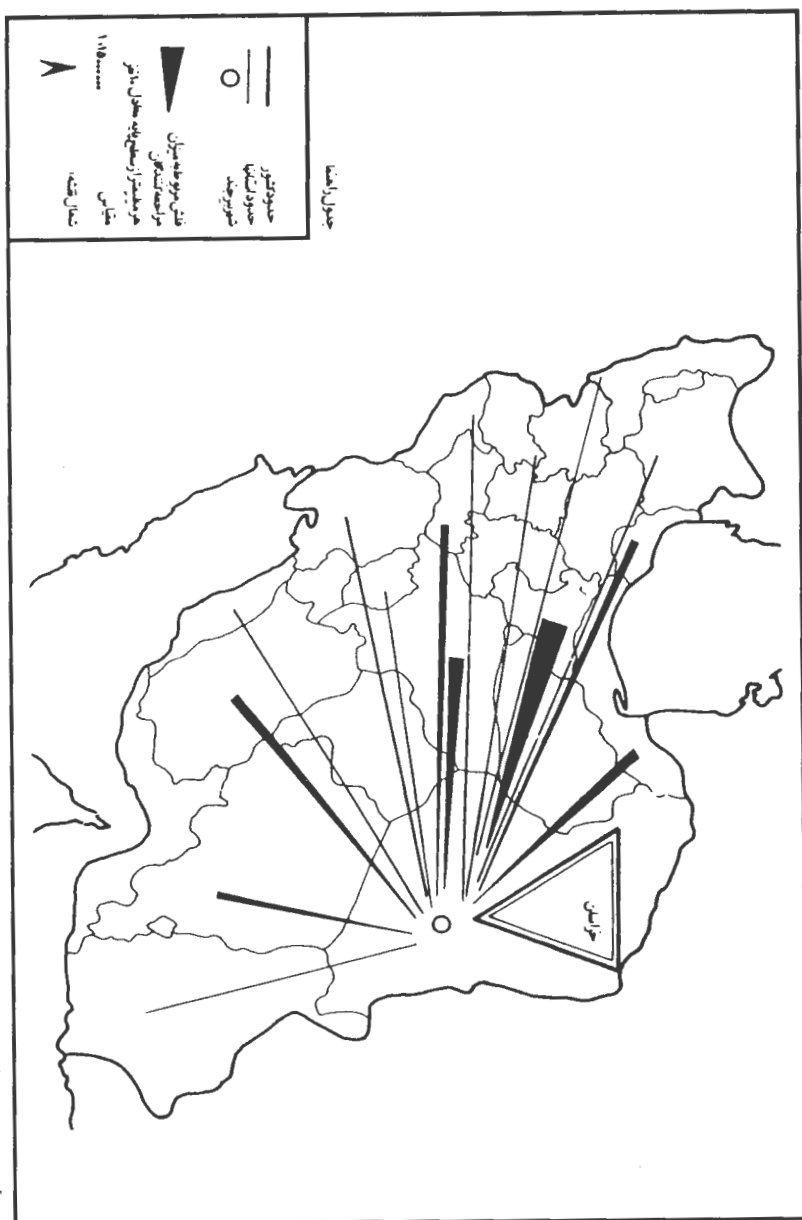
شهر بیرجند را تشکیل می‌داده است. جای ذکر است که این نسبت برای نقاط روستایی با ۹۶۶ نفر تنها ۱/۴٪ شاغلان روستایی بوده است. با توجه به این کارکرد بوده که تعداد قابل توجهی از روستاییان دور و نزدیک به این شهر مراجعه نموده‌اند. این مراجعات با بعد مسافت و مقاطع تحصیلی و امکانات موجود در محل و توانایی مالی خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد. نتیجه پرسشگری از ۲۴۷ دانش‌آموز مهاجری که در شهر بیرجند مشغول تحصیل بوده‌اند نشان داده است مراجعات روستاییان به شهر بیرجند در مقطع دبستان ۲٪، در مقطع راهنمایی ۲۷٪ و در مقطع دبیرستان ۸/۸۷٪ بوده است.

به هر حال شهر بیرجند از نظر آموزشی نقشی بسیار قوی دارد که به دنبال آن، مهاجرت‌های روستایی و حتی اقامت و سکونت بسیاری از روستاییان در شهر بیرجند، صورت گرفته است. تحقیق دیگری نشان داده است ۸۰ درصد از ۲۷۵۲ دانش‌آموز مهاجری که در مدارس بیرجند به تحصیل اشتغال دارند از نقاط روستایی (بخصوص بخش مرکزی) آمده‌اند.

یکی دیگر از مسائلی که در این زمینه می‌باید به آن اشاره نمود، جاذبه‌های آموزش عالی است. شهر بیرجند در استان خراسان بعد از مشهد در زمینه پرورش نیروهای متخصص و دانشگاهی مقام والایی را دارا می‌باشد. در حال حاضر مجتمع دانشگاهی بیرجند و دوره شبانه دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور در این شهر به پرورش نیروهای متخصص بومی و غیربومی مشغول هستند. نقشه مربوطه، حوزه کشش دانشگاه بیرجند در سطح کشور را نشان می‌دهد.

۲-۳- نقش درمانی

علاوه بر بیمارستان امام رضا (ع) ۹ مرکز خدمات‌رسانی در نقاط مختلف شهر بیرجند دایر است که زیر نظر شبکه بهداشت و درمان به ارائه خدمات درمانی می‌پردازد. سازمان انتقال خون بیرجند که از فروردین ماه سال ۱۳۷۰ با همکاری شبکه بهداشت

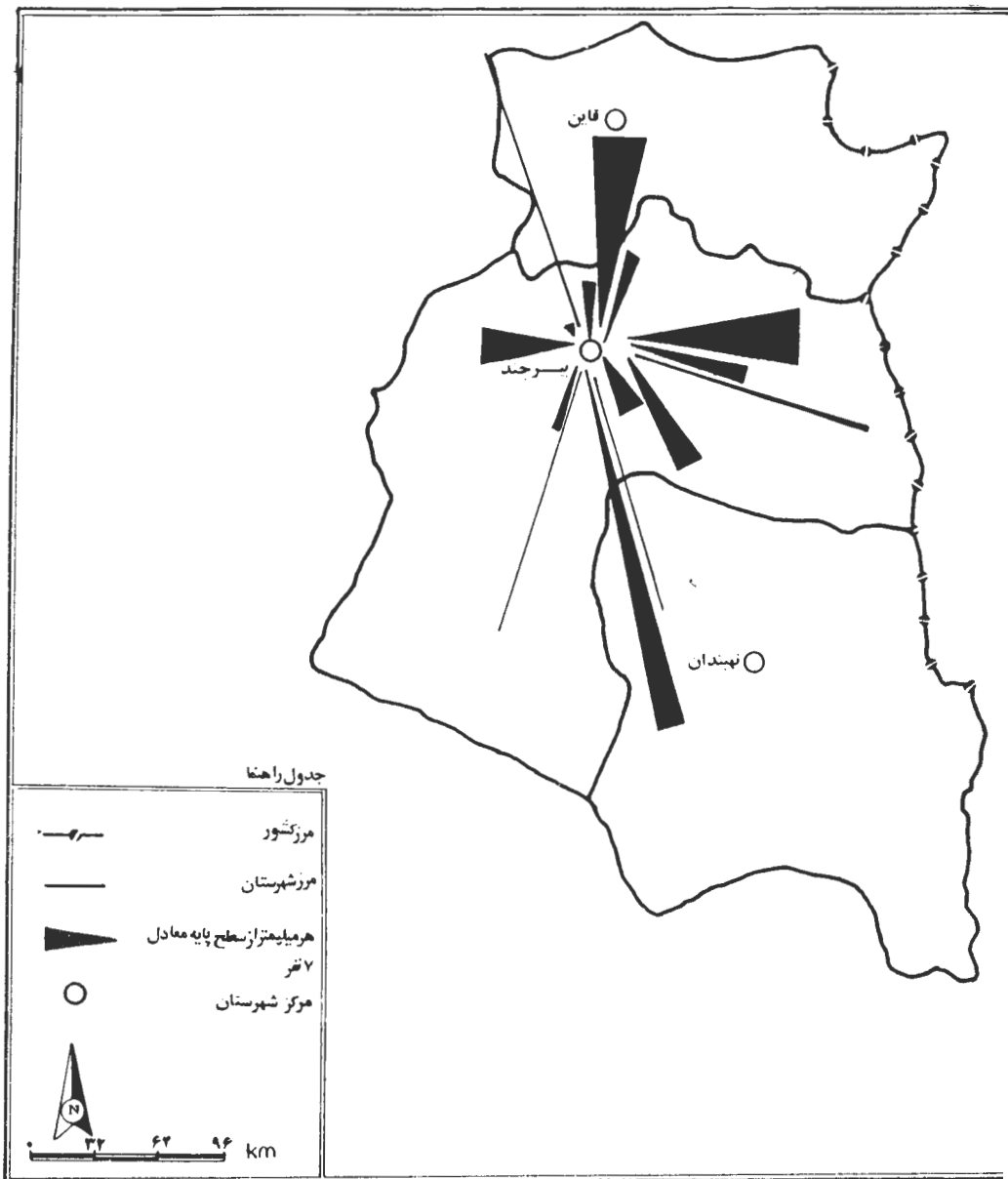


و درمان آغاز به کار نموده و کلینیک تخصصی جانبازان (وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان) از جمله مراکزی هستند که در زمینه بهداشت و درمان فعالیت می‌کنند. جمعیت هلال احمر نیز با ارائه خدماتی از طریق درمانگاه شهید مصطفی خمینی و مرکز امداد دارویی جهت تهیه داروهای کمیاب و مرکز فیزیوتراپی شفا و داروخانه شبانه‌روزی غدیر، به ارائه خدمات بهداشتی و درمانی می‌پردازد.

اداره دامپزشکی بیرجند از جمله سایر مراکزی است که به ارائه خدمات در رابطه با انواع دام اشتغال دارد. این مرکز علاوه بر کنترل دامهای کشتار شده و تست و خون‌گیری از دامهای زنده جهت شناسایی بیماریهایی نظیر سل و بروسلوز، به مایه‌کوبی علیه بیماریهای مشترک میان انسان و دام و معالجه بیماریهای دامی نظیر تب برفکی، انگل‌های داخلی و سمپاشی دامها و محل زندگی آنها و کالبدگشایی دام و طیور و فعالیتهایی از این قبیل می‌پردازد.

وجود خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی - درمانی در نقاط روستایی موجب شده است شهر بیرجند، بخشی از نقش خود را به روستاها واگذار نماید. بدین ترتیب که مراجعان روستایی برای خدمات ساده‌ای نظیر تزریقات و پانسمان به خانه‌های بهداشت مراجعه می‌کنند و در صورتی که نیاز به خدمات اساسی‌تری داشته باشند به مراکز بهداشتی - درمانی در روستاهای بزرگتر که زیر نظر پزشک فعالیت می‌کنند، هدایت می‌شوند. چنانچه نیاز به عمل جراحی و درمان تخصصی باشد، مراکز بهداشتی مزبور، بیماران روستایی را به بیمارستان امام رضا (ع) اعزام می‌نمایند.

در عین حال مراجعات به شهر بیرجند بخصوص در زمینه خدمات تخصصی درخور توجه است. نتایج پرسشگری نشان داده است برای خدمات درمانی ساده نظیر تزریقات و پانسمان و اکسیژناسیون، ۴۴٪ و برای درمانهای اساسی و معالجاتی که نیاز به عمل جراحی دارد ۹۴٪ روستاییان به شهر بیرجند مراجعه نموده‌اند. این مراجعات بخش قابل توجهی از رفت و آمد روستاییان به شهر بیرجند را تشکیل می‌دهد و دامنه آن علاوه بر روستاهای شهرستان بیرجند، به نقاط روستایی شهرستان نهبندان و قاینات نیز کشیده می‌شود. نقشه مربوطه مراجعات روستاییان را به مراکز درمانی امام رضا (ع) را نشان می‌دهد.



مأخذ: بر مبنای فهرست بیماران بستری شده در فروردین ماه سال ۱۳۷۲ (تهیه شده توسط نگارنده)

نقشه ۲۲- مراجعه کنندگان به مرکز درمانی امام رضا (ع) در فروردین ۱۳۷۲

با توجه به نقشهای گوناگون شهر بیرجند، رابطه این شهر با نقاط روستایی، رابطه‌ای است در خور توجه که در مقیاس وسیع تحقق یافته است. حضور مینی بوسهای روستایی در حاشیه شهر و کثرت رفت و آمد روستاییان، نشان دهنده جاذبه پرتأثیر شهر بیرجند بر نقاط روستایی اطراف می‌باشد.

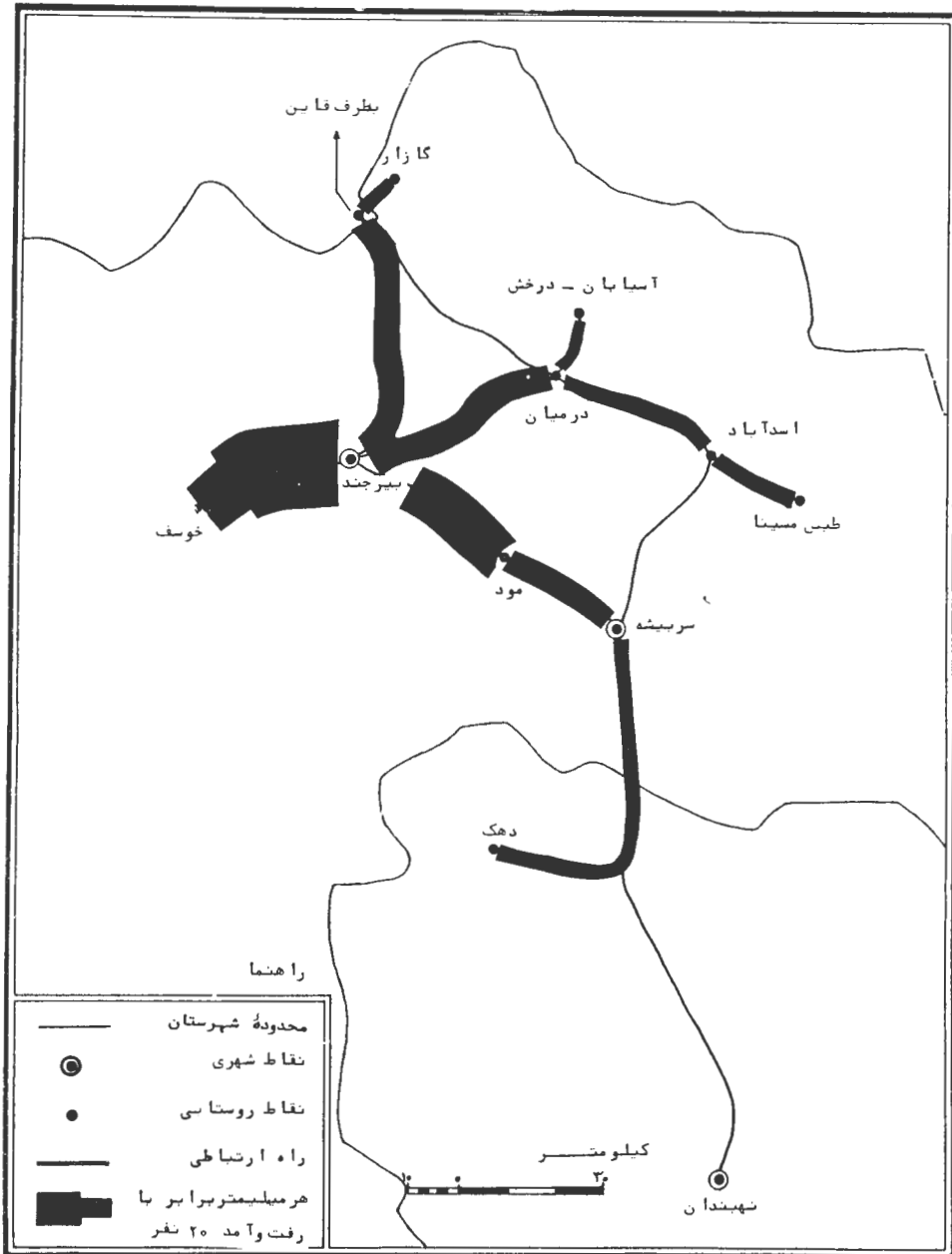
نتیجه مطالعاتی که نگارنده با شمارش وسائط نقلیه مسافری که از روستاها عازم شهر بیرجند بوده‌اند به دست آورده است نشاندهنده ورود روزانه ۳۵ اتوبوس و ۵۰ مینی‌بوس (به طور متوسط) به شهر بیرجند می‌باشد*. چنانچه هر مینی‌بوس را حامل ۱۸ نفر مسافر و هر اتوبوس را حامل ۳۲ نفر مسافر به حساب آوریم. روزانه رقمی در حدود ۲۰۰۰ نفر از نقاط روستایی اطراف، به شهر بیرجند وارد می‌شوند.

یکی از مهمترین انگیزه‌های این رفت و آمدها، نقش آموزشی و فرهنگی شهر بیرجند است که در حال حاضر ۲۷۰۰ دانش‌آموز روستایی را به این شهر کشانیده است. هرگاه $\frac{1}{3}$ از این تعداد هفته‌ای یکبار به روستای خود مراجعت نمایند و $\frac{1}{3}$ دیگر هم والدینشان برای دیدارشان بیایند، بطور متوسط در ایام تحصیلی روزانه ۳۸۵ سفر به این شهر صورت می‌گیرد که با توجه به ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ سفر روزانه روستاییان به شهر بیرجند، این رقم $\frac{1}{4}$ الی $\frac{1}{5}$ رفت و آمدهای روستاییان را به خود اختصاص می‌دهد.

۳- محدوده پرتوافشانی و حوزه نفوذ شهر بیرجند

مطالعاتی که در ناحیه مزبور به عمل آمده نشان می‌دهد دایره پرتوافشانی و میزان اثرگذاری شهر بیرجند بر نقاط روستایی نسبت به افزایش فاصله کاهش می‌یابد. به عنوان

*- این اقدام در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰ صورت گرفته است. نحوه شمارش عبارت بوده از مراجعه به بایگانی اداره راه و ترابری و شمارش کلیه برگه‌های تردد مینی‌بوسها و اتوبوسهای که طی روز از روستاهای اطراف به شهر بیرجند وارد شده‌اند. برای آن که افزایش یا کاهش غیرعادی مسافران در سرشماری مزبور تأثیر نگذارد يك روز از آخر و يك روز از وسط هفته انتخاب گردیده میانگین آنها محاسبه شده است.



نقشه ۲۳- رفت و آمد روزانه روستاییان به شهر بیرجند

تحول روابط شهر و روستا در بیرجند □ ۲۵۷

نمونه در زمینه تهیه مواد غذایی اساسی مانند برنج و روغن و چای و قند، ۳/۶۵٪ مراجعات اهالی بخش خوسف به شهر بیرجند است، لیکن این رقم برای بخش مرکزی که متوسط فاصله نقاط روستایی آن تا شهر بیرجند بیش از خوسف است به ۳/۶۰٪ کاهش می‌یابد و برای بخش درمیان که دورتر از این دو می‌باشد به ۳/۵۷٪ کاهش می‌یابد. این رقم برای نقاطی از شهرستانهای نهبندان و قاین که در حوزه نفوذ بیرجند واقع شده‌اند به ۸/۴۶٪ می‌رسد.

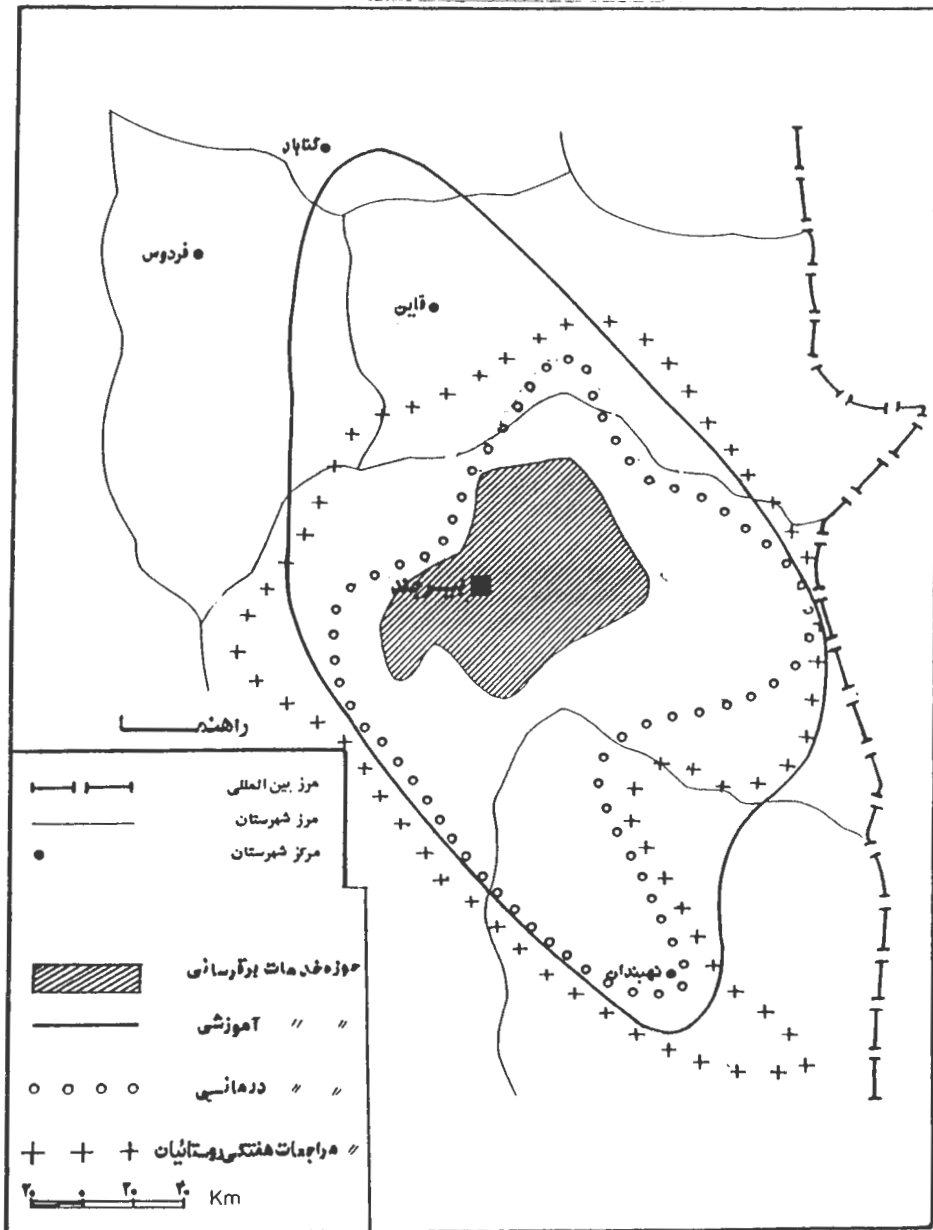
جدول شماره ۳۰- مراجعات روستاییان جهت تهیه مواد غذایی اساسی (برنج، روغن، چای و قند)

جمع	زاهدان	مشهد	شهر بیرجند	روستاهای اطراف	خودروستا	محل مراجعه
۹۸	۱	-	۶۰/۲٪	۱۳/۲٪	۲۵/۵٪	۲۵ مرکزی
۶۸	-	-	۵۷/۳٪	۱۳/۲٪	۲۹/۴٪	۲۰ درمیان
۴۹	-	-	۶۵/۳٪	۲۰/۴٪	۱۴/۲٪	۷ خوسف
۳۲	-	۱	۴۶/۸٪	۱۵/۶٪	۳۴/۳٪	۱۱ قاین و نهبندان
۲۴۷	۱	۱	۱۴۵	۳۷	۶۳	جمع
۱۰۰	۴	۴	۵۸/۷	۱۵	۲۵/۵	درصد

مأخذ: نتایج حاصله از استخراج پرسشنامه‌های محلی

نقشه‌ای که از تلفیق حوزه‌های اثرگذاری شهر بیرجند در چند مورد خاص تهیه شده است، قلمرو نفوذ و میدان مغناطیسی و محدوده جاذبه پرتأثیر شهر بیرجند را نشان می‌دهد.

همچنان که در نقشه مزبور ملاحظه می‌شود، نقش درخور توجه شهر بیرجند در ناحیه جنوب خراسان با افزایش فاصله کانونهای جمعیتی و در برابر نفوذ هر چند اندک شهرهایی نظیر قاین و طبس در شمال و نهبندان و زاهدان در جنوب، رفته رفته تضعیف



نقشه ۲۴- حوزه نفوذ و محدوده پرتوافشانی شهر بیرجند در جنوب خراسان

می‌گردد، تا جایی که تقریباً می‌توان گفت از سمت شمال وقتی به روستای سده در فاصله پنج‌هزار کیلومتری شمال شهر بیرجند می‌رسیم، جز در موارد معدودی (مانند ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان و خدمات درمانی اساسی و نظایر اینها)، ارتباط با شهر بیرجند به ضعف گراییده، تا حدودی به شهر قاین متوجه می‌شود. لیکن نقاط روستایی فراوانی که در شرق بیرجند و تا مجاورت مرزهای افغانستان واقع شده‌اند، تحت تأثیر جاذبه بیرجند قرار دارند. از سمت جنوب نیز هر چند تا قبل از دهه ۱۳۷۰ شهرستان نهبندان جزو تقسیمات اداری بیرجند قرار داشته است ولی قسمت وسیعی از این بخش (یعنی از شهر کوچک سریش به سمت جنوب). جاذبه شهر بیرجند ضعیف شده و در بعضی موارد بخصوص مراجعات غیر اداری جای خود را به جاذبه شهر زاهدان که در فاصله دوری نیز واقع شده است، می‌بخشد. از سمت غرب جاذبه شهر بیرجند عمده نقاط روستایی بخش خوسف را تا روستاهای خور و خوسف دربر می‌گیرد و بعد از آن در برابر بیابانهای خشک و برهوت، متوقف می‌شود.

فرجام

بدین ترتیب، مردم بیرجند، پس از پشت سر گذاشتن فراز و نشیبهای فراوان و مبارزات بی‌امان با عوامل طبیعی (نظیر خشکی اقلیم و کمبود منابع آبی و خشکسالیهای متناوب) و عوامل انسانی (نظیر یورشهای مهاجمان ترك و افغان و بلوچ) سرانجام در سایه سخت‌کوشی و مقاومت و قناعت از همه این مشکلات پیروزمندانه سر به در آورده و اینک در عصر استقرار نظام جمهوری اسلامی، در کلیه شؤون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، شاهد تحولات و پیشرفتهای قابل توجهی بوده‌اند. به شهادت تاریخ می‌توان اظهار نمود که در حال حاضر، این ناحیه شکوفاترین ایام خود را می‌گذراند، لیکن برای حفظ و اعتلای این موقعیت می‌باید مسائل زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف- مجاورت با مرزهای شرقی، تغییرات اجتماعی شدیدی را به همراه داشته است. تغییراتی که در خلال مهاجرت افغانه و سکونت آنها در نقاط شهری و روستایی و اردوگاههای مختلف این ناحیه به وقوع پیوسته است. از سوی دیگر، مسائل اقتصادی خاصی هم در رابطه با مهاجرین مزبور، مطرح بوده است که از آن جمله می‌توان به رونق بازار بیرجند در زمان حضور آنان، و رکود نسبی اش، پس از بازگشت به افغانستان، اشاره نمود. لیکن مهمتر از همه اینها، ابعاد فرهنگی، سیاسی و حتی استراتژیکی مسأله است. عبور کاروانهای بین‌المللی قاچاق از افغانستان و قرارگرفتن ناحیه جنوب خراسان در مسیر تجارت جهانی مواد مخدر، یکی از مسائل مهمی است که بر حساسیت این منطقه افزوده است. مراجعه‌ای به پرونده متهمان دادرسی انقلاب اسلامی بیرجند نشان می‌دهد از ۲۰۰۰ متهم دستگیر شده در سال ۱۳۷۲، ۵۸۰ نفر را قاچاقچیان مواد مخدر تشکیل می‌داده‌اند* . بنابراین پیشنهاد می‌شود مرکزیتی قوی - که لاجرم جز بیرجند شهر دیگر نمی‌تواند باشد - نظارت و کنترل اوضاع و احوال، داد و ستدها و جریان‌های سیاسی و فرهنگی این ناحیه را چه در زمان حال و چه برای آینده، عهده‌دار گردد.

ب- همان‌طور که قبلاً توضیح داده شده است، اقلیم حاکم بر این ناحیه بطور کلی اقلیمی است خشک. هر گونه افزایش در سطوح ساخت و سازهای شهری و روستایی، و تأسیسات صنعتی و گسترش زمینهای کشاورزی، به دلیل کمبود نزولات جوی و فقدان رودخانه‌های دائمی، ناگزیر موجب فشار هرچه بیشتر بر ذخایر زیرزمینی و افزایش

* - لازم به یادآوری است که مبارزه با قاچاقچیان در این بخش از کشور با قاطعیت دنبال می‌شود. «اخیراً در روزنامه یومی یوری (Youmiuri) ژاپن (با چهارده میلیون تیراژ روزانه) به تاریخ چهارم اکتبر سال ۱۹۹۴ مقاله‌ای تحت عنوان «ایران بهشت تریاک را پس داده است» چاپ نموده که نویسنده آن آقای نی‌شیدا (Nishida) از قول آقای جرجیو جاکومری (Gorgeo jacomery) مدیر کل طرح کنترل مواد دارویی سازمان ملل متحد (U. N. D. C. P) این‌طور بیان نموده که: «مرزهای شرقی ایران در برابر ورود مواد مخدر چون دیوار چین عمل می‌کنند. از این‌رو این کشور می‌تواند بهترین الگو برای مبارزه با مواد مخدر در جهان باشد.»

نقل از: اسماعیل چاوشی، شهرنشینی و شبکه شهری سیستان و بلوچستان (پایان‌نامه دوره دکتری)، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۱.

چاههای عمیق و نیمه عمیق می گردد. این امر در شرایطی که ذخایر زیرزمینی نیز بخوبی تغذیه نمی شود، موجب پایین افتادن تدریجی سطح آبهای زیرزمینی گردیده بطوری که در حال حاضر بعضی از دشتهای این ناحیه از نظر استحصال آبهای زیرزمینی ممنوعه اعلام شده است.

آنچه مسلم است کشت محصولات مانند پنبه و چغندر قند که به آب زیادی نیاز دارند، به هیچ وجه متناسب با شرایط اکولوژیکی این ناحیه نمی باشد، بخصوص آنکه آبیاری این محصولات درست مصادف با دوره گرما و خشکی هواست و این امر، آبیاری محصولات مزبور را بیش از پیش، به برداشت منابع زیرزمینی متکی می کند. آبیاری تابستانی زیان دیگری هم دارد و آن تبخیر بیش از حد و شور شدن خاکهای کشاورزی است. مسلماً جایگزین نمودن اینچنین محصولاتی به وسیله گیاهانی مانند جو که به آب اندک، هر چند شور باشد، قانع است و یا زعفران که به آب چندانی نیاز نداشته، و فصل آبیاریش نیز مصادف با دوره خشکی و کم بارانی نیست، تناسب بیشتری با این ناحیه دارند. بنابراین مردم شریف و مؤولان محترم باید عنایت داشته باشند که ادامه این وضعیت می تواند به مشکلات جدی و لاینحلی منتهی گردد.

ج - نتیجه دیگری که از خلال مطالب گذشته به دست می آید آن است که در روابط شهر بیرجند با نقاط روستایی و شهرهای جنوب خراسان، تفوق و برتری نقش شهر بیرجند کاملاً محسوس است. این شهر ضمن جذب بخش مهمی از جمعیت و اعتبارات و درآمدها و امکانات ناحیه، در عین حال مهمترین مرکز تأمین خدمات و کالاهای مورد نیاز روستاییان و مرکز مبادله اضافه تولید محصولات کشاورزی و دستبافته های ناحیه به شمار می رود. مبادله مازاد تولیدات روستایی بخصوص زرشک و زعفران و قالی و قالیچه، که در بازار بیرجند صورت می گیرد، موجب انتقال درآمد روستاییان به شهر مزبور گردیده است. ادامه این ناهماهنگی و عدم تعادل در وضعیت اقتصادی و اجتماعی ناحیه از سویی موجب می شود با سنگینتر شدن وزنه بیرجند، اهمیت نقاط روستایی کاهش یافته، سال به سال بر تعداد نقاط تخلیه شده، افزوده گردد، و از سوی دیگر شهر بیرجند با مشکلات جدی در زمینه های کالبدی و اکولوژیکی مواجه گردد. از جمله این

مشکلات می‌توان، اشغال زمینهای مزروعی اطراف شهر، محدودیتهای توپوگرافیکی در گسترش فیزیکی شهر و محدودیت منابع آب مصرفی را ذکر نمود.

با توجه به روند رو به افزایش ناهماهنگیهای اقتصادی- اجتماعی ناحیه، و با در نظر گرفتن این که تخلیه نقاط روستایی به دلیل حساسیتهای سیاسی و استراتژیکی منطقه، مشکلات مضاعفی (علاوه بر مسائل اکولوژیکی) به همراه خواهد داشت، پیشنهاد می‌شود، از طریق الگوها و مدل‌های شناخته شده به تعدیل و سامان‌دهی نقاط روستایی ناحیه مزبور اقدام گردد تا ضمن جلوگیری از وابستگی شدید نقاط روستایی به شهر بیرجند، از ادامه روند مهاجرت و بروز مشکلات بیشتر برای شهر مزبور ممانعت به عمل آید همچنین پیشنهاد می‌شود هرگونه تغییر و تحول و تصمیم‌گیری و اجتماعی در سطح نقاط شهری و روستایی، صورت گیرد. بدون شك حضور متخصصان جغرافیا در کنار سایر کارشناسان می‌تواند نتایج درخشانتری به ارمغان آورد.

د- شهر مشهد، پاپولاریزاسیون قوی بر روی ناحیه جنوب خراسان، بخش مهمی از امکانات را به سوی خود جذب می‌نماید. این مکانیزم که به تبعیت از الگوی «نخست شهری» صورت می‌گیرد، شهر بیرجند و نواحی اطراف آن را- همچون سایر نواحی استان خراسان- در حوزه کشش شهر مزبور (به عنوان مهمترین کانون شهری در شمال شرق و شرق کشور) قرار می‌دهد.

علاوه بر مشهد، تهران هم با جذب قسمتی از اضافه تولید ناحیه، بخصوص زرشک و زعفران و دام زنده و پشم و پوست و قالی و قالیچه، حوزه کشش خود را تا اعماق نقاط روستایی این ناحیه گسترش داده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت خنثی نمودن اثرات جاذبه کلان شهرهای تهران و مشهد بر روی ناحیه مورد نظر، مرکزی قوی در خود ناحیه جستجو شود تا نقش میانی را ایفا نموده از جذب جمعیت و امکانات و سرمایه‌ها و استعدادهای ناحیه به کلان شهرهای مزبور، جلوگیری نماید. حاصل مطالعات ما نشان داده است که شهر بیرجند استعدادهای قابل قبولی برای ایفای چنین نقشی در ناحیه مورد نظر را دارا می‌باشد و در حال حاضر هم عملاً مرکزیت بعضی از دواير و سازمانها و ادارات دولتی جنوب خراسان را عهده‌دار می‌باشد.

چنانچه دایره‌ای به شعاع ۲۰۰ کیلومتر و با مرکزیت شهر بیرجند رسم کنیم به نحوی که کلیه شهرهای خراسان جنوبی (یعنی گناباد، قاین، فردوس، طبس و نهبندان) را دربر داشته باشد، جمعیت هیچ یک از شهرهای مزبور با شهر بیرجند قابل مقایسه نیست. در حقیقت از حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت شهری این ناحیه ۴۰ درصد به شهر بیرجند تعلق دارد. برتری شهر بیرجند در ناحیه مزبور، تنها به رقم جمعیت منحصر نمی‌شود بلکه نقشهای متعدد و محدوده پرتوافشانی این شهر نیز گویای تفوق و برتری آشکاری می‌باشد به نحوی که حوزه نفوذ شهر بیرجند، مرزهای سیاسی این شهرستان را پشت سر گذاشته، بخشهایی از نهبندان، قاینات و فردوس را نیز دربر می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت شهر مزبور نه تنها توانایی ایفای نقش مرکزیت و خدمات رسانی در ناحیه خراسان جنوبی (در حد فاصل گناباد تا نهبندان) را دارد، بلکه این شهر می‌باید در مقیاسی وسیعتر خلاء ۸۰۰ کیلومتری میان زاهدان و مشهد را پر کرده، به عنوان شهر قدرتمند منطقه، به سامان دهی فضایی و نظارت بر کلیه جریانات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی (در مجاورت مرزهای شرقی کشور) مبادرت نماید.

در این جا لازم می‌دانم پیشنهاد کنم، جهت تسریع و بهبود امور تحقیقاتی درباره بیرجند، مرکز بیرجندشناسی در دانشگاه بیرجند تقویت شود تا علاوه بر تشویق محققان و دانش‌پژوهان، به جمع‌آوری کلیه منابع تحقیقاتی، نشریات، مقالات و تألیفات اقدام نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود تجار و صاحبان سرمایه و واقفین محترم، بخشی از سرمایه خود را صرف امور تحقیقاتی و مراکز علمی بیرجند (نظیر دانشگاه بیرجند، و سایر مراکز آموزش عالی، آموزش و پرورش، جهاد سازندگی و نظایر اینها) نمایند و مطمئن باشد که امروز یکی از ضرورتهای جامعه ما اینها هستند. به امید آن که سال به سال شاهد پیشرفتهای و توفیقات بیشتری در این ناحیه از میهن اسلامی خودمان باشیم.

بخش پنجم

ضمایم

- تصاویری از بیرجند

- فهرست منابع

- فهرست اعلام



قلعه رحیم آباد که اخیراً به شهر متصل شده است
(تاریخ عکسبرداری پاییز سال ۱۳۷۲)



بولوار مدرّس در قسمت جنوبی شهر بیرجند که از بخشهای جدید شهر به شمار می‌رود.



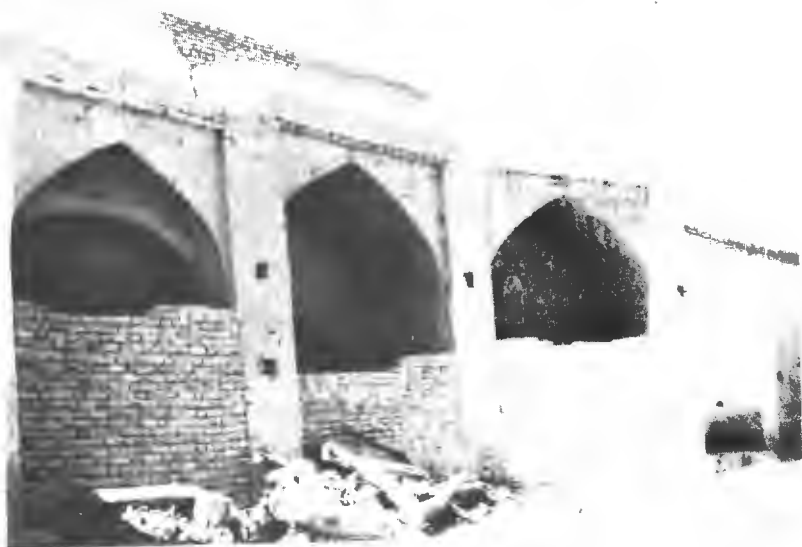
میدان شهدا در مرکز شهر



خیابان حکیم نزاری از خیابانهای بخش مرکزی



مدرسه نوآب (در بافت قدیمی شهر)



آب انبارهای مترو که در بافت قدیمی شهر



کوچه‌ای در بافت قدیم با ساباتهای نیمه مخروبه



میدان اباذر نمونه‌ای از طراحی جدید شهری



حسینیه امام رضا (ع) (مدرسه شوکتیه)

مراسم عزاداری روز عاشورا

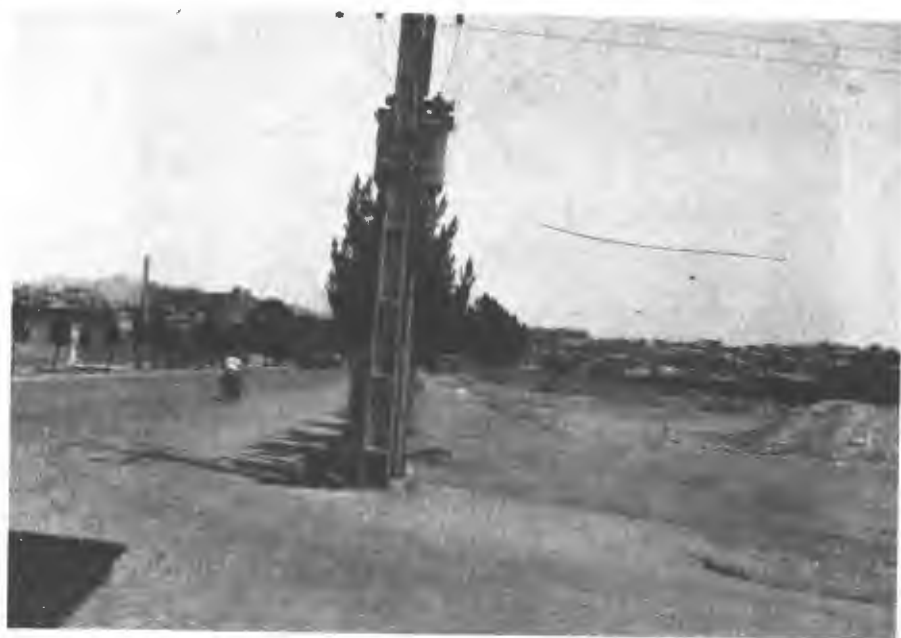
تاریخ عکسبرداری: پاییز ۱۳۶۴



حمل مسافر توسط وانت (در حال حاضر با تلاشهایی که برای بهبود حمل و نقل درون شهری به عمل

آمده است این طریقه حمل مسافر ممنوع شده است)

(تاریخ عکسبرداری: ۱۳۶۸)



تصاویری از شهر «سربیشه»



دو تپ از روستاهای بیرجند.

بالا: روستای نگینان (در شمال شرقی بیرجند).

پایین: روستای سریخان از دهستان عربخانه در جنوب بیرجند



کودکان عشایر مرزنشین (طایفه نهتانی)



چهره و پوشاک و محل استقرار عشایر طایفه نهتانی
محل عکسبرداری: شمال شرقی شهرستان بیرجند.

زمان عکسبرداری: تابستان ۱۳۶۸



۸ محل تأسیس ترمینال بیرجند
تاریخ عکسبرداری: تابستان ۱۳۶۸



مدخل شهر بیرجند از سمت شمال شرقی
(سمت راست به زاهدان و سمت چپ به مشهد منتهی می شود)

فهرست منابع

- ۱- آیتی حاج شیخ محمد حسین، بهارستان، دانشگاه مشهد، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۲- ابریشمی محمد حسن، شناخت زعفران ایران، انتشارات توس، ۱۳۶۶.
- ۳- ابوالفداء، تقویم البلدان، عبدالمحمد آیتی.
- ۴- احمد بن جیهانی ابوالقاسم، اشکال العالم، عبدالسلام کاتب (تصحیح و توضیح و حواشی از فیروز منصوری)، شرکت به نشر، ۱۳۶۸.
- ۵- اداره کل مسکن و شهرسازی استان خراسان، طرح آماده سازی اراضی بیرجند، ج ۵، ۱۳۶۷.
- ۶- اداره کل مسکن و شهرسازی خراسان، طرح تفصیلی بیرجند، جلد ۴، ۱۳۶۸.
- ۷- اداره کل معادن و فلزات استان خراسان، معادن استان خراسان ۱۳۶۶، ج ۲.
- ۸- استانداری خراسان، گروه تقسیمات کشوری، مشخصات کلی استان خراسان، ۱۳۶۹.
- ۹- اصطخری ابواسحق ابراهیم، مسالك و ممالك، ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ۱۰- اهلرز اکارت، ایران - مبانی يك کشورشناسی جغرافیایی، محمدتقی رهنمایی، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۶۵.
- ۱۱- بامداد مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۴، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۲- پطروشفسکی و دیگران، تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول، یعقوب آژند، مؤسسه اطلاعات.

- ۱۳- پُل آمیر، خداوند الموت، ذبیح الله منصوری.
- ۱۴- تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعراء بهار، مؤسسه خاور، تهران، ۱۳۱۴ ه. ش.
- ۱۵- «توگو یو-و» و «مبین صادق»، نقشه گسترش گیاهی ایران، دانشگاه تهران.
- ۱۶- جهاد دانشگاهی مجتمع آموزش عالی بیرجند، مجموعه مقالات سمینار بررسی موانع و عوامل پیشرفتهای فرهنگی و آموزشی سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان، به کوشش دکتر جمشید درویش، ۱۳۶۶.
- ۱۷- جهاد سازندگی استان خراسان، فرهنگ اقتصادی دهات و مزارع، واحد آمار و برنامه ریزی، آبانماه ۱۳۶۰.
- ۱۸- جهاد سازندگی خراسان، گروه تحقیقات جغرافیایی، مطالعات اقتصادی - اجتماعی دهستان شهاباد بیرجند.
- ۱۹- جعفری عباس، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۰- حافظ ابرو، جغرافیای خراسان در تاریخ حافظ ابرو، به تصحیح دکتر غلامرضا ورهرام، مؤسسه اطلاعات سال ۱۳۷۰.
- ۲۱- دانشگاه تهران، مؤسسه جغرافیا، اطلس اقلیمی ایران، سال ۱۳۴۴.
- ۲۲- دانیل التون، تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان، مسعود رجب‌نیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۲۳- دهخدا لغت‌نامه دهخدا.
- ۲۴- روزنامه قدس، سال ششم، خرداد ماه ۱۳۷۲.
- ۲۵- زنجانی حبیب‌الله - رحمانی فریدون، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، وزارت مسکن و شهرسازی (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری) ۱۳۶۸.
- ۲۶- سازمان برنامه، ست کوپ اتکوکنسرسیوم همکاری مهندسین مشاور پارتیا، توسعه اقتصادی استان خراسان (منطقه شماره ۵ بیرجند)، ج ۱، ۱۳۵۱.
- ۲۷- سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، معاونت آمار و اطلاعات، آمارنامه استان خراسان ۱۳۶۹، فروردین ۱۳۷۱.
- ۲۸- سازمان برنامه و بودجه، سازمان ملل متحد، بررسی منابع آب و خاک منطقه خراسان، ۱۳۵۲.

- ۲۹- سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران (مرکز خراسان)، گزارش هیئت اعزامی به اسپانیا، ۱۳۶۸.
- ۳۰- سازمان نقشه برداری کشور، اطلس منابع آب ایران، ۱۳۶۷.
- ۳۱- سازمان نقشه برداری کشور، نقشه ناهمواریها و شبکه آبها در بیرجند، مقیاس ۱:۱۳۰۰,۰۰۰.
- ۳۲- سازمان هواپیمایی کشوری، سالنامه آماری حمل و نقل هوایی کشور، ۱۳۶۷.
- ۳۳- سایکس سرپرسی، تاریخ ایران، ج ۲، سید محمد تقی فخر داعی گیلانی.
- ۳۴- سایکس سرپرسی، هشت سال در ایران، حسین سعادت نوری، چاپ ارمغان، ۱۳۱۶.
- ۳۵- سعیدزاده سید محسن، دایرة المعارف قاین (بخش تاریخ)، تابستان ۱۳۷۱.
- ۳۶- سیمونف الکساندر، تاریخ اسماعیلیه، محمدبن زین العابدین خراسانی فدایی.
- ۳۷- شرکت سهامی آب منطقه ای خراسان، مطالعات، جمع آوری و تصفیه فاضلاب بیرجند (آبان ماه ۱۳۶۵).
- ۳۸- شرکت سهامی کتابهای جیبی، دائرة المعارف فارسی، به کوشش غلامحسین مصاحب، ج ۱۳۵۶، ۲.
- ۳۹- شریعتی علی، راهنمای خراسان، الفبا، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- ۴۰- شیروانی زین العابدین، بستان السیاحه، ۱۲۴۸ هـ. ق.
- ۴۱- عنبرانی محمود، زرشک و عناب، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۴۲- فردوست حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۷۱.
- ۴۳- فرمانداری شهرستان بیرجند، روابط عمومی، نگرشی بر عملکرد ادارات دولتی سال ۱۳۷۰.
- ۴۴- کمیته انتشارات سمینار ۱۴۰۰ بیرجند، نگرشی بر دیدگاههای توسعه در يك دوره ۳۰ ساله، ۱۳۷۰.
- ۴۵- گابریل آلفوس، تحقیقات جغرافیائی راجع به ایران، خواجه نوری.
- ۴۶- گنجی محمدحسن، ۳۲ مقاله جغرافیائی، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۵۳.
- ۴۷- لسترنج گی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، محمود عرفان.
- ۴۸- لویس برنارد، تاریخ اسماعیلیان، فریدون بدره ای، طوس، ۱۳۶۲.

- ۴۹- مرسلوند حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۲، انتشارات العالم، تهران، ۱۳۶۹.
- ۵۰- مرکز آمار ایران، اطلاعات پروانه‌های ساختمانی صادره توسط شهرداریهای کل کشور (۱۳۶۵).
- ۵۱- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، نتایج تفصیلی شهرستان بیرجند، ۱۳۶۸.
- ۵۲- مرکز آمار ایران، فرهنگ روستایی استان خراسان، ۱۳۶۸.
- ۵۳- مرکز آمار ایران، گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور ایران، آبانماه ۱۳۳۵.
- ۵۴- مستوفی حمدالله، نزهة القلوب، محمد دبیر سیاقی، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.
- ۵۵- معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۶۸.
- ۵۶- معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۶۸.
- ۵۷- معین محمد، فرهنگ فارسی، ج ۶، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰.
- ۵۸- مقدم-م، ایران کوده.
- ۵۹- مک گرگور. سی. ام، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، مجید مهدیزاده، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۶.
- ۶۰- منصف محمدعلی، امیر شوکت الملک علم.
- ۶۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
- ۶۲- میرزا محمد علی (معلم حبیب آبادی)، مکارم الآثار: در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۶، نشر نفایس مخطوطات. اصفهان، ۱۳۵۵.
- ۶۳- میرنیا سیدعلی، ایلها و طایفه‌های عشایری خراسان، نسل دانش، ۱۳۶۹.
- ۶۴- واندنبرگ لویی، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام.
- ۶۵- وزارت آب و برق، آب و فن آبیاری در ایران باستان.
- ۶۶- وزارت بهداشتی، معاونت طرح و برنامه و امور مجلس، نشریه شماره ۱۶۵.
- ۶۷- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دفتر پژوهشها و برنامه‌ریزی فرهنگی)، نام‌آوران فرهنگ ایران.

- ۶۸- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صحیفه نور، ج ۱، ۱۳۷۰.
- ۶۹- وزارت کشاورزی، اداره کل کشاورزی استان خراسان، برنامه توسعه کشاورزی استان خراسان، جلد اول، اردیبهشت ۱۳۶۵.
- ۷۰- وزارت کشاورزی - سازمان برنامه - سازمان جهانی خواربار کشاورزی ملل متحد، نقشه خاکهای ایران مقیاس: ۱:۲۵۰,۰۰۰، سال ۱۳۳۹.
- ۷۱- وزارت نیرو، مهندسین مشاور مهاب، طرح آبرسانی شهرهای استان خراسان و سمنان.
- ۷۲- ولایتی سعدالله - توسلی سعید، منابع و مسایل آب استان خراسان، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۷۳- یادداشتهای علم، کتاب سرا، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۷۴- یاقوت حموی - شهاب الدین، المعجم البلدان، المجلد الرابع، بیروت، ۱۳۷۶ هـ. ق.

* * *

فهرست راهنما

آ

اردشیر - ۶۵

آب لاخ - ۲۲۸

اردنی - [طایفه] - ۱۴۴

ارگ - ۱۵۷

الف

اروپا - ۷۷-۷۸-۸۹-۱۳۴-۲۱۶

اباعبدالله الحسین (ع) [حضرت] - ۱۶۹

اسدالله علم - ۸۲-۸۴

ابن حسام - ۸۷

استاذسیس - ۶۸-۷۹

ابراهیم علی - ۸۲

اسماعیل خان خزیمه - ۸۱

ابوالحسن علی بن محمد مدائنی - ۶۷

اسدی - ۸۹

ابوطالب شهیدی - ۱۲۴

اسدآباد - ۲۲-۴۲-۱۷۷-۱۷۸-۱۳۳-۱۸۳-

ابن سینا - ۹۱

۱۹۱-۱۹۲-۲۳۷

اسماعیلیه - ۶۹-۷۱

ابن حسام خوشفی - ۱۱۴

اسماعیلیان - ۶۲-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۱۲۱

آتشکده سفلی (روستا) - ۶۴

اسپانیا - ۱۹۳-۱۹۷

آتشکده علیا (روستا) - ۶۴

استهبانات - ۱۹۵

آتشکده (کوه) - ۶۴

آسیابان - ۶۴-۲۱۷

احمدآباد - ۱۳۸

اسفراین - ۱۱۱

آخوند حنفی - ۸۵

آستانقدس رضوی - ۸۹

آخوندی - [طایفه] - ۱۴۵

- اشکانی - ۶۵-۶۶ امام رضا (ع) [حسینیہ ...] - ۱۱۴-۱۵۷
- اصفهان - ۹۰-۱۹۵-۲۲۰-۲۲۳-۲۳۳ امریکا - ۸۴-۱۷۲
- اصطهبانات - ۱۹۵ امیریہ - ۷۵-۷۶
- اصطخری - ۲۰۸ امیر قاین - ۸۱-۸۲
- اعراب - ۶۳-۶۶-۶۷-۶۸-۱۲۱ امیر علم خان - ۸۱
- افاغنه - ۷۴-۸۰ امیر آباد - ۲۲
- افشاریہ - ۸۱ امین الدولہ کاشی - ۸۱
- افسریہ - ۱۳۸ اندلس - ۸۹
- افغان - ۷۶-۸۱-۲۳۸ انگلیس - ۷۷-۸۱-۸۲-۸۴-۲۲۹
- افغانستان - ۲۱-۳۸-۴۴-۶۲-۸۹-۱۱۳- انگلستان - ۷۶-۱۷۲-۲۲۹-۲۳۰-۲۴۲
- ۱۳۵-۱۹۵-۲۱۱-۲۵۹-۲۶۰- انجیل - ۸۳
- افضل آباد - ۲۲۶-۲۲۷ آواز - ۱۹۲
- اقیانوس اطلس - ۳۳-۳۷ اہواز - ۶۸
- اکبریہ [روستا] - ۱۵۷ آہنگران - ۲۷
- آلفونس گابریل - ۶۳-۲۳۰ آیتی - ۷۴
- الندشت - ۱۳۸ آیتی [محمد باقر] - ۸۵
- آلمان - ۷۸-۱۷۱ آیتی [شیخ محمد حسین] - ۹۰
- الموت - ۷۱ آیتی [محمد ابراہیم] - ۸۹
- البرز - ۲۶ آیتی [آیت اللہ] - ۱۱۴
- التون دانیل - ۶۸ آیتی [حاج شیخ محمد] - ۱۲۴
- القور - ۷۵-۱۴۰ آیتی خراسانی - ۹۰
- الجزایر - ۱۹۳ ایرانشہر - ۱۱۴
- القورات - ۲۲ ایلامی - ۱۹۳
- الیزابت - ۸۴
- امام خمینی - ۱۱۳ ب
- امام رضا (ع) [بیمارستان ...] - ۱۳۲ بازار سرپوش - ۱۷۱

بند دره - ۴۶-۴۷	باختران - ۲۲۰
بندر عباس - ۷۷	باخرز - ۱۴۴-۲۱
بند عمر شاه - ۴۷	باقران - ۷۱-۶۵-۴۶-۴۴-۳۰-۲۶-۲۲
بنی عباس - ۶۶	۱۰۵-۱۵۷-۱۶۵-۱۹۵-۲۰۳
بوشهر - ۸۱	بادغیس - ۶۸
بولاغ زیحی [طایفه] - ۱۴۵	بجستان - ۲۳۳
بهشت متقین - ۱۴۶	بعنورد - ۱۱۱-۱۱۰-۳۴
بهمدی - [طایفه...] - ۱۴۴	بحرین - ۸۰
بهلل - ۸۹	بخارا - ۲۰۸
بهلولی [طایفه...] - ۱۴۴	برجند - ۷۶
بیاض [دشت...] - ۶۸-۶۹	برك - ۲۰۹
بیدخت - ۱۲۶-۲۴۱	بروجرد - ۱۹۵
بیجار - ۱۳۸	براکوه - ۱۴۰-۱۰۸-۲۲
بیهای - ۶۳-۶۷	براهویی [طایفه...] - ۱۴۴
بیهود - ۷۵	برنارد لوئیس - ۷۰
بیرجند - ۳۰-۲۹-۲۷-۲۶-۲۴-۲۲-۲۱	بریتانیا - ۸۱-۸۲
۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۷-۳۸-۴۲-۴۳	بزن آباد - ۶۸
۴۴-۴۶-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴	بشرویه - ۲۳۳
۵۵-۵۶-۵۹-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴	بصره - ۶۷
۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۲-۷۳	بصیران - ۲۰۹-۶۴-۵۶
۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۲	بلاکستون - ۱۷۶
۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۲	بلوچ - ۲۳۸-۸۱-۷۶
۹۳-۱۰۰-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵	بلوچستان - ۱۸۳-۱۳۸-۱۲۳-۸۴
۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱	بلعمی - ۶۸-۶۳
۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷	بلوك نه - ۷۴
۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۴	بندان - ۱۰۳-۸۰-۷۴-۲۷

پنجکە [طایفه ...] - ۱۴۵	۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰
پهلوی - ۱۳۶	۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶
پهواز - ۱۱۳	۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۲-۱۴۳
	۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹
ت	۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹
تایباد - ۱۱۱	۱۶۲-۱۶۳-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸
تاجیک [طایفه ...] - ۱۴۵	۱۶۹-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۴-۱۷۶-۱۷۷
تریت جام - ۱۱۱	۱۷۸-۱۷۹-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۷
تریت حیدریه - ۶۲-۱۱۱-۱۹۵-۲۱۱	۱۸۸-۱۸۹-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۵
ترشك محمدی - ۲۲۷	۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۱-۲۰۲
ترشیز - ۷۰	۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸
ترکستان روس - ۷۷	۲۰۹-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۶
ترکمان - ۷۶	۲۱۷-۲۱۸-۲۲۰-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴
ترکمن - ۸۱	۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱
ترکیه - ۹۰	۲۳۲-۲۳۳-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸
تقاب [روستای] - ۲۰۸	۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۴-۲۴۵
تقی آباد خوانشرف - ۲۲۵	۲۴۶-۲۴۷-۲۴۹-۲۵۱-۲۵۳-۲۵۵
تون - ۶۸-۷۰-۷۱-۷۲	۲۵۷-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳
تهامی [آیت الله] - ۱۲۴	بیرجندی [آیت الله] - ۸۵-۸۶
تهران - ۲۱-۷۶-۷۸-۸۳-۸۹-۹۰-۹۱	
۱۲۳-۱۳۴-۱۳۸-۱۳۹-۱۷۱-۱۷۲	
۱۸۹-۲۲۰-۲۳۲-۲۳۷-۲۳۸-۲۶۲	
ث	پ
ثقفی - ۶۹	پاریس - ۸۱
	پاکستان - ۱۸۳-۲۳۷
	پسکوه قاین - ۷۵
	پشته ساریان - ۲۷
	پل آمیر - ۷۰-۷۱

حسامی واعظ - ۸۷

حسن صباح - ۶۹

حسین آباد - ۱۷۸ - ۲۲۷

حسین قاینی - ۶۹ - ۷۰

حسین خلیل تهرانی [حاج میرزا...]- ۸۵

حسن محدث نوری [حاج میرزا...]- ۹۲

حسین نوری [حاج میرزا...]- ۸۵

حشمت الدوله - ۷۶

حسن مجتبیٰ - [حضرت امام...]- ۷۴

حکیم نزاری - ۱۵۷

حمدالله مستوفی - ۷۳ - ۲۰۲

حیدری [طایفه...]- ۱۴۵

خ

خانگیران - ۱۸۲

خانلرآباد - ۱۹۲

خانلرخان اعتصام الملك - ۸۵

خاوران - ۱۳۸

خیص - ۶۷

خدیری - ۶۸

خراسان - ۲۲ - ۲۶ - ۲۹ - ۳۳ - ۳۷ - ۳۸

۵۱ - ۵۵ - ۵۶ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۷ - ۷۲

۷۶ - ۷۷ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۴ - ۸۹

۱۰۰ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۴ - ۱۱۸ - ۱۲۱

۱۲۴ - ۱۳۲ - ۱۳۷ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴

۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۷۴ - ۱۷۹ - ۱۸۲ - ۱۸۳

ج

جر [طایفه...]- ۱۴۵

جعفرخان - ۸۱

جمال زهی [طایفه...]- ۱۴۵

جمهوری اسلامی - ۱۸۷

جوادالائمه امام محمد تقی (ع)

[حضرت...]- ۶۷

جوینی - ۷۲

جیهانی - ۲۰۴

چ

چاج - ۱۳۸

چشک - [طایفه...]- ۱۴۵

چاهان - ۱۴۳ - ۲۰۹

چاهداش - ۵۳

چاهدراز - ۵۳

چاهک - ۲۲ - ۲۷

چمران - [شهید...]- ۱۲۳

چین - ۱۹۸

ح

حازم بن خزیمه - ۶۸ - ۸۰

حاجی آباد - ۲۲

حبيب الله رستمی [حاج میرزا...]- ۸۵

حریش سیستانی - ۶۸

	۱۹۵-۱۹۹-۲۰۴-۲۰۸-۲۱۳-۲۲۳
د	۲۲۴-۲۲۶-۲۲۸-۲۲۸-۲۳۳-۲۳۹
دارلفنون- ۱۱۴	۲۴۵-۲۴۶-۲۵۷-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲
دُرُح- ۲۲-۵۳-۱۴۳-۱۷۸-۱۸۳	۲۶۳
در دشت- ۱۳۸	خراشاد- ۱۳۸
دُرُخش- ۲۲-۶۴-۷۴-۱۳۳-۲۱۶-۲۱۷	خردزد- ۶۵
درمیان- ۲۲-۲۷-۴۴-۴۹-۵۰-۵۱	خزایی- ۶۸-۸۰
۱۰۵-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۴-۱۳۹-۱۴۲	خزیمه [امیر اسماعیل خان...]- ۸۰
۱۴۳-۱۴۴-۱۵۱-۱۷۸-۱۹۸-۲۰۸	خزیمه [طایفه...]- ۸۰
۲۱۶-۲۳۷-۲۵۷	خزیمه- ۶۸-۸۰
دستگرد- ۲۸	خسروی [طایفه...]- ۱۴۵
دق پترگان- ۲۹	خضری- ۱۸۳
دق محمدآباد- ۲۹	خمینی (ره) [حضرت امام...]- ۸۳
دنيس رایت [سر]- ۸۲-۸۴	خوارزمشاهیان- ۷۱
دهخدا- ۷۶	خواف- ۲۱-۷۶-۱۴۴
ده مرده [طایفه...]- ۱۴۴	خور- ۵۳-۱۴۳-۲۳۳
دیوانی [طایفه...]- ۱۴۵	خوزستان- ۶۷-۶۸
ديهوك- ۲۳۳	خوسف [دهستان...]- ۱۹۱
ر	خوسف- ۲۲-۴۴-۶۲-۶۵-۷۳-۸۷
راش [طایفه...]- ۱۴۵	۱۳۳-۱۴۴-۱۵۰-۱۵۱-۲۵۹-۱۷۷
رجایی [شهید...]- ۱۲۳	۱۷۸-۱۹۲-۱۹۸-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۹
رخشانی [طایفه...]- ۱۴۵	۲۱۲-۲۳۷
رستم قاینی- ۷۰	خوسفروند- ۷۵
رضاخان- ۷۸	خوشاب- ۲۷-۴۴
رضاشهر- ۱۳۸	خونیک- ۲۲۸
	خیرآباد- ۱۴۷

- رضایه - ۱۳۸
 راور - ۲۳۳
 رودبار - ۷۰
 روسیه - ۷۹-۸۲-۱۳۵-۲۴۱
 روشناوند - ۶۴
 رحیم آباد [روستای...] - ۱۵۷
 ری - ۱۹۵
 ریگی [طایفه...] - ۱۴۵
- ز
 زابل - ۲۱-۳۸-۴۰-۱۳۸-۲۱۳
 زار زهی [طایفه...] - ۱۴۵
 زاگرس - ۲۶-۶۷
 زاهدان - ۲۱-۶۴-۷۷-۱۱۴-۱۲۳-
 ۱۳۸-۱۵۰-۱۸۳-۲۲۹-۲۳۳-۲۳۶-
 ۲۳۷-۲۳۸-۲۴۲-۲۵۷-۲۵۹-۲۶۳
 زرك زهی [طایفه...] - ۱۴۵
 زنگویی - ۶۸
 زوزن - ۷۰-۱۹۵
 زهان - ۷۴
 زیرکوه - ۶۸-۷۴
 زیباشهر - ۱۳۸
- س
 سارانی - [طایفه...] - ۱۴۵
 سایکس [سرپرسی...] - ۸۰-۲۳۰
 سام بن نریمان - ۶۳
 ساق پیچوگ - ۶۵
 ساسانیان - ۶۵
 ساسولی - [طایفه...] - ۱۴۵
 سبزوار - ۱۱۱
 سجادشهر - ۱۳۸
 سده - ۱۷۸-۱۸۳-۲۵۹
 سربیشه - ۲۲-۲۷-۵۰-۵۱-۷۴-۱۰۴-
 ۱۳۲-۱۵۱-۱۷۸-۱۸۳-۱۹۵-۱۹۸-
 ۲۲۳-۲۳۳-۲۳۸-۲۵۹
 سرچاهی - ۱۴۵
 سرچاه تازیان - ۵۶-۱۴۰-۱۵۸
 سرخس - ۶۳-۱۸۲-۲۲۳
 سسان - ۴۴
 سعدالدین - ۹۱
 سعدی - ۲۱۷
 سفیدابه - ۲۷-۱۷۲
 سلم آباد - ۲۲-۶۴
 سلجوقیان - ۶۹-۷۱
 سلجوقی - ۷۱
 سلیمان صفوی [شاه...] - ۷۴
 سمن آباد - ۲۷
 سنی خونه - ۱۱۳
 سند - ۶۲
 سنجر - ۷۰
 سوریه - ۳۳-۱۹۳

- سهل آباد- ۲۷
سیستان- ۶۲-۶۸-۷۶-۷۷-۷۹-۸۰-
۸۱-۸۴-۱۲۳-۱۳۸-۱۸۳-۲۲۹
سیری- ۳۷
ش
شاخنات- ۲۲-۲۷-۱۴۰-۲۰۳-۲۰۹
شاخنات [دهستان...] - ۱۰۸-۱۹۱-۲۰۲-
۲۱۶
شاخن- ۲۷-۷۵-۲۰۲
شاهچراغ- ۱۹۵
شاهرخ- ۸۰-۸۱
شاهرخ شاه- ۸۱
شاهرخ افشار- ۸۱
شاهرود- ۴۴
شام- ۹۰
شمس آباد- ۱۱۳
شمس الدین- ۹۱
شمع خاتون- ۹۳
شمیران- ۹۰
شوکت الملك علم- ۸۲-۸۴-۸۹
شوسف- ۱۰۳-۱۰۴-۱۷۸-۱۸۳-۲۰۹-
۲۲۶
شوشتر- ۹۳
شوروی- ۱۳۵
شهاباد- ۷۵-۱۴۱-۱۵۱
شیراز- ۱۹۵
شیبانی- [طایفه...] - ۶۸-۱۴۵
شیک [طایفه...] - ۱۴۵
شیخ بهائی- ۹۱
شیخ صدوق- ۶۷
شیخی- [طایفه...] - ۱۴۵
شیخ غلامرضا [حاج...] - ۱۲۴
شیرازی [آیت الله]- ۱۲۴
شیرند- ۲۲۷
شیروان- ۱۱۰-۱۱۱
ص
صفوی- ۷۵
صفویه- ۷۳-۷۴-۷۵-۸۰-۲۲۹
صفویان- ۷۴
ط
طاهره بیگم- ۹۳
طاهریان- ۶۶-۶۹-۸۰
طاهر ذوالیمین- ۸۰
طبس- ۲۱-۶۲-۶۳-۶۸-۷۰-۷۱-۱۱۱-
۱۱۶-۱۱۸-۲۲۳-۲۳۳-۲۵۷-۲۶۳
طبسان- ۶۷
طبس مسینا- ۲۲-۴۲-۶۲-۷۳-۱۲۱-
۱۳۹-۱۷۸-۱۹۲-۲۰۹
طلاب- ۱۳۸

طهماسب صفوی [شاه] - ۸۰

ع

عارفی [حجت الاسلام...] - ۱۲۴

عبری - ۱۹۳

عباسی [خلفای...] - ۶۳

عباسیان - ۶۸ - ۸۰

عباس [شاه] - ۷۴

عباس آباد - ۱۳۸

عبدالعلی بیرجند - ۸۷

عبدالله بن موسی [شاهزاده...] - ۷۴

عبداللهی [طایفه...] - ۱۴۵

عثمان بن عفان - ۶۷

عرب [طایفه...] - ۷۶

عربخانه - ۶۷ - ۶۸ - ۷۴ - ۱۰۴ - ۱۳۸ - ۲۰۹

عربستان - ۶۳ - ۶۷

عراق - ۳۳ - ۷۹ - ۹۰ - ۱۳۵ - ۲۴۱

علم [خاندان...] - ۷۹ - ۸۱ - ۸۲

علم [رودمان...] - ۸۱

علی آباد - ۲۲ - ۴۴ - ۵۱ - ۱۷۲ - ۱۹۲

علی ابن موسی الرضا (ع) [حضرت...] - ۲۳۶

علویان - ۸۰

عمر ولیث صفاری - ۷۱

عمر خیام - ۹۱

عنائی [طایفه...] - ۱۴۴

غ

غلام کُش (حوض) - ۷۱

ف

فارس - ۸۴ - ۱۹۵

فخرآباد - [رودخانه] - ۴۴

فریز - ۱۹۵

فردوس - ۲۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۸ - ۱۱۱ - ۱۱۸

۲۳۳ - ۲۶۳

فردوست [سپهد] - ۸۳

فریدون - ۶۴

فشارود - ۲۲

فیض آباد - ۱۹۲

ق

قاین - ۲۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۵ - ۶۷ - ۶۸ - ۷۰ - ۷۲

۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۸۰ - ۸۲ - ۸۵ - ۱۱۱

۱۱۴ - ۱۱۶ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۳۵ - ۱۹۵

۱۹۸ - ۲۲۳ - ۲۳۰ - ۲۳۳ - ۲۵۷ - ۲۶۳

قاینات - ۲۱ - ۲۶ - ۶۸ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷

۷۸ - ۸۰ - ۸۵ - ۱۱۸ - ۱۳۵ - ۱۴۴ - ۲۵۳

قاجار - ۸۱ - ۸۲

قاجاریه - ۱۳۶

قاضی سعید - ۹۱

قباد - ۶۵ - ۶۶

۲۳۳-۲۲۹-۱۹۵-۱۳۹	قفقاز- ۷۷- ۹۰
کراچی- ۷۷-۲۲۹-۲۴۲	قلعه رستم- ۷۱
کربلا- ۹۲	قلعه زری- ۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۳۲
کلارمونت اسکیرین [سر...]- ۸۲	قلعه پائین شهر- ۱۵۷
کلاته سلیمان- ۲۲	قلندر زهی [طایفه...]- ۱۴۵
کله بچه [طایفه...]- ۱۴۵	قم- ۱۳۹- ۱۹۵
کلی آسپور- ۶۵	قنبر- ۲۲۸
کندر- ۲۲	قوهستان- ۶۱- ۷۳
کندی- ۸۲	قوام شیرازی- ۸۴
کویر [دشت...]- ۳۵- ۶۲	قوچان- ۱۱۱
کوچ- ۶۴- ۱۳۸	قهستان- ۲۲- ۶۱- ۶۲- ۶۳- ۶۴- ۶۶
کوچال [طایفه...]- ۱۴۵	۶۷- ۶۸- ۶۹- ۷۰- ۷۱- ۷۲- ۷۳- ۷۶
کوشه- ۱۴۷	۷۹- ۹۰- ۲۰۴- ۲۱۲- ۲۳۲
کهستان- ۶۱	قیس آباد- ۶۴
	قیس آباد [دهستان...]- ۱۰۸
گ	ك
گازار- ۲۲- ۸۵- ۹۳- ۱۵۸- ۲۴۱	کارلتون- ۶۵
گرمسار- ۲۳۹	کارشك- ۷۴
گزیک- ۲۲- ۲۷- ۴۹- ۵۱- ۱۵۸- ۱۷۷	کاشمر- ۶۲- ۶۳- ۷۰- ۱۱۱
۱۷۸- ۱۸۳	کاهشنگ- ۲۲
گسك- ۲۲- ۲۱۷	کاریچگان- ۴۴
گل- ۲۲- ۱۹۵	کال جنگال- ۶۵
گلشن- ۲۱	کال مسك- ۴۴
گلداسمیت- ۷۶	کبوترخان- ۱۴۶
گلشور- ۱۳۸	کرمان- ۲۱- ۵۶- ۶۲- ۶۷- ۶۸- ۷۷
گناباد- ۶۲- ۶۳- ۱۱۱- ۲۰۱- ۲۳۳	

- ۲۶۳-۲۳۹ محمدولی اسدی - ۸۸
- گود- ۵۳ مختاران - ۲۷-۴۲-۴۴-۴۹-۵۱-۷۴-۲۰۴
- گیو- ۴۲-۵۱-۶۴ مخدره علویه - ۹۳
- ل مدرس سبزواری - ۸۵
- لاخ مزار- ۶۴-۶۶ مدرسه جعفریه - ۸۵
- لرستان- ۱۹۵ مدرسه شوکتیه - ۱۱۴
- لسترنج- ۷۱-۷۲ مدرسه قاین - ۱۲۴
- لوت- ۲۹-۳۸-۴۴-۵۶-۶۲-۲۲۴ مدرسه معصومیه - ۹۲-۱۲۴
- لوئی وابندبرگ- ۶۵ مدرسه میرزا جعفر - ۸۵
- م مدیترانه - ۳۳-۳۷
- م مارشال- ۱۷۶ مراکش - ۱۹۳
- ماژان [جلگه...]- ۲۲ مرو - ۶۸
- مأمون- ۸۰ مستوفی - ۱۷۱
- ماوراءالنهر- ۶۷ مسجد ازبکها - ۷۴
- ماهیمرودی- [طایفه...]- ۱۴۵ مسجدالحسین (ع) جوادیه - ۱۶۹
- مجموعه ورزشی آزادی- ۱۵۸ مسجدالرسول (ص)- ۱۶۸
- محمد ابراهیم خان شوکت الملك - ۸۷ مسجدالرضا (ع)- ۱۶۹
- محمد ایروانی- ۸۵ مسجدالنبی (ص)- ۱۶۹
- محمدباقر بیرجندی- [حاج شیخ...]- ۸۵ مسجد امام حسن (ع)- ۱۶۹
- محمدباقر گازاری قاینی- [شیخ...]- ۸۵ مسجد امام حسین (ع)- ۱۶۹
- محمد رضا پهلوی- ۸۲ مسجد امام خمینی (ره)- ۲۳۷
- محمدعلی منصف- ۷۵-۸۰ مسجد آیتی- ۱۶۸
- محمد مشکوة بیرجندی- ۹۰ مسجد توحید- ۱۶۹
- محمودی [طایفه...]- ۱۴۵ مسجد جامع- ۱۵۷
- مسجد جامع پایین شهر- ۱۶۸

- مسجد جامع توحید - ۱۶۹
 مسجد جامع چهار درخت - ۱۶۸
 مسجد جامع علوی - ۱۶۸
 مسجد جوادالائمه - ۱۶۹
 مسجد حسینی (مهدوی) - ۱۶۸
 مسجد حیدر حسن - ۱۶۸
 مسجد خضر نبی - ۱۶۹
 مسجد خواجه‌ها - ۱۶۹
 مسجد رضوی - ۱۶۸
 مسجد صاحب‌الزمان - ۱۶۸
 مسجد صدیقه طاهره (س) - ۱۶۸
 مسجد عاشورا - ۱۵۷-۱۶۸
 مسجد علی بن ابی طالب - ۱۶۹
 مسجد گوهرشاد - ۸۹
 مسجد محمدیه - ۱۶۸
 مسجد مرتضوی - ۱۶۸
 مسجد مصلی - ۱۶۸
 مسجد موسی بن جعفر - ۱۶۸
 مسعود خلیفه عباسی - ۶۸
 مسعود سعد سلمان - ۹۲
 مشهد - ۲۱-۳۴-۷۸-۸۰-۸۱-۸۵-۸۹-۹۲-۱۱۱-۱۱۶-۱۲۳-۱۲۴-۱۳۰-۱۳۴-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۴-۱۴۶-۱۵۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۸۹-۲۱۱-۲۱۳-۲۲۰-۲۲۳-۲۳۲-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۶۲-۲۶۳-۲۵۳
 مصطفی خمینی - (درمانگاه) - ۲۵۳
- مطهری [آیت‌الله مرتضی ...] - ۸۹
 معصوم آباد - ۱۵۸-۱۷۸
 مغول - ۶۶-۶۹-۹۱-۱۹۵
 مغولان - ۷۰-۷۱-۷۲-۷۴
 مکه - ۹۰
 ملك گرگر - ۷۶-۷۷-۲۲۹-۲۳۰
 ملکم خان ناظم الدوله کاشی - ۸۱
 مود - ۲۲-۱۳۳-۱۷۸-۲۱۷
 مؤمن آباد - ۲۲-۲۶-۳۰-۴۴-۷۳-۷۴
 ۱۰۵-۱۲۱-۱۴۰-۱۴۲-۱۴۳-۲۰۲-
 ۲۰۳-۲۰۹
 مهرآباد - ۱۳۸
 مهمویی - ۹۰
 میانلو - ۸۱
 میرزا کوچک قاینی - ۷۰
 میرزای شیرازی [آیت‌الله] - ۸۵
 میرشاه [طایفه ...] - ۱۴۵
 میرعلم - ۸۰-۸۱
 میغان - ۲۷-۶۴-۱۰۳-۲۰۹
 میناباد - ۲۶
 میغان - ۲۷-۶۴-۱۰۳-۲۰۹
- ن
 ناامید [دشت ...] - ۶۲
 نادرشاه افشار - ۶۸-۸۰
 نادر قلی شاه افشار - ۸۰

ناروئی - [طایفه...] - ۱۴۵

نای بند - ۲۷

نازدشت - ۱۹۲

نجف - ۸۵ - ۹۲

نخعی - [طایفه...] - ۱۴۵

نزاری - ۷۲ - ۹۱

نصرآباد - ۱۳۸

نصرت آباد - ۲۱

نظام‌الدین بیرجندی - ۸۷

نوخاب - ۱۳۹

نواب خفی - ۹۳

نوفرست - ۴۴ - ۲۰۸

نوری [طایفه...] - ۱۴۵

نه - ۷۴ - ۸۰ - ۱۰۳ - ۱۹۱

نهارجان - ۲۲ - ۷۳ - ۱۴۰ - ۲۱۷

نهبندان - ۲۱ - ۲۷ - ۶۲ - ۷۰ - ۱۰۲ - ۱۰۳ -

۱۰۴ - ۱۳۲ - ۱۴۳ - ۱۶۸ - ۲۰۵ - ۲۰۷ -

۲۰۸ - ۲۲۳ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۸ - ۲۳۲ -

۲۳۳ - ۲۴۹ - ۲۵۳ - ۲۵۷ - ۲۶۳ -

نهایتی [طایفه...] - ۱۴۵

نیه - ۷۰

نیشابور - ۶۲ - ۶۷ - ۶۸ - ۱۱۱ - ۲۱۱ -

۲۲۸ - ۲۳۹

و

ولی عصر (عج) [حضرت...] - ۹۰

هـ

هادوی بیرجندی - ۹۲

هادوی [آیت‌الله شیخ هادی] - ۱۲۴

هامون صابری - ۴۴

هدایت‌الله - مجتهد ابهری [حاج میرزا...] - ۸۵

هرات - ۶۲ - ۶۷ - ۷۶ - ۷۷ - ۸۱ - ۸۷ - ۲۲۹ -

هراتی - [طایفه...] - ۱۴۵

هرونک - ۷۴

هلاکو - ۷۲

هلاکوخان - ۷۱

همند - ۵۶

همدان - ۱۹۵ - ۲۲۰

هند - ۷۷ - ۱۸۳ - ۲۲۹ -

هند شرقی - ۷۷

هندوستان - ۷۶ - ۷۸ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۳۴ -

۲۲۹ - ۲۴۲

ی

یاقوت حموی - ۷۳

یزد - ۶۲ - ۷۶ - ۷۷ - ۲۲۰ - ۲۲۳ - ۲۲۹ - ۲۳۳ -

یونانی - ۱۹۷

یوسف [طایفه...] - ۱۱۵

یهودیان - ۱۷۲

فامموا ربا و شبكه آبا

